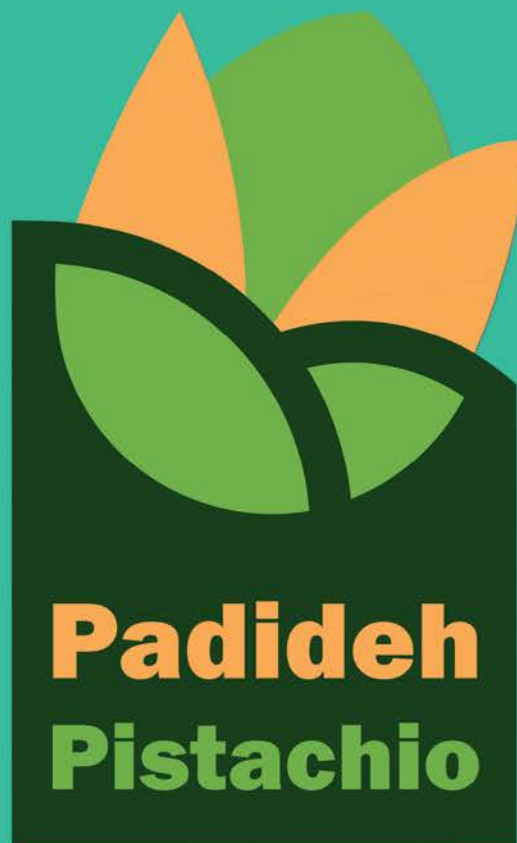


دنیای سبزه

ویژه نامه نوروزی انجمن پسته ایران
سال سوم - اسفندماه ۹۶ - شماره ۲۴





www.iran-pistachio.com

**We are grower, producer and exporter of
HIGH QUALITY IRANIAN PISTACHIO FOR
MANY YEARS**

Central Office : No.699, Imamreza Blvd, Sirjan, IRAN

Factory : 12th km Of Sirjan - Tehran Road, Sirjan IRAN

E-mail: info@iran-pistachio.com

Tell: 0098 - 34 - 42246593

skype ID : padideh.pistachio



OUR QUALITY , YOUR BENEFIT



ترید کورپ سرمایه گذاری مطمئن



کوکتل انیکس

مخلوط شیمیایی و فرمول ویژه
کلات EDTA ریز مغذی ها



فیلگترین

عصاره جلبک دریایی به روش
استخراج سرد

تامین نیازهای پسته
با محصولات ترید کورپ
اسپانیا



شرکت آتیه سازان ماه نشان



www.asmahneshan.com

Adonis

The Pioneering Modern Agriculture



کودهای کشاورزی میل آگرو، آدونیس، فلورا



کودهای تخصصی برای ابتدای فصل پسته

- هیومیک اسید پلاس (محرک رشد)
- روی - بر مخصوص فروت ست





سازگان شیمی
Sazgan Chemical Co.

مشارکت برای محافظت از زمین

Union to protect the Earth



شرکت سازگان شیمی (سهامی خاص)

آدرس: تهران . یوسف آباد، خیابان جهان آرا، خیابان شهید قهرمان دودانگه (۲۹)
پلاک ۴۸، طبقه اول

تلفن: ۰۲۱ ۸۸۰ ۲۰ ۳۱۱ فکس: ۰۲۱ ۸۸ ۳۵ ۲۶ ۹۴
Email: info@sazganchemi.com Web: www.sazganchemi.com



آکتارا

۲۵ گرانول قابل حل در آب

سمپاشی با خاطری آسوده.....

- حشره کش سیستمیک با عملکرد تماسی و گوارشی
- تاثیر ضربه ای جهت مبارزه با پسیل پسته (شیره خشک)
- و طیف وسیعی از آفات مکنده
- کنترل تمام مراحل رشد پسیل از پورگی تا حشره بالغ
- کنترل همزمان و قطعی سایر آفات مکنده پسته از جمله
- زنجره پسته، سن و سنک
- ایمن برای کاربر و کشت

ساخت سینجنتا - سوئیس

نماینده انحصاری
HEZARE
شرکت توسعه کشاورزی هزاره سوم



syngenta

آدرس: تهران، خیابان شیرازی شمالی، خ دانشور شرقی، شماره ۳۸ - مجتمع هزاره سوم تلفن: ۰۲۱-۸۸۶۰۹۸۶۰ نمابر: ۰۲۱-۸۸۶۰۹۸۸۰
<http://www.hezare-sewom.com> Email: info@hezare-sewom.com http://t.me/hezareh_sewom



با کاراته محصول جدید سینجنتا
سن گندم دیگر خطر محسوب نمی شود



syngenta

CS 10% سوسپانسیون کپسولی

کاراته با تکنولوژی زئون

برای کنترل ضربه ای و قاطع
سن گندم و ملخ غلات

- حشره کش تماسی و گوارشی
- دز مصرف بسیار کم و مقرون به صرفه
- ایمن برای کاربر و محیط زیست و حلالیت بالا در آب
- عدم گرفتگی لوله و نازل های سم پاش
- بارندگی یک ساعت پس از سم پاشی اثر کاراته را کاهش نمی دهد

ساخت سینجنتا - سوئیس

نماینده انحصاری
HEZARE
شرکت توسعه کشاورزی هزاره سوم



syngenta

آدرس: تهران، خیابان شیرازی شمالی، خ دانشور شرقی، شماره ۳۸ - مجتمع هزاره سوم تلفن: ۰۲۱-۸۸۶۰۹۸۶۰ نمابر: ۰۲۱-۸۸۶۰۹۸۸۰
<http://www.hezare-sewom.com> Email: info@hezare-sewom.com http://t.me/hezareh_sewom



تنها ارائه دهنده خدمات پسته و مغز پاک
بدون مشکل افلاتو کسین
با تضمین قبولی تست مکرر افلاتو کسین

ارائه انواع خدمات پسته خشک و مغز
به باغداران، صادر کنندگان و تجار

کارگاه رباط کریم، شهرک صنعتی نصیر آباد / کارگاه کرمان، جاده تهران
شماره بخش بازاریابی و فروش: ۰۳۴-۳۲۶۱۳۰۶۸
www.nssco.ir



سرمقاله

- ۱۱ چهارمین گردهمایی دوسالانه انجمن پسته ایران
- ۱۲ معرفی سخنرانان و پنلیست های بخش آب
- ۱۴ قطب نمای ما: تولید برحسب آب
- ۱۶ فشار بار توسعه بر دوش آب های زیرزمینی
- ۱۷ نظام یارانه ای، عامل ویرانی فلات مرکزی ایران
- ۲۰ چشم انداز منابع و مصارف آب در فلات مرکزی ایران
- ۲۵ پرشش و پاسخ پنل روز آب
- ۲۹ مدیریت شوری در باغ های پسته
- ۳۰ تعیین زمان آبیاری درخت پسته
- ۳۱ ما از گوگرد راضی بودیم
- ۳۳ معرفی سخنرانان و پنلیست های بخش تجارت پسته
- ۳۴ گزارش آماری تجارت پسته
- ۳۵ همه چیز درباره بازار پسته چین
- ۳۷ شناخت بهتر سایر بازارهای پسته ایران
- ۴۰ بازاریابی یعنی تکیه بر تمایزها
- ۴۳ سیستم بانکی ایران با تغییرات بانکی دنیا ناآشناست
- ۴۴ فرهنگ بیمه در کشور ما خیلی پایین است
- ۴۵ بانک و بیمه به تجار جواب می دهند
- ۴۶ مذاکره روی تعرفه گمرکی، کمیت می خواهد
- ۴۹ معرفی سخنرانان و پنلیست های بخش اقتصاد
- ۵۰ دولت بخش خصوصی قوی را دوست ندارد
- ۵۲ از دولت امتیاز نخواهید
- ۵۵ حل بحران بخش خصوصی: اصلاح تفکر دولت
- ۵۷ چشم انداز اقتصاد ایران تا سال ۱۴۰۰
- ۶۱ به امید سیاست گذار نشستن یعنی نابودی
- ۶۳ حرف حساب در چنبره اعتیاد به پول نفت
- ۶۵ گزارش یک سفر
- ۶۷ تشکل بین المللی غذا-کشاورزی
- ۶۸ توجه به هزینه تمام شده مهم است
- ۷۲ هزینه نهایی پسته تولید شده در سال ۹۶
- ۷۵ تشکیل میوه در درختان پسته
- ۷۷ آفات مهم بهاره در باغات پسته
- ۸۳ نقشه راه برای حل بحران آب

گردهمایی - آب

گردهمایی - تجارت

گردهمایی - اقتصاد

انجمن

باغبانی



سال سوم - اسفندماه ۱۳۹۶ - شماره ۲۴

ماهنامه دنیای پسته

صاحب امتیاز: انجمن پسته ایران

مدیرمسئول: حمید فیضی

سردبیر: ابوالفضل زارع نظری

صفحه آرا: نرگس بامری

چاپ: کارمانیا

لینو گرافی: کتیبه

انجمن پسته ایران:

تلفن: ۰۳۴-۳۲۴۷۵۷۴۹

نمبر: ۰۳۴-۳۲۴۷۸۵۵۳

نشانی: کرمان - بلوار جمهوری اسلامی

خیابان شهید لاری نجفی

(۲۰ متری نادر) - کوچه شماره ۲ - پلاک ۱۲

کدپستی: ۷۶۱۹۶۴۳۱۴۹

سایت: www.iranpistachio.org

پست الکترونیکی:

info@iranpistachio.org

انجمن پسته ایران در قبال صحت و سقم ادعاهای مطرح شده در آگهی ها، هیچگونه مسئولیتی ندارد. استفاده از مطالب با ذکر مأخذ مجاز است.

ಸತ್ಯವಾ



سال نو، فکر نو و عمل نو

سرمقاله

به جایی بند شده و تکانی خورده‌ایم؛ اما وسعت پیشرفت ما قطعاً به اندازه روحیه مشارکت‌پذیری، تشکل‌گرایی، استفاده از خردجمعی و مطالبه‌گری اصولی ما وابسته است.

قریب به ده سال است که با تلاش مسئولان و دلسوزانه، پسترنجمن پدید آمده و امکان هم‌اندیشی و هم‌افزایی را برای فعالان پسته فراهم کرده‌است تا حضور باغداران و تجار بزرگ و کوچک، بخش‌های خدماتی، دانشگاهیان، بخش‌های تحقیقاتی و دولتی در این مجموعه بتواند متضمن آینده‌ای بهتر برای همه ما باشد. انجمن پسته ایران تا به امروز همواره سعی داشته در جهت ارتقا بهره‌وری در تولید، دفاع از پسته و معرفی آن در بازارهای جهانی و در مسیر مطالبه‌گری و ایستادگی در مقابل تصمیمات نادرست، گام بردارد که شرح مفصل آن در ماهنامه و وبسایت انجمن منعکس شده‌است. با اینکه امروز انجمن در جایگاهی قرار گرفته که در داخل و خارج از مرزها قدرت اظهارنظر و عرض اندام دارد، اما کاستی‌ها و گره‌ها هم فراوانند.

طبق تجربیات ما، تقویت پسته کشور در گروی تقویت همبستگی و پیوستگی بیش از پیش است. باید از اینکه روزی از قافله انجمن عقب بمانیم و با تکیه خود بر طبل فروپاشی بکوبیم، بی‌مناک باشیم. اعتقاد داریم در سال نو باید فکر و عمل مان را نو کنیم و به درجه‌ای از خودباوری برسیم که تک‌تک ما در گشودن گره‌ها و رفع نواقص موثر هستیم و راه اصلاح جامعه بزرگ ایران از مسیری که هریک از ما می‌پیماییم، جدا نیست. جامعه ایرانی زمانی گام در مسیر درست می‌نهد که ما عمل‌گرایانه و با تکیه بر خردجمعی در پی حل مسائل باشیم و با کنار هم قرار گرفتن، قدرت اثرگذاریمان را چندین برابر کنیم.

سید محمود ابطحی

رئیس هیأت مدیره انجمن پسته ایران

جامعه‌شناسان بیشتر از همیشه صدایشان شنیده می‌شود! اقتصاددانان به در و دیوار می‌کوبند! روانشناسان در شبکه‌های اجتماعی تحلیل‌های متنوعی دارند! تاریخ‌شناسان ریشه‌های تاریخی را واکاوی می‌کنند! سیاسیون را نمی‌گوییم، چرا که رنگارنگ هستند و حساب‌شان جداست! همه و همه در پی حل این مسئله هستند که جامعه ایرانی چگونه می‌تواند از عقب ماندگی فرار کند و گام در مسیر درستی نهد. جامعه پسته همراه با این کشتی بزرگ اجتماع بالا و پایین می‌رود، بر آن اثر می‌گذارد و از آن تأثیر می‌پذیرد. اما اینکه دامنۀ اثرگذاری و اثرپذیری آن بطور کلی چقدر بوده‌است؟ و بزرگ شدن این دامنۀ در جهت پیشرفت به چه عاملی بستگی دارد؟ می‌تواند مورد سوال باشد.

آنچه بدون برو و برگرد به آن اذعان می‌شود، این است که اقتصاد پسته بخش بزرگی از اقتصاد غیرنفتی را تشکیل می‌دهد. مردمان زیادی در استان‌های کشور از این بخش ارتزاق می‌کنند و کالایی ارائه می‌دهند که کسی از خوردن آن سیر نمی‌شود. اما ناگفته نماند در سایه حکمرانی اشتباه، حجم عظیمی از ذخایر آب زیرزمینی به فنا رفته‌است. بهره‌وری تولید در این حوزه خوب نیست؛ البته معمولاً این مطلب با راست و دروغ پیچیده می‌شود و با صنایع رانت‌خوار و سوپسیدخواری که صنعت پسته باید جلویانشان لنگ بیاندازد، مقایسه می‌شویم. پس شکی نیست آثاری که از پسته به جا مانده بزرگ هستند، البته اینکه مقهور تصمیمات دولت مرکزی هم هستیم باید مد نظر باشد.

درباره اینکه پیشرفت در بخش پسته چه سمت و سویی داشته؟ باید بگوییم هرگاه در کنار هم قرار گرفته‌ایم، دست در دست یکدیگر نهاده‌ایم و یک‌صدا به دنبال کسب منافع جمعی بوده‌ایم و با این کار نوعی از قدرت را خلق کرده‌ایم، دشمنان

چهارمین گردهمایی انجمن پسته ایران برگزار شد

روز اول: آب و کشاورزی

روز دوم: تجارت پسته

روز سوم: اقتصاد ایران



سخنرانان و اعضای پنل در چهارمین گردهمایی انجمن پسته ایران

بخش آب و کشاورزی:



محمد فاضلی
* جامعه شناس
* مشاور وزیر نیرو



محمد حسین کریمی پور
* رئیس سابق کمیسیون کشاورزی
اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و
کشاورزی ایران



انوش اسفندیاری
* پژوهشگر حکمرانی آب
* عضو شورای راهبردی اندیشکده تدبیر
آب ایران



شهاب عراقی نژاد
* معاون مرکز پژوهش آب
دانشگاه تهران
* پروفسور دانشکده مهندسی و
فناوری دانشگاه تهران



علی نظری
* عضو هیأت مؤسس انجمن پسته ایران



فرهاد آگاه
* عضو هیأت مدیره انجمن پسته ایران
* عضو شورای راهبردی اندیشکده تدبیر آب ایران

قطب نمای ما: تولید بر حسب آب

نمی‌دهند. به طور طبیعی هرچه قدر آب بدهیم. هیچ تأثیری ندارد. ما به ازای هر ۱۰ برگ یک خوشه

«من خودم از هم شغلی‌هایم می‌پرسم به ازای یک متر مکعب آب چه قدر پسته بر می‌دارید؟ ندیدم کسی عدد داشته باشد. یعنی علی‌رغم این که آب خیلی برای ما اهمیت دارد، اصلاً نمی‌دانیم با آب چکار می‌کنیم.»

داریم. هر ۱۰۰ سانتی‌متر مربع یک خوشه تشکیل می‌شود. همان‌طور که می‌دانید میزان اصلی نیاز گیاه به آب به اندازه تعریقی است که از سطح برگ صورت می‌گیرد. هرچه درخت تنه بزرگ‌تری داشته باشد به آب بیشتری نیاز دارد، ولی اگر تنه کوچک باشد هر قدر آبش بدهیم، بار و محصول بیشتری بر نمی‌داریم. وقتی حدود یک تن بار برداریم، حداکثر سه هزار مترمکعب آب بدون در نظر گرفتن نیاز آب‌شویی درخت نیاز داریم.

وقتی شاخص آب را کنار گذاشتیم و بدون توجه به این که چقدر پسته برمی‌داریم شاخص زمین را بررسی کردیم در نتیجه آن، درآمد عمومی خودمان و منطقه‌مان را کاهش می‌دهیم. مثلاً، در رفسنجان با ۵۰ هزار تن پسته‌ای که تولید می‌شود اگر شاخص بهره‌وری آب را به ازای هر ۳۰۰ گرم، یک مترمکعب در نظر بگیریم؛ حداکثر ۲۰۰ میلیون متر مکعب آب نیاز داریم. در حالی که بر حسب ادعای وزارت نیرو و جهاد ما ۵۰۰ تا ۶۰۰ میلیون مترمکعب برای تولید ۵۰ هزار تن پسته مصرف می‌کنیم. چون نسبت به این مسئله که چقدر آب داریم و چقدر آب خواهیم داشت، بی توجه هستیم. درحالی که اگر درختمان تنه کوچکی دارد یا وارپته غلطی انتخاب کردیم یا نتوانستیم آفت چوب‌خوار را کنترل کنیم، با افزایش

این تب تولید پسته در ۴۰، ۵۰ سال همراه با افزایش قیمت پسته هم بوده‌است. در ۵۰ سال گذشته، از زیر هزار دلار شروع شده و تا ۱۵، ۱۰ سال پیش حدود ۳ هزار دلار رفته‌است. از ۱۵ سال پیش قیمت پسته تقریباً ۳ برابر شده، به ۸ هزار دلار رسیده است. از طرف دیگر آمریکایی‌ها به عنوان سردمداران باغبانی دنیا روی پسته تمرکز کردند. پسته را در دنیا خیلی توسعه دادند. درآمد آمریکایی‌ها از هزار دلار در هکتار به ۲۰ هزار دلار رسیده‌است و دائماً این را افزایش دادند. این افزایش درآمد پسته، منجر به گسترش پسته در دنیا شده‌است.

در حال حاضر بر طبق آمارها، ما در ایران ۵۰۰ تا ۷۰۰ کیلو پسته به ازای هر هکتار برداشت می‌کنیم.

وقتی حدود یک تن پسته برداشت می‌کنیم. حدود ۷ هزار مترمکعب آبی که می‌دهیم، عملاً ۵۰۰ یا هزار تومان

در رفسنجان با ۵۰ هزار تن پسته‌ای که تولید می‌کند اگر شاخص بهره‌وری آب را به ازای هر ۳۰۰ گرم، یک مترمکعب در نظر بگیریم؛ حداکثر ۲۰۰ میلیون متر مکعب آب نیاز داریم. در حالی که بر حسب ادعای وزارت نیرو و جهاد ما ۵۰۰ تا ۶۰۰ میلیون مترمکعب برای تولید ۵۰ هزار تن پسته مصرف می‌کنیم.

سود واقعی حاصل می‌شود. خیلی اهمیت دارد. میزان آبمان کاملاً به سطح «سایه اندازمان» بستگی دارد. یعنی وقتی ابعاد درخت پسته آمریکایی‌ها ۴ متر در ۶ متر با ارتفاع ۳، ۴ متر است، می‌توانند ۱۰ هزار مترمکعب آب بدهند. ولی درخت‌های ما که به دلیل اقلیم یا شرایط باغبانی‌مان ارتفاع نمی‌گیرند، اصلاً نمی‌توانیم درختمان را به آن هیکل برسانیم. حتی وارپته‌ها هم اجازه

علی نظری عضو هیأت امنای انجمن پسته ایران اولین سخنران برنامه گردهمایی انجمن پسته ایران در کیش بود که در مورد موضوع بحران آب در فلات مرکزی ایران صحبت می‌کرد. او با این سوال آغاز کرد: «حقیقت کار ما چیست؟» وی گفت: «شاید خیلی وقت‌ها بگوییم ما پسته تولید می‌کنیم، ولی به کمک دانشی که داریم باید از آب ارزش افزوده ایجاد کنیم. کاسبی ما آب است، مخصوصاً در مناطق پسته خیز ایران که در مناطق خشک هستند، آب برای همه ما کویری‌ها نقش تعیین کننده‌ای دارد و اصلی‌ترین محدود کننده کار ماست. این قدر که آب برای ما اهمیت دارد برای هیچ‌کس ندارد، ولی هیچ حساب و کتابی از آب نداریم.»

«من خودم از هم شغلی‌هایم می‌پرسم به ازای یک متر مکعب آب چه قدر پسته بر می‌دارید؟ ندیدم کسی عدد داشته باشد. یعنی علی‌رغم این که آب خیلی برای ما اهمیت دارد، اصلاً نمی‌دانیم با آب چکار می‌کنیم. این واقعاً تناقض بزرگی است.

همه ما تولید بر هکتار را خوب می‌دانیم، حتی ۵ سال گذشته را حفظ هستیم. چند کیلو در قصب پارسال تولید کردیم یا امسال چقدر شد، ولی از آبمان هیچ نمی‌دانیم.

این موضوع برای ما کویری‌ها خیلی تعیین کننده‌است. شاخص ما به ازای مصرف آب یک قطب نماست. وقتی قطب نما بد کار کند ما راهی به موفقیت نداریم. وقتی بخواهیم به سمت جنوب برویم، ولی قطب نما شمال را نشان دهد، هر قدر مهارت داشته باشیم به جایی نمی‌رسیم.

علت این که تا امروز دچار مشکل نشده‌ایم، رشدی است که از بابت پسته داشتیم. در این مدت ما هیچ وقت مشکل تقاضا نداشتیم و هرچه پسته تولید کردیم فروش رفته‌است. در نتیجه هر قدر این شاخص بد عمل کرده ما هیچ نفهمیدیم. در مدت ۵۰ سال گذشته تولید پسته در جهان از ۲ هزارتن به ۷۰۰ هزارتن رسیده‌است.

وزارت نیرو به این نتیجه رسیده است که باید برای آب سند تولید شود و آب مثل زمین قابل مبادله شود تا اگر کسی نتوانست بهره‌وری خوبی از زمین داشته باشد بتواند آب را بفروشد و در زمین‌های خراب آن را از دست ندهد.

خرید و فروش باشد به راحتی می‌توانند به اندازه تولید پسته آب بردارند و مازادش را بفروشند و در مجموع درآمد خوبی کسب کنند. کاهش مصرف آب منجر به حفظ شهر هم خواهد شد. این روندی که در رفسنجان داریم، میزان تولید ۵۰ هزار تن است، سال دیگر ۴۰ یا ۳۰ هزار تن می‌شود. اگر واقعاً بتوانیم در مصرف آب صرفه‌جویی کنیم، مناطق زیادی در ایران وجود دارد. سرمایه اصلی ما، دانش تولید پسته است، می‌توانیم در مناطق دیگر ایران پسته‌کاری را توسعه دهیم.

با این توصیف اگر ما واقعاً شروع کنیم و مبنای تولید برحسب آب بگذاریم. براساس شاخص هر ۳۰۰ گرم یک مترمکعب آب برنامه ریزی کنیم. حتماً درآمد ما کاهش پیدا نخواهد کرد و با توجه به سازو کارهایی که قرار است فراهم شود درآمد زیادی از فروش آب به دست می‌آوریم.»

بر متر مکعب دسترسی داریم. یعنی اگر باغمان معمولی باشد و بتوانیم آن را از آفتی مثل پسیل در امان نگه‌داریم، عدد ۳۰۰ گرم یک رقم حداقلی است و برای همه ما قابل دسترس است، به شرطی که همه ما حساب و کتاب آب را به جای حساب و کتاب زمین نگه داریم. با در دست گرفتن این قطب نمای جدید اتفاق دیگری که خواهد افتاد این است که بسیاری از باغاتی که نمی‌توانند از باغشان محصول برداشت کنند، می‌توانند آبشان را بفروشند. اخیراً ما با وزارت نیرو جلسات بسیاری داشتیم، وزارت نیرو اذعان دارد همه مسیری که در این ۳۰، ۴۰ سال رفته است و فکر می‌کرده به این طریق می‌تواند آب را در کشور پایدار کند یا میزان برداشت را با میزان ورودی تطابق دهد، بی‌فایده بوده است. الان وزارت نیرو به این نتیجه رسیده است که باید برای آب سند تولید شود و آب مثل زمین قابل مبادله شود تا اگر کسی نتوانست بهره‌وری خوبی از زمین داشته باشد بتواند آب را بفروشد و در زمین‌های خراب آن را از دست ندهد. همه به این نتیجه رسیده‌اند. انشاءالله به زودی ساز و کارهای انجام این مسئله هم فراهم می‌شود. وزارت نیرو و بخش خصوصی پیگیر این مسئله هستند. استان کرمان در این قضیه پیشتاز است. استاندار کرمان به دنبال این است که بتواند هر چه زودتر مسئله فروش آب در کرمان را آغاز کند. برای معادن مس چادرملو و سرچشمه، آبی را که از خلیج فارس شیرین می‌کنند مترمکعبی ۱۰ هزار تومان تمام می‌شود. اگر امکان

آب‌دهی نمی‌توان ضرر را جبران کرد. فکر می‌کنیم اگر آب بیشتر بدهیم درست می‌شود. من خودم بارها تست کردم؛ باغی که با حدود ۴ هزار و ۵۰۰ مترمکعب آب، ۱ تن تا ۱،۵ تن محصول می‌داده است، هر قدر آب اضافه کردم شاید فقط ۱۰ درصد محصول اضافه شد. یعنی عملاً تأثیری نداشته است. همه صحبت‌هایی که در مورد آب می‌کنیم بدون در نظر گرفتن نیاز آب شویی است. هیچ وقت ندانستیم با توجه به تولیدمان چقدر آب نیاز داریم. حتی اگر آبیاری قطره‌ای کرده باشیم، عمدتاً پرت آبمان بالاست. در تابستان تا ۶۰ سانتی‌متر حق داریم خیس کنیم. بیشتر از عمق ۶۰ سانتی‌متر هرچه خیس کنیم آب از دست داده‌ایم.

اگر باغمان معمولی باشد و بتوانیم آن را از آفتی مثل پسیل در امان نگه‌داریم، عدد ۳۰۰ گرم یک رقم حداقلی است و برای همه قابل دسترس است، به شرطی که همه ما حساب و کتاب آب را به جای حساب و کتاب زمین نگه داریم.

در مجموع به لحاظ فنی، اقلیم، درخت و زمین ما به گونه‌ای است که اجازه نمی‌دهد ۳ تن پسته برداشت کنیم. ولی همه ما با یک کنترل محدود و با توجه به دانشی که امروز در اختیارمان است به راحتی به شاخص ۳۰۰ گرم



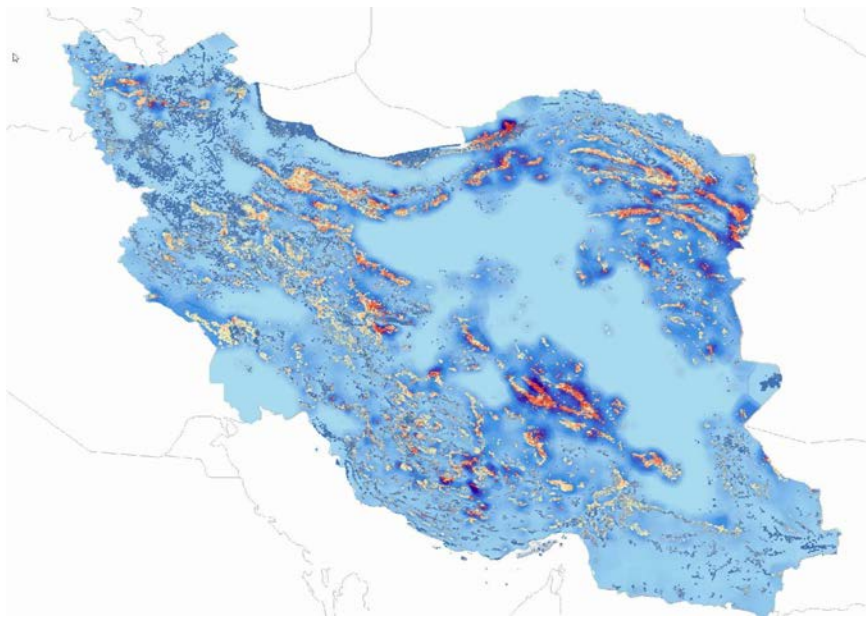
فشار بار توسعه بر دوش آب‌های زیرزمینی

دکتر شهاب عراقی‌نژاد، معاون مرکز پژوهش آب دانشگاه تهران سخنران روز آب گردهمایی انجمن بسته ایران در کیش بود. وی در ارائه خود با عنوان «پهنه بندی امنیتی آب ایران» به دو موضوع پرداخت. وی تصویری از وضع منابع آب در کل کشور ارائه نمود و با تأکید بر این که از گذشته تاکنون همه منابع آب ما وابسته به بارش هستند، بحث خود را آغاز کرد.

«من متولد جنوب هستم ولی بزرگ شده شمال. ۱۰۰ میلی‌متر متوسط بارش مناطق مرکزی ایران مساوی با بارش دو هفته مناطق شمالی است. صد میلی‌متر بارش در دو هفته برایمان خیلی عادی بود. عدم توزیع متوازن بارش آغاز بحث ماست. کشور ما مستعد دوره‌ها و نوسانات شدید خشکسالی است. نکته دوم اینکه حتی اگر بخواهیم به تغییرات اقلیم بی‌توجه باشیم، در دهه ۴۷ تا ۵۷ متوسط بارش ۲۵۰ میلی‌متر در کل کشور بوده است. دهه ۵۸ تا ۶۸، ۲۴۹ میلی‌متر بود. دهه ۶۹ تا ۷۹ با متوسط ۲۶۲ میلی‌متر نسبتاً دهه پربرآنی بود و استقبال از طرح‌های آبرو و توسعه عرضه در این دهه رخ داد. دهه آخر ۸۰ تا ۹۰ با متوسط ۲۱۸ میلی‌متر بارندگی در سال و با کاهش بیش از ۳۰ میلی‌متر، منشأ

۱۶

بسیاری از کمبودها و دردهای است که امروز داریم، البته این همه چیز نیست، فقط یکی از عوامل است. ما چند ایستگاه شاخص در کشور داریم؛ ایستگاه‌های قابل اعتمادی که آمارهای بلند مدت دارند. در دو ایستگاه کرمان و زاهدان می‌توانید تغییرات بارش را مشاهده کنید. از سال ۸۰ تاکنون در کرمان میانگین بارش سالیانه از ۱۸۹ به ۱۳۸ میلی‌متر رسیده است. این کاهش محسوس بارش به وضوح دیده می‌شود و ایستگاه نزدیک به این منطقه هم ایستگاه زاهدان است که آن هم کاهش بارش را نشان می‌دهد.



هزار حلقه چاه در گستره کشور پراکنده شده است. در نقشه ارائه شده، پراکندگی چاه‌ها و عمق آنها با تیره‌تر شدن رنگ نمایش داده شده است. هر جایی که در نقشه قرمز تر شده است، یعنی عمق چاه‌ها بیشتر است و عمق آنها تا ۲۹۰ متر می‌رسد. جاهایی که در نقشه هیچ نقطه قرمزی به چشم نمی‌خورد یعنی هیچ آبخوانی وجود ندارد. هر جا که اثری از منبع آب زیرزمینی بوده، چاه احداث شده است. پراکندگی این نقاط قرمز نشان می‌دهد آب‌های زیرزمینی کجا هستند.»

دکتر عراقی‌نژاد در جمع‌بندی خود از نمودارهای موجود نتایج خود را چنین اعلام کرد: «در حال حاضر سالانه ۱،۷ میلیارد متر مکعب کسری مخزن در ۶ حوضه آبی کشور وجود دارد. با ادامه روند موجود، کسری مخزن آب زیرزمینی برابر با سالانه ۳ میلیارد متر مکعب، محتمل است. عدم قطعیت‌های زمانی و مکانی آب در دسترس، هشدار وضعیت وخیم‌تری را می‌دهد. امنیت آب در این ناحیه در حداقل میزان خود قرار دارد و به تبع آن امنیت معاش، اقتصاد و محیط زیست نیز در خطرند.»

در حال حاضر سالانه
۱،۷ میلیارد متر مکعب
کسری مخزن در ۶ حوضه
آبی کشور وجود دارد. با
ادامه روند موجود، کسری
مخزن آب زیرزمینی برابر
با سالانه ۳ میلیارد متر
مکعب، محتمل است.

اگر بخواهیم متوسط بلندمدت تغییرات در رواناب سالیانه را در نظر بگیریم مقدار منابع سطحی در اختیار کل کشور حدود ۸۰ میلیارد متر مکعب می‌رسیم. در حالی که در همین نمودار، طی ۱۵-۲۰ سال اخیر شکست کاملی در منابع آب سطحی می‌بینیم؛ یعنی افت شدید از بالای ۸۰ میلیارد به زیر ۶۰ میلیارد متر مکعب. به دلایل مختلفی اعم از کاهش بارش، افزایش مصارف و تلفات و توسعه‌های نامتوازن منجر به وضعیت امروز شده است. در کشور ما منابع آب زیرزمینی همان منابعی هستند که تمام فشار بار توسعه بر آن وارد می‌شود. ۷۸۰

سخنرانی مشاور وزیر نیرو در آغاز پنل آب گردهمایی انجمن پسته ایران

نظام یارانه‌ای، عامل ویرانی فلات مرکزی ایران

روبه‌رو هستیم که دو وضعیت متفاوت دارند. کرمان که سهم کشاورزی در آن خیلی بالاست و یزد و اصفهان که سهم کشاورزی پایین است. اگر نتیجه این دو وضعیت را با سرانه ارزش افزوده

در استان اصفهان روی ۲ میلیارد مترمکعب آب زیرزمینی می‌توانیم برنامه‌ریزی کنیم. در کل استان کرمان ۹۴۶ میلیون مترمکعب آب و در یزد ۳۰۲ میلیون مترمکعب قابل برنامه‌ریزی است. یعنی شما در هر سه استان دارید به شکل فاجعه‌باری از منابع استفاده می‌کنید. فقط با این اختلاف که در استان کرمان ۶ برابر، در استان اصفهان ۲ برابر و در استان یزد ۴ برابر بیشتر از حد مجاز مصرف می‌کنید.

یک از بخش‌های کشاورزی، صنعت و شرب از مصارف آب فلات مرکزی ایران نسبت به حال چه تغییری خواهد کرد؟

۵. بهترین مسیر حرکت درخصوص منابع و مصارف آب در فلات مرکزی ایران چیست؟

وی ابتدا با بررسی اطلاعات آماری سه استان کرمان، یزد و اصفهان این‌گونه توضیح داد: «طبق آمارهای رسمی وقتی در مورد اصفهان در فلات مرکزی صحبت می‌کنیم، یعنی در مورد ۶،۶۶ درصد ارزش افزوده و ۶،۵ درصد جمعیت کشور صحبت می‌کنیم. وقتی در مورد کرمان صحبت کنیم، منظور ۳،۳۹ درصد ارزش افزوده و ۳،۹۴ درصد از جمعیت کشور و در مورد یزد یعنی ۱،۹۵ درصد ارزش افزوده و ۲،۵ درصد جمعیت کل ایران است. براساس محاسباتی که تا سال ۹۳ انجام شده، جمعاً در این سه استان ۱۲ درصد از جمعیت کل کشور و ۱۲ درصد ارزش افزوده را داریم. بالاتر از این استان‌ها، تهران با ۲۳ درصد ارزش افزوده و خوزستان را با ۹،۷ درصد ارزش افزوده داریم. تهران وضعیت مجزایی دارد. این رقم در خوزستان هم حاصل وضعیت نفتی است. در اصفهان ۱۰،۳ درصد کشاورزی در کرمان ۳۸،۳ (یعنی تقریباً ۴ برابر اصفهان) در یزد هم ۸،۴ درصد داریم. با سه استان

محمد فاضلی مشاور فعلی وزیر نیرو در آغاز پنل روز آب سخنرانی کرد. وی در ابتدا در پاسخ به تریک اعضای پنل نسبت به انتصاب خود بیان کرد: «اگر این انتصاب، به خیری برای کشور و آبرویی برای من بیانجامد خوب است، اگر سرانجام اتفاقی نیافتد و آبروی ما برود، تریک هم نخواهد داشت.»

سپس فاضلی کوشید به ۵ سوالی که از سوی انجمن پسته طرح شده بود، پاسخ دهد. سوالات از این قرار بودند:

۱. چرا داشتن تصویری از چشم‌انداز بلندمدت منابع و مصارف آب در فلات مرکزی ایران مهم است؟

۲. چه عواملی در بلندمدت تعیین‌کننده منابع و مصارف آب در فلات مرکزی ایران خواهد بود؟ هریک از عوامل تعیین‌کننده منابع و مصارف در درازمدت در چه وضعیتی قرار خواهند گرفت؟ و سوبسیدهای انرژی در بلندمدت به چه شکلی خواهند بود؟

۳. شیرین‌سازی یا انتقال آب برای فلات مرکزی ایران از دریای خزر و خلیج فارس در بلندمدت چه جایگاهی دارد؟

۴. آیا می‌توان پیش‌بینی کرد که در چشم‌انداز بلندمدت سهم هر

بدون نفت در فاصله سال‌های ۷۹ تا ۹۴ مقایسه کنیم، می‌بینیم تا سال ۷۹، درآمد سرانه کشور ۷ هزار و ۹۷۸ هزار ریال است و تا قبل از شکست آبی میانگین درآمد سرانه بدون نفت هر سه استان از میانگین کل کشور بالاتر است. بعد از شکست آبی تا سال ۹۲،



کمتری داشته باشیم. چرا که به ازای هر یک میلیون مترمکعب آب شغل بیشتری درست می‌شود و ارزش افزوده بیشتری خلق می‌شود. ولی چند سوال در مورد صنایعی که در اصفهان، یزد و کرمان ایجاد کرده‌ایم پیش می‌آید؟ یک- آیا صنایع ما بدون سوبسیدهای انرژی به چنین ارزش افزوده‌های دست یافتند؟ یعنی اگر یزد موفق شده با کشاورزی کمتر و صنعت بیشتر به چنین وضعیتی برسد نتیجه یک وضعیت رقابت در شرایط بدون یارانه است؟

دو- وضعیت آب کشاورزی را هم باید با سوبسید انرژی و آب لحاظ کنیم که اجازه می‌دهد ما از عمق ۲۹۰ متری آب خارج کنیم و با آن کشاورزی کنیم که وضعیت ارزش افزوده به مترمکعب آن بسیار پایین‌تر از سطح انتظار است؟ آقای آگاه دو مقاله مفصل در این مورد دارند و یارانه‌های پنهان حوزه انرژی سیمان و فولاد را محاسبه کرده‌اند. آن چیزی که باعث می‌شود ما نتوانیم در این مورد قضاوت کنیم و کماکان که در هر دو سناریوی صنعتی شدن و کشاورزی که جلو می‌رویم با وضعیت‌های بدتری مواجه می‌شویم، وجود یارانه‌های پنهانی است که این ارزش افزوده اضافی‌تر یزد و اصفهان را باید تحت پوشش آن یارانه‌ها لحاظ کنیم. اگر یارانه‌ها نبوند اصلاً مشخص نیست این اتفاقات می‌توانست در یزد و اصفهان هم بیافتد.

پس حرف من این است، چیزی که فلات مرکزی را خراب می‌کند نظام یارانه‌ای است در کنار لابی‌ها و سایر فشارهای امنیتی که اجازه نمی‌دهد اقتصاد در یک فرایند تعاملی و تعادلی صنعت و کشاورزی حرکت کند. هر آینده‌ای در مورد فلات مرکزی ایران و هر آینده‌ای در مورد صنعتی شدن، با صنایعی که آلاینده‌های زیادی دارند، که نسبت به نساجی ۱۲ بار کمتر شغل ایجاد می‌کنند، ناشی از ساختار رانتی با یارانه‌های بخش انرژی، گاز و حتی بخش آب است. صنایع شیمیایی به شدت آب‌بری تعریف شده است که پاسخ‌گوی معضلات امروز نیست.»

وی در جایگاه مشاور و محقق که بارها در این باره اظهار نظر کرده‌است به

۲۱۸ هزار میلیارد ریال ارزش افزوده تولید می‌شود. تفسیر این آمارها یعنی ارزش افزوده در جایی که صنعتی‌تر است بیشتر تولید می‌شود.

در سند آب قابل برنامه‌ریزی و طرح جامع مطالعات آب کشور تقسیم‌بندی آب در صنایع مختلفی به استثنای معدن اعم از کاغذ، نساجی، ماشین‌آلات، غذایی و آشامیدنی انجام شده‌است. با این سوال که ما در هر صنعت چه تعداد شاغل داریم و چقدر مصرف می‌کنیم؟ تعداد اشتغال در صنایع نساجی ۲۳۶ هزار نفر و کل این نساجی‌ها ۶۲ میلیون مترمکعب آب مصرف می‌کنند. اگر شما کل اشتغال را به ۶۲ میلیون مترمکعب تقسیم کنید، یعنی به ازای هر یک میلیون مترمکعب آب در صنایع نساجی، ۳۸۰۰ نفر شغل ایجاد شده‌است. یادمان باشد، اصلی‌ترین مسئله کشور که از آن

چیزی که فلات مرکزی را خراب می‌کند نظام یارانه‌ای است در کنار لابی‌ها و سایر فشارهای امنیتی که اجازه نمی‌دهد اقتصاد در یک فرایند تعاملی و تعادلی صنعت و کشاورزی حرکت کند

شورش کف خیابان هم برمی‌خیزد مسئله بیکاری است. در ماشین‌آلات به ازای هر مترمکعب ۵۲۰۰ نفر شغل ایجاد می‌شود. اما در صنایع شیمیایی شامل پتروشیمی‌ها، پالایشگاه‌ها که رانت انرژی هم دارند و گاز ارزان دریافت می‌کنند، آلودگی زیست محیطی‌شان هم بالاست به ازای هر یک میلیون مترمکعب، ۲۹۲ شغل ایجاد می‌شود. این را مقایسه کنید با ۳۸۰۰ شغل صنایع نساجی!

در ادامه محمد فاضلی به یک جمع‌بندی اولیه پرداخت و اظهار داشت: «آمارها نشان می‌دهند ما اگر صنعتی شویم، می‌توانیم مصرف آب

میانگین ارزش افزوده کشور بدون نفت ۱۱۳ میلیون ریال شد. در استان اصفهان ۱,۲۶ درصد رشد داشته‌است. در یزد از ۱,۱ به ۱,۶ درصد رسیدیم؛ یعنی جایی که کشاورزی سهمش پایین است و صنعتی‌ترین استان بین این سه استان محسوب می‌شود رشد داشته‌است. به طور کلی سرانه ارزش افزوده بدون نفت در این سه استان نسبت به سال ۷۹ بالا رفته‌است. اما در استان کرمان، نسبت به میانگین کشوری در همان سال هیچ رشدی نداشته‌ایم.

این یک فرضیه است که کاهش میانگین ارزش افزوده در استان کرمان را به شکست آبی نسبت می‌دهیم، چرا که تنها یکی از دلایل آن می‌تواند بالا بودن سهم کشاورزی در درآمد استان باشد. تا اینجا در مورد اطلاعاتی که دادم زود قضاوت نکنید چرا که به دنبال جمع‌بندی دیگری هستیم.

در پاسخ به سوال این که چشم‌انداز منابع و مصارف آب چگونه‌است؟ باید بگویم در استان اصفهان سهم مصرف آب زیرزمینی ۴ میلیارد مترمکعب است؛ در کرمان این رقم ۶ میلیارد و ۳۹۰ مترمکعب است. یعنی در جایی که بیشترین مصرف آب را داریم کمترین ارزش افزوده را تولید کرده‌است. این رقم برای یزد ۱ میلیارد مترمکعب است. این اطلاعات حاصل از آمارهای رسمی سال ۹۵ وزارت نیرو است.

در سند آمایش آب کشور می‌توانیم به این سوال پاسخ داد که ما روی چه قدر آب می‌توانیم برنامه‌ریزی کنیم. در استان اصفهان روی ۲ میلیارد مترمکعب آب زیرزمینی می‌توانیم برنامه‌ریزی کنیم. در کل استان کرمان ۹۴۶ میلیون مترمکعب آب و در یزد ۳۰۲ میلیون مترمکعب قابل برنامه‌ریزی است. یعنی شما در هر سه استان به شکل فاجعه‌باری از منابع استفاده می‌کنید. فقط با این اختلاف که در استان کرمان ۶ برابر، در استان اصفهان ۲ برابر و در استان یزد ۴ برابر بیشتر مصرف می‌کنید.

براساس آمارهای رسمی، ارزش افزوده تولید شده به ازای تخلیه هر ۱ میلیون مترمکعب آب در سال ۹۴، در استان اصفهان ۱۵۱ هزار میلیارد ریال است. در کرمان ۶۰ هزار میلیارد ریال و در یزد

آنجا کم بیاید تلمبه کنیم حداقل سه روز بعد می‌رسد آنجا ما نمی‌توانیم توزیع ملی آب داشته باشیم. حالا یک عده‌ای می‌خواهند ابرها را بفشارند، یک عده ای می‌خواهند ابرها را بارور کنند، عده‌ای می‌خواهند با ابرها هم آغوشی کنند؛ نمی‌دانم واقعاً. حالا هر کاری می‌خواهند بکنند، ولی

برای هر پروژه انتقال آب، هشت پیش شرط وجود دارد. در محیط مقصد باید کلیه اقدامات ممکن برای مدیریت مصرف و تقاضا را انجام داده باشند؛ در حالی که حتی برای یک دشت کسی نمی‌تواند چنین ادعایی بکند. کلیه روش‌های اقتصادی و غیر سازه‌ای برای مدیریت مصرف عملی شده‌باشد

بیماری که خون‌ریزی داخلی دارد، نمی‌توان از بیرون به آن کیسه خون تزریق کنید. در پایان هر زمان خواستید ۱۲ هزار میلیارد خرج انتقال آب کنید. قبلش به این فکر کنید «آیا ۱۲۰۰ میلیارد تومن خرج مدیریت مصرف در مقصد کرده‌اید؟»

نمی‌توان با تزریق کیسه‌های خون مشکلش را حل کنید. یعنی وقتی آقای نظری می‌گوید ما به ازای یک هکتار زمین ۲ برابر دنیا آب مصرف می‌کنیم نمی‌توان با انتقال آب این مشکل را در درون حل کنیم. ۳- برای هر پروژه انتقال آب، هشت پیش شرط وجود دارد. در محیط مقصد باید کلیه اقدامات ممکن برای مدیریت مصرف و تقاضا را انجام داده باشند؛ در حالی که حتی برای یک دشت کسی نمی‌تواند چنین ادعایی بکند. کلیه روش‌های اقتصادی و غیر سازه‌ای برای مدیریت مصرف عملی شده‌باشد؛ در جایی که آب و انرژی‌تان قیمت ندارد؛ از عمق ۳۰۰ متری آب می‌کشند و بازار آب هم هنوز راه نیانداخته‌اند؛ چه طور به خودشان جرأت می‌دهند از ۳۰ هزارمیلیارد تومان در پروژه‌های کشور حرف بزنند؟ یادمان باشد آب مدل برق نیست. چون یکبار یک نفر آمده بود به مرکز استراتژیک کشور، می‌گفت بیاید توزیع ملی آب راه بیاندازیم. ایشان یک زمانی رئیس یکی از دانشگاه‌های این مملکت بوده‌است. پرسیدیم یعنی چی توزیع ملی؟ گفت: «یعنی مثل برق که وقتی در خراسان قطع می‌شود، یک نیروگاهی در خوزستان را روشن می‌کنیم، برق می‌فرستیم آنجا» گفتم: «شما در جریان هستید که برق با سرعت نور حرکت می‌کند. اگر آب

موضع خود در قبال انتقال آب پرداخت. «به سه دلیل این انتقال آب‌ها در کشور امکان ناپذیرند؛ ۱- پروژه‌هایی که تعریف شده از جمله این مگا پروژه‌ها هر کدام چند ده هزار میلیارد منابع مالی احتیاج دارند. در شرایط فعلی کشور، هیچ کس قادر به پرداختن چنین مبالغی نیست. ممکن است پیمانکاران علاقه داشته باشند و بگویند این پروژه ۲۰ سال طول می‌کشد، می‌شود ۳۰ هزار میلیارد، سالی دوهزار میلیارد هم دست ما را بگیرد، برای پیمانکاری کافی است. ولی واقعیت این است که این مگا پروژه‌ها برای کشور آب نخواهند شد. ۲- در همه جای دنیا هیچ کدام از پروژه‌های انتقال آب، با استانداردهای امروز تأیید نمی‌شوند. برای اطلاعات دقیق‌تر کتاب فریدون قاسمی و یان وایت را نگاه کنید در ۵ کشور دنیا، استرالیا، چین، آمریکا، کانادا و هند پروژه‌های انتقال آب را بررسی کردند و صریحاً نتیجه‌گیری می‌کنند؛ مگا پروژه‌های انتقال آب با استانداردهای امروز هیچ کدام تأیید نخواهند شد و شما تصور نکنید که ۳ میلیارد مترمکعب کسری مخزن فلات مرکزی را با انتقال ۵۰۰ میلیون مترمکعب آب یا کارهای ژول ورنی مثل انتقال آب از دریای خزر یا کشف آب‌های ژرف عمق ۲ هزار متری می‌توان به جایی رساند. بیماری که خون‌ریزی داخلی دارد را



در پنل روز آب و کشاورزی بررسی شد:

چشم انداز منابع و مصارف آب در فلات مرکزی ایران

۲۵۰۰ متر استاتیک به علاوه دینامیک فاصله است؛ یعنی باید فرض کنیم که آب را ۲٫۵ کیلومتر به طور عمودی بالا می‌بریم. این کار یک دفعه ۲۵ تا از آن ۳۵ سنتی‌ها (۸۷۵ سنت) به آبی اضافه می‌کند که ذاتاً در بندرعباس هزینه اش ۳۵ سنت بیشتر نبود. هر قدر ما آب را دورتر کنیم، مثلاً برای خراسان جنوبی یا زابل ببریم، گرانتر خواهد شد. امروز انتقال آب مثل سدسازی دارد دکان عده‌ای پیمانکار می‌شود که بازار کسادی دارند. بهره‌برداران باید مراقب باشند، چرا که این دکان‌داران می‌توانند بهره‌برداران را وارد تله‌هایی کنند که در آن بهره‌برداران در حال جان‌دادن یقیناً روی نجات را نخواهند دید. با آمارهایی که در همین گروه‌های داده شد، اگر پتانسیل آبی کشور ۱۰۰ میلیارد متر مکعب باشد. با فرض درست بودن آمارها باید ۴۰ درصد آن را مصرف کنند یعنی ایران می‌تواند کل مصرف کشاورزی، صنعت، خدمات، شرب و همه پکیج انسان ایرانی را روی ۴۵ تا ۵۰ میلیارد مترمکعب ببندد. امروز مصرف نزدیک دو برابر این است. امروز کل آبی که در دنیا با صنعت آب‌شیرین‌کن تهیه می‌شود ۵۳ میلیارد مترمکعب است. یعنی کل چیزی که ما کم داریم معادل تولید کل آبی است که در دنیا از طریق آب شیرین‌کن فراهم می‌شود آن هم در سواحل جنوبی خلیج فارس است. خارج از اقتصاد- حساب کتابی بر آن حاکم نیست. ایران محکوم است به اینکه حجمی را که تاریخ بشر مصرف آن را به یاد ندارد، کم کند و متأسفانه بخش عمده‌ای از این بی‌شک باید در بخش کشاورزی باشد. بنابراین کسانی که به سمت تولید می‌روند باید مطلب آقای نظری را توجه کنند. این مطلب آقای نظری را باید با آب طلا نوشت که گفتند: «کشاورزی ایران باید متوجه جاهایی باشد که بر هر واحد مصرف آب ارزش‌افزوده غیر عادی وجود دارد.» این جاها ممکن است بخشی از تولید پسته باشد و یا تولیدات در محدوده کنترل شده مثل گلخانه‌های مدرن».

آب را ممکن است به شما بفروشند اما وقتی این آب آخر کار به چادرملو می‌رسد برای فروش هر مترمکعب به قیمت ۱۳۰۰ تومان است و حتی

مسئله آب در ایران را حاکمیت ایجاد کرد. دانش ۵ هزار ساله خرد مشترک ماقبل آریایی را با تلاش مجدانه‌ای متلاشی کرد. پای مداخله‌اش ایستاد، انقلاب هم شد، اما آن تیم آب نابودکن از بین نرفت و هنوز هم پای کار است.

مجری می‌گوید من باید بازبینی کنم- اقتصادی نیست- معنایش چیست؟ یعنی ما نمی‌توانیم حتی توسعه جنوب کشور را متکی به شیرین کردن آب از دریا بکنیم. در حقیقت مقدار معنی‌داری از اراضی جنوب کشور وجود دارند که

امروز انتقال آب مثل سدسازی دارد دکان عده‌ای پیمانکار می‌شود که بازار کسادی دارند. بهره‌برداران باید مراقب باشند، چرا که این دکان‌داران می‌توانند بهره‌برداران را وارد تله‌هایی کنند که در آن بهره‌برداران در حال جان‌دادن یقیناً روی نجات را نخواهند دید.

صرفه اقتصادی دارد شما آب ۳۵ سنتی را ۱۰۰ کیلومتر یا ۲۰۰ کیلومتر دورتر ببرید. به محض این که به کوچکترین ارتفاعاتی برسید یک دفعه هزینه‌های وحشتناکی به انتقال هر مترمکعب آب اضافه می‌شود. بین ساحل خلیج فارس با اولین نقطه تحویل که گل‌گهر باشد

انجمن پسته ایران در سه روز گردهمایی، سه موضوع را برای بررسی و تحلیل برگزیده بود. روز اول به مسئله بحران آب در فلات مرکزی اختصاص داشت و پنل این روز با عنوان «چشم انداز منابع و مصارف آب در فلات مرکزی ایران» میزبان آقایان حسین کریمی پور، محمد فاضلی، شهاب عراقی نژاد، انوش نوری اسفندیاری، علی نظری و فرهاد آگاه بود. فرهاد آگاه در جایگاه گرداننده پنل و با توجه به علاقه اعضای انجمن پسته به آینده آب در فلات مرکزی و ضرورت توجه به آینده جرقه آغازین پنل را با مفهوم کلمه آینده پژوهشی زد.

وی گفت: «انسان می‌تواند در سرنوشت آینده تأثیرگذار باشد. در این میانه دانشی زاده می‌شود که سعی می‌کند با پیش‌بینی عوامل مؤثر در تغییرات آینده به صورتی دوگانه، هم مهار تغییرات را در دست گیرد و هم جامعه را برای این تغییرات آماده‌کند. آینده‌پژوهی فراتر از پیش‌بینی است و ادعای پیش‌گویی هم ندارد. آینده‌پژوهی هنر شکل دادن به آینده است، به آن شکل که آینده را می‌خواهیم.» محمد حسین کریمی‌پور در خصوص بحث انتقال آب و ضرورت توجه به اقتصاد آن این چنین توضیح داد: «فرض کنید در ایران برای شیرین کردن ۱ مترمکعب آب دریا پای آب شیرین‌کن‌های بزرگ در کنار ساحل تقریباً ۳۵ سنت هزینه می‌شود. اما توجه‌داشته باشید هزینه شیرین کردن آب دریا هزینه تولید آب نیست. بلکه هزینه انتقال آن است. یک عدد خیلی سردستی که باید به آن گران‌سنگانه نگاه کنید. هر ۱۰۰ کیلومتر در یک دشت که تراز باشد؛ اگر انتقال بدهید حدوداً ۵ سنت هزینه دارد. و هر ۱۰۰ متر ارتفاع محاسباتی (ارتفاع دینامیک به علاوه استاتیک) که آب را بالا ببرید، هر متر مکعب ۵ سنت هزینه دارد. بنابراین دم آب شیرین‌کن در بندرعباس مترمکعبی ۲۰۰۰ تومان

آب مثل واردات آب باز هم یک افسانه است. ما کاربران در این قصه نباید بیفیتیم مخصوصاً کرمانی‌ها که به هیچ مرکز آب شیرین قابل انتقالی نزدیک نیستند.

توصیه ی آدمی مثل من مدل مشخصی ندارد. تشکیل تشکل های آب بر و ایجاد حلقه های تخصصی سطح بالا در داخل این تشکل ها برای ایجاد راه حل شروع می شود. کاهش مصرف را هم اگر بخواهند اتفاق بیافتد خودشان باید حاصل کنند. اگر بخواهد اتفاقی بیافتد در این کشور از پکیج هایی مثل بازار آب رخ می دهد و به دستان خود شما! انوش اسفندیاری به تحلیل مسئله آینده پژوهی و روش های دیگری که این در طرح چشم انداز از آنها صحبت می شود اشاره کرد.

موضوع چشم انداز با آینده پژوهی متفاوت است. آینده پژوهی همان طور که در تعریف آن وجود داشت، یعنی آینده ای را با روش شناسی معینی ترسیم کنیم. این آینده می تواند آینده ای باشد که به آن می رسیم یا آینده ای که می خواهیم به آن برسیم. این دو مسئله با هم متفاوت اند. اگر آینده ای که به آن می رسیم را ترسیم کنیم به معنی حفظ وضع موجود است؛ یعنی پیش بینی. ولی اگر در پی آینده ای باشیم که می خواهیم به آن برسیم اصطلاحاً می شود پس نگری و باید براساس ترسیم آن آینده که خواهانش هستیم، گام هایی ترسیم کنیم.

تاکنون چشم اندازهایی که در مورد آب ترسیم شده اند حتی در کشورهای غیر از ایران به روش پیش بینی بوده است آن هم با مفروضاتی در مورد این که پیشرفت تکنولوژی، روابط اقتصادی، ساختار سیاسی نسبت به تغییرات هیچ واکنشی ندارد. روندی را به روش های مهندسی براساس سرانه تولید ناخالص داخلی پیش بینی می کرد و همه این پیش بینی ها نادرست بودند. براساس حرکت جدیدی در اوایل قرن بیستم کار آینده پژوهی از حوزه انرژی آغاز شد. در این حالت شما ابتدا ایده آلی که می خواهید برسید را ترسیم می کنید و براساس آن گام هایتان را تعریف می کنید.

نکته دیگر در بحث آینده پژوهی، موضوع

بهبود کیفیت آب و مخصوصاً مدیریت پسایی که از بهبود کیفیت حاصل می شود هم مسئله کشاورزان خواهد بود و

مسئله آب در ایران دچار پیچیدگی های فراوان است. مسئله کاهش مصرف یعنی باز توزیع یک ثروت، وقتی آب قیمت بخورد در یک حاکمیت گیشه و پوپولیست انقلاب ایجاد می کند. دولت و حاکمیت در عرصه آب هیچ کاری نمی کند. اگر شما می خواهید کاری بکنید، اولاً تشکل آب بران قوی و دوماً داشتن برنامه قوی که بخش مهمی از این برنامه باید مربوط به مدیریت یک موجود مزاحم مداخله گر باشد. خرجش بکنید، رامش بکنید. مواظبتش باشید.

هم کسب و کار رو به افزایش. آب های غیر متعارف؛ آب های لب شور در ایران دارای آینده خوب است. ما حتماً می توانیم منابع شور و تلخمان

پایین ترین قشر جامعه وقتی هزینه اصلاحات را خواهد پرداخت که مطمئن باشد بالاترین رکن متناسب خودش دارد هزینه می کند. آنهایی که بیشتر در ۵۰ سال گذشته بهره مند بودند، بیشترین هزینه اصلاحات را باید پردازند.

را مدیریت کنیم. شیرین کردن، آب را گران نمی کند، انتقال، هزینه آن را بالا می برد. پس در جاهایی که منابع آب شور و تلخ بزرگی داریم ما هم می توانیم مثل کالیفرنیا، مثل نوادا و خیلی جاهای دیگر به مسئله نگاه کنیم. پساب ها تا حد زیادی مدیریت شده اند و پساب قابل توجهی در ایران نیست که مدیریتی نداشته باشد. مسئله انتقال

کریمی پور در بخش دوم صحبت خود تصریح کرد: «حاکمیت بخشی از مشکل است نه راه حل! من این را با شرمندگی عرض می کنم. مقاله حقوق آب در ایران نوشته جناب مهدی آگاه را بخوانید. اصلاً مسئله آب در ایران را حاکمیت ایجاد کرد. دانش ۵ هزار ساله خرد مشترک ماقبل آریایی را با تلاش مجددانهای متلاشی کرد. پای مداخله اش ایستاد، انقلاب هم شد، اما آن تیم آب نابودکن از بین نرفت و هنوز هم پای کار است. آقای چیت چیان مرد شریفی است و در دولت قبل از من خواست که کمک کنم. من به محضر ایشان رفتم. دیدم وزارتخانه جای من نیست. ایشان سه اتاق فکر داشت. یکی از آنها اتاق اقتصاد آب و برق بود. من ۱۴ جلسه در این اتاق فکر شرکت کردم. جناب وزیر سرپرست جلسه بود. شخصیت های سابقه داری هم در این جلسات شرکت می کردند. آنجا فهمیدم مسئله آب و ویرانی ایران از کجاست. ما ۱۴ جلسه سه ساعته شرکت کردیم و اجازه ندادند حتی یک بار بحث قیمت آب و بازار آب مطرح شود. فقط بحث کنترل، تعرفه و بودجه وزارتخانه و این که از کدام بند، حقوق و پاداش و مزایا را بدهند. با آدم های معقولی که در این جلسات شرکت می کردند صحبت کردم، ولی هر بار با این جمع ورود کردیم، بدنه وزارتخانه که مدیران کل آنجا بودند مسئله را پیچاندند. مسئله آب در وزارت نیرو مسئله تأمین حقوق و مزایای کارمندان است و لاغیر.

مسئله آب در ایران دچار پیچیدگی های فراوان است. مسئله کاهش مصرف یعنی باز توزیع یک ثروت، وقتی آب قیمت بخورد در یک حاکمیت پوپولیستی انقلاب ایجاد می کند. دولت و حاکمیت در عرصه آب هیچ کاری نمی کند. اگر شما می خواهید کاری بکنید، اولاً تشکل آب بران قوی و دوماً داشتن برنامه قوی که بخش مهمی از این برنامه باید مربوط به مدیریت یک موجود مزاحم مداخله گر باشد. خرجش بکنید، رامش بکنید و مواظبتش باشید. حسین کریمی پور در تحلیل چشم انداز خود دو ایده و یک توصیه را طرح کرد. «کیفیت آب؛ آب های موجود دائماً شورتر و سخت تر خواهند شد. پس مسئله

که چشم‌انداز آینده چگونه خواهد بود؟ قطعاً این خطی پیش نخواهد رفت باید این مسئله را تخصیص مجدد منابع آبی بنامیم. اینجاست که چشم‌انداز معنی پیدا می‌کند وقتی در سناریوهای مختلف بینیم این کاهش باید به چه شکلی اتفاق بیفتد.»

شهاب عراقی نژاد در تکمیل صحبت‌های سخنرانی‌اش این چنین ادامه داد: «بحث کمبود فعلی ۱,۷ میلیارد متر مکعب آب، کمبودی است که در شرایط فعلی وجود دارد و خیلی راحت در آینده نزدیک به ۳ میلیارد مترمکعب می‌تواند برسد. بدون هیچ تمهیدی، این وضعیت در آینده نزدیکی است. برای کاهش و رسیدن به تعادل بین راه‌های مختلفی که وجود داشته‌است به یک راه‌حلی می‌رسیده‌ایم. حالا درست یا غلط، می‌شود فهرستی از راه‌ها را لیست کرد تا به یادگیری جمعی ما هم کمک کند.

در حال حاضر چند راهکار کلان دارد اجرایی می‌شود. چه با آن موافق باشیم، چه نباشیم. بحث انتقال آب که اگر نگوییم در جهان حرام است، باید بگوییم مکروه است. دوم، بحث آب‌های فسیلی؛ دست گذاشتن روی منابعی که تاکنون به عنوان منبع به آنها نگاه نمی‌کردیم و ظاهراً الان ناچاریم به سراغ برویم. در جاهایی آب‌های نامتعارف به شکل‌های دیگری وجود دارد، در این منطقه من به شکل خاص از آب‌های فسیلی صحبت می‌کنم که تاکنون به لحاظ مالی و منطقی ورود به آنها منطقی نبوده‌است. بحث سوم، کشت فراسرزیمینی؛ به معنای خارج از کشور نیست؛ می‌تواند حتی خارج محدوده یک استان باشد به سمت غرب یا شمال کشور. دلیل تأکید بر این سه راه هم در سطح مدیریتی به خاطر سادگی این راه‌ها در پر کردن خلاء کمبود منبع آب است!

راه سختش همان چیزی است که امیدوارم در این جلسه همفکری بشود به آن رسید؛ کاهش تقاضا، مدیریت تقاضا، استقلال آب از اشتغال است. «علی نظری چهارمین سخنران پنل روز آب بود. وی در ادامه بحث قطب نمای غلط به طرح سوال «آیا ما باغداریم یا پسته کار» پرداخت: «آینده زمانی خلق می‌شود که وقتی خلقت کردیم

شرب، تماماً آب شرب نیست. در کشور ما بخش قابل توجهی از آن مربوط به فضای سبز است. در سطح کلان هم سیاست‌هایی وجود دارد که به شدت بر منابع آب اثر می‌گذارد، مثلاً موضوع

کشوری که باید ۵۰ درصد مصرف فعلیش مصرف کند، به هیچ عنوان قادر نیست توسعه برای آینده تصور کند. بلکه باید در برنامه‌های خود کاهش برداشت را در نظر گیرد.

خودکفایی در کشاورزی. سیاست‌های کشاورزی تأثیر زیادی بر تخصیص منابع آب و نحوه بهره‌برداری از منابع آب کشور دارد. نمونه آن کشور عربستان است که سعی می‌کرد با استخراج آب‌های فسیلی‌اش در گندم خودکفا شود و نتوانست آن را ادامه دهد.

مسئله ما در وارد کردن مسئله پایداری با تمامیت و جامعیت خودش به بحث

مسئله ما در وارد کردن مسئله پایداری با تمامیت و جامعیت خودش به بحث چشم‌انداز است و نه در پاسخ به بعضی سیاست‌های روز. این مسئله که ما فقط سیاست‌های روز را مورد نقد قرار دهیم یا مسخره کنیم کافی نیست.

چشم‌انداز است و نه در پاسخ به بعضی سیاست‌های روز. این مسئله که ما فقط سیاست‌های روز را مورد نقد قرار دهیم یا مسخره کنیم کافی نیست. چرا که وظیفه داریم جامعه را به یادگیری جمعی دعوت کنیم. امیدم این بود که این جلسه وارد یک بحث گروهی شود تا یادگیری جمعی هم اتفاق بیفتد. نقد سیاست‌های موجود فقط دل ما را خنک می‌کند. سوال این پنل است

سناریوهاست. همیشه یک حالت وجود ندارد، اما در طرح مطالعات جامع ما همیشه فقط یک حالت در نظر گرفته می‌شود و با همان یک حالت مسائل را توجیه می‌کنند. البته طرح‌های جامع ما حتی اطلاعات به روز را در خودشان لحاظ نکرده‌اند. همین طرحی که با سال پایه ۸۵، آخرین طرحی است که تهیه شده، حتی افت شدید روان‌آب‌ها در ۱۵ سال گذشته را در خود لحاظ نکرده‌است. بلکه بیلان منابع و مصارف را براساس یک میانگین دراز مدت تحلیل کرده‌است. این طرح جامع، تصویری از سال ۱۴۲۰ به ما داده است. جناب آقای عراقی نژاد هم شمه‌ای از این فعالیت‌ها را در کار خودشان به ما نشان دادند، ولی این حالت سناریویی نداشته‌است. حالتی است که در آن منفعلانه در بخش آب اظهار نظر می‌کنیم.

کشوری که باید ۵۰ درصد مصرف فعلیش مصرف کند، به هیچ عنوان قادر نیست توسعه برای آینده تصور کند. بلکه باید در برنامه‌های خود کاهش برداشت را در نظر گیرد. چطور می‌شود برای این موضوع سناریوی خطی در نظر گرفت؟ سناریوی ساده‌ای نمی‌شود ترسیم کرد. واقعیت از این هم پیچیده‌تر است. حقوق مالکیت ما همین الان هم مغشوش است. چون همه کاهش برداشت‌ها روی گروهی که صدا ندارند، خراب می‌شود.

موضوع بسیار مهمی که در بحث کمبود آب فراموش می‌شود مسئله نابرابری، فقر و تبعیض است. کسانی که توانایی بیشتری دارند به نوعی گلیمشان را از آب می‌کشند. کسانی که در برداشت آب متقدم بودند به علت برداشت از چاه‌های غیر مجاز حبابه‌هایشان مخدوش شده است.

نکته‌ای جناب علی نظری در سخنرانی‌شان ذکر کردند این بود که پس طرف تقاضا چه می‌شود؟ چون همیشه صحبت از تأمین و عرضه آب است. در بخش تقاضا ما دو نوع برخورد داریم. در سطح خرد با افراد؛ در مدیریت مصرف آب در مزرعه و یا خانه. سطوح دیگری مانند سطح میانه و کلان نیز وجود دارند که تأثیرات بیشتری نسبت به سطح اول دارند. برای مثال مصرف سرانه آب شهری که اشتباهاً به آن می‌گویند آب

از همین الان در آن زندگی کنیم، در غیر اینصورت خیالی است که شاید سه ماه بعد هم یادمان برود. شرط زندگی در شرایط فعلی این است که باید قطب نمایمان را عوض کنیم. به نظرم اول باید به این سوال جواب دهیم که ما باغدار هستیم یا پسته‌کار؟ من فکر می‌کنم ما باغدار هستیم یعنی اگر الان پسته جواب می‌دهد، پسته بکاریم و اگر زیتون قرار است جواب بدهد، زیتون بکاریم. ما آدم‌هایی هستیم که از هر مترمکعب آب، پنج، ۶ هزار تومان پول در می‌آوریم. درحالی‌که متوسط کشور کمتر از هزار تومان است. خیلی جا داریم، ولی باز هم از دنیا عقب هستیم. جمع پسته‌کاران ایران واقعاً برنند بسیاری خوبی است. دولت و سیاستمداران می‌توانند به عنوان برنند این گروه را توسعه دهند. بالاخره صنعت چقدر می‌تواند آب مصرف کند؟ در صنعت مسئله آب، موضوع کوچکی است. صنعت نیاز به سرمایه‌گذاری دارد و به دنبال این می‌گردد که پول کجاست؟

هرکاری بخواهیم بکنیم، باید خودمان بکنیم. اگر سیاستمداران می‌خواستند کاری نکنند در این ۵۰ - ۴۰ سال می‌کردند. تازه تا به امروز اشتباه کرده‌اند و قطب نمای غلط هم به دست ما داده‌اند. اگر ما درون خودمان جمع‌های کوچکتري درست بکنیم و سعی کنیم بهره‌وریمان را از آب بالاتر ببریم در همین جمع کسانی هستند که متر مکعبی ۵۰۰ تومان هم برداشت می‌کنند. همه ما می‌توانیم. عمده پرت آب به سمت زیرزمین است؛ من در دنیا بررسی کردم؛ شاخص ۳ دلار بسیار شاخص خوبی است. تا وقتی ما می‌توانیم ۳ دلار پول دریاوریم از آب، همیشه جا برای بقای ما وجود دارد. تنها راه ساختن آینده هم این است که ما خودمان را در جمع‌های کوچک‌تر تقویت کنیم. در رسیدن به این شاخص‌ها به هم کمک کنیم. وقتی به شاخص‌ها رسیدیم آینده‌ای که خواهانش هستیم محقق شده‌است.» محمد فاضلی آخرین سخنران پنل آب سه راهکار مقدماتی را برای حل مسئله آب بیان کرد. یک، باید طرح مسئله را به بحث بگذاریم و در موردش تصمیمات

سخت بگیریم. سیستم تا همین الان هم از طرح مسئله فرار کرده‌است. دو، باید

گفته می‌شود دولت درگیر ۴ هزار میلیارد است که ۴۰ هزار تا پروژه‌اش را راه بیناندازد. بعد یک آدم‌هایی به راحتی می‌آیند به شما می‌گویند که این پروژه ۴۰ هزار میلیارد تومان است و می‌خواهند برای ۱۷ استان آب بکشند.

بین دولت و بخش خصوصی کار مشترک انجام گیرد. من ارجاع می‌دهم به کار پیتر اونس که سه کشور برزیل، هند و کره جنوبی را مقایسه کرده‌است. در این کتاب ادعا می‌شود که کره جنوبی برای این در صنایع الکترونیک موفق بود که دولت کره جنوبی بین خودش و بخش خصوصی کار مشترک تعریف کرد. باید سر یک طرح توافق

اگر ما درون خودمان جمع‌های کوچکتري درست بکنیم و سعی کنیم بهره‌وریمان را از آب بالاتر ببریم در همین جمع کسانی هستند که متر مکعبی ۵۰۰ تومان هم برداشت می‌کنند. همه ما می‌توانیم.

کنیم. من همیشه این مثال را می‌زنم که فکر کنید خانواده‌ای بود که بابا درآمد خوبی داشته، خانم پاریس خرید می‌کرده است، بچه مدرسه غیر انتفاعی می‌رفته و کمتر از آدیداس دو میلیون تومانی نمی‌پوشیده و همه چیز درست بوده‌است. حالا یک دفعه بابا ورشکست شده، بهترین کاری که می‌تواند بکند این است که خانواده را جمع کند و بگوید من خودم بنزم را می‌فروشم با یک پژو پرشیا می‌روم. خانم شما امسال پاریس نرو، تا همین دبی بیشتر نمی‌خواهد بروی. بچه هم

یک کم ارزان‌تر بپوشد. موضوع اصلی این است که بابا اول به خودش سخت می‌گیرد. اول کار شیرخشک آن بچه کوچکتري را قطع نمی‌کند که بگوید حالا شیرخشک نخور، نان خشک بخور! دولت ما در مسائل مختلف آب، منابع مالی‌اش، عرصه سیاست خارجیش چنین وضعیتی پیدا کرده‌است. در کشور ما هنوز دولت، حاکمیت و مردم نیامده‌اند بگویند مسئله این است و بعد با آن مثال بابا قبول کند بنزش را کنار بگذارد، به جای آنکه از شیرخشک آن بچه‌ی کوچک شروع کند.

«اقتصاد سیاسی اصلاحات از آن جایی شروع می‌شود که بپرسیم چه کسی، چه قدر هزینه برای اصلاحات می‌دهد. ما الان در مرحله پیشا گفتگو هستیم. مسئله این نیست که من راه حل‌های تکنیکال را نمی‌دانم. ما الان ۱۳۰ صفحه متن نوشتیم در مورد راهکارهای جلب مشارکت ذی نفعان در مسئله آب، ولی اول باید بپذیریم می‌خواهیم این را در دستور کار بگذاریم. یعنی شما حاضرید هزینه اصلاحات را بپردازید. چون گاهی آدم‌ها صحبت که می‌کنند گویی در مورد سوئیس حرف می‌زنند. جناب دکتر نیلی در مورد ابرچالش‌ها صحبت می‌کنند آیا اصلاً ابرچالش‌ها پذیرفته شده‌اند. اگر برویم اول خط بایستیم و بخواهیم برسیم به آنچه وزارت نیرو می‌گوید یعنی ۶۰ میلیارد مترمکعب، حتی با این عدد باید ۳۰ میلیارد متر مکعب کاهش دهیم. اگر فقط همین

۲۳ را بپذیرفتیم آن وقت جامعه‌شناسان و هیدرولوژیست‌ها را جمع می‌کنیم. ما الان در مرحله‌ای که به سه معضل دچاریم؛ یک، فهم مشترکی از مسئله نداریم. دو، لزوم اصلاحات را نپذیرفتیم. سه، عده‌ای کماکان به کارشناسان کشور بی‌اعتمادند. هنوز مسئولین دولتی وجود دارند که وقتی بهشان می‌گویم آب نیست فکر می‌کنند، می‌خواهیم کلاه سرشان بگذاریم. هنوز سر اعداد به توافق نرسیدیم. دولت مدرن از سنجش شروع می‌شود. ما هنوز دولت مدرن نیستیم. سرمسئله به توافق نرسیدیم، قواعد را نپذیرفته ایم. عرصه باز است برای ژول ورن‌ها. کل دنیای مدرن کلی نویسنده داشته است ولی از آن دنیای مدرن فقط دو دسته نویسنده

قاعده حل صحبت کنیم. من می گویم قاعده حل از تقسیم هزینه می آید. ما باید بالاترین کاهش مصرف تاریخ را در یک کشور انجام دهیم. بعد شتر سواری دولا دولا نمی شود. براساس ماده ۳۱ و ۳۲ برنامه ششم توسعه باید در گندم خودکفا شویم. کاش فقط در گندم بود. می خواهیم در دانه های روغنی، چغندر قند، نیشکر حتی یونجه خودکفا شویم. هیچ اصلاحی هم در مصرف گوشت نمی خواهیم انجام دهیم. داستان عجیبی است.»

آب هم به همین شکل است. این پروژه های انتقال آب ۳۰ هزار میلیارد تومانی کسانی در دستور کار می گذارند که از محل ساختن سدها و سازه ها بیشترین انتفاع را برده اند.

می گویند زمانی یک مسئله بدخیم، سوپر بدخیم می شود که شما حل آن را به دست کسی می سپارید که خودش مسئله را ایجاد کرده است. به نظر من قبل از این که رو به آینده تکنیکال نگاه کنیم باید اجتماعی نگاه کنیم. یعنی قبل این که به راه حل برسیم باید در مورد

به ما به ارث رسیده است؛ دن کیشوت و ژول ورن.

شما نمی توانید اصلاح را از پایین ترین شروع کنید. به علاوه، پایین ترین قشر جامعه، وقتی هزینه اصلاحات را خواهد پرداخت که مطمئن باشد بالاترین متناسب خودش دارد هزینه می کند. آنهایی که بیشتر در ۵۰ سال گذشته بهره مند بودند بیشترین هزینه اصلاحات را باید بپردازند. شما نمی توانید ادعا کنید که می توان از کمترین برخورداران باید بیشترین هزینه را گرفت. وضعیت



پرسش و پاسخ پنل روز آب

نماینده‌ها می‌توانند در مجلس لابی کنند، بدون اینکه یک خط به شما توضیح دهند. بندهای اقتصادی طرحان را در بیاورند و بنذارند به گردنتان.

جناب آقای ابطحی، من به هیچ عنوان نمی‌گویم دولت مسئول نیست. دولت مسئول اول مشکلات و مسئول اول حل آن است. آیا به تنهایی می‌تواند؟ غیر ممکن است. تاریخ نشان می‌دهد دولت بدون بخش خصوصی هیچ‌کار مهمی نکرده‌است. روس‌ها تهنش بودند؛ رفتند و شکست خوردند. چینی‌ها دست از بازیشان برداشتند. پس من از دولت سلب مسئولیت نمی‌کنم. اگر در مورد خودم هم چیزی می‌گویم برای آن است که من هیچ‌گاه در زندگیم در وزارت نیرو نبوده‌ام و به اندازه یک خط تصمیم در مورد آب نگرفته‌ام. ولی این معنیش این نیست که وزارت نیرو مسئولیتی ندارد. نکته آخر، آیا دولت در ایران یکپارچه است؟ نه. شما در دولت موجوداتی می‌بینید مثل من. گاهی عجیب‌تر از من. گاهی ۱۸۰ درجه با ما متفاوت‌اند. آنها هم خیلی عجیب هستند. در ایران بدین شکل نیست که یک حزبی آمده باشد دولت را گرفته‌باشد و یک حزب برنامه خاصی در حوزه آب یا سیاست خارجه دارد. دولت ایران موجودی است با چهره‌های متفاوت و آدم‌های متفاوت.

محمدباقر شیخ الاسلامی -

ما با این شیوه صحبت در پنل در نهایت به جایی نمی‌رسیم. باید روش‌هایی قابل دسترسی که تاکنون



روی آن کار شده بحث کنیم؛ مثلاً روش‌های مشارکت جوامع محلی، مدیریت مشارکتی منابع آب، بازچرخانی آب، تغییر سبد غذای خانوار ارائه شود و مورد بحث باشد و ما فقط روی موضوع تولید آب بحث نکنیم. پیشنهاد می‌کنم همه راه‌حل‌ها لیست شود تا بتوانیم بگوییم چه راه‌حل‌هایی وجود دارد و نقش هر کدام چند درصد است تا آخر کار به نتیجه مشخصی برسیم. امروز مشک آب‌ی داریم که سوراخ است؛ به جایی اینکه سوراخ را پر کنیم، مدام با

هم می‌شود. **سید محمود ابطحی -**

درست است که آقای فاضلی می‌فرمایند جدیداً به وزارتخانه رفته‌اند. چطور می‌شود که ما به عنوان دولت، خودمان



طرح می‌دهیم؛ خودمان بودجه می‌دهیم؛ بعد خودمان می‌نشینیم از خودمان انتقاد می‌کنیم و ما هم برای ایشان کف می‌زنیم؟ وقتی کار را به جایی رسانده‌اید که بن‌بست است و بعد آمده‌اید می‌گویید دولت نمی‌تواند کاری کند، خودتان یک کاری بکنید! این درست شدنی نیست. من فکر می‌کنم ته ذهن دولتی‌ها این است که کسانی هم که الان آب دارند، استفاده نکنند و بشوند مثل بقیه. اگر شما دولتی‌ها انتقاد دارید ما هم انتقاد داریم. این تصمیمات را ما در جایگاه بخش خصوصی که نگرفته‌ایم، شما دولتی‌ها گرفتید؛ حالا چطور حل آن را به بخش خصوصی محول می‌کنید؟

محمد فاضلی - دولت کماکان مسئول‌ترین بخش است. وقتی از مثال پدر خانواده استفاده کردم که بنزش را می‌فروشد، منظورم دقیقاً این بود که دولت مسئول اصلی است. اوست که باید کیفیت حکمرانی‌اش را بالا ببرد. اوست که باید حلقه را بگشاید تا بقیه وارد شوند. اگر کره جنوبی، هند و برزیل توانسته‌اند به خاطر کیفیت حکمرانی در این کشورهاست. مدتی پیش کتاب نظم و زوال دموکراسی فوکویاما منتشر شد. همه حرف کتاب این است که بروکراسی مقدم بر دموکراسی است. این کتاب می‌گوید کشورهای موفق شده‌اند که اول یک بروکراسی باکیفیت و قدرتمند داشتند و بعد دموکرات شدند.

ما برعکس یک دموکراسی به معنی انتخاب نماینده داریم. که این نماینده می‌تواند در هفته ۳۰ ساعت وقت یک وزیر را نابود کند. یعنی یک وزیر می‌تواند در نهایت کارشناسی یک تصمیم بگیرد و یک نماینده همه آن را نابود کند. یعنی شما می‌توانید بهترین برنامه و بودجه را بنویسید (البته الان که بهترین نوشته نمی‌شود. یک چیز عجیبی می‌نویسند)

پس از برگزاری پنل روز آب، شرکت‌کنندگان در گردهمایی به طرح سوال پرداختند. در ادامه مشروح سوالات مطرح شده، گفتگوی اعضای انجمن و پاسخ‌هایی که اعضا پنل به آنها داده‌اند، ذکر شده‌است. درحالی‌که به برخی از سوال‌ها، چندین پاسخ داده شده است در بعضی موارد به سوال یا گفتگویی پاسخی داده نشده، اما از آنجایی که به نوعی طرح موضوع محسوب می‌شوند، تصمیم گرفتیم این گفتگوها را نیز منتشر نماییم.

محمود رضا مهدوی

اناری - دوستان همه مشکلات را فرمودید. ما تولیدکنندگان پسته هستیم. بحث صنعت پسته، بحث اسراف



آب نیست ما بالاترین ارزآوری را داریم. اسراف‌کنندگان کسان دیگری هستند. بحث اینجاست که ما اولین کسانی هستیم که با این مسئله برخورد کرده‌ایم به خاطر طبیعت کویری مناطق پسته‌خیز ایران. علی‌الخصوص در شهرستان رفسنجان و استان کرمان که پیش‌کسوت هستند این مسئله بیشتر به چشم می‌آید. همیشه اول پسته‌ای‌ها به مسائل برمی‌خورند، حل می‌کنند و بعد سایر استان‌ها آمده‌اند و الگوبرداری کرده‌اند و کار بهتری هم انجام دادند. مشکل شما این است که با آمارهای تولید پسته در چهار، پنج سال اخیر کار می‌کنید. همین سال‌هایی که ما به بحران برخورد کرده‌ایم. بحران عالی است، چالش برمی‌انگیزد و انسان را به تکاپو واهی دارد تا مشکل را حل کند. ما اخیراً هم به مشکل بی‌آبی و بدآبی برخورد کرده‌ایم. ما پیگیر راه‌حل‌هایی بوده‌ایم که مشکلاتمان را حل کنیم. خود من با شوری آب ۱۴ هزار، بین ۱،۵ تا ۲ تن برداشت پسته داشته‌ام. آن هم از طریق روش مقابله با شوری. اگر به چالش کشیده نشده بودیم، رشد خوبی داشتیم؟ منظور من این است که ما باغداران هم تلاشمان را می‌کنیم و اگر به هم کمک کنیم وضعیتمان بهتر

نمی‌انجامد.

محمد طاهری - من از آقایان نظری و کریمی‌پور سوال دارم. جناب کریمی‌پور، من فکر می‌کنم در چندین سال گذشته، پول نفت خرج محبوبیت سیاستمداران شده است. آیا این امکان وجود دارد که از این پس آب جایگزین آن شود و پوپولیستی در بستر مسائل آبی شکل بگیرد؟ چون نشانه‌هایش را می‌بینیم.



جناب آقای نظری اگر این اصلاحات انجام شود و ما فرض را بر این بگیریم که بزرگ‌ترین صرفه‌جویی تاریخ را داشته‌باشیم، متضررین را در چند حلقه می‌شود تقسیم کرد؟ از این جهت می‌پرسم چون فکر می‌کنم حاکمیت صدای شما را نمی‌شنود. از آن جهت که فکر می‌کند شما آدم‌های پولداری هستید که مسئله آب اندکی شما را متضرر کرده‌است. ولی از سوی دیگر آب در کرمان ممکن است مسئله امنیتی هم بشود. آثار اجتماعی و سیاسی هم داشته‌باشد. وقتی یک تشکلی مثل تشکل پسته ایران در طرح یک نگرانی پیش‌قدم می‌شود، چون یک تشکل اقتصادی است، معمولاً حاکمیت این پیام را نشنیده می‌گیرد.

محمدحسین کریمی‌پور - وقتی جمعیت بشر پنج، شش نفر شد و خود فرد یا خانواده نتوانست مکانیزم مناسبی برای حل مسائلی باشد، رفت به سراغ حکومت. حکومت جزو مقوم حاکمیت بشر است. تذکر من شامل این مقدمه است که تا مجلس همین است که می‌بینیم. ترکیب دولت‌ها همین است. این اختلال معنی‌دار در حکومت سه قوه‌ای وجود دارد. توصیه من به دوستان این است که حاکمیت جایش خالی است و باید با درد سعی کنیم این جای خالی را ترمیم کنیم. برای همین آقایان اگر بخواهند اوضاعشان بهتر شود باید بیشتر به خودشان تکیه کنند. از دولت هم باید اجازه بگیرند و مقدمات این اجازه را هر طور که دولت گفت فراهم کنند.

ولی یک نکته مهم، از دهه ۴۰ این ریخت و پاش‌ها شروع شده است. دولت با رویکرد پوپولیستی در قبل و

امیرعلی هنری - شما

اینجا از مصرف آب با یک نرخ بی‌رویه صحبت کردید تا مگا پروژه‌ها برای انتقال آب. از نرخ بهره‌وری صحبت کردید تا ارزش افزوده. چرا اینجا از نرخ واقعی آب براساس عرضه و تقاضا صحبت نشده‌است؟ قیمت واقعی آب بدون سوپسید چقدر است؟ چون آدم‌ها خودشان را با این نرخ تطبیق می‌دهند و از هدر رفت آب جلوگیری می‌شود.



علی نظری - وقتی باید از قیمت حرف بزنیم که امکان خرید و فروش وجود داشته‌باشد. وقتی طبق قوانین حاکم خرید و فروش ممکن نیست، قیمت چه فایده دارد. بر طبق قوانین کشور اگر شما در زمین خود چاه زدید حق ندارید به زمین کناریتان آب دهید؛ چون معامله رسمی صورت نمی‌گیرد عملاً بازاری شکل نمی‌گیرد. اگر خرید و فروشی صورت نگیرد، قیمت معنی ندارد. الان بحث بر سر همین است که دولت قوانینش را حذف کند تا امکان خرید و فروش آب فراهم شود.

فرهاد آگاه - با توجه به بحث‌های متعددی که در جلسات گوناگون شد. این نتیجه حاصل شد که شاید قیمت آب عامل بازدارنده‌ای برای برداشت آب نباشد. یعنی دو مقوله جدا از هم هستند. کنترل اضافه برداشت و ایجاد بازار آب با قیمت پیدا کردن آب در تئوری مقوله‌های مجزایی هستند.

محمد فاضلی - در مرداد ماه ۹۵ آقای چیت‌چیان آیین‌نامه بازار آب را ابلاغ کرده‌اند، از ماه مهر هم شورای هماهنگیش را تشکیل داده‌اند. یکی، دو پایلوت را هم می‌خواهند انجام دهند. بازار آب هسته اولیه‌اش شکل گرفته‌است؛ حتماً نواقصی هم دارد. نکته دوم، آب کالایی است که غیر از ارزش اقتصادی، ارزش حیاتی، محیط زیستی، حقوق بشری هم دارد؛ یعنی صرفاً قیمت‌گذاری اقتصادی نمی‌شود. همه کشورها برای آب ملاحظات امنیتی هم دارند؛ مانند تجربه شیلی یا استرالیا، از شیلی آزادتر در قیمت‌گذاری آب نداریم، اما آنها هم ملاحظات در این باره دارند. و الزاماً قیمت‌گذاری آب به پایدارسازی

سختی و بدبختی آب می‌آوریم و پرش می‌کنیم، ولی جلوی سوراخ را نمی‌گیریم. باید به این جواب برسیم که این سوراخ را چگونه می‌توان گرفت؟ **فرهاد آگاه** - دوسال پیش که مزاحم جناب آقای دکتر آشنا و آقای دائمی مشاور وزیر نیرو بودیم، بحث بازار آب را مطرح کردیم و از آن موقع تا الان داریم دنبال آن ایده می‌رویم؛ چون این بچه هنوز در نوزادی به سر می‌برد و نتوانسته‌ایم بزرگش کنیم. جرأت این که مشق دیگری جلوی خودمان بگذاریم را هم نداریم. ولی من به همکاران انجمن می‌گویم پیشنهاداتی که مطرح شده را لیست کنند تا در جلسات آینده بتوانیم روی آنها کار کنیم.

محمد شهینوازی - طرف



حساب ما جناب دکتر فاضلی است. به ۵۲ سال قبل برمی‌گردم؛ زمانی که بندرعباس و سیستان و بلوچستان زیر نظر حاکمان کرمان بودند. نماینده مجلسی بود که می‌خواست در خاش کارخانه چغندر قند بزند و چغندر قند بکارد. آن زمان در خاش به عمق ۱۰ متری به آب می‌رسیدیم. این نماینده با آقای علم دست داشت و همه کارهایش را کرد، اما یک نفر مرد و مردانه ایستاد و گفت کرمان و سیستان و بلوچستان مال کشاورزی نیست. آب خوردن ندارید و فردا از تشنگی می‌میرید. هرکاری که نماینده مجلس کرد، اجازه نداد. ۵۰ سال از آن تاریخ گذشته‌است، مردان دولتی ما را با ندانم‌کاری‌هایشان تا لب پرتگاه برده‌اند و حالا آمده‌اند برای ما نقشه می‌کشند. شما تا الان کجا بودید؟! جناب‌عالی باید مثل آن مرد کرمانی که اجازه نداد آقای سرگرد خداداد ریگی ۴ حلقه چاه بزند و چغندر قند بکارد، جلوی وزیرت بایستی. مشاوره درست بدهی و از هیچ کس هم نترس. از خدا بترس و بس. مرد و مردانه برو جلو. به خدا چاهی که ما روزی زدیم ۱۰ متری به آب می‌رسیدیم الان ۴۸ متری به آب می‌رسیم. کشاورزی را تعطیل کنید، ولی پسته را تعطیل نکنید پسته آب نمی‌خواهد.

بعد از انقلاب تا توانسته با آب بذل و بخشش کرده‌است.

علی نظری - دیدگاه من متفاوت است. حاکمیت در هیچ حالتی گوش شنوایی برای این مسئله ندارد. ربطی به پایگاه اقتصادی ما هم ندارد. من از این وضعیت ناامیدم. قصد پیام‌رسانی ندارم، فکر هم نمی‌کنم در انجمن در این پیام‌رسانی موفق عمل کرده‌باشیم. ما هر قدر زور بزنیم گلیم خودمان را از آب بکشیم. من به عنوان یک باغدار در انجمن پسته ایران، کلاً هیچ وقت نگاهی به حاکمیت نداشتم. فکر هم می‌کنم دنبال حاکمیت رفتن و بحث کردن با آن برای این که متوجه موضوع شود وقت تلف کردن است. مسئله دیگر این است که من فکر می‌کنم کرم در داخل خود میوه است، همین که بهره‌وری ما پایین است، این را نشان می‌دهد. در مقابل حاکمیت هم هر جا که به ما راه ورودی بدهد جلو می‌رویم، مثلاً در مورد بازار آب واقعاً جدی فعالیت کرده‌ایم و به تفاهم‌های خوبی هم با وزارت نیرو رسیده‌ایم. ولی دقیقاً این اتفاق از زمانی افتاده که وزارت نیرو شروع کرده و همراه شده‌است. قبلاً هر چه تلاش می‌کردیم، حاکمیت گوش نمی‌داد.

موسی غنی نژاد -

هر چه سن من بالاتر می‌رود تحمل‌م از دولتی‌ها و کسانی که از دولت دفاع می‌کنند کمتر می‌شود. وقتی از اقتصاد حرف می‌زنند انگار که روی اعصاب من راه می‌روند. جناب فاضلی از کتابی حرف زدند که فکوپاما در آن گفته بروکراسی مقدم بر دموکراسی است. کدام بروکراسی؟! کدام دموکراسی؟! ما باید در جای خود حرف بزنیم. در زمان و مکان حرف بزنیم.

بزرگان علم اقتصاد در مورد دولت می‌گویند «شر لازم» و من عمیقاً به این گزاره اعتقاد دارم. دولت را باید محدود کرد و دست و پایش را قیچی کرد. در کره جنوبی، دولت به تنهایی کارها را نمی‌کند. دولت در خدمت مردم کار می‌کند. ما چنین بروکراسی در کشور داریم؟ دولت در ایران مشکل است، نه بخشی از راه حل. یعنی بروکراسی که در کشور



داریم بدین شکل است که یک شخصی که ۱۶ سال در حال تخریب محیط زیست بوده، الان مسئول محیط زیست شده‌است. به او می‌گویند هوای تهران آلوده‌است و همه دارند می‌میرند؛ این مدیر تحصیل کرده در آمریکا و با سابقه می‌فرمایند: «فعلاً که کاری نمی‌شود کرد. دعا کنید باد بیاید.» بروکراسی که می‌خواهد مسائل ما را با باد حل کند، چه نیازی به آن داریم؟ فکر می‌کنید مردم برای چه عصبانی شده‌اند و ریختند به خیابان؟ ما می‌خواهیم اینها مسائل ما را حل کنند؟ شما امیدوارید مدیرانی که ۴۰ سال است که کشور را نابود کرده‌اند مسائل را حل کنند؟ این نهایت یک خوش‌بینی ساده‌لوحانه است. باید یک فکر اساسی کرد. همین آقای کلانتری در زمانی که تصدی وزارت کشاورزی را داشتند، هر موقع با ایشان مصاحبه می‌شد از مقام اپوزیسیون با رسانه صحبت می‌کردند. الان هم همین طوری است. مسئولان دولتی هر جا که می‌نشینند در جایگاه اپوزیسیون حاضر می‌شوند. این طور که نمی‌شود مسائل را حل کرد. آنکه مسئولیت پذیرفته باید پاسخگو باشد. هیچ وقت هم به اشتباه خود در این جایگاه اعتراف نمی‌کنند.

در هر جایی بخواهید در مورد اقتصاد حرف بزنید، باید یک بینش اقتصادی داشته‌باشید. بینش اقتصادی می‌گوید هیچ بحثی نیست که در آن بحث بازار و قیمت نباشد. کسی که در مورد اقتصاد حرف بزند و راجع بازار و قیمت حرف نزند یا نادان است یا حقه باز. متأسفانه نادان‌ها و حقه‌بازها در دولت ما زیاد هستند. شما نمی‌توانید بگویید ما مشکل آب داریم و مسئله قیمت آب نداریم. در انگلستان با وجود آب فراوان قیمت آب بسیار بالاست و با آب به عنوان یک کالای قیمتی برخورد می‌کنند.

انوش اسفندیاری - به نظر من در مورد چشم‌انداز به نقطه خوبی رسیدیم و بحث در مورد نقش دولت، بخش خصوصی و ارتباط بین این دو گروه است. به طور کلی سه نوع روش برای حکمرانی در دنیا شناخته شده‌است: (۱) روش اقتصادی که در درونش بازار را دارد. (۲) روش بروکراسی که در آن سلسله

مراتب، دستور و کنترل قرار دارد. (۳) روش شبکه حاصل از ارتباط غیر بروکراسی که در آن نهاد مدنی و اجتماعی نقش پررنگی دارند.

حتی در زمانی که دولت مدرن به وجود نیامده بود، مثلاً در دوره قاجار حکمرانی و روابط این چنینی وجود داشته است. ما نمی‌توانیم فقط با یک مکانیزم جامعه را اداره کنیم. حتی در جامعه‌ای که خیلی وابسته به ساز و کارهای اقتصادی و بازار است. باید حضور دو شکل دیگر دیده شود. بنابراین موجود خیالی را تصور نکنید که اصلاً به دو شکل دیگر توجهی ندارد. سوال بعد در مورد جابه جایی قدرت در هر کدام از پایگاه‌ها است که بتواند ساختار سیاسی مناسب‌تری را به وجود بیاورد. بحث اساسی مشکل آب در دنیا، بحث سیاست‌ورزی پدیده آب است، ولی به جای آن مسائل تکنیکی به سرعت مطرح می‌شود و مورد اول مغفول می‌ماند، مثلاً بهره‌وری و تغییر الگوی کشت.

اگر بخواهد تحولی اتفاق بیفتد و هزینه‌ها پایین بیاید باید یک ائتلاف، سازش و کنترل قدرت، تفاهم، گفت‌وگو و ارتباطات متقابل همراه باشد. این که جامعه محلی قوی شود و بتواند ارتباطات بهتری با دولت داشته‌باشد و از موضع قوی‌تری صحبت بکند در آن شکی نیست. انجمن ملی پسته هم به طور نسبی همین کارکرد را دارد.

اما بروکراسی مورد توجه آقای فاضلی، بروکراسی اصلاح شده‌است. خیلی از مراجع الان معتقدند دولت باید مسئولیت اصلی را بپذیرد و باید این بروکراسی را اصلاح کند. بنابراین ما باید به راه‌حل‌هایی برسیم که هم بتوانیم افراد دولتی را در جمع خودمان داشته‌باشیم و به این شکل یک نفر را تحت فشار قرار دهیم. از نهادهای مدنی هم همراهانی داشته باشیم. بخش خصوصی به تنهایی نمی‌تواند مسائلی را حل و فصل کند. باید بپذیرد همپای استراتژیکش برای حل مسائلی نهادی اجتماعی هستند. دیدگاه پیشنهادی من، رابطه آشتی و بُرد بُرد است. متوجه باشیم که نمی‌شود یکی را حذف کرد.

محمد فاضلی - من فکر می‌کنم دقیق حرف زدم. در ابتدا صحبت من در

آن است که در مورد بروکرسی حرف بزنیم که کیفیت دارد. بروکرسی فعلی جز ناتوانی چیزی از آن بیرون نخواهد آمد. اما حرف آخر من این است بعد از ۲۰ سال که در جامعه شناسی بوده‌ام. همیشه بروکرسی‌ها را یک ائتلاف از اصلاح‌طلبان که فراتر از منافع فردی خودشان و فراتر از رویکردهای پوپولیستی را مشاهده کرده‌اند، اصلاح کردند.

محمدحسین کریمی پور - با همه این اوصاف ما یک کشور هستیم و یک حاکمیت داریم. امسال حضور آقای فاضلی که یک جامعه‌شناس حرفه‌ای و یک انسان خوب و میهن‌پرست است برای همه مغتنم است. بالاخره ما یک شر لازمی به نام دولت داریم. این شر ما هم خیلی شر است، ولی بالاخره لازم است. خدای ناکرده اگر جنگ هم شود ما پای ایران می‌ایستیم، با همه گلایه‌هایی که از آنها داریم. همان طور که بچه‌هایمان را پای پرچم ایران نگه‌می‌داریم. امروز از امثال آقای فاضلی متشکر هستیم که در این برهوت تیره و تاریک حاکمیتی ما شعله‌های کوچکی هستند و ما به این شعله‌ها امیدواریم.

قوانین دیگری مثل سیاست خارجه، ساختار نهادهای، رویکرد حکومت، کیفیت نیروی انسانی هم مهم هستند. در مورد خودم باید بگویم من پذیرفته‌ام که بیایم در یک مجموعه‌ای که منتقد اصلیش بودم. تهیه‌کننده فیلم مادرکشی بزرگترین فیلم نقد ساختار آب در ایران بودم، البته این ساختارها دستاوردهایی هم داشته‌اند. وزارت نیرو و جهاد کشاورزی در یک بستری کار کرده‌اند. شما نمی‌توانید صفر و یکی نگاه کنید و بگویید کلش اشتباه بوده‌است. حتماً اشتباهاتش بزرگ‌تر از دستاوردهایش بوده که الان سرانجامش که می‌بینیم این است. در نهایت چند کار می‌شود کرد؛ بنزید زیرش، قهر کنید و بروید خارج. بمانید اگر توان مالیش را داشته باشید، کار کنید، می‌ایستید و خون دل می‌خورید. خیلی از کسانی که الان دارند در دولت کار می‌کنند آبرویشان را گذاشته‌اند و آمده‌اند. یک زمانی می‌نشند بیرون و به فلان پروژه انتقال آب فحش می‌دهید. یک زمانی هم می‌روید در جلسه‌ای که رئیس‌تان بالای سرتان ایستاده و همه چیزتان را تهدید می‌کند، می‌ایستید، استدلال و مخالفت می‌کنید. من می‌گویم اولویت

مورد قیمت‌ها و یارانه آب و انرژی بود. دقیقاً سوال همین بود که اگر قیمت بگذاریم باز هم همین جداول درمی‌آید و ما همین نتایج را می‌گیریم؟

۱- من در همه متون رسانه‌ای عمومی و تخصصی که نوشته‌ام از قیمت و قیمت‌گذاری دفاع کردم.

۲- عبارت کیفیت حکومت در بحث بروکرسی بسیار مهم است. دانشگاه گوتنبرگ سوئد بخشی دارد به نام مرکز کیفیت حکمرانی. من از آن مجموعه یک جلد را ترجمه کرده‌ام به نام «دام‌های اجتماعی و مسئله اعتماد» همه انگیزه‌ام برای ترجمه آن کتاب این بود که بگویم باید کیفیت حکمرانی ارتقا یابد. اگر از من می‌پرسید این بروکرسی می‌خواهد مسئله‌تان را حل کند؟ نه، آقای دکتر غنی نژاد؛ با این بروکرسی غیر ممکن است. آیا بدون بروکرسی می‌شود مسئله‌ای را حل کرد؟ حداقل من به عنوان یک جامعه‌شناس که رساله دکتری‌ام را در مورد کره جنوبی نوشتم؛ یافته‌های من می‌گوید دولت و بخش خصوصی در کره با هم توانستند.

جمع‌بندی من این است، کیفیت حکمرانی، مشارکت بخش خصوصی و دولتی، قیمت‌گذاری نه به تنهایی بلکه



در نشست عصر گاهی گردهمایی انجمن پسته ایران بررسی شد:

مدیریت شوری در باغ های پسته



یکی از نشست های خارج از برنامه های که در روز دوم گردهمایی کیش به درخواست اعضای علاقمند برگزار شد به بررسی مشکلات باغداری اختصاص داشت. در بخشی از این نشست به بحث و تبادل نظر پیرامون شوری پرداخته شد. مراد مرتاض تحصیل کرده دانشگاه دیویس کالیفرنیا یکی از افرادی بود که مطالبی را ارائه نمود. در ادامه اهم گفتگوها آورده شده است.

مراد مرتاض در خصوص آثار شوری بر درختان پسته گفت: «آنچه باعث می شود شوری خاک روی گیاه تأثیر منفی بگذارد؛ وجود یون های مثبت، کلسیم، سدیم و منیزیم و یون های منفی کلر و بی کربنات است. این یون های موجود در خاک، تشکیل دهنده اکثر مواد شوری خاک هستند.

معمولاً در گیاه پسته با توجه به تحقیقاتی که انجام شده، سدیم عامل اصلی ضرر به گیاه و به ساختمان خاک است. تحقیقات انجام شده در زمینه شوری در رابطه با پسته، با این هدف بوده که چگونه می توانیم سدیم خاک را کاهش دهیم یا جذب سدیم را برای گیاه کاهش دهیم.

برای اینکه بخواهیم درباه سدیم در خاک صحبت کنیم، یک واحد اندازه گیری تعریف شده به نام نسبت جذب سدیم (SAR). قاعدتاً ما مقدار سدیم در خاک یا آب را اندازه گیری می کنیم و متوجه می شویم که چقدر سدیم داریم. اگر میزان سدیم از استانداردمان بیشتر باشد پس مشکل داریم. اما موضوع به این سادگی نیست؛ مشخص شده است جاهایی که در آب آبیاری سدیم زیادی وجود دارد و در مقابلش کلسیم هم داخل آب آبیاری باشد، خیلی از گیاهان می توانند نسبت به سدیم مقاوم تر باشند. به عبارتی کلسیم باعث می شود که ریشه ها بتوانند سدیم را فیلتر کنند و اجازه ندهند سدیم همراه با آبی که جذب ریشه می شود وارد گیاه گردد.

در نسبت جذب سدیم، نسبت سدیم به کلسیم و منیزیم سنجیده می شود. معمولاً در اکثر تحقیقاتی که روی شوری انجام شده، کلسیم و سدیم را مقایسه کرده اند، چون معمولاً منیزیم خیلی مشکل کمتری پیش می آورد. با وجود کلسیم، معمولاً منیزیم هم به مقدار خیلی زیادی مشکلش حل می شود. در کالیفرنیا از ما خواستند که ببینیم چه

مقدار کلسیم برای آبیاری لازم است، بنابراین ما بررسی کردیم که نسبت های مختلف سدیم به کلسیم در آبیاری چه تأثیری روی درختان دارد. طبق تحقیقات ما روی پایه یو سی بی وان (UCB1) که نسبت به شوری مقاوم است، بهترین میزان سدیم و کلسیمی که باعث کاهش محصول نمی شود، نسبت ۲ به ۱ است. یعنی دو قسمت سدیم و یک قسمت کلسیم.

در کالیفرنیا برای مدیریت سدیم در خاک، به جای اینکه گچ را آخر هر سال به خاک اضافه کنند، در هر آبیاری از افزودن گچ به آب آبیاری استفاده می کنند. مشکلی که در ایران وجود دارد این است که گچ را فرآوری و آماده مصرف در کشاورزی نمی کنند. در کالیفرنیا گچ مخصوص کشاورزی وجود دارد. گچ را از معادن گچ می گیرند، فرآوری می کنند و به صورتی درمی آورند که در داخل سیستم تحت فشار باعث گرفتگی نشود و مشکلی پیش نیاید.

علی نظری در خصوص استفاده از گچ توضیح داد: «در مورد گچ توجه کنید در صورتی که دمای آب ۲۵ درجه سانتی گراد باشد، حلالیت آن ۲ تا ۲٫۵ گرم در لیتر است. اگر دمای آب کمتر باشد، این

در کالیفرنیا دیدم که شبیه خاک‌های مناطق پسته‌کاری ایران بودند، اسید و گچ با هم در هر آبیاری داده می‌شود. اسید سولفوریک معمولاً ارزان‌ترین اسید است و مقدار مصرفش هم پایین‌تر از بقیه اسیدها است. از دستگاه گوگردسوز که لب استخر می‌گذارند و گوگردهای بسته‌بندی را در دستگاه می‌سوزانند نیز استفاده می‌شود. این کار مانع از تشکیل جلبک می‌شود، اسیدیته آب را پایین می‌آورد و خطرش کمتر از اسیدسولفوریک است.»

مرتاض گواه حرف‌هایش را این‌گونه توضیح داد: «واقعاً تا دو سال پیش با شوری در گیر بودیم و عملکرد باغ‌هایمان رسیده بود به میانگین‌های کشوری؛ یعنی ۶۰۰ و ۷۰۰ کیلوگرم در هکتار و واقعاً گرفتار شده بودیم. شوری آب ۱۴ هزار بود، ولی با بکار بستن یکسری راهکارها عملکرد را به ۱۵۰۰ تا ۲ هزار کیلوگرم در هکتار برگرداندیم.»

در تأیید سخنان آقای نظری باید بگویم شکستن خاک، استفاده از سولفات‌ها مانند سولفات پتاسیم و سولفات آمونیوم و کنار گذاشتن بعضی کودها مانند اوره برای ما راهگشا بود.»

باغبانی که کمک کننده است استفاده از زیرشکن است. زیرشکن زدن برای نفوذ گچ، برای آبشویی و برای هوا دهی به ریشه خیلی مفید است. سه سال یک بار زیرشکن تا ۸۰، ۹۰ سانت از کارهای خیلی واجب است که حتماً باید انجام شود. هر چه ماسه به خاک بدهید خوب است. تبخیر از سطح را خیلی کم می‌کند و نمی‌گذارد نمک بالا بیاید. بیشترین فعالیت ریشه‌ها تا عمق ۶۰ سانتی متری است. مرتب شوری از عمق‌های ۸۰ تا ۹۰ سانت بالا می‌آید تا ۵۰، ۶۰ سانتی متری، بنابراین هر قدر تبخیر از سطح کم شود بهتر است. هر قدر خاک کمتر شخم زده شود و هر قدر ماسه روی خاک ریخته شود و پوشش گیاهی سر جایش باشد و فقط با دستگاه موور علف‌ها حذف شوند، تبخیر سطحی کم می‌شود و نمک کمتر بالا می‌آید.»

مرتاض در پاسخ به یکی از حضار در خصوص سایر روش‌های اصلاح خاک در باغ‌های آمریکا گفت: «شما باید ببینید که خاک و آب باغ چه مشکلی دارد. اگر سدیمی باشد، گچ استفاده می‌شود. اگر مشکل مربوط به اسیدیته (pH) باشد، اسید کابرد دارد. معمولاً جاهایی که من

حلالیت کم می‌شود. ما معمولاً حلالیت را ۱،۵ گرم در لیتر در نظر می‌گیریم. فرض کنید اگر شما ۳ هزار متر مکعب آب در هکتار می‌دهید، باید ۴،۵ تن در هکتار گچ بدهید. اگر بیشتر حل کنید، زمان می‌برد تا حل شود. همچنین اگر میزان گچ خیلی بالایی استفاده شود، جذب فسفر با اختلال مواجه می‌شود. پس بحث‌ها کمی فنی هستند و بهتر است که با شخصی که کار تغذیه می‌کند مشورت شود.»

نظری درباره هدف از کاربرد گچ گفت: «کاربرد افزودن گچ، آبشویی است. چرا که اگر گچ داده نشود، باید در زمستان حدوداً تا عمق ۶۰ تا ۷۰ سانتی متری خاک، نمک از دور ریشه شسته شود و پایین رود. اگر در زمستان ۲ هزار متر مکعب آب دارید و نسبت جذب سدیم خاک بالا است و باید ۷ تا ۱۰ تن گچ بدهید، این میزان آب نمی‌تواند این حجم گچ را حل کند. بنابراین باید در طول فصل رشد، گچ به تدریج اضافه شود. البته در طول فصل هم باید دقت شود که با فسفر اختلال پیش نیاید، مثلاً باید در تیرماه یا مردادماه اضافه شود.»

علی نظری در رابطه با عملیات باغبانی جهت کاهش اثرات شوری بر درختان پسته اظهار داشت: «یکی دیگر از کارهای

دانش آموخته دانشگاه دیویس آمریکا در گردهمایی انجمن تشریح کرد:

تعیین زمان آبیاری درخت پسته

بسیاری از کشاورزهای ما بیش از مقدار لازم آبیاری انجام می‌دهند.

روش‌های مختلفی برای سنجش زمان آبیاری وجود دارد، ولی به طور کلی از طریق سنجش رطوبت خاک و گیاه می‌توان به نتیجه رسید. راحت‌ترین راه و به صورت تجربی این است که کشاورز می‌تواند خاک را با دست لمس کند و ببیند که آیا رطوبت کافی دارد یا خیر. این روش استاندارد نیست و بر اساس تجربه است.» مرتاض تعیین نیاز به آبیاری درخت پسته از طریق خاک را این‌گونه شرح داد: «از تانسیموتر در خاک استفاده می‌شود. این دستگاه بر اساس اندازه‌گیری خشکی خاک کار می‌کند. تانسیموتر شامل لوله‌ای است که داخل خاک قرار می‌گیرد و نوکش سرامیکی است. با خشک شدن خاک، از سرامیک آب بیرون می‌آید و درجه‌شمار نشان می‌دهد که چقدر فشار منفی ایجاد شده است. از



بحث آبیاری پسته بررسی شود و یافته‌های جدید در این زمینه در اختیار اعضا قرار گیرد.

مرتاض درباره اهمیت تعیین زمان آبیاری گفت: «ما می‌توانیم اندازه‌گیری کنیم و ببینیم چه زمانی آبیاری کنیم.

مراد مرتاض از باغداران پسته در یزد که تحصیل کرده آمریکا است روی شوری و فیزیولوژی پسته تحقیق کرده است. در عصر دومین روز گردهمایی انجمن پسته ایران فرصت مغتنمی دست داد تا

نیست. به مودم وصل می‌شود و خیلی راحت اطلاعات را منتقل می‌کند. دستگاه بعدی، مخزن فشار است. اساس کار این دستگاه بر این قانون استوار شده که فشار داخل برگ برابر با فشار داخل آوند آب‌کش ریشه است. پس اگر بتوان فشار داخل آوند را اندازه‌گیری کرد، دقیقاً می‌توان متوجه شد چه اتفاقی در ریشه گیاه افتاده و آیا گیاه در حال مصرف انرژی زیاد برای جذب آب است یا خیر. برای استفاده از این دستگاه شما به باغ می‌روید و با توجه به تجربه‌تان، هفته‌ای یک‌بار فشار برگ را اندازه‌گیری می‌کنید و عدد مربوطه را می‌خوانید، اگر آن عدد به زیر استاندارد تعریف شده رسید، متوجه می‌شوید که باید آبیاری کنید. کاربرد این دستگاه خیلی آسان است، چون هیچ تخصصی نمی‌خواهد. تنها مشکل کار با این دستگاه این است که باید ظاهر به باغ بروید و اندازه‌گیری کنید. در روش آخر از عکس‌های ماهواره‌ای و عکس‌هایی که از پهپاد استخراج می‌شود استفاده می‌کنند. درجه حرارت از طریق عکس‌ها اندازه‌گیری می‌شود و این روش جدیدی است که تحقیقات در این مورد هنوز نهایی نشده‌است.

که در خاک استفاده می‌شوند گفت: «با بکار بردن وسایلی که سنجش از طریق گیاه را انجام می‌دهند، دقیقاً می‌توان فهمید آیا درخت تحت استرس است یا خیر؟ دستگاه اول که «سپ فلوسنسور» نام دارد، شامل سنسوری است که در داخل گیاه و به جای آوند آب‌کش قرار می‌گیرد و کم‌کم جزو تنه درخت می‌شود و سرعت حرکت آب در آوند آب‌کش گیاه را اندازه‌گیری می‌کند. این دستگاه هنوز از نظر تکنولوژی آن‌چنان پیشرفته نیست، ولی استفاده می‌شود و باید سالانه یک‌بار در جای دیگر تنه درخت نصب شود. دستگاه دوم قطر تنه درخت را اندازه‌گیری می‌کند و در واقع یک سنسور فشارسنج می‌باشد. این دستگاه دور تنه درخت قرار می‌گیرد و تغییرات تنه درخت در حد میکرون را اندازه‌گیری می‌کند. تنه درختان در طول روز با توجه به حرکت آب مقداری بزرگ یا کوچک می‌شود. در زمانی که در درخت آبی وجود ندارد، تنه کوچک می‌شود. این سنسور تغییرات قطر تنه را اندازه‌گیری می‌کند و گراف‌ها آن را نشان می‌دهند. این دستگاه خیلی خوبی است و قیمتش هم خیلی زیاد

نظر قیمتی این دستگاه ارزان است، ولی برای استفاده از آن باید در باغ حضور داشته باشید. دو دستگاه دیگر به نام‌های «سنسور دی‌الکتریک» و «سنسور مقاومت الکتریکی» وجود دارد که هر دو دستگاه به نوعی با الکتریسیته و به دو روش مختلف کار می‌کنند. یکی بر اساس مقاومت و دیگری بر اساس حرکت الکترون در خاک، سنجش را انجام می‌دهند. این دو دستگاه برای استفاده در خاک هستند و تنها مزیت آنها این است که اطلاعات ذخیره می‌شود و نیاز نیست داخل باغ حضور داشته باشید. اگر این دستگاه‌ها در خاک قرار بگیرند می‌توانند چندین سال بدون نیاز به سرویس در خاک باشند. می‌توان این دستگاه را به مودم وصل کرده و اطلاعات را کسب کرد. دستگاه آخر که نوترون پروب است با حرکت نوترون در خاک کار می‌کند. هر قدر خاک خیس‌تر باشد، حرکت نوترون بیشتر است. این دستگاه غالباً در مراکز تحقیقاتی استفاده می‌شود و برای انسان خطری ندارد به شرط اینکه کار با آن آموزش داده شود.» مرتاض با اشاره به عدم دقت سنسورهایی

در روز دوم گردهمایی انجمن درباره مبارزه با پسیل پسته بیان شد:

ما از گوگرد راضی بودیم

ندارند. شاید یکی، دو محصول جدید به بازار عرضه شود، ولی چون همه از یک گروه خانواده شیمیایی هستند، انتظار معجزه خاصی در صنعت نمی‌توان داشت.» فرحبخش در مورد ملاحظات مربوط به سمپاشی گفت: «در زمان سمپاشی در مناطق پسته‌کاری رطوبت نسبی بسیار پایین و دما بالا است. در این شرایط اگر قطر نازل و قطر قطره سم ۴ میکرون باشد، در رطوبت نسبی زیر ۴۰ درصد و دمای ۲۵ درجه سانتی‌گراد، سم فقط یک ثانیه روی برگ دوام می‌آورد. این موضوع نشان می‌دهد وضعیت سمپاشی ما بحرانی است. طبق آمار، تقریباً ۷۰ درصد تأثیرگذاری یک سم به نحوه سمپاشی وابسته‌است؛ یعنی سم پاش‌ها، زمان سمپاشی، آبی که

تعطیل شوند؛ چون اکثر آنها توانایی استاندارد شدن ندارند. بنابراین به دلیل تعطیلی بسیاری از شرکت‌های چینی در حال حاضر ماده تکنیکال گیر نمی‌آید. همچنین از حدود ۲ ماه پیش برای واردات بعضی از سموم آماده مصرف، ارز مبادله‌ای تعلق نمی‌گیرد. طی ۲ هفته گذشته تعرفه‌های گمرکی با نظرات غیرکارشناسانه و بر اساس دسته‌بندی سموم به سه دسته پر خطر، کم خطر و بی خطر وضع شده‌اند. ظاهراً امسال یک درصد تعرفه روی واردات کلیه کالاها برای تأمین مالی سازمان هلال احمر هم تصویب شده‌است. از طرف دیگر شرکت‌های مادر و شرکت‌های تحقیقاتی فعلاً در خط تولیدشان تا یکی، دو سال آینده سمی

آفت پسیل و نحوه مبارزه با آن در گردهمایی انجمن پسته نیز دست از سر باغداران برنداشت. نشان به این نشان که در نشست اعضای انجمن در حوزه مسائل باغبانی پسته، به طور مفصل در این‌باره سخن به میان آمد. در ادامه اهم مباحث مطروحه آورده شده‌است. امین فرحبخش در خصوص تحولات بازار سموم توضیح داد: «از ۶، ۷ ماه پیش، بازار سم با مشکلاتی روبرو شده است. مسئله اول مربوط به بازار چین است. منشأ ۸۵ درصد سمی که داخل کشور مصرف می‌شود از شرکت‌های چینی و هندی است. در چین، قوانین سخت‌گیرانه زیست محیطی اتخاذ شده و این موجب می‌شود بسیاری از کارخانه‌های تولید سم در چین



می‌کنیم. آنها گفتند که حداکثر سالی ۲، ۳ مرتبه بیشتر گوگرد را نمی‌پاشیم و هیچ سمی مصرف نکردیم و تا الان گوگرد ما را از پسیل حفظ کرده است. ما هم طبق توصیه سمپاش‌های مجهز به همزن تهیه کردیم و شروع کردیم به گوگردپاشی. گوگرد حتماً باید با الک‌های خیلی ریز به صورت دستی الک شود، چون در گوگردی که آسیاب می‌کنند، خرده‌های درشتی باقی می‌ماند که از لانس‌ها رد نمی‌شود و پمپ را هم خراب می‌کند. اولین مرتبه در راور در دمای ۴۷ و ۴۸ درجه سانتی‌گراد، زمانی که هنوز پسته‌ها به مغز نرفته بودند شروع کردیم به پاشیدن که یک مقدار کمی سوختگی ایجاد شد. در کرمان هم پاشیدیم که درجه هوا حدود ۳۸ تا ۴۰ بود و اتفاقی نیافتد. از دوز ۱۵ کیلوگرم در هزار لیتر آب شروع کردیم تا اینکه در نهایت یک قطعه کوچک را تا ۱۰۰ کیلوگرم در هزار حل کردیم و هیچ سوختگی نداد. گوگرد اثر خیلی خوبی در مبارزه با پسیل داشت و برگ‌ها تا زمانی که با سرمای پاییزه ریختند، سبز سبز بودند. البته حشره بالغ از بین نمی‌رفت و فقط پوره‌های روی برگ از بین رفتند. جالب اینکه بالتوری‌ها هیچ‌کدام از بین نرفتند. خیلی از باغ‌ها را تنها با یک نوبت گوگردپاشی از خطر پسیل حفظ کردیم.

پاشش، همزن‌های مختلفی ساخته شد، چون این گوگرد در آب حل نمی‌شود. گوگردهای آماده مایع ۲۰، ۳۰ روز دوام آورد، گوگردهای خارجی پودری هم بودند که با دوزهای پایین‌تر توصیه می‌شدند که آنها هم تا یک ماه، ۴۵ روز دوام داشتند. محمدرضا نظری در تکمیل و تأیید سخنان انجم شعاع اظهار داشت: «امسال بعد از پاشیدن موونتو بعد از ۱۰ روز دوباره طغیان آفت داشتیم. به ما توصیه شد که از دوستان سمنان و دامغان کمک بگیریم که چندین سال بود با گوگرد پالایشگاهی و پودری با پسیل مبارزه می‌کردند. من تماس گرفتم و آنها گفتند که فردی در شیراز گوگردهای پالایشگاهی را به صورت پودری کیلویی ۷۰۰ تومان می‌فروشد و ما الان چهار، پنج سال است که استفاده

استفاده می‌کنیم، همه در اثرگذاری سم موثر هستند. سمی مثل تیودان در آب با ای سی ۸ که الان خیلی از آب‌هایی که استفاده می‌کنیم چنین خصوصیتی دارند، نیمه عمرش فقط نیم ساعت است.» محمدعلی انجم شعاع تجربه خود در مبارزه با پسیل را این‌گونه شرح داد: «ما امسال از گوگرد برای مبارزه با پسیل استفاده کردیم و راضی بودیم. البته در دامغان دوستانی استفاده کرده بودند که ما از آنها الگو گرفتیم. ما در تاریخ سوم خردادماه، سه هکتار را با دوزهای آزمایشی ۳۰ و ۲۰ در هزار پاشیدیم و ۷۵ روز دوام آورد. البته پاشیدنش مقداری سخت است، ماشین آلات را خراب می‌کند و کارگرها در زمان پاشیدن بسیار مشکل دارند. برای آماده‌سازی گوگرد جهت



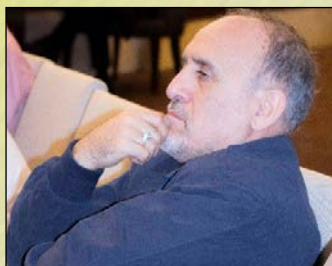
سخنرانان و اعضای پنل در چهارمین گردهمایی انجمن پسته ایران

بخش تجارت پسته:



پرویز عقیلی کرمانی

* مدیرعامل بانک خاورمیانه
* مدیر عامل اسبق بانک کارآفرین
* بانکدار سابق بانک HSBC شعبه دبی
* دکتری فایننس از دانشگاه ویسکانسین آمریکا



سیدکمال سیدعلی

* مدیرعامل صندوق ضمانت صادرات
* مدیر عامل اسبق بانک کارآفرین
* معاون اسبق بخش معاونت ارزی
بانک مرکزی



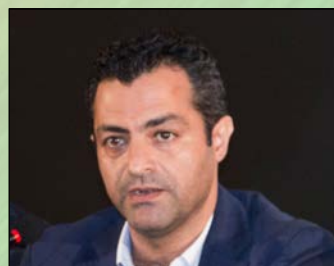
ناصر پاشاپور

* متخصص بازاریابی و مطالعات بازار ایران
* بنیانگذار و مدیرعامل شرکت «دی.ان.ای. یونیون»
* مشاور سرمایه‌گذاری برای
شرکت های خصوصی خارجی در ایران



دنیس کتابی

* عضو هیأت مدیره «آرمان تجارت پگاه»
* صاحب نظر در امور تجاری بازار اروپا



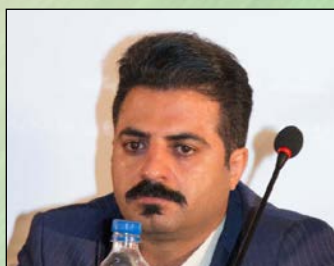
کامبیز فرزادی

* مدیر عامل شرکت «یاقوت سبز کرمان»
* صاحب نظر در امور تجاری بازار روسیه



محسن خندان

* مدیر عامل شرکت «یونیپیر»
* صاحب نظر در امور تجاری بازار چین



محمدرضا هاشم‌پور

* عضو هیأت مدیره شرکت
«توسعه مروارید امید»
* صاحب نظر در امور تجاری بازار خاورمیانه



علی قاسمعلی زاده

* عضو هیأت مدیره انجمن پسته ایران
* رئیس کمیته بازرگانی انجمن پسته ایران



مرتضی کارگر

* صاحب نظر در امور تجاری بازار هند



سحر نخعی

* دبیر کمیته بازرگانی انجمن پسته ایران



سید محمود ابطحی

* رئیس هیأت مدیره انجمن پسته ایران

گزارش آماری تجارت پسته

خاورمیانه بسیار بالاتر است. مجموع صادرات ایران و آمریکا به شبه قاره هند حاکی از این است که این مقصد بازاری با پتانسیل رشد بسیار بالا محسوب می‌شود؛ مجموع صادرات پسته ایران و آمریکا به این مقصد در حال رشد روزافزون است. البته سهم ایران از بازار پسته هند به مراتب بیشتر از آمریکا است.

در مورد کشورهای مشترک المنافع باید گفت اوج تقاضا برای پسته از سوی این مقاصد به سال ۱۳۸۶ برمی‌گردد که ایران و آمریکا در مجموع ۳۰ هزار تن پسته به این مقاصد صادر کردند.

در پایان گزارش آماری اعضای پنل بازرگانی حول محور چند سوال گفتگو کردند. سوال‌ها از این قرارند:

۱ ظرفیت هر کدام از بازارهای صادراتی پسته ایران چقدر است؟
۲ برای گسترش این ظرفیت چه باید کرد؟

۳ برای بازارهایی که سهم پسته ایران را از دست داده‌ایم چه تدابیری باید اندیشید؟

۴ بازارهای جدید پسته ایران کدامند و برای بازاریابی در این مقاصد چه اقداماتی باید انجام داد؟

می‌دهد بیشترین میزان تولید ایران در سال ۱۳۸۶ بوده با ۲۶۷ هزار تن و آمریکا بیشترین رکوردش در سال ۱۳۹۵ رخ داده که ۴۰۹ هزار تن پسته تولید کرده‌است. روند تولید آمریکا در طول سال‌های اخیر افزایشی بوده درحالی‌که ایران سیر ثابتی داشته‌است.

مجموع صادرات ایران و آمریکا در ۱۴ سال گذشته به دو مقصد اصلی اتحادیه اروپا و شرق دور نشان می‌دهد که برخلاف اتحادیه اروپا، صادرات به شرق دور همواره روندی افزایشی طی کرده‌است. بیشترین میزان مجموع صادرات ایران و آمریکا به شرق دور ۱۱۸ هزار تن و در سال تجاری ۹۵ بوده‌است.

سهم آمریکا از بازار پسته اتحادیه اروپا به مراتب بیشتر از ایران است. در ۱۰ سال گذشته روند صادرات ایران به این مقصد مهم صادراتی نزولی بوده‌است، اما از سال ۱۳۹۲ تا کنون شاهد رشد مجدد این بازار بوده‌ایم.

بررسی آمار مجموع صادرات ایران و آمریکا به بازارهای صادرات مجدد و خاورمیانه نشان می‌دهد روند صادرات به ترکیه و امارات در ۱۴ سال گذشته نزولی بوده، هر چند سهم این بازارها از صادرات در مقایسه با سایر کشورهای

روز دوم گردهمایی به بخش تجارت پسته اختصاص داشت. سحر نخعی دبیر کمیته بازرگانی انجمن پسته ایران در ابتدای این روز آمار تجارت پسته را ارائه داد تا فتح بابی باشد برای بحث‌های مفصل تر.

بیشترین سهم صادرات پسته ایران از ابتدای مهر ماه ۱۳۹۵ تا آخر شهریور ماه ۱۳۹۶ (سال تجاری ۹۵) متعلق به کشورهای شرق دور (۳۹ درصد) است. ۱۴ درصد از کل صادرات پسته به ۱۵ کشور اصلی عضو اتحادیه اروپا تعلق دارد. سهم هر کدام از بازارهای صادرات مجدد (ترکیه و امارات) و خاورمیانه در این سال از کل پسته صادر شده ایران ۱۲ درصد است. شبه قاره هند با ۱۱ درصد رتبه پنجم را دارد و سهم کشورهای مشترک المنافع از پسته صادراتی ۹ درصد است. روند ماهانه صادرات طی دوره ۲۰ ساله از ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۵ نشان می‌دهد بیشترین حجم از صادرات متعلق به ماه آبان است و این ماه سهمی ۱۵ درصدی از پسته صادر شده ایران دارد؛ درحالی‌که فروردین ماه کمترین سهم از صادرات را داراست.

مقایسه تولید پسته ایران و آمریکا نشان



محسن خندان در روز تجارت پسته در گردهمایی انجمن مطرح کرد:

همه چیز درباره بازار پسته چین



در روز تجارت پسته در گردهمایی امسال، محسن خندان تاجر سرشناس بازار چین به تشریح وضعیت این بازار در قالب سوال‌های مطرح‌شده از سوی انجمن پسته ایران پرداخت. در ادامه مشروح سخنرانی وی که حاوی نکات خواندنی و مهمی است، آورده شده است.

با توجه به اهمیت بازار چین من تصمیم گرفتم که مطالب مهم را تیتروار در اختیار حضار قرار دهم. راجع به دلایل کاهش حجم فروش به بازار چین، الگوهای مصرف، درصد فراوانی، تفاوت میزان تقاضا برای پسته ایران و آمریکا در بازار چین، فرایند واردات به کشور چین و خطراتی که اصلاً برای پسته ایران در بازار چین وجود دارد، صحبت خواهم کرد.

۱ شکل بازار پسته در چین

میانگین فروش ایران به چین در ۴ سال گذشته از ۶۵ هزار تن به ۵۰ هزار تن کاهش پیدا کرده‌است؛ علت اصلی این کاهش، واردات غیرقانونی و دستگیری گسترده کارخانه‌داران در اواخر سال ۲۰۱۴ بود که پس از آن یک موج ناامنی خیلی شدید در بازار چین به وجود آمد. کارخانه‌های بزرگ در سال‌های گذشته متأسفانه از بازار پسته ایران خارج شده‌اند، به این دلیل که خریداران کوچک چینی در بازار داخل به طور مستقیم از کشاورزان ایرانی خرید می‌کنند، قیمت تمام شده خیلی پایینی دارند. این در حالی است که کارخانه‌های بزرگ اصلاً تمایلی ندارند پسته ایران را بخرند، چون می‌دانند که هیچ سودی برایشان ندارد و ترجیح می‌دهند با پسته آمریکایی کار کنند.

اتفاق دیگری که در سال‌های گذشته افتاده این بوده که آمریکایی‌ها خیلی خوب دارند بازار پسته چین را مدیریت می‌کنند، تولید آمریکایی‌ها رو به افزایش است و بنابراین می‌دانند که باید بر بازارهای با حجم بالا تمرکز کنند. در دو یا سه سال گذشته وقتی بلافاصله بعد از برداشت محصول قیمت اولیه را اعلام می‌کنند دیگر خریدارهای چینی مطمئن هستند که قیمت کاهش پیدا نمی‌کند و همه همان زمان حجم بسیار زیادی پسته سفارش می‌دهند. بعد منتظر می‌مانند تا ببینند ایرانی‌ها می‌خواهند چه تصمیمی بگیرند. کما اینکه در جلسه‌ای که ما در مهرماه داشتیم و آن موقع در بازار آمریکا قیمت را تازه باز کرده بودند، متوجه شدیم

کیفیت مهم نباشد، اما مزه خیلی اهمیت ندارد. آنها ابتدا قیمت و بعد ظاهر را در نظر می‌گیرند. به نظر می‌آید برخلاف بازارهای اروپا که با ارزش بالا هستند، شاید بازار چین بازاری با تمرکز بر ارزش بالا نباشد، بازار چین یک بازار خیلی وسیع از انواع مختلف پسته است؛ تقاضا از پسته آب خندان گرفته تا پسته‌های خیلی لوکس درجه یک وجود دارد.

بکارگیری استراتژی‌های مناسب و تبلیغات موثر، حضور در نمایشگاه‌های مرتبط با بازار چین و وجود ثبات کیفیت و یک استاندارد واحد برای فروش پسته تحت نظارت یک سازمان از عواملی محسوب می‌شوند که به بازاریابی بهتر و توسعه تجارت در بازار چین کمک می‌کنند.

۱ خصوصیات بازار خرده فروشی در چین

در ارتباط با بحث بازار خرده فروشی و اینکه اصلاً فرایند فروش در بازار چین به چه صورت است باید گفت، تقریباً داد و ستد ۴۰ درصد از پسته به صورت فروش ۳۵ فله و در خیابان و بازارهای سنتی است و ۶۰ درصد پسته در عرضه اولیه بسته بندی می‌شود. منظور از عرضه اولیه این است که پسته بعد از اینکه وارد بازار چین می‌شود در همان ابتدا ۴۰ درصدش در بسته های ۱۰ کیلویی بسته بندی می شود و ۶۰ درصد در بسته بندی های کوچک؛ کارگاه هایی در بازار چین وجود دارد که امکان فرآوری پسته را ندارند به همین دلیل بسته های ۱۰ کیلویی پسته را خریداری می کنند و دوباره آن را در بسته بندی های ۱۰۰ و ۲۰۰ گرمی با برند خودشان در بازار عرضه می کنند. الگوی مصرف پسته در چین به این صورت است که ۳۰ درصد فروش به صورت فله، ۲۰ درصد فروش به صورت اینترنتی و ۵۰ درصد در سوپرمارکت های کوچک و بزرگ

آمریکایی ها ۱۰۰۰ کانترینر در بازار چین فروخته اند و ما تازه در ایران داشتیم به این فکر می کردیم که قیمت کف بازار است و آیا افزایش پیدا می کند یا نه! خریدارهای چینی در بازار چین امنیت سرمایه گذاری دارند و نگران این نیستند که اگر الان پسته آمریکایی بخرند ممکن است بعداً قیمت کاهش پیدا کند و ضرر کنند، بلکه با اطمینان خاطر از ابتدا شروع به خرید می کنند و آمریکا هم با یک شیب خیلی ملایم شروع می کند به افزایش قیمت ها و باز دوباره در بازار تقاضا ایجاد می کند.

۱ راهکارهای افزایش حجم فروش پسته در بازار چین

طبق تحقیقات ما کارخانه های بزرگی مثل رینبو (Rainbow) یا گریت ایگل (Great Eagle) در چین اعتقاد دارند که پسته یک محصول توسعه یافته در بازار چین است و دیگر جایی برای افزایش حجم در بازار چین وجود ندارد. ما باید سعی کنیم از این حجم مصرف متغیر بین ۹۰ تا ۱۲۰ هزار تن پسته ای که مجموع پسته ایران و آمریکا ایجاد کرده است، بتوانیم سهم بیشتری را کسب کنیم. به نظر می آید اگر بخواهیم این حجم را افزایش دهیم باید قیمت پسته در مقایسه با بقیه اقلام خشکبار کاهش پیدا کند که این هم خیلی امکان پذیر نیست. برای عرضه مغز در بازار چین امکان پیشرفت داریم، کما اینکه در دو سه سال گذشته صادرات مغز به بازار چین شروع شده است. اتفاق بدی که در حال وقوع است، عرضه مغز به بازار توسط آمریکایی ها است و این کار را برای ما خیلی سخت می کند، چراکه چینی ها مغزهای درشت پسته را برای عرضه در بسته بندی های کوچک ۱۰ تا ۱۵ دانه ای می خرند. متأسفانه در بازار چین بحث مزه و کیفیت خیلی مطرح نیست، نه اینکه

غیرقانونی از مرز این کشور وارد می شود. همچنین، برخی اشخاص و شرکتها کالای دارای مبدأ و منشأ از ویتنام را به ظاهر برای استفاده شخصی و نه برای استفاده تجاری، بدون پرداخت مالیات و تعرفه گمرکی وارد کشور چین می کنند.

خریداران چینی به چند دلیل تمایل به واردات قانونی ندارند، حتی اگر تعرفه گمرکی برای پسته ایرانی صفر شود:

۱. ملزم بودن چینی ها به پرداخت ۱۱ درصد مالیات بر ارزش افزوده علاوه بر تعرفه گمرکی در واردات قانونی، ۲. ملزم کردن خریداران به پرداخت ۲۵ درصد از درآمدشان به عنوان سود حاصل از فعالیت اقتصادی به دولت چین، ۳. الزام به صدور فاکتور در صورتی که واردات قانونی باشد.

فرآیند خرید در چین در گذشته، حال و آینده

در گذشته ۱۰۰ درصد خرید کارخانه داران چینی از دلالان هنگ کنگی بوده است. در حال حاضر ۵۰ درصد از خرید چینی ها از طریق دلال های هنگ کنگی و ۵۰ درصد از طریق مبدأ تولید و بدون واسطه می باشد. انتظار می رود که در چند سال آینده ۸۰ درصد از خرید چینی ها به صورت مستقیم از مبدأ و فقط ۲۰ درصد از طریق دلالان هنگ کنگی صورت گیرد.

خطرات موجود برای پسته ایران در بازار چین

عدم وجود یک استاندارد کیفیتی واحد برای بازار چین، تغییرات شدید قیمت، ارسال بارهای نافرود بدون دریافت پیش پرداخت و تسویه قبل از آزادسازی بار از جمله چالش هایی هستند که پسته ایران در بازار چین با آنها روبروست.

علت علاقه چینی ها به پسته ایرانی

جدا از علاقه چینی ها به طعم پسته ایرانی و علی رغم وجود مشکلات فراوان و عدم ثبات کیفیت در پسته ایرانی، برخی از دلالان و کارخانه داران هنگ کنگی وام هایی با بهره ۲ درصد سالیانه می گیرند و زمان خرید پسته ایرانی، تفاوت خرید نقدی و خرید یک ماهه حدود ۲ درصد است. بنابراین می توانند بهره یک سال وامشان را از یک معامله که طول کل فرآیند آن بیشتر از یک ماه زمان نمی برد را کسب کنند. این امر فقط برای کالاهای ایرانی به دلیل تورم موجود در کشور و اختلاف قیمت بین خرید نقدی و خرید یک ماهه مقدور است، لذا دلالان می توانند از این مزیت استفاده کنند و درآمد خوبی کسب کنند.

هم با وجود تبلیغات بسیار گسترده در عرضه پسته بسته بندی شده با برند خودشان در بازار چین موفق نبوده اند، مثلاً سهم بسته بندی برند واندر فول از بازار چین کمتر از ۱ درصد است.

تفاوت میزان تقاضا برای پسته ایرانی و آمریکایی

در حال حاضر پسته ایرانی ۵۰ درصد از بازار چین را در دست دارد، قبلاً ۷۰ درصد سهم ما و ۳۰ درصد سهم آمریکایی ها بود. امروز ۲۰ درصد از بازار چین را از دست داده ایم. از علل این مسئله ۱. محدود بودن تعداد صادرکنندگان آمریکایی که باعث شده بتوانند خیلی خوب بازار را مدیریت کنند. ۲. فراهم آوردن امنیت سرمایه گذاری، ثبات قیمت و کیفیت استاندارد برای خریداران چینی، منظور من از کیفیت این نیست که باید به بازار چین پسته با کیفیت ارائه دهیم، منظور بنده انسجام در ارائه یک کیفیت یا یک استاندارد واحد است. چینی ها پسته آمریکایی را با یک استاندارد واحد می خرند، اما ما استاندارد نداریم، برای همین قیمت در بازار چین بر اساس اعتمادی که به صادرکنندگان دارند، شکل می گیرد. ۳. انعطاف پذیر بودن قراردادهای راحت تر بودن داد و ستد با آمریکایی ها در مقایسه با ایرانی ها. ۴. تبلیغات مناسب و برند بودن پسته آمریکایی.

البته باید اضافه کنم که حجم فروش پسته در بازار چین بر اساس قراردادهای بلند مدت است و حدود ۲۰ درصد فروش پسته در بازار چین به صورت قراردادهای بلند مدت ۶ ماهه و یک ساله صورت می گیرد. عمدتاً این قراردادهای را کارخانه های بزرگ با سوپر مارکت های چینی می بندند.

توصیه به صادرکنندگانی که قصد ورود به بازار چین دارند

یادگیری کامل و جامع الفبای تجارت از سوی صادر کنندگان، توانایی شناسایی خریداران مناسب با اعتبار بالا در بازار، عدم ارسال کالا بدون دریافت پیش پرداخت و عدم آزاد سازی بار بدون تسویه کامل از نکات مهمی محسوب می شوند که صادرکنندگان جدید باید بدان توجه کامل داشته باشند.

فرآیند واردات پسته به کشور چین (قانونی یا غیر قانونی)

در حال حاضر واردات قانونی به کشور چین حدود ۵ درصد تعرفه گمرکی و ۱۱ درصد مالیات بر ارزش افزوده دارد. به دلیل معاف بودن کشور ویتنام از ارزش افزوده و مالیات، ۹۰ درصد پسته و خشکبار به صورت

و آن هم به صورت فله یا بسته بندی های کوچک عرضه می شود.

پسته های مورد علاقه مصرف کنندگان چینی

نمونه های فندقی خندان و ناخندان و کله قوچی در بازار چین خریدار دارند، ولی برای پسته های کشیده متأسفانه بازاری وجود ندارد؛ چراکه تغییر ذائقه چینی ها بسیار سخت است. چینی ها در ابتدا پسته را با نمونه های فندقی و کله قوچی شناختند. ضمناً فرآوری پسته کشیده آب خندان برایشان سخت است و ضایعات زیادی دارد. چینی ها وقتی پسته می خرند برای اینکه قیمت تمام شده را پایین بیاورند و بتوانند رقابت کنند در خوش بینانه ترین حالت ۲۰ یا ۳۰ درصد پسته آب خندان به محصولشان اضافه می کنند.

پسته کشیده وقتی آب خندان شود استحکام کمتری دارد و به فرآوری سنگین آنها جواب نمی دهد و ضایعات زیادی به دنبال دارد، به همین دلیل هیچ تمایلی به خرید پسته کشیده ندارند. چون با روش فرآوری آنها برایشان مقرون به صرفه نیست. دو یا سه کارخانه در چین وجود دارد که پسته کشیده می خرند، چون آن روش فرآوری مرسوم را به کار نمی گیرند. مشکل دیگری که متأسفانه وجود دارد از جانب خود ما صادرکنندگان است که در سال های قبل برای اینکه قیمت تمام شده را کاهش دهیم و محصول خود را رقابت پذیر کنیم، پسته آب خندان را با پسته طبیعی مخلوط کردیم و به جای پسته طبیعی فروختیم و آنها وقتی فرآوری می کنند دچار ضایعات زیادی می شوند و می گویند ما پسته طبیعی نمی خواهیم. در سال هایی که تولید پسته کشیده ما بیشتر است، عملاً در بازار چین خیلی موفق نیستیم و فروش سخت می شود.

بسته بندی کوچک جهت ارائه به بازار چین؟

سوالی که شاید خیلی مطرح می شود این است، آیا ما باید از مدل خام فروشی خارج شویم و به سمت بسته بندی کوچک برویم؟ شخصاً فکر نمی کنم شانس در بسته بندی کوچک در بازار چین داشته باشیم، به این علت که در بسته بندی کوچک مشکلات زیاد وجود دارد؛ از جمله لایه هایی که با کارخانه های بزرگ می شود، بحث مربوط به واردات قانونی و غیرقانونی، تفاوت ذائقه چینی ها و ایرانی ها. چینی ها به پسته ای که ما با روش فعلی با نمک فرآوری می کنیم هیچ علاقه ای ندارند. آمریکایی ها

شناخت بهتر سایر بازارهای پسته ایران

باشد و نتوانیم پسته‌مان را عرضه کنیم؟ اینها سوالاتی است که خطاب به اعضای حاضر در پنل مطرح شده‌است. هر

در گذشته مسائلی مثل افلاتوکسین پیش آمد که ما بازار ۹۰ هزار تنی اروپا را از دست دادیم، اما بعد بازار چین جایگزین آن شد و ما پسته را خیلی راحت فروختیم.

کدام از آقایان در بازارهای خاصی تجربه بیشتری دارند و می‌خواهند مسائل بازارهای خودشان را مطرح کنند، مسائلی که در آینده امکان دارد برای پسته ایران به وجود بیاید.

■ بازار اروپا

دنیس کتابی - من تقریباً ۳۰ سال است که در بازار اروپا فعالیت می‌کنم و در این چند سال تجاربی به دست

صنعت پسته یعنی تولید کننده و کشاورز؛ چون کیفیت پسته از باغ شروع می‌شود. بعد از مسأله افلاتوکسین که به تدریج رو به بهبود رفت و در حال حاضر حل شده‌است، معضل جدید پیش رو بحث باقیمانده سموم است.

آورده‌ام. با نگاه به شرایط گذشته می‌توانیم آینده را ترسیم کنیم. قبل از مسأله افلاتوکسین ما به ۱۲ کشور اتحادیه اروپا ۹۰ هزار تن پسته صادر می‌کردیم که تقریباً ۹۰ درصد مصرف پسته اروپا را تأمین می‌کرد. مشکل افلاتوکسین مصرف را از ۹۰ هزار تن به ۲۰ الی ۲۵ هزار تن کاهش داد. هم زمان پسته آمریکا نیز به تولید می‌رسید و تقریباً ۸۰ درصد این بازار کوچک به سمت پسته آمریکا رفت.

پنل تجارت پسته در روز دوم چهارمین گردهمایی دوسالانه انجمن پسته ایران در ۲۱ دی ماه ۱۳۹۶ در جزیره کیش با محوریت بررسی و شناخت بهتر بازارهای اصلی پسته ایران شامل چین، اروپا، هند، خاورمیانه، روسیه و بازار داخلی برگزار شد. در این روز دنیس کتابی از شرکت «آرمان تجارت پگاه»، مرتضی کارگر صاحب‌نظر در امور بازار هند، محمدرضا هاشم پور از شرکت «توسعه مروارید امید»، کامبیز فرزادی از «شرکت یاقوت سبز کرمان» و سید محمود ابطحی از «بازرگانی ابطحی» به ارائه نقطه نظرات خود پرداختند. گرداننده این پنل، علی قاسمعلی‌زاده رئیس کمیته بازرگانی انجمن پسته ایران بود. علی قاسمعلی‌زاده موضوع اصلی پنل بازرگانی را پرداختن به آینده بازار پسته ایران ذکر کرد. وی در این باره گفت: ما تا کنون برای فروش پسته تقریباً مشکلی نداشتیم، یعنی هیچ سالی نبوده که پسته ایران مانده و به فروش نرفته باشد. در گذشته مسائلی مثل افلاتوکسین پیش آمد که ما بازار ۹۰ هزار تنی اروپا را از دست دادیم، اما بعد بازار چین جایگزین آن شد و ما پسته را خیلی راحت فروختیم. امروز می‌خواهیم بدانیم که آیا این روند ادامه خواهد داشت یا اینکه در آینده با مشکل مواجه خواهیم شد؟ در تولید پسته رقیب اصلی ما کالیفرنیا است. به نظر من بین پسته ایران و آمریکا باید حس مشترکی باشد که تبلیغ منفی علیه پسته یکدیگر نکنیم تا بتوانیم محصولمان را به راحتی عرضه کنیم.

نکته دیگری که رئیس کمیته بازرگانی بدان اشاره داشت افزایش روند تولید پسته آمریکا بود. وی با طرح این سوال که آیا افزایش تولید آمریکا و یا عرضه سایر آجیل‌ها مثل بادام هندی جایگاه پسته ایران را به خطر می‌اندازد یا خیر، گفت: شاید ما رقیب خودمان باشیم. برای تولید هر کیلو پسته هزینه بالایی می‌پردازیم. آیا تولید انبوه آمریکا و میانگین هزینه تولیدش که پایین‌تر از ما است ممکن است رقیبی برای ما

در حال حاضر میزان مصرف پسته در اتحادیه اروپا نزدیک به ۱۰۰ هزار تن است که به ۲۷ کشور اروپا صادر می‌شود. می‌دانیم که توانایی و پتانسیل رشد مصرف در اروپا بسیار بالاتر از این است. صنعت پسته یعنی تولید کننده و کشاورز؛ چون کیفیت پسته از باغ شروع می‌شود. بعد از مسأله افلاتوکسین که به تدریج رو به بهبود رفت و در حال حاضر حل شده‌است، معضل جدید پیش رو بحث باقیمانده سموم است. هیچ کارخانه‌ای با هیچ دستگاهی نمی‌تواند برای باقیمانده سموم کاری کند، بلکه اصلاح باید از خود باغ صورت گیرد. این مسئله در کشاورزی ایران بسیار مهم است، چرا که قیمت فروش پسته در بازار اروپا در ۱۰ سال اخیر حدود ۱ تا ۲ دلار بالاتر از بازار چین بوده، پس این بازار در آینده درآمد بالاتری برای کشاورز به دنبال دارد. کشاورزی که تلاش کند برای این مقصد محصول تولید کند باید درآمد بالاتری داشته باشد و این درآمد تقسیم می‌شود بین کشاورز و کارخانه‌ای که سرمایه‌گذاری کرده که بتواند این کالا را به مصرف کننده برساند. بعضی‌ها در ایران فکر می‌کنند که محصول کشاورز می‌تواند مستقیماً به مصرف کننده برسد و بین این دو صنعتی نیاز نداریم. اما برای بازارهای پیچیده‌تر مثل اتحادیه اروپا یا ژاپن و استرالیا و کانادا یا شاید روزی آمریکا، این بازارها پیچیدگی‌هایی دارند، ادعای بیشتری دارند و از کسی که محصول را برایشان تنظیم و حاضر می‌کند ضمانت می‌خواهند. به این دلیل ما بایستی برای نحوه صحیح استفاده از سموم در تولید پسته تلاش بیشتری بکنیم.

یکی دیگر از راه‌های افزایش مصرف پسته در اروپا تغییر سبک فروش از خرده فروشی به عرضه در حجم زیاد است. راجع به سوالی که پرسیدید در خصوص آینده بازار پسته، باید گفت الان وضعیت ما فرق می‌کند. در گذشته وقتی که مسئله افلاتوکسین پیش آمد، گفتیم مهم نیست به جای اروپا به چین صادر می‌کنیم. آن موقع رقابتی با پسته آمریکا نداشتیم. اما الان رشد

آید، ۱۰ سال دیگر سایر کشورهای مصرف‌کننده هم متوجه می‌شوند. امروز ادعای مصرف‌کننده در کل دنیا فرق کرده‌است و ما باید جوابگوی این ادعا باشیم. اما متأسفانه همیشه منتظر شدیم مشکلی پیش بیاید بعد راه‌حل برایش پیدا کنیم. الان رقیب سنگینی داریم که اگر عقب بکشیم رقیب جایمان را می‌گیرد.

علی قاسمعلی‌زاده - قبلاً ما قراردادهای دراز مدت برای پسته می‌بستیم. به یاد دارم که در سال‌های ۷۴ تا ۷۵ برای بازارهای خیلی سخت مثل ژاپن قرارداد یک ساله برای مثلاً ۱۰۰۰ یا ۱۵۰۰ تن می‌بستیم. عامل تهدیدکننده فعلی اما روزمرگی بازار پسته ایران است؛ یعنی ما برای ۳ ماه آینده هم نمی‌توانیم قرارداد ببندیم چه رسد به ۶ ماه، چون واقعاً نمی‌دانیم وضعیت قیمت چه خواهد شد.

مشکلی که ما همیشه برای فروش داریم نداشتن استاندارد واحد است. برخلاف آمریکایی‌ها که به طور شفاف براساس استانداردهای واحد قرارداد می‌بندند، ما مجبوریم نمونه بفرستیم و تا امروز هم نتوانسته‌ایم این مشکل بزرگ را حل کنیم.

■ بازار روسیه و سایر کشورهای مشترک المنافع

کامبیز فرزادی - ما صادرکنندگان ایرانی ادعا داریم که ارتباط خیلی خوبی با کشورهای مشترک المنافع داریم خصوصاً در بحث صادرات، چرا که رقیب ما آمریکا چند سال است که به دلیل تحریم‌ها نمی‌تواند پسته به این مقاصد بفروشد. تا قبل از آنکه آمریکا تحریم شود ایران حدود ۱۰ هزار تن پسته به این کشورها صادر می‌کرد، آمریکا هم ۵ هزار تن. اما متأسفانه ما هنوز هم ۹ هزار تن پسته بیشتر صادر نمی‌کنیم.

همه می‌دانند که در بحث صادرات به روسیه مشکلات خیلی زیادی داریم. پسته ایران به روسیه به دو صورت وارد می‌شود؛ در روش به اصطلاح سفید صادرات مستقیم صورت می‌گیرد، اما با تعرفه‌های خیلی زیاد مثلاً با مالیات بر ارزش افزوده ۱۸ درصد و گمرکی ۵ درصد مواجه است، که باید بگویم از حدود ۲۰ روز دیگر یعنی از اول فوریه قرار است

گاهاً گفته می‌شود کاری که کشاورزان برای افلاتوکسین کردند، اثری بر قیمت نداشته است؛ من این را قبول ندارم. ببینید اروپا آن زمان اولین بازار ایران بود. کشاورزان شروع کردند و همراه

**آینده ایران در عمده
فروشی پسته نیست چون
دیگر نفر اول در عرضه
پسته نیستیم. آینده پسته
ایران در کیفیت بالاتر با
رعایت حفاظت غذایی در
بازارهای گران است.**

با صادر کنندگان روی این مسأله کار کردند و توانستند ارزش پسته و بازار پسته را نگاه‌دارند و جوابگوی اطمینان مصرف‌کننده باشند. اگر این اتفاق نمی‌افتاد و کیفیت پسته از نظر افلاتوکسین بهتر نمی‌شد، اصلاً ممکن بود صادرات پسته به یک سری کشورها ممنوع شود. فرض کنید اتحادیه اروپا مصرف پسته ایران را ممنوع کند، سایر کشورها چه می‌کنند؟ وقتی که گوشت

**توصیه ما به هندی‌ها
این است که اگر
می‌خواهند بازارشان
بزرگ شود باید سراغ
پسته آمریکایی بروند،
چون ما مشکل عرضه
داریم.**

فرانسه به خاطر یک بیماری در اروپا ممنوع شد در چین هم ممنوع شد و ۳۰ سال طول کشید که برطرف شود. کسی به خاطر گوشت فرانسوی در چین مریض نشد، ولی گوشت فرانسه ۳۰ سال آنجا مصرف نشد. مطمئن باشید هر تلاشی که شده به نفع همه بوده‌است. صنعت پسته در زمینه باقیمانده سموم غیر از کمک فنی نمی‌تواند کاری بکند. اگر به خاطر مسائل باقیمانده سموم در اروپا برای پسته ایران مشکلی به وجود

مصرف پسته در دنیا تقریباً ۵ درصد در سال است، رشد تولید در آمریکا ۱۰ الی ۱۵ درصد در سال است؛ پس باید بتوانیم رقابت کنیم. زمانی می‌توانستیم پسته را به هر شکل شده بفروشیم، اما الان شرایط فرق کرده‌است. با ۵۰۰ هزار تن بار سال آینده آمریکا، طبق گفته خودشان، آخر سال ۱۰۰ الی ۱۵۰ هزار تن پسته برایشان می‌ماند؛ یعنی همین قدر که کل تولید ما است. آنها باقیمانده محصول دارند به علاوه محصول جدیدشان؛ بنابراین باید فروش حجم بسیار زیاد محصولشان را مدیریت کنند. شرایط برای ما اما متفاوت است، برای همین است که در بازارهای پیچیده من نمی‌گویم ایران بازنده است، اتفاقاً برعکس برنده است. الان آمریکا دارد به سمت حجم بالاتر می‌رود، ما به سمت بازارهای خاص و با ارزش‌تر متمایل شده‌ایم، چون تولیدمان کمتر شده‌است، نفر دوم شده‌ایم. سیستم آمریکا با ما فرق می‌کند؛ کشاورز اول تصمیم می‌گیرد از بین مثلاً ۷ نفر محصولش را به کدام فرآوری کننده تحویل دهد، اما در ایران ما با ۲۰۰ نفر صادرکننده و تاجر داخلی طرفیم. آنجا تمام بارشان را تحویل یک یا دو نفر می‌دهند که برونند برای محصولشان بازاریابی بکنند، پس رقابتی بین کشاورز و صادرکننده نیست، بلکه رقابت بین صادرکنندگان مختلف است که هر کدام توانست بالاترین درآمد را به کشاورز برگرداند. سال بعد کشاورز به همان صادرکننده می‌فروشد. پس در نهایت کشاورز برنده است. برای همین است که هر سال توانسته‌اند سطح زیر کشت را افزایش دهند. پس به این دلیل سیستم‌ها کاملاً فرق می‌کند، چون صادرکنندگان جنس را با یک قیمت در قراردادهای ۱ ساله یا ۶ ماهه عرضه می‌کنند. ما در ایران چه طور می‌توانیم با این شرایط رقابت کنیم و مثلاً محصولمان را در فروشگاه کارفور (Carrefour) فرانسه عرضه کنیم؟ این امکان را نداریم. سیستم بازار فعلی ما جوابگوی آن سیستم ارزش بالا نیست، من واقعاً فکر می‌کنم آینده ایران در عمده فروشی پسته نیست چون دیگر نفر اول در عرضه پسته نیستیم. آینده پسته ایران وابسته به حفظ کیفیت بالا در بازارهای گران است.

هند با آنها مواجه هستیم.

توصیه ما به هندی‌ها این است که اگر می‌خواهند بازارشان بزرگ شود باید سراغ پسته آمریکایی بروند، چون ما مشکل عرضه داریم. ما امسال فقط ۴۰ هزار تن احمد آقایی داشتیم که ۲۰ هزار تن آن صرف مصرف داخلی شده، ۵ هزار تن دیگر احتمالاً به سال بعد انتقال داده می‌شود، بنابراین برای فروش فقط ۱۵ هزار تن باقی می‌ماند.

■ بازار داخلی

سید محمود ابطحی - در مورد بازارهای صادراتی ما به آمار گمرک دسترسی داریم. در مورد بازار داخل چنین چیزی نداریم. بنابراین محاسبه مصرف داخل تا حد زیادی به تخمین و حدس بستگی پیدا می‌کند. در سال‌هایی که آمار تا حدی دقیق‌تر بود، من یک سال پایه را مدنظر قرار دادم و با توجه به درآمد ملی، درآمد سرانه و نرخ دلار مصرف داخلی را تخمین زدم. در کل، به نظر من سالانه بین ۲۰ تا ۲۵ درصد پسته در داخل مصرف می‌شود. مصرف پسته در داخل ایران متنوع است و فقط به صورت آجیل مصرف نمی‌شود، بلکه حجم زیادی از پسته در صنعت شیرینی‌جات مثل تولید گز و سوهان به مصرف می‌رسد. به‌طور کلی، مصرف پسته در داخل در حال افزایش است، چرا که به وضعیت سایر آجیل‌ها هم بستگی دارد، مثلاً در سال‌های اخیر ممنوعیت واردات سایر آجیل‌ها باعث افزایش مصرف پسته در ایران شده‌است. ما در حال حاضر در انجمن دنبال پیدا کردن روشی برای محاسبه دقیق میزان مصرف داخل هستیم.

در واقع به سایر کشورها صادرات مجدد می‌شود.

یکی از دلایل عمده کاهش صادرات به امارات این است که به دلیل عوامل اقتصادی و سیاسی کشورهایی که قبلاً از امارات خرید می‌کردند به تدریج در حال خروج از این بازار هستند. من آینده تجارت با امارات را تاریک‌تر از این می‌بینم و برای همین صادرات در ۱۰ سال اخیر را به دو بخش تقسیم می‌کنم؛ هشت سال اول پرونق و دو سال اخیر که رو به افول است. علت رونق ۸ سال اول برخی مسائل سیاسی و اقتصادی بود به ویژه تحریم‌ها که اثر ویژه‌ای بر افزایش صادرات به امارات داشت. امارات یکی از کشورهایی بود که بیشترین سود را از تحریم‌های ایران برده و کمیسیون خوبی از مبادلات تجاری ایران گرفته‌است. تا قبل از سال ۹۴ بخشی از درآمدهای بالای نفتی در بازار تجاری امارات به صورت اعتبارات بانکی بین تجار مختلف در جریان بود و در واقع برای خرید دغدغه مالی نداشتند. این روند تا سال ۹۴ ادامه داشت، بعد از آن همان‌گونه که در نمودار دیدیم میزان صادرات به این مقصد به یک‌باره کاهش پیدا کرد. رفع تحریم‌ها و کاهش شدید اعتبارات بانکی نیز در کاهش مبادلات تجاری بین ایران و امارات بسیار موثر بوده است.

■ بازار هند

مرتضی کارگر - بازار هند یک بازار مشتری مدار، وارسته محور و با کیفیت است، اما متأسفانه بازار کوچکی است. کمبود عرضه و عدم یکنواختی در عرضه پسته از چالش‌هایی هستند که در بازار

این ۲۳ درصد تبدیل به ۲۸ درصد شود. در روش دوم که اصطلاحاً سیاه نامیده می‌شود، مجبوریم از کشورهای دیگر مثل قزاقستان یا پاکستان وارد کنیم. اولاً بحث درآمدی مطرح می‌شود؛ مثلاً پسته‌ای که ما به قزاقستان یا ازبکستان ۷،۵۰ تا ۸ دلار می‌فروشیم در روسیه ۱۰ دلار فروخته می‌شود؛ این مقدار سود به آن دو کشور تعلق می‌گیرد. در مورد خود بازار روسیه باید بگوییم که خواستار انواع پسته ما است و جزو معدود کشورهای پسته است که مستقیماً اعلام می‌کند آب خندان هم نیاز دارد.

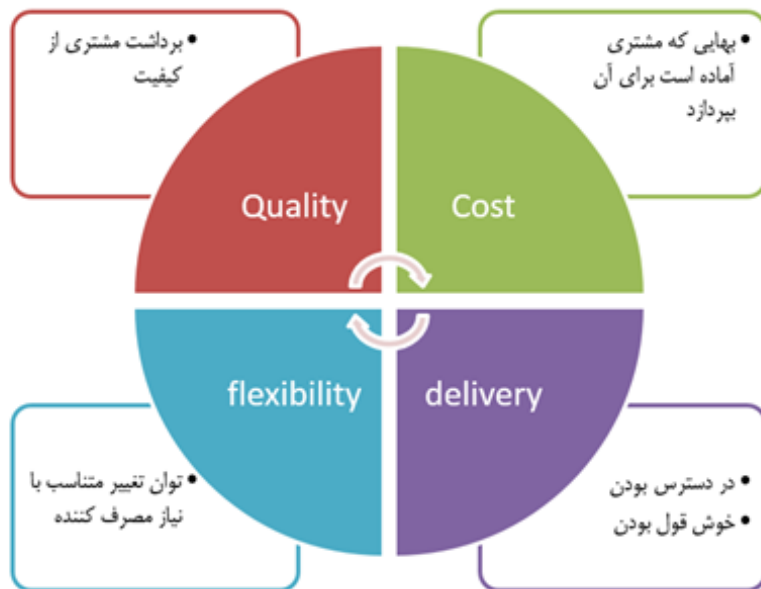
بحث دیگری که وجود دارد بحث جام جهانی امسال است که ما هنوز به آن صورت رغبتی از روسیه برای خرید ندیده‌ایم. وقتی به آمارهای سال‌های قبل و ماه‌های مشابه امسال نگاه می‌کنیم می‌بینیم که هیچ افزایش صادراتی به روسیه نداشته‌ایم. موضوع مهمی که جای فکر دارد این است که ما ادعا می‌کنیم که در پسته حرف اول یا دوم را می‌زنیم، اما عمدتاً به روش غیرمستقیم صادر می‌کنیم. پسته را از طریق هنگ‌کنگ یا ویتنام به چین وارد می‌کنیم، از طریق هنگ‌کنگ یا امارات به هند وارد می‌کنیم. از طریق قزاقستان یا ازبکستان به روسیه وارد می‌کنیم. از طریق امارات به کشورهای عربی پسته می‌فروشیم. این واقعاً جای فکر دارد که چرا ما به مقاصد اصلی صادراتیمان نمی‌توانیم مستقیم صادر کنیم؟

■ بازار امارات و خاورمیانه

محمدرضا هاشم پور - کشور امارات مصرف پسته چندانی ندارد. عمده پسته‌ای که به امارات صادر می‌شود



بازاریابی یعنی تکیه بر تمایزها



پس از پایان پنل بازرگانی، ناصر پاشاپور نیکو، مدیرعامل گروه بازاریابی دی.ان.ای یونیون، موضوع ایجاد تحول در بازاریابی بین المللی پسته را تشریح نمود. وی در ابتدای سخنرانی خود با ذکر مثال عرضه چای لیپتون، علت موفقیت این برند در ۵۰ سال گذشته را تمرکز دقیق بر رفتار مصرف کننده و تلاش برای تغییر آن رفتار دانست.

پاشاپور اولین راه برای تغییر رفتار مصرف کننده را پرداختن به نحوه توسعه محصول ذکر کرد و افزود: پسته بعد از فرآوری در مزه ها و بسته های مختلف عرضه می شود و همان طور که اعضای پنل اشاره کردند، ذائقه مصرف کننده در هند با چین یا اروپا فرق می کند. با هر کشور باید متفاوت برخورد کرد. تحقیق توسعه از تحقیق بازار شروع می شود. تحقیق بازار باید بگوید مصرف کننده چه دوست دارد و چه می خواهد مصرف کند. تحقیق بازار باید فرآیندی را طی کند که ایده پردازی، تکنولوژی و توانایی های تولیدکننده در آن مورد بحث قرار گیرد.

توسعه محصول جدید

در بازاریابی به این فرآیند توسعه محصول جدید (NDP) می گویند. این فرآیند باعث شد لیپتون ۱۷۰ شناسه منحصر به فرد محصول (SKU) به دست بیاورد. به دست آوردن این امکان باید بر پایه شناخت نیازهای متفاوت مصرف کنندگان در کشورهای مختلف در فرهنگ های مختلف و در مناطق مختلف جغرافیایی باشد. این فرآیند از ایده شروع می شود، ایده تبدیل به طرح می شود، طرح تبدیل به یک نمونه محصول می شود، برای نمونه محصول، استاندارد کیفی تعریف و در بازاری محدود عرضه و تست می شود، بعد که تست تأیید گرفت در تمام دنیا با فرهنگ های مناسب صادر می شود.

این فرآیند می تواند دو سویه باشد؛ یا از طرف بازار (نیاز بازار) شروع شود و به عنوان درخواستی از طرف مصرف کننده باشد، یا اینکه بر اساس توانایی های تولید به بازار پیشنهاد شود. ولی قطعاً

فروش محصول را گسترش دهد و برای آن تبلیغ کند. برای مصرف کننده نیز این روندی است از آشنایی تا وفاداری و طرفداری. داشتن ثبات در این اصول باعث می شود مشتری اصطلاحاً در آغاز به صورت حلزونی (با امتحان کردن) و بعد با بزرگ کردن دایره خرید به یک نوع وفاداری و طرفداری از تولیدکننده دست پیدا کند.

مسیر تحول رفتار مصرف کننده

سوالاتی که قبل از خرید برای مصرف کننده جدید پیش می آید به این ترتیب است: ۱. آیا تولیدکننده (برند) توانایی طی کردن این مسیر با تکیه بر اصول چهارگانه را دارد؟ ۲. بر اساس نیازهای جدید مصرف کننده تا چه حد توانایی دارد؟ ۳. دقیقاً در چه کاری توانایی دارد؟

زمان اولین خرید یا در اصطلاح بازاریابی اولین خلوت با محصول، دیگر هیچ تبلیغی در کار نیست. مصرف کننده مستقیماً با محصول مواجه می شود. اگر این منجر به خرید مجدد شود، برند وارد مرحله اطمینان و اعتماد شده که این منجر به افزایش تعداد مصرف کنندگان خواهد شد.

مراحل انتقال مسئولیت از کشور

مبداء به کشور مقصد

هر بازاری یک نوع مصرف کننده دارد، اما دست یافتن به هر مصرف کننده متفاوت

قبل از هر چیز به اطلاعات مصرف کننده و اطلاعات بازار احتیاج است.

اصول حکمفرما بر ساخت یک برند

۱. کیفیت (تحقیق بازار): مفهومی مجازی است و نباید با استانداردهای محصول اشتباه شود. منظور از کیفیت چیزی نیست که در ذهن تولیدکننده است، بلکه آنچه که در ذهن مصرف کننده شکل می گیرد.

۲. ثبات قیمت (توسعه محصول): برای مصرف کننده مثلاً تغییر قیمت پسته با قیمت دلار اصلاً معنی ندارد. نیاز مصرف کننده نهایی دیدن ثبات قیمت است.

۳. در دسترس بودن (تبلیغات و بسته بندی): یعنی کالا با یک نوع بسته بندی همیشه در دسترس مصرف کننده باشد.

۴. انعطاف پذیری (نفع رساندن به مشتری): معنای پیچیده ای دارد؛ یعنی تولیدکننده متناسب با تغییراتی که در خواسته های مصرف کننده اتفاق می افتد، واکنش سریع و حتی پیش هنگام نشان دهد. انعطاف پذیری یعنی جلوتر از مصرف کننده حرکت کردن در مسیری که مصرف کننده می خواهد.

با رعایت این چهار اصل، تولیدکننده تازه در آغاز مسیر معرفی برند و محصولش قرار می گیرد و با کسب اطلاعات جدید از مشتری می تواند

است. با یک بازار به شکل صادرات برخورد می‌شود. در یک بازار نماینده مقیم یا شریک تجاری گرفته می‌شود. در یک بازار ممکن است لازم باشد شعبه دایر کرد. در یک بازار می‌شود اقدام به تأسیس کارخانه فرآوری محصول کرد. در یک بازار هم می‌شود مزرعه احداث نمود.

مدل تجاری ای پی ار جی (EPRG)

در سال ۱۹۷۰ فردی به نام هاوارد پرلمتر (Howard V. Perlmutter) مدلی تجاری ارائه داد با توجه به پدیده ارتباطات و اینکه دیر یا زود همه کسب و کارها باید جهانی شوند. برای اینکه جهانی شوند بایستی اول جهانی فکر کنند، فرآیندهایشان را جهانی کنند و ارزش‌ها، باورها و تصمیمات استراتژیک خود را بر مبنای رفتارهای جهانی بچینند. بر مبنای این نظریه کسب و کارهای بومی مجبور هستند طی روندی به سمت جهانی شدن حرکت کنند. آقای هاوارد کسب و کارها را به ۴ دسته تقسیم می‌کند که در ادامه با آن آشنا می‌شویم. تفاوت اصلی انواع کسب و کار در روش‌های تصمیم‌گیری آنها است.

۱. تصمیم‌گیری بر اساس انواع کسب و کار

۱. **بومی:** استراتژی‌های کشور مبدأ برتر هستند و در بازارهای خارجی نیز اعمال می‌شوند.
۲. **چند مرکزی:** مدیریت غیرمتمرکز، نمایندگان فروش و شرکای تجاری هستند که برای بازار خود تصمیم می‌گیرند.
۳. **منطقه‌ای:** تصمیمات اصلی در دفاتر منطقه‌ای گرفته می‌شود و با هر منطقه به عنوان یک بازار واحد برخورد می‌شود.
۴. **جهانی:** وجود یکپارچگی بازاریابی در سراسر جهان بدون هیچ گونه تعصبی در بین کشورها.

۲. استانداردها بر اساس انواع کسب و کار

- کسب و کار بومی:** به کارگیری استانداردهای کشور مبدأ در تمامی بازارها
- کسب و کار چند مرکزی:** استاندارد هر کشور در بازار همان کشور
- کسب و کار منطقه‌ای:** استانداردهای هر منطقه در بازار همان منطقه
- کسب و کار جهانی:** استاندارد در تمام

اهمیت اهداف بر اساس انواع کسب و کار

- کسب و کار بومی:** تنها اهداف بازار کشور مبدأ اهمیت دارد.
- کسب و کار چند مرکزی:** هرکس تنها بر اهداف کشور خودش تمرکز دارد.
- کسب و کار منطقه‌ای:** هر منطقه تنها بر اهداف منطقه خودش تمرکز دارد.
- کسب و کار جهانی:** تمرکز بر اهداف جهانی است.

۳. ملیت محصول بر اساس انواع کسب و کار

- کسب و کار بومی:** در همه جا با ملیت کشور مبدأ شناخته می‌شود.
- کسب و کار چند مرکزی:** در هر کشور با ملیت خود آن کشور شناخته می‌شود.
- کسب و کار منطقه‌ای:** در هر منطقه با یک ملیت منطقه‌ای شناسایی می‌شود.
- کسب و کار جهانی:** ملیت ندارد و جهانی است.

سمت‌ها بر اساس انواع کسب و کار

- کسب و کار بومی:** سمت‌های اصلی در دست افرادی از کشور مادر است.
- کسب و کار چند مرکزی:** سمت‌های اصلی هر کشور در دست افرادی از آن کشور است.
- کسب و کار منطقه‌ای:** سمت‌های اصلی در دست افراد هر منطقه است.
- کسب و کار جهانی:** سمت‌های اصلی در دست افرادی است که در کشورهای مختلف تجربیات موفق داشته‌اند.

ورود به بازارهای بین‌المللی

- برای ورود به هر بازار سه سوال اصلی وجود دارد: ۱. به کدام بازار باید وارد شد؟ ۲. چه زمانی باید وارد بازار شد؟ ۳. در چه مقیاس و اندازه‌ای باید وارد شد؟ وقتی این اطلاعات جمع‌آوری شد در مرحله بعد نیاز به تبیین استراتژی وجود دارد که بر اساس نظریه آقای هاوارد به چهار نوع تقسیم می‌شود:
۱. مالکیت ۱۰۰ درصدی؛ از مزایای این استراتژی دریافت مزایای سرمایه‌گذاری خارجی، کاهش هزینه‌ها و کنترل کامل فرآیند تولید است، اما با محدودیت‌هایی از قبیل درگیر شدن بیشتر منابع مالی مواجه است.
 ۲. شراکت؛ این روش ریسک کمتری دارد اما با مشکل انتقال دانش فنی روبرو است.
 ۳. صادرات مستقیم؛ در

این روش پیاده‌سازی برنامه‌های بازاریابی و ارتباط مستقیم با خریدار نهایی امکان پذیر است، هرچند این روش نیاز به سرمایه‌گذاری دارد. ۴. صادرات به بنکداران محلی؛ از مزایای این روش عدم نیاز به سرمایه‌گذاری جدید و استفاده از تجربیات بنکدار محلی است، اما از جمله چالش‌های این روش هزینه بالای گمرک، حمل و نقل و ناتوانی در پیاده‌سازی برنامه‌های تبلیغاتی است. استراتژی‌های مختلف در بازاریابی؛ حجم فروش یا حاشیه سود؟

ناصر پاشاپور در انتهای سخنرانی با یادآوری این نکته که بازاریابی می‌تواند به داد پسته ایران برسد، تأکید کرد: بازاریابی یعنی «دنباله روی نکردن»؛ اینکه آمریکا برای پسته چه می‌کند تا ما هم همان‌گونه عمل کنیم درست نیست. استراتژی که برای فروش پسته آمریکا به کار گرفته شده (مثل کوکا کولا) استراتژی بزرگ بودن است. سوالی که پیش می‌آید این است که آیا همه باید این استراتژی را در پیش گیرند؟ پاسخ منفی است، لزوماً این‌گونه نیست.

بازاریابی یعنی تکیه بر «تمایزها»؛ به جای استراتژی بزرگ بودن می‌توان به خاص و متنوع بودن اتکا جست. پسته ایران با تنوع وسیع طعم و مزه می‌تواند دنباله رو این استراتژی باشد. پسته آمریکا مزایای خودش را دارد و ما نیز باید بر مزایای پسته خودمان تکیه کنیم.

بازاریابی یعنی تکیه بر تمایزها «بر پایه اطلاعات»؛ باید مزیت‌های پسته ایران را بر پایه اطلاعات و تحقیقات به مشتری بشناسانیم. به نظر من صنعت پسته ایران نباید رقابت قیمتی بکند، بلکه باید به دنبال عرضه واریته‌های گوناگون پسته در بازارهای خاص (niche markets) و ارائه محصول لوکس باشد.

بنابراین تحقیق توسعه و تحقیق بازار دو پایه هستند که براساس آنها باید استراتژی‌های دقیق چیده شود. همان کاری که سال‌ها پیش برند Dole کرد و در حال حاضر سهم بسیار بزرگی از بازار دارد. برای دوام تجارت‌مان باید جهانی فکر کنیم و گر نه باید منتظر بمانیم به کسب و کارمان لطمه بخورد. در ادامه پرسش و پاسخ و گفت و گوهای

آلمان بشود به کار برد هم در شرق اروپا.

سید محمود ابطحی - در سال ۱۳۵۶ ما هزار تن پسته از ایران به اروپا صادر می‌کردیم. بعد از گذشت ۲۰ سال یعنی تا سال ۱۳۷۶ صادرات هزار تنی ما به اروپا به ۹۰ هزار تن رسید. آیا برای اینکه از هزار تن به ۹۰ هزار تن برسیم بازاریابی کردیم؟ خیر، هیچ کار خاصی انجام ندادیم. عاملی که باعث شد ما در این مدت مصرف پسته در اروپا را ۹۰ برابر افزایش دهیم، قیمت پسته بود. حاشیه سود بالایی که پسته برای توزیع کننده داشت باعث شد که پسته در سطح وسیعی در اروپا توزیع شود. اروپایی‌ها توزیع در سطح وسیع را شروع کردند. به هر حال این هم یکی از واقعیت‌های بازار است که در بعضی مواقع لزوماً بسته‌بندی و ارسال ممکن است جواب ندهد. حتی آن زمان بزرگ‌ترین صادر کننده تعاونی پسته بود. تعاونی پسته کاری که آقای پاشاپور الان توصیه کردند را هم انجام داد؛ در هامبورگ بسته‌بندی پسته با نام پیستاکو زد اما موفق نبود. البته فقط مسأله بازار نیست، مدیریت، سبک کار و غیره هم مهم است. عرض من این است که ممکن است بعضی اوقات روش توسعه بازار ایجاد حاشیه سود بالا برای بخش توزیع باشد.

مهدی آگاه - یکی از ریشه‌ای‌ترین موضوعاتی که باید به آن توجه داشت این است که ما ۲۰۰ هزار تن محصول داریم و تعداد خریداران و توزیع کنندگان عمده در بازار اروپا بیش از ۳ - ۴ نفر نیست. این فاصله را چه کسی باید پر کند؟ آن دوره‌ای که تعاونی وجود داشت این کار عملاً اتفاق می‌افتاد و ثبات قیمت وجود داشت. قراردادهای بزرگ توسط تجار بسته می‌شد. بر این اساس که اول سال تعاونی پسته را از باغدار خریده و در تمام طول سال با یک قیمت تقریباً ثابت عرضه می‌کرد. این علت موفقیت پسته در آن دوران بود که رشد مصرف آن از ۱۰۰۰ تن به ۹۰ هزار تن رسید. امروز بزرگ‌ترین مسأله پسته ایران نبود شرکت‌های عظیم با سرمایه دلاری است. در شرایط فعلی چطور می‌شود چنین شرکتی تأسیس کرد؟ من نمی‌دانم.

نام واندرفول. در آمریکا سالی ۳۰ تا ۴۰ میلیون دلار و در سایر کشورها سالی ۷۰ میلیون دلار خرج تبلیغات می‌کنند که این برند را به مردم بشناسانند. جالب است بدانید که این برند فقط مختص پسته هم نیست. نتیجه اینکه با صرف صدها میلیون دلار سرمایه‌گذاری برای تبلیغات توانستند ۷۰ درصد بازار داخلی را از آن خود کنند، اما در سایر کشورها که از نظر بازاریابی هم فعال هستند توانستند رشد برنشان را به ۱۵ درصد برسانند، نه بیشتر. در کشورهای سنتی‌تر مثل چین توانستند رشد برند واندرفول را تنها به ۱ درصد برسانند. بنابراین این کار برای پسته با هزینه بالا در کشور مبدأ جواب می‌دهد، اما برای صادرات متأسفانه نوع و ذات کالای پسته جوابگو نیست. مثلاً در فرانسه ۱۸۰ برند پسته موجود است، اگر شما بخواهید رقابت بکنید به جای اینکه با ۱۰ واردکننده و توزیع کننده صحبت کنید باید با ۱۸۰ برند رقابت کنید.

ناصر پاشاپور - من احساس می‌کنم همه دنبال یک فرمول جادویی می‌گردند که همه جای دنیا کاربرد داشته باشد. این فرمول جادویی چیزی نیست جز اینکه باید بازار و رفتار مصرف کننده را که در حال تغییر هستند دائماً زیر نظر داشت، چرا که اتفاقاً این از جذابیت‌های تجارت است. بنابراین هیچ فرمول ساده‌ای نیست که هم مثلاً در

مطرح شده در زمینه بازاریابی پسته مطرح شده است.

علی قاسمعلی زاده - جناب پاشاپور ما پسته را به صورت فله صادر می‌کنیم. هنوز نتوانسته‌ایم پسته را به صورت بسته‌بندی شده صادر کنیم، چرا که خریداران هم سودشان را در نظر می‌گیرند و هم اینکه در کشورهای مختلف تعرفه گمرکی سنگینی بر واردات پسته بسته‌بندی شده وجود دارد. همچنین، شرکت‌های توزیع کننده براساس سلیقه مصرف کننده ترجیح می‌دهند خودشان فرآوری و بسته‌بندی کنند و با برند خودشان بفروشند. برای این وضعیت پسته ایران چه راه‌حلی پیشنهاد می‌کنید؟

ناصر پاشاپور - ببینید فرآوری در کشور مقصد یکی از راه‌حل‌ها است، چرا که هم مالیات را کاهش می‌دهد و هم می‌توان متناسب با سلاقی مختلف طعم‌ها و مزه‌های جدید به وجود آورد. **دنيس كتابی** - در مورد پسته و تئوری برشته و بسته بندی کردن آن در ایران برای صادرات من مثال خیلی ساده آمریکا را می‌زنم تا بتوانیم به یک جمع‌بندی برسیم. ببینید! شرکت پارامونت اول یک برند محلی داشت به نام سانکیست (Sunkist) که در آمریکا همه این برند را می‌شناختند و صدها میلیون دلار ارزش داشت، اما این برند را رها کردند و برند جدیدی ساختند به



سیستم بانکی ایران با تغییرات بانکی دنیا ناآشناست

محور صحبت‌های پرویز عقیلی کرمانی در روز دوم گردهمایی انجمن پسته ایران نقل و انتقال ارز حاصل از صادرات پسته، بانکداری بین المللی، بانکداری داخلی و لزوم تغییرات و تصمیمات جدی اقتصادی بود.

عقیلی در خصوص مسائل بانکی بین المللی با اشاره به اینکه پیش فرض صحبت‌هایش ادامه و حفظ شرایط و روند فعلی است، گفت: بعد از برجام با یک درجه تخفیف به بانک‌های بین المللی اجازه داده شد تا با بانک‌های ایرانی مذاکره کنند. تا قبل از برجام هر کسی که عضو اف ای تی اف (گروه ویژه ی مقابله با جرایم مالی) بود از ریسک‌ها و مخاطرات همکاری با بانک‌های ایرانی با خبر بود و اف ای تی اف آنها را از رابطه با ایران شدیداً برحذر می‌داشت. وی گفت: برای یک مدت طولانی، بانک‌های ما از سیستم بین المللی دور بوده و سیستم بانکی ما نسبت به اتفاقات و تغییراتی که در دنیا به وقوع پیوسته نا آشنا است. در حال حاضر دو لایحه مربوط به اصلاح مقررات ضد پولشویی (AML) و تأمین مالی تروریسم (CFT) در دستور کار مجلس شورای اسلامی قرار گرفته است. در حال حاضر از سه عاملی که یک بانک بر اساس آن ارزیابی می‌شود، «بازرسی داخلی» برای سیستم بانکی ایران کاملاً آشنا بوده است، ولی دو نکته دیگر طی این سال‌ها به شاخص‌های ارزیابی بانک‌ها اضافه شده است.

مدیرعامل بانک خاورمیانه با اشاره به اتفاقات حمله به برج‌های مرکز تجارت جهانی نیویورک اظهار داشت: یکی از سرنخ‌های تحقیقات، پولی بود که مقدمات حملات را فراهم می‌کرد. پس از این اتفاقات، موضوع قابل ردیابی بودن پول اهمیت پیدا کرد. برخی از این موضوع ناراحت هستند که چرا سیستم بانکی از من می‌پرسد پول را از کجا آوردی و برای چه و برای چه شخصی داری می‌فرستی؟ ریشه تمام مسائل اینجا است، نه کسی با شما دشمنی دارد و نه به شما بی‌احترامی می‌کند. وی ادامه داد: این تغییرات یکی از

واقعیت‌هایی است که در سیستم بانکی اتفاق افتاده است. این مقررات برای بانک‌ها الزامی است.

عقیلی با برشمردن موضوع بحران مالی ۲۰۰۸ از آن به عنوان عاملی در جهت تغییرات سیستم بانکی بین المللی یاد کرد و افزود: خیلی از صاحب‌نظران بحران سال ۲۰۰۸ را با رکود ۱۹۲۹ آمریکا مقایسه کردند. ریشه اصلی بحران سال ۲۰۰۸ را سیستم بانکی ایجاد کرد. بانک‌ها تسهیلاتی که به صورت رهنی داده بودند را داخل یک سبد می‌گذاشتند و بر اساس آن اوراق منتشر می‌کردند و این رویه یک نقدینگی خیلی خوب برای بانک‌ها ایجاد می‌کرد و بانک‌ها ترازنامه‌ای را که در دارایی‌شان نوشته شده بود را به ابزاری برای معامله تبدیل می‌کردند.

عقیلی گفت: در سال ۲۰۰۸ خیلی از کسانی که خریداران این ابزار بودند، مثل ام ای تی، اگر سقوط می‌کردند دیگر موضوع آمریکا نبود و کل دنیا تحت تأثیر آن قرار می‌گرفت. بنابراین بانک‌ها به این نتیجه رسیدند که باید مدیریت ریسک کنند.

وی با اذعان به اهمیت سیستم بازرسی داخلی که در حال حاضر در بانک‌های ایران موجود است، گفت: در بانکداری بین المللی علاوه بر سیستم بازرسی داخلی، دو مقررات بین المللی دیگر هم اضافه شده است و تا وقتی که بانک‌های ما در ایران این سه واحد را با هم نداشته باشند نباید انتظار داشته باشیم که بانک‌های کشورهای مختلف با ما کار کنند.

وی گفت: موضوع دیگر شفافیت است. یعنی باید سهام‌دار نهایی شرکت مشخص شود، زیرا بانک خارجی می‌ترسد که نهادهای سهامدار این شرکت در لیست تحریم باشند. بنابراین بانک بین المللی ریسک نمی‌کند و می‌گوید نمی‌خواهم با ایران کار کنم. حل این مشکلات طول می‌کشد.

عقیلی با برشمردن مقررات بانکی بازل ۱، ۲ و ۳ (مقررات کمیته بازل معمولاً برای حل یک بحران مالی یا

برای شناسایی مشکلات بانک‌های بزرگ وضع می‌شوند) و عقب ماندگی بانک‌های کشور از سه رکن اصلی این مقررات و توصیه‌های بین المللی یعنی سرمایه، نظارت و شفافیت، گفت: امروز اگر ما مقررات بازل ۳ را برای سیستم بانکی استفاده کنیم مشکلات فراوانی خواهیم داشت. خیلی از بانک‌ها گرفتار خواهند شد و کفایت سرمایه بعضی‌ها ممکن است منفی شود. یعنی وقتی شما با پولی که قرار بود سرمایه بانک باشد سرمایه‌گذاری کلان کرده و بانک را تبدیل به یک شرکت مضاربه‌ای می‌کنید، در این صورت دارید از این طرف سپرده می‌گیرید نه برای اینکه تسهیلات بدهید و درآمد برای بانک ایجاد کنید، بلکه برای اینکه بهره سپرده قبلی را بدهید و هستند موسساتی که این چنین عمل می‌کنند.

در پایان پرویز عقیلی کرمانی در مورد بانکداری داخلی ایران اذعان داشت: سیستم بانکی ما نیاز به اصلاح واقعی دارد. این هم مختص ایران نیست خیلی جاهای دنیا حتی آمریکا بارها شده است که بازنگری کرده‌اند. زمانی در آمریکا ۱۶ هزار بانک بود، ولی امروز ۵ هزار بانک وجود دارد. تعداد زیادی از بانک‌ها ورشکست شدند و تعدادی هم ادغام شدند. در کره جنوبی یک زمانی ۳۳ بانک وجود داشت. در سال ۲۰۰۲

وقتی تجدید حساب بانکی لازم شد تعداد بانک‌ها به ۱۷ بانک کاهش پیدا کرد. یعنی اتفاقی که افتاد نشان داد بانک‌هایی که وضعیت درستی نداشته باشند، وبال گردن اقتصاد هستند. طبق برآورد من اگر بخواهیم سیستم بانکیمان را اصلاح کنیم چیزی بین ۱۸۰ تا ۲۰۰ میلیارد هزینه خواهد داشت. پس باید واقع بینانه به این موضوع نگاه کنیم که چگونه می‌توانیم سیستم را اصلاح کنیم. در درجه اول این واقعیت را قبول کنیم که سیستم بانکی ما باید اصلاح بشود، دوم اینکه نظارت بانک مرکزی باید شدیداً تقویت شود و سیستم بانکی باید نظارت بانک مرکزی را قبول کند و صورت‌های مالی بانک‌ها نشان دهنده واقعیت باشد.

فرهنگ بیمه در کشور ما خیلی پایین است

کردید. مدیر عامل صندوق ضمانت صادرات در خصوص کارمزدهای خدمات صندوق گفت: کارمزدهای ما را دولت به دلیل اینکه ما حمایتی هستیم کاهش داده است. در بعضی از نقاط کارمزد بین المللی است؛ به عنوان مثال کارمزد ما در عراق ۱ درصد بیشتر نیست و یا در پتروشیمی در اروپا با ۴ دهم درصد کارمزد، ۱۰۰ درصد ریسک مشتری را برمی داریم. وی در خصوص اعتبار سنجی مشتریان گفت: ما می توانیم ظرف یک هفته خریدار شما را اعتبار سنجی کنیم. پس از اینکه اعتبار سنجی کردیم یک عدد به شما می دهیم و می گوئیم مشتری تا چه مبلغی سقف دارد. به این صورت به شما تعهد می دهیم و ریسک آن را قبول می کنیم؛ بدون اینکه اعتبار اسنادی بگیرید با همان قرارداد جنس را بفرستید و اگر پولتان را نگرفتید، از ما مطالبه کنید. بنابراین ما مشتری جدید شما را اعتبارسنجی می کنیم و عدد به شما می دهیم. همان عدد را با کارمزد زیر ۱ درصد بیمه می کنیم که اگر پولتان را نتوانستید بگیرید از ما بگیرید. ممکن است از مشتری اعتبار سنجی کنیم و نخواهیم بیمه نامه بگیرد، آن هم اشکالی ندارد و جزو خدمات ما است که می توانیم در اختیار شما قرار دهیم. وی با بیان اینکه در مذاکره با موسسات بیمه اعتباری بین المللی موافقت نامه های خوبی داشته ایم، اضافه کرد: دو شرکت بیمه اعتباری معتبر بین المللی موافقت کرده اند تا ۴۰ درصد ریسک ما را بردارند و این بواسطه اعتبارسنجی خوبی بوده که صندوق ضمانت صادرات داشته است. سید علی در ادامه افزود: فرهنگ بیمه در کشور ما خیلی پایین است. بسیاری فکر می کنند بیمه اعتبار یک هزینه است، ولی واقعیت این است که در دنیا هیچ کس بدون بیمه اعتبار، صادرات انجام نمی دهد؛ یعنی تمام کشورهایی که حتی خودرو به ما می فروشند از بیمه اعتبار استفاده می کنند. سید علی گفت: بدون درخواست مشتریان صندوق بسیاری از شرکت های خارجی را اعتبار سنجی کرده و لیست این شرکت ها در وب سایت صندوق هم وجود دارد و اعلام کردیم که ما ریسک صادرات به این شرکت ها را برمی داریم.

وام با نرخ ۱۴ درصد در اختیار صادرکننده قرار بدهند. ۳ ماه قبل بخشنامه اش ابلاغ شده و اصرار ما بر این است که این تأمین مالی را بدهیم به بانک های خصوصی که با تلفیق این ۱۱ درصد بتوانند وام با نرخ های کمتر از ۱۸ درصد در اختیار صادرکنندگان قرار دهند. وی با اشاره به اینکه این ضمانت نامه اعتباری می تواند صادر کننده را در مقابل تسهیلات دریافتی از بانک ها ضمانت کند، افزود: این ضمانت نامه می تواند اعتبار ضمانت تولیدی هم باشد؛ یعنی هر کارخانه و یا شرکت بزرگی می تواند کالایی را در اختیار صادر کننده قرار دهد و ما صادر کننده را در مقابل تولید کننده هم تضمین می کنیم و در صورت ایجاد مشکل برای بازپرداخت صادر کننده، صندوق بازپرداخت آن را انجام می دهد. طی ۱۰ سال اخیر پسته های ها توانسته اند به میزان ۲۴۸ میلیون دلار از خدمات ما استفاده کنند که ۴۲ میلیون دلار شامل خسارت وارد شده است. البته ۵۰ درصدش را ما توانسته ایم وصول کنیم. متأسفانه از محصولات بیمه ای ما کسی استفاده نکرده و اگر هم بوده خیلی کم، به میزان ۴ الی ۵ میلیون دلار، ۱۰۰ هزار دلار، ۲۰۰ هزار دلار و ۵۰ هزار دلار که در خارج از کشور این محصول را استفاده کردند و خسارت زیادی برای ما در خسارت بیمه ای مترتب نشده است. مدیرعامل صندوق ضمانت صادرات ایران افزود: با توجه به آمار خسارت های وارده به صندوق، نسبت به سیستم بانکی قابل مقایسه نیست. ما کمتر از ۵ یا ۶ درصد خسارت داشتیم، چرا که نسبت به مشتری شناخت داریم و خوب اعتبارسنجی می کنیم؛ هم در مورد بیمه نامه هایمان در خارج از کشور برای اینکه جنس را بفرستند و هم این طرف را می دانیم که چه افرادی هستند که می توانیم با اعتبار سنجی که انجام می دهیم، اعتبار بیشتری را در اختیارشان قرار بدهیم. وی در خصوص ریسک سرمایه گذاری در خارج از کشور گفت: خیلی از صادرکنندگان پسته ممکن است با طرف خارجی شریک شوند و خارج کشور واحد فرآوری یا بسته بندی تأسیس کنند. به این منظور صندوق می تواند ریسک شما را پذیرفته و اگر فردا اتفاقی افتاد پولتان را از ما بگیرید، به هر میزان که سرمایه گذاری

سید کمال سید علی مدیر عامل صندوق ضمانت صادرات ایران از دیگر سخنرانان دومین روز گردهمایی سالانه انجمن پسته ایران بود. موضوع سخنرانی وی وظایف صندوق ضمانت صادرات و نحوه تضمین صادرات بود. سید علی گفت: موسسات تأمین مالی اعتباری صادرات (ECR) بیش از ۱۰۰ سال است که در دنیا به دلیل تولید ناخالص داخلی بالا، جمعیت کم، ضرورت ارسال کالا به خارج از کشور برای ارتزاق مردم و بالا بردن سطح اقتصاد ایجاد شده اند. وی با تشریح وظایف موسسات بیمه اعتباری اظهار داشت: این موسسات درست شدند که ریسک تجاری صادرکنندگان شامل: استتکاف خریدار از قبول کالای صادرشده، عدم پرداخت بهای کالا در سررسید مقرر و عدم توانایی مالی خریدار به دلیل ورشکستگی و ریسک سیاسی که می تواند بدلیل وقوع جنگ و مشکلات اساسی حادث شود را پوشش دهند. سید علی ضمن اشاره به سابقه این صندوق بیان کرد: صندوق ضمانت صادرات ایران قبل از انقلاب و در سال ۱۳۵۳ تأسیس شد و بعد از انقلاب تعطیل و مجدداً در سال ۱۳۷۴ ادامه به کار داد. دولت ها این موسسات را با هدف پشتیبانی از صادرات درست کردند، پس صندوق ضمانت صادرات یک دستگاه حمایتی است و دستگاهی سودآور نیست. وی اذعان کرد: طی یک سال گذشته با شرایط سخت دولت، ۲۰۰ میلیون دلار افزایش سرمایه داشتیم و توانستیم از ۲۷ پیمانکار مشغول به کار در عراق که بیمه هم نداشتند و دولت عراق نتوانست پولشان را پس بدهد، حمایت کنیم. وی ضمن معرفی یکی دیگر از ضمانت نامه های این صندوق گفت: با تضمین ما، شما می توانید از بانک پول بگیرید. طی سال های گذشته بیشتر بانک های خصوصی مشتری ما بودند. وقتی نرخ سود تسهیلات به ۲۸ درصد رسید، چون این مقدار برای صادرات جواب نمی دهد، تلاش کردیم نرخ سود را کاهش دهیم و برای کاهش نرخ سود با صندوق توسعه ملی تعامل خیلی زیادی کردیم. امروز به اینجا رسیدیم که صندوق توسعه ملی با ۱۱ درصدی که در اختیار سه بانک گذاشته، آنها می توانند این وجوه را پس از ترکیب با منابع خودشان،

بانک و بیمه به تجار جواب می‌دهند

می‌شود. یکی ضمانت‌نامه‌ای است که بانک مدعی‌اش می‌شود و دیگری اینکه شما مدعی می‌شوید که من پولم را از آن طرف نگرفته‌ام. بنابراین هر دوی اینها در عین واحد عملی است، ولی فقط با صندوق و قرارداد شما تا ۳۰ الی ۴۰ درصد می‌تواند توسط سرمایه در گردش توسط سیستم بانکی با تضمین ما تبدیل به پول بشود، نه ۱۰۰ درصدش.

پرویز عقیلی کرمانی - درمورد صادرات، شما آن طرف باید یک ال سی باز کنید؛ اگر ال سی باز کردید و اگر یک بانک درست و حسابی و مورد تأیید ما بود، ۹۰ درصد پولش را فوری و به نرخ بازار و ۱۰ درصد دیگر را وقتی که کار انجام می‌شود، می‌دهیم.

آرش علوی - چه نرخ ارزی را شما ملاک می‌گذارید؟ چون برای نرخ ارز در بازار آزاد اصلاً ملاکی وجود ندارد خصوصاً زمانی که ارز تک نرخ نیست؛ پس این خیلی مهم است که پولی که اینجا دریافت می‌شود با چه نرخ محاسبه می‌شود؟

ابتدا باید چند نکته در مورد اعتبارسنجی عرض کنم؛ اول اینکه اعتبارسنجی که شما می‌فرمایید خیلی کند است و خیلی طول می‌کشد. نکته دوم اینکه یکی از نقاط ضعف این است که ملک کشاورزی یا حتی سند کارخانه‌ها را هم قبول نمی‌کنید و بخش خصوصی نحیف کشور احتیاج به انعطاف بیشتری دارد. چندین مراجعه برای اعتبارسنجی مشتریان خرده خارجی به صندوق بوده و کار انجام نشده است. به عنوان مثال تجار معتبری هستند که اعتبارسنجی اینها برای یک کسی در خارج از ایران خیلی سخت است. یا اگر بخواهیم برای تجار زیرپله‌ای در هند یا چین اعتبارسنجی بکنیم خیلی کار سختی است، ولی برای پسته این مسئله خیلی ضروری است. شاید بشود شرکت‌های بزرگ را خیلی راحت اعتبارسنجی کرد، ولی شرکت‌ها و تجار کوچک را به چه صورت اعتبارسنجی می‌کنید؟

پرویز عقیلی کرمانی - در مورد نرخ

پس از ارائه دو سخنان، پرویز عقیلی کرمانی در خصوص نقل و انتقال ارز حاصل از صادرات پسته و سیدکمال سیدعلی در مورد فایننس و بیمه‌های مالی صادرات پسته، ایشان به سوال‌های حضار پاسخ گفتند. در ادامه مشروح این پرسش و پاسخ‌ها آورده شده است.

دنیس کتابی - درصد سود صادرات برای کالاهای کشاورزی زیاد نیست. اگر قرار باشد ۱ درصد از ۲ یا ۳ درصد آن را بابت بیمه بدهیم شاید توجیه نداشته باشد. آیا امکان دارد بانک بیمه‌نامه صندوق را به عنوان ضمانت تسهیلات قبول کند و تسهیلات در اختیار صادر کننده قرار دهد یا خیر؟

سوال دوم اینکه همه می‌دانند هر ساله صدها میلیون دلار پسته از این مملکت صادر می‌شود، ولی ۱ دلار از طریق سیستم بانکی بر نمی‌گردد و همه آن از کانال‌های غیر رسمی بر می‌گردد. اگر بخواهیم پول را از طریق سیستم رسمی انتقال دهیم، با نرخ رسمی ایران ارز را می‌خرند که با نرخ بازار و با نرخ‌های صرافی‌ها اختلاف زیادی دارد. آیا در این رابطه کاری انجام شده است؟

سیدکمال سید علی - بیمه نامه معنیش این است که اگر طرف خارجی پول را ندهد، صندوق ضمانت با اعتبارسنجی که از آن طرف می‌کند، پول شما را بدهد. یک موقعی یک پروژه بزرگ دارد انجام می‌شود و شما ابزار پرداخت دارید؛ مثلاً می‌شود یک ال سی از این طرف و یک ال سی از آن طرف باز کرد؛ همه هم درگیر کار هستند؛ در آن مقطع این کار انجام می‌گیرد؛ یعنی ما می‌دانیم ابزار پرداخت تعهد پرداخت بانک‌های خارجی در بازپرداخت به موقع سرسیدها توسط یک تضمین کننده صورت گرفته است. در چنین شرایطی بانک‌ها می‌توانند این بیمه‌نامه را وثیقه بگیرند، برای اینکه یک تسهیلاتی را در اختیار مشتری قرار بدهند. اما وقتی خود صندوق به لحاظ بیمه‌ای یک ریسک بردارد و از لحاظ ضمانت‌نامه‌ای هم یک ریسک، یعنی دو ریسک مترتب

ارز فرمودید؛ ملاک ما نرخ ارز در بازار در روزی است که شما ارزتان وصول می‌شود. نرخ بازار روشن است؛ چرا که به هر صورت آن روز در بازار خرید و فروش می‌شود و این نرخ ۱۰۰ درصد باید با صراف رقابتی باشد. البته توجه بفرمایید که موضوع نقل و انتقال ارز توسط صراف، مختص ایران است که آن هم به دلیل تحریم‌ها پیش آمد. نکته دوم اینکه اگر مبلغی توسط بانک وصول می‌شود و قرار است به یک کشاورز پرداخت شود، علاوه بر اینکه واسطه‌ای که این معامله را انجام داده است، ما سعی خواهیم کرد که برویم تا دقیقاً گیرنده پول را مشخص کنیم و اگر واقعاً پول متعلق به کشاورز باشد، بدون چون و چرا پول به او داده می‌شود. یا حتی اگر کالایی که دو منظوره است وارد شود، ما می‌رویم نگاه می‌کنیم ببینیم دقیقاً آنجایی که عنوان شده، نصب شده باشد.

سید کمال سید علی - یک موقع است که شما تقاضا می‌دهید که من می‌خواهم ۵ میلیارد تومان از فلان بانک تسهیلات بگیرم و من را اعتبارسنجی کنید. ما به شما می‌گوییم یکسری مدارک را بیاورید، مثلاً ممکن است مدارک ناقص باشد و دو ماه طول بکشد. از روزی که مدارک شما کامل شده است، ما حتی جلسه هیئت مدیره را به نحوی برقرار کرده‌ایم که فاصله آن با کمیته اعتباری بیش از ۴ روز طول نکشد. از طرفی ما دستگاه بزرگی نیستیم که ۱۰۰ شعبه داشته باشیم. برای خارجی‌ها بیشتر از ۱۰ روز طول نمی‌کشد. موسسات اعتبارسنجی زیادی در دنیا همکار ما هستند که اگر امروز به آنها ایمیل بزنیم، ۳ روز بعد به ما پاسخ می‌دهند.

اگر مشتری به درستی اعتبارسنجی شده باشد، اصلاً چه ضرورتی دارد که وثیقه ملکی بگیریم. نهایتاً یک سفته می‌گیریم و می‌تواند پولش را از بانک بگیرد. اینکه مشتری چند مرتبه بیايد و با ما کار کند باعث ایجاد یک شناخت متقابل می‌شود و کار بهتر پیش می‌رود.

مذاکره روی تعرفه گمرکی، کمیته می خواهد

اهدافی که از پیش در برنامه ششم برای رشد صادرات تعیین شده بود، محقق شده است یا خیر. عوامل مهم در این زمینه را به چند گروه تقسیم می‌کنم: ۱. عوامل کلان اقتصادی کشور؛ ببینید در همان گام اول وقتی که صادرکنندگان باید نرخ بهره بالایی برای تسهیلات سرمایه در گردش پرداخت کنند می‌بینیم که شرایط یکسانی با رقبا ندارند. ما با کلی تلاش توانسته‌ایم منابع تلفیقی از صندوق توسعه ملی و منابع بانک کشاورزی و توسعه صادرات را به ۱۴٫۵ درصد برسانیم. آیا رقبای ما در کشورهای دیگر هم این نرخ تسهیلات را پرداخت می‌کنند؟ خیر. بنابراین قدرت رقابت‌پذیری صادرکننده ایرانی نسبت به صادرکنندگان کشورهای رقیب کاهش پیدا می‌کند.

۲. نوسانات نرخ ارز؛ انتظار می‌رود تفاوت نرخ تورم داخلی و خارجی بتواند از طریق تعدیل نرخ ارز خودش را نشان دهد. اگر چه اعتقاد نداریم که تغییرات نرخ ارز به شکل ۱۰۰ درصد بتواند تأثیر خودش را در بحث صادرات نشان دهد، چرا که بسیاری از مواد اولیه‌ای که در بخش صادرات استفاده می‌شود مثل بسته‌بندی، وارداتی است؛ بنابراین نرخ ارز آنجا هم تأثیرگذار است. اما بایستی شاخص قیمت داخلی و قیمت خارجی که در صادرات بسیار تأثیرگذار است را با نرخ حقیقی ارز در نظر بگیریم، در این صورت می‌بینیم که در گام بعدی این هم به ضرر بخش تجاری ما در حوزه صادرات است. بنابراین اینجا هم قدرت رقابت‌پذیری صادرکنندگان ما کاهش پیدا می‌کند.

۳. در بحث مشوق‌های صادراتی که جزو سیاست‌های حمایتی تجاری تمام کشورها است، می‌بینیم که از سال ۸۹ مشوق‌های صادراتی پرداخت نشده‌است. دوستان از سازمان توسعه تجارت پیگیری‌های زیادی در این خصوص داشتند، اما بایستی این منابع به صادرکنندگان تخصیص یابد. بنابراین اینجا هم اجحاف نهفته‌ای به حق صادرکنندگان می‌شود. گرچه در قواعد مربوط به سازمان تجارت جهانی

توسعه‌یافته، برای ایران و سایر کشورها این تعرفه ۳۰ درصد است که با توجه به حجم تجارت بالای کشور ایران با هندوستان، به ویژه حجم قابل توجه واردات برنج از هند، این فرصت وجود دارد که بتوانیم در مذاکرات پیش‌رو فرصت‌هایی ایجاد کنیم. بنابراین در این جلسه به دنبال آن هستیم که نقطه نظرات صادرکنندگان و

امروز آنچه که در سطح بین الملل مطرح است انسجام و همگرایی است که ما از آن هم بی‌بهره هستیم؛ ما بایستی نگاه ویژه‌ای به تشکلهای داشته باشیم.

تشکلهای بخش خصوصی را برای پیشبرد بهتر مذاکرات بدانیم.

علی‌رغم روابط سیاسی بسیار خوب و نزدیک با برخی کشورها، در حوزه اقتصاد و تجارت این نزدیکی وجود ندارد. مثلاً با کشورهای مثل چین، عراق، سوریه از لحاظ سیاسی ارتباطات خیلی نزدیکی داریم، اما از لحاظ تجاری و بازرگانی تعرفه‌های بالایی در نظر گرفته‌اند و رقابت‌پذیری را از صادرکنندگان ما می‌گیرند. بنابراین این فرصت وجود دارد که ما در مذاکرات، حتماً این مطالبه‌گری را انجام دهیم و در قالب یک سری توافقنامه‌های تجاری، درخواست تعرفه‌های ترجیحی بدهیم. اما در مورد کشور هند به طور خاص این نکته را بایستی توجه داشته‌باشیم که برای کاهش تعرفه پسته شاید خیلی نتوانیم به موضوع واردات قابل ملاحظه برنج از کشور هندوستان اتکا کنیم، چرا که آنها سهم عمده‌ای از واردات محصولات نفتی از ایران را دارند و امتیازات ویژه‌ای را در آن بخش‌ها برای ایران در نظر گرفته‌اند.

من می‌خواهم نگاهی اجمالی به حوزه صادرات داشته‌باشم تا ارزیابی و به نحوی آسیب‌شناسی کنم که آیا

نشست عصر روز ۲۱ دی ماه ۱۳۹۶ چهارمین گردهمایی دوسالانه انجمن پسته ایران به بحث و تبادل نظر در خصوص بازار هند اختصاص داشت. در این نشست محسن جلال پور عضو هیأت امنای انجمن، علی قاسمعلی‌زاده عضو هیأت مدیره انجمن، دنیس کتابی فعال پسته، حمید فیضی نماینده شرکت مانا پارس عضو پیوسته انجمن، مجید بازیان عضو هیأت مدیره انجمن، سید محمود ابطحی رئیس هیأت مدیره انجمن، حسین مهرابی عضو هیأت امنای انجمن، مهرداد آگاه فعال پسته، حسین نظری عضو انجمن، جلیل کاربخش راوری نایب رئیس کمیسیون مالیات، کار و تأمین اجتماعی اتاق ایران و عضو هیأت امنای انجمن، شاهرخ شجری مدیر کل دفتر توسعه صادرات وزارت جهاد کشاورزی، عباس صالحی معاونت روابط بین الملل وزارت جهاد کشاورزی و سیدمهدی طبیب‌زاده رئیس اتاق بازرگانی کرمان حضور داشتند.

در ابتدای جلسه، کاربخش راوری یکی از مطالباتی که عمدتاً صادرکنندگان دارند را تغییر وضعیت تعرفه‌های گمرکی مقاصد صادراتی دانست و اظهار داشت: هفته گذشته مطلع شدیم هیأتی از وزارت کشاورزی ایران به منظور رایزنی و مذاکره با مقامات کشور هند در خصوص تعرفه پسته وارداتی به این مقصد تجاری، عازم کشور هند هستند. هدف از تشکیل این جلسه بررسی این موضوع با جمعی از صادرکنندگان پسته و استماع نظرات و پیشنهادات ایشان در این خصوص است. لازم به ذکر است آقای شاهرخ شجری و آقای عباس صالحی همراه این هیأت اعزامی خواهند بود. از آقای شجری خواهشمندیم به طرح موضوع این جلسه بپردازند.

در ادامه شاهرخ شجری در خصوص وضعیت تعرفه واردات پسته به هند گفت: تعرفه واردات پسته از کشورهای مختلف به هند تعرفه عمومی (MFN) است. به جز مالزی و کشورهای کمتر

این حمایت به شکل مستقیم پذیرفته نیست. اما کشورها به شکل‌های مختلف از صادراتشان حمایت می‌کنند.

۴. بحث بیمه و مالیات؛ مالیات بر ارزش افزوده، اینجا هم می‌بینیم که قصور و کوتاهی‌هایی انجام شده‌است. مثلاً هفته گذشته ما به جلسه کمیسیون اقتصاد دعوت بودیم و وزرای اقتصاد، بازرگانی، جهاد کشاورزی و رئیس کل بانک مرکزی هم حضور داشتند. علی‌رغم اینکه مصوب شده که در بخش کشاورزی عوارض صادراتی و مالیات بر ارزش افزوده ممنوع باشد و وزارت اقتصاد هم بنا دارد اینها را به صادرکنندگان برگشت بدهد، اما بخش عمده‌ای هنوز پرداخت نشده و اساساً راحت‌ترین راه این است که صادرکننده بابت صادراتش پرداختی نداشته باشد که بعداً قرار باشد مطالبه بازپرداخت کند.

اینها مجموعه عواملی بود در محیط کسب و کار و در سیاست‌های کلان اقتصادی ما که صادرات را محدود می‌کنند و تحت فشار می‌گذارند. باید قبول کنیم که غالب نظام تجاری ما از صادرکنندگان، شرکت‌ها و واحدهای تجاری کوچک تشکیل شده‌است که غیر تخصصی کار می‌کنند و کوچک بودن آنها باعث شده‌است که در کشورهای هدف با یکدیگر به رقابت منفی قیمتی بپردازند. همچنین نتوانستیم مالکیت را از مدیریت صادرات در شرکت‌های مختلف منفک کنیم؛ یعنی ما به بحث بازاریابی بین الملل نگاه ویژه‌ای نداریم و عمدتاً به شکل تخصصی کار نمی‌کنیم. شرکت‌ها آنچه که در اصول بازاریابی بین الملل مطرح است را رعایت نمی‌کنند. امروز اکثر کشورها از امتیازات و توافقات تعرفه‌ای و تجاری برخوردار هستند، اما متأسفانه این قبیل تفاهم‌نامه‌ها و توافقات تعرفه‌ای و تجاری و منطقه‌ای شامل حال ما نشده‌است.

در مورد نوع فعالیت بخش خصوصی باید گفت، امروز آنچه که در سطح بین الملل مطرح است انسجام و همگرایی است که ما از آن هم بی‌بهره هستیم؛ ما بایستی نگاه ویژه‌ای به شکل‌ها داشته باشیم.

ما باید نگاه ویژه‌ای به بحث زنجیره داشته باشیم که طی آن جریان اطلاعات از مصرف کننده نهایی در طول این

زنجیره به تولید کننده انتقال پیدا کند و تولید کننده بتواند بر حسب نیازها، اولویت‌ها و ترجیحات مصرف کننده داخلی و خارجی محصولات را طبق کیفیت و اطلاعات مورد درخواست ارائه نماید. در واقع ارزش افزوده حاصل از این ادغام شامل حال تمام فعالین زنجیره باشد. ما از این فرصت متأسفانه استفاده نکردیم. اگرچه امروز در وزارت جهاد کشاورزی یکی از رویکردهای اساسی تشکیل زنجیره‌ها است که مثلاً در بحث زنجیره لبنیات در دست اقدام است. زنجیره در حوزه محصولی برای محصولاتی از قبیل سیب، کیوی، خرما، زعفران، کشمش، سیب زمینی، محصولات گلخانه‌ای و صیفی تعریف شده‌است. انتظار می‌رود با تلاش و همکاری فعالین تجارت پسته برای این محصول هم زنجیره داشته باشیم که بتوانیم از مزایای ناشی از آن استفاده کنیم.

در صورت شکل گرفتن این زنجیره‌ها می‌شود محصولات را در قالب یک برند ملی ارائه داد. از آنجا که پسته ارقام مختلفی دارد و با کیفیت‌های مختلفی در کشور تولید می‌شود، می‌توان با تبیین زیرکدهای تجاری مختلف در قالب یک

برای تعرفه ترجیحی مثلاً می‌توان پیشنهاد پایین آوردن تعرفه پسته را به هندی‌ها داد تا در مقابل، ایران هم تعرفه برنج یا بادام هندی وارداتی را کاهش دهد.

برند ملی، پسته ایران را صادر کنیم و در سطح بین المللی به ثبت برسانیم. نکته آخری که به عنوان استراتژی و عملکرد صادراتی بایستی به آن توجه داشته باشیم این است که اگر خواهیم کشورهای مختلف را از لحاظ سطح درآمد تقسیم‌بندی کنیم سه گروه خواهیم داشت:

گروه اول کشورهای فقیر و در حال توسعه هستند که به محصولات کشاورزی به عنوان غذا نگاه می‌کنند. کشش قیمتی

محصولات کشاورزی در این کشورها بسیار پایین است، بنابراین ما اگر بخواهیم عرضه را در این کشورها افزایش دهیم به کاهش شدید قیمت‌های صادراتی منتهی خواهد شد.

گروه دوم کشورهایی هستند که صرفاً محصولات را به صورت عمده وارد می‌کنند که مجدداً آنها را صادر کنند. گروه سوم کشورهای توسعه‌یافته با درآمد بالا هستند که بعضی از محصولات کشاورزی ما برایشان جنبه تنقلی دارد و آنها را کالای لوکس در نظر می‌گیرند، مثل خرما، پسته و زعفران. کشش قیمتی این محصولات به شدت بالا است، بنابراین برای افزایش عرضه صادراتی و تنوع در بسته‌بندی و اندازه بسته‌ها کاهش قیمتی خواهیم داشت، اما شدت افزایش عرضه خیلی بیشتر از کاهش قیمت است. بنابراین ما بایستی اهداف خودمان را بیشتر بر این کشورها متمرکز کنیم که ارزش افزوده ایجاد شده در تمام مراحل زنجیره (بسته بندی، فرآوری و غیره) عاید کشور شود. در پایان امیدوارم با توجه به توضیحاتی که دادم بدانید که در بحث مذاکرات پیش‌رو چه امتیازات عملی را می‌توانیم در هند مطالبه کنیم تا فضای کسب و کار در صادرات پسته را بتوان با شرکای تجاری بهبود بخشیم.

در ادامه علی قاسمعلی زاده اظهار داشت: ما غیر از مواجهه با مشکلات نرخ ارز و بهره و سایر چالش‌هایی که آقای شجری عنوان کردند، در برگشت منابع مالیمان هم هیچ اختیار و تضمینی نداریم. این معضل اصلی فعلی صادرکنندگان پسته است. از آقای شجری خواشتمندیم در جلساتی که حضور پیدا می‌کنند به طرح و بررسی راه حل برای این موضوع بپردازند.

سپس حمید فیضی در مورد لزوم پیگیری کاهش تعرفه واردات پسته به هند تأکید کرد: به نظر من صادرکنندگان محترم حاضر در این جمع باید قبل از هر چیز لزوم پیگیری این موضوع یعنی تلاش برای کاهش تعرفه واردات پسته به هند را از جهات مختلف بررسی کنند. نکته دوم اینکه که من آمار تعرفه‌های واردات پسته به هند را از وزارت تجارت و صنعت هند دریافت کردم. طبق این آمار تعرفه واردات پسته

یک کشور برای یک سری از کالاها با بحث تجارت آزاد که آقای جلال پور مثال ترکیه را زدند، خیلی فِرَق می‌کند. برای تعرفه ترجیحی مثلاً می‌توان پیشنهاد پایین آوردن تعرفه پسته را به هندی‌ها داد تا در مقابل، ایران هم تعرفه برنج یا بادام هندی وارداتی را کاهش دهد.

اما یک نکته وجود دارد؛ کشور ایران تجارت ترجیحی با کشورهای زیادی ندارد و واقعیت این است که سابقه خوبی هم در این زمینه نداریم. بیشترین تجارت ترجیحی ایران با کشور ترکیه است. جالب است بدانید تعرفه ترجیحی با ترکیه ۳ سال پیش امضا شد، اما هنوز به درستی اجرا نشده است. مثلاً یکی از عمده‌ترین اقلامی که ترک‌ها درخواست کرده بودند پوشاک بود. ایران تعرفه ترجیحی را امضا کرد اما وزارت صنعت دستور داد که اگر کسی می‌خواهد به ایران جنس بفروشد باید بیاید در ایران آن جنس را تولید کند و نصف آن را صادر کند. مثل این است که ما به هندی‌ها بگوییم اگر می‌خواهید به ما بادام هندی بفروشید باید بیایید در ایران بادام هندی تولید و صادر کنید. بنابراین تجارت ترجیحی در ظاهر کار ساده‌ای است و در عمل جور دیگری می‌شود.

اما در مورد تفاهم‌نامه تجارت آزاد می‌توانیم پیشنهاد تبادل واحد پولی را بدهیم؛ یعنی بگوییم اگر هند بخواهد از تعرفه تجارت آزاد با ایران استفاده کند و کالاهایی را با تعرفه صفر به ایران صادر کند تنها در صورتی می‌تواند این کار را بکند که ریال ایران را قبول کند. ما هم اگر خواستیم کالایی را با تعرفه صفر به هند صادر کنیم باید روپیه قبول کنیم. **محسن جلال پور** در خصوص اظهارات آگاه عنوان کرد: این موضوع مانند همان پیشنهادی بود که ترکیه داد و سازمان توسعه تجارت ایران آن را رد کرد، چرا که معتقد بود این به ضرر تولید کشور است و ما را گرفتار می‌کند. بنابراین به نظر من اصلاً وارد بحث تجارت آزاد نشویم.

در پایان جلال پور پیشنهاد تشکیل کمیته‌ای داد که برای هر سفری که جهت مذاکره با کشورهای مختلف پیش می‌آید، تیمی اعزامی همواره آماده باشند.

خاص بر پسته کشیده داده شود که شاید به نفع پسته ایران تمام شود. موضوع کشش بازار را هم باید در نظر بگیرید، صرفاً بحث تعرفه مطرح نیست. در مورد مشابه خرما را داریم که وارداتش به هند شامل ۳۰ درصد تعرفه است، اما بر اساس آمار فائو کشور هند بزرگترین وارد کننده خرماي دنیا است، چون کشش بازار وجود دارد. ایران و عراق

بازار هند به ظاهر و مزه
پسته خیلی اهمیت می
دهد و پسته ایران را از
قدیم می‌شناسد. اینکه
سالی فقط ۱۰ هزار تن
پسته احمد آقایی ما به
کشوری با جمعیت بالای ۱
میلیارد نفر برود مضحک
است.

به راحتی خرماي بازار هند را تأمین می‌کنند. اینکه به علت محدودیت‌های موجود، آمریکا و ایران نمی‌توانند بیش از میزان فعلی پسته به هند بفروشند صرفاً به خاطر مسأله تعرفه نیست.

محسن جلال پور در واکنش به سخنان علوی افزود: بخشی از این کار به سازمان توسعه و تجارت مربوط می‌شود و این سازمان هم خیلی به این قضیه راغب نیست. اخیراً ترکیه با توجه به شرایطی که دارد پیشنهاد رفع تعرفه بین ایران و ترکیه را داد و حاضر بود ۴ تا ۶ درصد هم پوئن بدهد، اما سازمان توسعه و تجارت تصمیم گرفت که اصلاً ورود به این موضوع نکند. اما در مورد بازار هند قضیه فرق می‌کند. برای هند، روسیه و بعضی کشورهای دیگر می‌شود مذاکره کرد. اما شخصاً فکر نمی‌کنم مذاکره تنها برای کاهش تعرفه پسته کشیده نتیجه بخش باشد، ضمن اینکه آمریکایی‌ها اعتقاد دارند پسته آمریکایی کشیده‌است.

مهرداد آگاه گفت: به هر حال کاهش تعرفه پسته وارداتی به هند اگر اجرایی شود، قطعاً مصرف پسته در هند افزایش پیدا می‌کند، چون در آن صورت قیمت پسته برای مصرف کننده نهایی کاهش پیدا می‌کند. بحث تعرفه ترجیحی با

به هند (چه پسته خشک با پوست، چه مغز پسته) حدود ۱۰ درصد اعلام شده‌است. اعداد مختلفی ارائه می‌شود، من نمی‌دانم باید به کدام استناد کنیم، فقط نکته‌ای که باید عرض کنم این است که اگر تعرفه واردات پسته به هند را با سایر محصولات خشکبار وارداتی به هند مقایسه کنیم، می‌بینیم که پسته کمترین تعرفه را دارد. مثلاً در مورد نارگیل تعرفه ۷۰ درصد است، البته طبیعی است، چرا که هند خودش تولیدکننده نارگیل است. تعرفه بادام وارداتی ۳۶ روپیه در هر کیلوگرم است. تعرفه برای فندق ۱۰ درصد، گردو ۳۰ درصد، ماکادامیا ۳۰ درصد و بادام هندی ۴۵ درصد است. همان‌طور که می‌دانید هند یکی از بزرگترین واردکننده‌ها و مصرف کننده‌های بادام هندی است. به نظر من بحث باید به سمتی برود که بررسی کنیم با توجه به اختلاف فاحش تعرفه واردات پسته به هند نسبت به سایر آجیل‌های درختی که وارد هند می‌شود، آیا اصلاً شانس داریم که تعرفه پسته از این هم کمتر شود؟

حسین مهربانی در تکمیل سخنان فیضی، افزود: تعرفه پسته وارداتی به کشور هند ۱۰ درصد است، ۱۲ درصد هم مالیات کالا و خدمات (GST) به پسته تعلق می‌گیرد. همان‌طور که می‌دانید آمریکایی‌ها چند سال قبل سرمایه‌گذاری بزرگی در هند کردند که با شکست روبرو شد، چرا که بازار هند به ظاهر و مزه پسته خیلی اهمیت می‌دهد و پسته ایران را از قدیم می‌شناسد. اینکه سالی فقط ۱۰ هزار تن پسته احمد آقایی ایران به کشوری با جمعیت بالای ۱ میلیارد نفر برود مضحک است. **سید مهدی طبیب زاده** پیشنهاد داد: به نظر من در خصوص مذاکره برای کاهش تعرفه پسته وارداتی به هند بهتر است یک تیم قوی تشکیل داد و در کنار دوستان صادرکننده، عده‌ای از واردکنندگان هم باشند که راینی بهتر صورت گیرد. باید هماهنگی در تیم اعزامی وزارت جهاد کشاورزی به هند باشد که این مذاکره به بهترین نحو پیش رود.

آرش علوی اظهار داشت: نظر من این است که با توجه به علاقه زیادی هندی‌ها به وارپته‌های پسته کشیده ایرانی، پیشنهاد وضع یک تعرفه پایین

سخنرانان و اعضای پنل در چهارمین گردهمایی انجمن پسته ایران

بخش اقتصاد ایران:



مسعود خوانساری
* عضو هیأت رئیسه اتاق بازرگانی ایران
* رئیس اتاق بازرگانی تهران



موسی غنی نژاد
* پروفسور دانشکده اقتصاد دانشگاه صنعتی شریف
* دکتری اقتصاد از دانشگاه سوربن فرانسه
* سیاستگذار نشریات دنیای اقتصاد و تجارت فردا



سید مهدی برکچیان
* اقتصاددان
* عضو هیأت علمی دانشگاه صنعتی شریف



محمد مهدی بهکیش
* اقتصاددان
* رئیس شورای عالی رؤسای
اتاق بازرگانی ایران - ایتالیا



علی میرزاخانی
* سردبیر نشریات مجموعه
دنیای اقتصاد
* کارشناس ارشد اقتصاد



محسن جلال پور
* فعال اقتصادی
* رئیس اتاق بازرگانی در دوره هشتم



مهدی آگاه
* عضو هیأت مؤسس انجمن پسته ایران

دولت بخش خصوصی قوی را دوست ندارد

برای کوتاه کردن دست اشرافیت باید دستشان را از اقتصاد کوتاه کند و اینکار را کرد. اگر به اصلاحات ارضی به عنوان یک پروژه اقتصاد سیاسی نگاه کنید، دقیقاً به این مأموریت که چگونه نفوذ سیاسی و اقتصادی اشرافیت را در ایران می‌توان از بین برد، پی می‌برید و این پروژه بسیار موفق‌تری است. در کنار این مسائل، اقتصاد نمی‌تواند تعطیل شود، بنابراین کشاورزی لطمه می‌بیند، اما دولت اجازه می‌دهد یک بخش خصوصی بزرگ نیز به وجود بیاید و رشد کند. منتها از این زمان به بعد باید به چگونگی تعریف رابطه بین بخش خصوصی و دولت توجه داشت.

بر اساس مطالعات زیاد بنده در این زمینه، باید بگویم محمدرضا شاه به شدت از بزرگ شدن بخش خصوصی نگران بود. حتی کتابی به نام «بسوی تمدن بزرگ» در این خصوص نگاشته شده بود. در این کتاب آمده است: «ما فتودالیسم و زمین‌داری کشاورزی را از بین بردیم، اما یک تهدید بزرگ به نام فتودالیسم صنعتی برای ما وجود دارد و ما نباید بگذاریم این موضوع اتفاق افتد». در صورت جلسه‌های شورای اقتصاد آنزمان، شاه به صراحت این مورد را طرح می‌کند. شاه می‌گوید ما اجازه نمی‌دهیم بخش خصوصی، صنایع سنگین را به دست بگیرد. تصورشان در آنزمان از صنایع سنگین، فولاد بود. البته نفت و گاز دولتی بودند و خیال شاه راحت بود. با اینکه نمی‌خواستند دست بخش خصوصی به این صنایع برسد، اما به دلیل کمبود منابع دولتی در دهه ۴۰، مجبور شدند اجازه رشد را به بخش خصوصی بدهند. در اصل ۴۴ قانون اساسی آمده‌است، نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است. بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه و راه‌آهن و مانند اینها است که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است. بخش تعاونی

آنچه در دنیا رایج است داریم، باز هم یک بخش دولتی بسیار مداخله‌گر داریم و مشکل اصلی در این قسمت نهفته است. مشکل این است که دولتی‌ها و مسئولین سیاست‌گذاری اقتصادی در دولت به شدت در همه امور اقتصادی و بخش خصوصی دخالت می‌کنند.

یک دلیل اینکه وضعیت خوبی در بخش خصوصی شاهد نیستیم این است که دولت اصلاً دوست ندارد بخش خصوصی بزرگ و قوی باشد، چرا؟ برای پاسخ به این سوال اجازه بدهید که اشاره‌ای به گذشته داشته باشیم. وقتی می‌گوییم وزن دولت در اقتصاد زیاد است، بحث جدیدی است. در صد سال پیش و در دوران قاجار اصلاً بخش دولتی وجود نداشت و بخش‌های اقتصادی کشور عمدتاً کشاورزی و تجارت بودند که آنها در دست دولت نبودند. با پانهادن جامعه به وادی مدرن شدن از دوران رضاشاه تا کنون، بخش دولتی بزرگ می‌شود، مداخلاتش زیادتر می‌شود و استفاده از ابزار مدرن و قدرت سیاسی را یاد می‌گیرند. در حقیقت یاد می‌گیرند که چگونه اقتصاد را ابزار قدرت سیاسی کنند. از این مرحله به بعد است که مشکلات پیدا می‌شوند. در دوران رضاشاه بخش دولتی و شرکت‌های بزرگی به وجود می‌آیند، البته بخش خصوصی که از تجارت وارد صنعت می‌شود هم در کنار آن رشد می‌کند. این درست است که در دوران رضا شاه یک حکومت دیکتاتوری شکل می‌گیرد و دولت یک قدرت متمرکز ایجاد می‌کند، ولی بخش اقتصادی صنعت را بیشتر دولتی می‌کند و مداخلاتش را هم در این بخش گسترش می‌دهد. با فروپاشی حاکمیت پهلوی اول یعنی در سال ۱۳۲۰، دوباره سیاستمداران دولتی ما که زمین‌داران و فئودال‌ها بودند، قدرت می‌گیرند. این مرحله با قدرت گرفتن پهلوی دوم مصادف می‌شود و محمدرضا شاه همیشه دل پر خونی از این اشرافیت داشت. در حقیقت، شکل‌گیری انقلاب سفید برای از بین بردن اشرافیت توسط او بود تا بتواند دست آنها را از سیاست کوتاه کند. محمدرضا شاه به درستی فهمیده بود که

موسی غنی‌نژاد نویسنده کتاب «اقتصاد دولت در ایران» اولین سخنران آخرین روز گردهمایی انجمن پسته ایران در سال ۹۶ بود. او با ابراز خرسندی از حضور در بین اعضای انجمن، صحبت در مورد بخش خصوصی را که در کتابش مفصلاً به آن پرداخته‌است را از موضوعات مورد علاقه خود ذکر کرد. در ادامه مشروح سخنران وی را می‌خوانید.

«امروز صحبت بنده در این مورد است که اولاً وضعیت بخش خصوصی در ایران چه است؟ باید چگونه باشد؟ و مسیر رسیدن به آنچه می‌خواهیم باشیم، چیست؟ آنچه می‌دانیم این است که وضعیت بخش خصوصی فعلی شایسته کشور ما نیست. ما عادت داریم که در اقتصاد با عدد و رقم صحبت کنیم. زمانی که کتاب اقتصاد دولت در ایران را می‌نوشتیم به دنبال این بودم که اندازه بخش خصوصی در ایران را بدانم. به عنوان مثال اگر از تولید ناخالص داخلی (GDP) حرف می‌زنیم، سهم بخش خصوصی در آن چقدر است؟ متأسفانه هر روشی را که برای اندازه‌گیری بکار بردیم به بن بست خوردیم و روشی پیدا نکردیم. حتی در نظام آماری ما هم روشی برای انجام این کار پیش‌بینی نشده و همه چیز تخمینی است. به طور تخمینی گفته می‌شود که بزرگی بخش خصوصی بین ۱۵ تا ۲۰ درصد از اقتصاد کشور ما است. آنچه مسلم است، عمدتاً سلطه بخش دولتی را شاهد هستیم. اما باید گفت روش معمول که مدنظر است اندازه‌گیری بر حسب ارزش افزوده تولیدی است و در محاسبه این عدد مشکل داریم، چون سیستم اقتصاد ما بسیار پیچیده است و تنها خصوصی و دولتی نیست، بلکه خصولتی، غیردولتی و عمومی و انواع و اقسام طبقه‌بندی‌ها را داریم. در این شرایط معلوم نیست وضعیت واقعی ما چیست، به این معنی که نمی‌توانیم وزن هر یک را محاسبه کنیم. به باور من مشکل فراتر از این است. حتی اگر بتوانیم این عدد را سنجش کنیم و بفهمیم وزن بخش خصوصی چقدر است و فرض کنیم که یک بخش خصوصی مستقل به معنای

شامل شرکت‌ها و مؤسسات تعاونی تولید و توزیع است که در شهر و روستا بر طبق ضوابط اسلامی تشکیل می‌شود. بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می‌شود که مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی است. این به این معنا است که اگر چیزی ته آن ماند، متعلق به بخش خصوصی است! تعریف بخش خصوصی در اصل ۴۴ قانون اساسی شباهت عجیبی به «تئوری راه رشد غیرسرمایه‌داری» یک اقتصاددان مارکسیسم روسی به نام اولیانوفسکی دارد. این تئوری در تفکر شاه وجود داشت و دقیقاً در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران جا باز می‌کند. این تئوری می‌گوید اقتصاد به طور متمرکز باید در دست دولت باشد و جلوی فنودالیسم صنعتی گرفته شود.

علت اینکه ما الان در این وضعیت هستیم این است که هنوز این طرز فکر وجود دارد. یعنی قدرت سیاسی در زمان شاه به دست یک عده بود و الان در دست عده‌ای دیگر است، اما هر دو گروه احساسشان این است که بخش خصوصی بزرگ، خطرناک است. چه خطری؟ خطر سیاسی. رضاشاه به طور غریزی متوجه شده بود هر کس قدرت اقتصادی دارد، قدرت سیاسی هم دارد. الان هم وضع به همان منوال است و همه حضرات قبول کرده‌اند که خصوصی‌سازی در ایران شکست خورده است. خصوصی‌سازی در ایران در بهترین شرایط به اندازه ۵ درصد صورت گرفته، البته وزن بخش دولتی بیشتر شده، شکلش تغییر یافته و به خصولتی، غیردولتی و عمومی تبدیل شده است که مدیریت و اداره آن به دست دولت است! تفاوت الان با گذشته این است که در گذشته می‌گفتند باید جلوی فنودالیسم صنعتی گرفته شود، امروز می‌گویند بخش خصوصی خیلی خوب است و باید دست خودی‌ها باشد. اینکار را براساس تجربه‌ای که از گذشته داشتند خیلی خوب انجام دادند و وضع ما امروز این است. پوپولیست‌ها می‌گویند اقتصاد باید در دست مردم باشد. ۸۰ میلیون نفر مردم داریم. سوال این است که کدام مردم؟ معنی مردم در اینجا کسانی است که در گروه ما هستند، جزو رفقای ما هستند و حرف ما را گوش می‌دهند. البته این پیشرفت بزرگی است که این

مسئله پذیرفته شد و سیاست‌های اصل ۴۴ ابلاغ شدند. یعنی پذیرفته شد که بخش دولتی کارآمد نیست و باید منطق دیگری در اقتصاد حاکم شود و آن منطق رقابت و حضور بخش خصوصی است. سعی شده‌است که منطق رقابت پیاده‌سازی

اگر ما به امید دولت‌مردان
یا تکنوکرات‌های روشن بین
باشیم تا بیایند برای
ما قانون خصوصی‌سازی
بنویسند و اقتصاد را خصوصی
کنند، روند فعلی ادامه
خواهد یافت

شود، اما دو خط قرمز وجود دارد؛ اول اینکه سرمایه‌گذاری خارجی نباید وجود داشته باشد؛ دوم اینکه اگر سرمایه‌گذاری خارجی وجود داشت، نباید نقش تعیین کننده‌ای داشته باشد؛ یعنی باید پولشان را بیاورند، اما در مورد نحوه هزینه‌کرد آن دولت باید تصمیم بگیرد. سرمایه‌گذاری داخلی هم می‌تواند وجود داشته باشد، اما از یک حد نمی‌تواند بزرگتر شود. با توجه به این شرایط امروزه چکار می‌توان کرد؟ بخش خصوصی واقعی که شامل بنده، شما و سایر مردم می‌شود، قدرتی ندارد و گردنش از مو باریک‌تر است. قدرت سیاسی به دست تفنگ‌داران و اقتصادمان با تفنگ است. با این وجود می‌توان شرایطی را فراهم کرد و راه پیشرفت را باز کرد و من بدبین نیستم. منتها سیاستمداران دولتی، بخش خصوصی را در تله انداخته‌اند. این توطئه هم نیست و موضوع روشن و مبرهنی است که از دهه ۳۰ شمسی شروع شده‌است. می‌گویند ما به بخش خصوصی امکانات می‌دهیم تا رشد کنند، اما از آنها توقعاتی هم داریم و باید خودی باشند و با ما همکاری کنند. حرفشان این است که ما باید بتوانیم کنترلشان کنیم. اینها مطالب جدیدی نیستند، در آزمون منابع مالی نفت را در اختیار بخش خصوصی گذاشتند، رانت‌هایی تخصیص دادند، سیستم پارانهای را در آزمون راه‌اندازی کردند. پارانهای، سوخت و سایر پارانهای از همان زمان پایه‌گذاری شده‌است و

تا الان ادامه و گسترش یافته و تشدید شده‌اند. یعنی دولت یک امتیازی می‌دهد و یک امتیازی می‌گیرد.

راه حل اینکه تحکیم و سلطه دولت کاهش یابد این است که بخش خصوصی هرچه کمتر از بخش دولتی امتیاز و کمک بگیرد و به ازای آن دولت اجازه دهد بخش خصوصی کار خودش را انجام دهد. از منظر اقتصادی وظیفه اولیه و اصلی دولت تولید کالاهای عمومی است. مهمترین کالای عمومی، حفظ جان و مال مردم است. باید از دولت خواست که اینکار را خوب انجام دهد. دولت مشغله خود را آنقدر زیاد کرده‌است که به انجام این وظیفه‌اش نمی‌رسد. البته امنیت داخلی و خارجی به معنای عام آن در ایران خوب است و یکی از امن‌ترین کشورهای منطقه هستیم. اما دولت در حوزه نگرانی از حقوق مالکیت خوب عمل نمی‌کند و سیستم قضایی ما کارکرد خوبی ندارد و در زمینه خدمات بخش عمومی ضعیف است. هر زمانی که بخش خصوصی با دولت وارد مذاکره شده و درخواست سهم خود از نفت را داشته، سرش کلاه رفته‌است. ممکن است وضع مالی عده محدودی در چنین شرایطی خوب شود، اما منافع کل بخش خصوصی و منافع ملی تأمین نخواهد شد. اگر دولت عهده‌دار نوشتن سیاست‌گذاری‌های بخش خصوصی شود، مجدداً سر ما کلاه می‌رود. به عنوان مثال، سهام عدالت به صورت صوری به مردم منتقل شده، اما مدیریت و مالکیت آن به دست دولت است. وقتی به آمار ۵۰۰ شرکت برتر ایران نگاه می‌کنید، در ابتدای امر خوشحال می‌شوید که ۱۵ شرکت اول از بخش خصوصی هستند. اما وقتی نام شرکت‌ها را بررسی می‌کنید، می‌بینید که دولتی هستند، یعنی مدیران آنها را دولت تعیین کرده‌است. طبق آمار سال ۹۴، شرکت هلدینگ پتروشیمی خلیج فارس، خودروسازی‌ها، بانک ملت و ... خصوصی اعلام شده‌اند، آیا واقعاً خصوصی هستند؟

بنابراین اگر ما به امید دولت‌مردان یا تکنوکرات‌های روشن بین باشیم تا بیایند برای ما قانون خصوصی‌سازی بنویسند و اقتصاد را خصوصی کنند، روند فعلی ادامه خواهد یافت. پیشنهاد من این است که به صورت سلبی باید مسیرمان را به طور کلی عوض کنیم.»

از دولت امتیاز نخواهید



زمین، معدن، صنعت و پول و سرمایه بوده است، اما امروز تبدیل به مغز می شود. شرکت های بزرگ دنیا از جمله مایکروسافت و گوگل و... از این نوع شرکت ها هستند. مالکان این چنین کسب و کارهایی جوان هستند و مبنای تولید، مغز آنهاست و این گونه از دست دولت خارج اند. این صنعت جدید که مبنایش فکر است به کلیه صنایع دیگر رخنه کرده و بخش عمده ای از آنها را تسخیر کرده است. هم اکنون بیش از ۵۰ درصد هزینه های تمام شده شرکت بنز مربوط به هزینه های آی تی است. وقتی این بخش غالب شود، دولت دیگر قدرتی ندارد؛ چرا که این کسب و کار جدید متکی به فکر و خلاقیت است و دولت نمی تواند مالکیت را محدود کند. در دنیای ۱۰ سال آینده، گسترش مسیر بخش خصوصی از این طریق بسیار بیشتر خواهد شد.

فضای کسب و کار فعلی شامل مقررات اضافی و دست پا گیر است. در ادارات مختلف آدم های مختلف نشسته اند و باید اجازه دهند و برای انجام یک کار ۵۰ مهر نیاز است. در دنیای دیجیتال امروز این گونه کارها با دو نفر حل می شود. اتاق های بازرگانی، مجلس و بعضی افراد در دولت روی این موضوع کار کردند، اما موفق نبودند. علتش این است که منافع مستتری وجود دارد و میزی که در وزارتخانه گذاشته اند، منافی برای عده ای ایجاد کرده است. تشکلهای یکی از کارهایی که باید بکنند این است که به این فکر کنند فضای کسب و کار را چگونه می شود بهبود داد.

سهم دولت نباید بیش از ۴۹ درصد باشد و دولت وظیفه دارد ۵۱ درصد سهم را به بخش خصوصی منتقل کند و این سهم نیز باید به تدریج کاملاً به بخش خصوصی منتقل شود.

اساسنامه اجرا شود. این آغاز یک تناقض بود. عده ای کارشناس دنیا دیده اساسنامه ای را تهیه کردند، اما آنهایی که باید اجرا می کردند این بخش از کار را انجام ندادند، چون اعتقادی به بخش خصوصی نداشتند. بنابراین، دولت نمی خواهد بخش خصوصی از این طریق شکل بگیرد.

بهکیش علاوه بر تحلیل چرایی وضعیت امروز به ارائه چشم انداز خود از آینده اقتصاد و طرح راهکار خود پرداخت: «تا کنون قدرت بخش خصوصی در

فضای کسب و کار فعلی شامل مقررات اضافی و دست پا گیر است. در ادارات مختلف آدم های مختلف نشسته اند و باید اجازه دهند و برای انجام یک کار ۵۰ مهر نیاز است.

روز سوم گردهمایی انجمن پسته ایران در کیش در تاریخ ۲۲ دی ماه ۹۶ به مباحث اقتصاد ایران اختصاص داشت. در پنل اول این روز مهدی آگاه، مسعود خوانساری، محسن جلال پور، موسی غنی نژاد و محمد مهدی بهکیش حضور داشتند. گرداننده این پنل، محسن جلال پور، در مقدمه جلسه ضمن تشکر از هیأت رئیسه اتاق ایران، مسعود خوانساری، حسین سلاح ورزی و کیوان کاشفی به خاطر حضورشان در جمع فعالان پسته، از بابت عدم حضور مسعود نیلی دستیار ویژه رئیس جمهور در امور اقتصادی و غلامحسین شافعی رئیس اتاق بازرگانی ایران از شرکت کنندگان عذرخواهی کرد.

پنل اول با موضوع «بخش خصوصی در ایران؛ آنچه هست و آنچه باید باشد» با سخنرانی محمد مهدی بهکیش آغاز شد. وی در تکمیل صحبت های غنی نژاد در مورد قوانین بخش خصوصی نکاتی را اضافه کرد: «قبل از انقلاب در زمان پهلوی دوم با ورود صنعت به اقتصاد کشور مدرنیته وارد ایران شد. در آن زمان سازمانی به نام سازمان گسترش و نوسازی یا نوسازی صنایع ایران به وجود آمد. این سازمان پایه گذار حدود ۹۰ صنعت بزرگ در ایران شد. یکی از اسناد مهم و پر تناقض حال حاضر ایران اساسنامه این سازمان است.

در اساسنامه این سازمان به این مسئله اشاره شده است که بخش خصوصی قادر به ایجاد صنایع بزرگ نیست، در نتیجه این وظیفه برعهده دولت است. ولی سهم دولت نباید بیش از ۴۹ درصد باشد و دولت وظیفه دارد ۵۱ درصد سهم را به بخش خصوصی منتقل کند و این سهم نیز باید به تدریج کاملاً به بخش خصوصی منتقل شود. تحت لوای سازمان گسترش و نوسازی، حدود ۹۰ شرکت تأسیس شد، از جمله شرکت ایران خودرو. صنایع بزرگ در قالب این سازمان و با سرمایه اولیه دولت در زمان پهلوی دوم ایجاد شدند، اما هیچ گاه اجازه ندادند بخش خصوصی درونشان شکل بگیرد و این بخش از

دولت لازم نیست که جلوی بخش خصوصی را بگیرد. دولت می‌تواند با تعیین بعضی قیمت‌های پایه روی منابع اصلی از قبیل آب و انرژی به صنایع جهت بدهد در مسیری که هیچ وجه جنبه رقابتی و کارایی نداشته باشد

مهدی آگاه در تأیید نظریه جایگاه بخش خصوصی ایران در صحبت‌های غنی‌نژاد به دو مسئله؛ یارانه انرژی و بیماری هلندی اقتصاد ایران اشاره کرد. «صنعت انرژی‌بر سیمان زمانی شکل گرفت که اعلام شد می‌خواهند بخش خصوصی در صنعت سیمان که یک صنعت بزرگ و اساسی است، فعال شود. برای این کار صندوق توسعه حساب ارزی ایجاد کردند که از محل این صندوق به هر کس در بخش خصوصی که خواهان فعالیت در صنعت سیمان است وام دهند. در آن زمان تولید سیمان در ایران حدود ۳۰ میلیون تن بود و برای مدت طولانی همین مقدار مانده بود. هیچ سرمایه‌گذاری هم در صنعت سیمان نمی‌شد. این تشویق اولیه باعث شد صنعت سیمان برای تولید ۸۰ میلیون تن سیمان در یک مقطع دوساله برنامه‌ریزی کند! به نظر می‌آمد که قرار است بخش خصوصی در این صنعت حرف اول را بزند. در ریشه این کار یک اشکال وجود داشت. این صنعت بسیار انرژی‌بر بود و علت سوددهی آن هم از همین ناحیه بود. در واقع هر کس که ابزار مصرف انرژی داشت، می‌توانست انرژی مصرف کند و ادعای میلیاردی شدن داشته‌باشد. حتی من هم شخصاً فریب خوردم و به داخل تشکیلات یک شرکت تولید سیمان در کرمان رفتم. این شرکت خیلی موفق بود، اما عمده درآمد این شرکت ناشی از رانت انرژی است که در صنعت سیمان وجود دارد. یعنی دولت لازم نیست که جلوی بخش خصوصی را بگیرد. دولت می‌تواند با تعیین بعضی قیمت‌های پایه روی منابع اصلی از قبیل آب و انرژی به صنایع جهت بدهد در مسیری که هیچ وجه جنبه رقابتی و کارایی نداشته باشد. به

همین دلیل است که در حال حاضر ۲۰ میلیون تن ظرفیت خالی سیمان در کشور داریم. تولید هر تن سیمان حدود ۵۰۰ میلیارد تومان سرمایه می‌خواهد، ۲۰ تن ظرفیت خالی یعنی ۱۰ هزار میلیارد تومان از سرمایه خوابیده است و تولید نمی‌کنیم. بنابراین لازم نیست دولت جلوی بخش خصوصی را بگیرد، بلکه می‌تواند با پارامترهایی را که به اقتصاد می‌دهد، بخش خصوصی را ضایع کند. یعنی بخش خصوصی به قسمتی از همان بخش رانت‌خوار دولتی تبدیل شود.

عارضه بیماری هلندی؛ این عارضه از سویی به شدت از صنعت تولیدزایی می‌کند و در این شکل برای افراد صرفه اقتصادی ندارد که دنبال کارهای اشتغالزا و تولیدی بروند. از سوی دیگر باعث افزایش بی‌حساب قیمت زمین شهری می‌شود. این خاصیت بیماری هلندی است که هر چیز قابل وارداتی، قیمتش تغییر نمی‌کند و آنچه قابل واردات نیست از جمله زمین شهری و از جمله ناهار ظهر در یک رستوران خیلی شیک با افزایش قیمت رو به رو می‌شود. هر قدر هم که ثروتمند باشید نمی‌توانید ناهار ظهرتان را در پاریس بخورید و برگردید. این عارضه بخش‌هایی را به

رشد ساختمان‌سازی در ایران یک رشد صرفاً مصنوعی بوده است. حتی اگر در ساخت ساختمان بد کار می‌کردید و راندمان نداشت، اما به خاطر افزایش نرخ زمین سود به دست می‌آید و این به مفهوم عارضه هلندی است.

لحاظ اقتصادی تقویت می‌کند که پایه بنیادی محکمی ندارند؛ یعنی ساختمان سازی ما به این صورت تغییر نکرد که چین تغییر کرد تا بتواند طی ۲۰ روز یک ساختمان ۵ طبقه را احداث کند. رشد ساختمان‌سازی در ایران یک رشد صرفاً مصنوعی بوده است. حتی اگر در ساخت ساختمان بد کار می‌کردید و راندمان نداشت، اما به خاطر افزایش نرخ زمین سود به دست می‌آید و این

به مفهوم عارضه هلندی است. این نکته نباید فراموش شود که دولت نه فقط با ندادن سهام به بخش خصوصی مانع تقویت آن شده، بلکه با تعیین پارامترهای اقتصادی که در دستش است اقتصاد را منحرف می‌کند به طرفی که بخواهد.

صنایعی مانند سیمان و پسته و سایر صنایع، احتیاج به ثبات دارند. این صنایع باید بدانند که نه تنها امروز سیاست اقتصادی مشخص است، بلکه ده سال آینده پایدار می‌ماند. بهره‌برداری در پسته بعد از ۱۰ سال آغاز می‌شود و به مدت ۲۰ تا ۳۰ سال انتظار دارید که اقتصادتان بر مبنای درستی بچرخد. در ایران از دولت تضمین دو سه روزه نمی‌توان گرفت که بر سر یک بحث بماند، چه برسد به ۱۰ سال و ۳۰ سال.

مهدی آگاه برخلاف نگاه خوش بینانه سایر اعضای پنل به جایگاه تکنولوژی از زاویه دیگری موضوع را تحلیل کرد. «دولت این قدرت را دارد که از حساب شما بردارد و بگوید حق بیمه است. من فکر می‌کنم دولت هنوز سراغ استارت آپ‌ها نرفته است. باید صبر کنیم و ببینیم سرنوشت استارت آپ‌ها در مقابل بیماری‌های اجتماعی چه می‌شود. شما توجه دارید که پسته یک کالای کشاورزی است که تا مرحله فرآوری از مالیات معاف است و صادرات آن هم از مالیات معاف است. اما در کرمان برای افرادی اظهارنامه‌های ۷۰۰ میلیون تومانی مالیاتی فرستاده‌اند.»

مسعود خوانساری در ادامه تحلیل رابطه دولت و بخش خصوصی و در پاسخ به صحبت موسی غنی‌نژاد به طرح دیدگاه خود پرداخت و گفت: «بخشی از اقتصاد ایران بحث خواستن است، بخش دیگر این مشکل به درآمدهای دولت برمی‌گردد که آن را از بخش خصوصی بی‌نیاز می‌کند. این دو مورد را باید در کنار هم دید. با توجه به درآمد نفتی که دولت دارد و تفکری که بالاخره قدرت اقتصادی، قدرت سیاسی می‌آورد باعث شده‌است که بخش خصوصی کمتر توسعه پیدا کند. اگر به قبل از انقلاب هم توجه کنیم از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۰ شاید شکوفاترین بازه در تاریخ اقتصاد ایران است که بخش خصوصی خوب رونق پیدا کرد. از دهه

مطالبه‌گری است. آنچه بخش خصوصی را در مقابل دولت تضعیف می‌کند، تضادی بین بخش‌ها است و عدم نگاه مسئله محور در پروژه‌ها.»

وقتی شما از دولت چیزی نمی‌خواهید، دولت از شما جدا می‌شود و دیگر نمی‌تواند کارشکنی کند، چرا که کارشکنی برایش سخت و پرهزینه خواهد بود

موسسی غنی‌نژاد در مورد مقایسه تولید سنتی و جایگاه فناوری در بخش خصوصی صحبت کرد تا پیوندی میان صحبت‌های سایر اعضای پنل برقرار کند.

«بررسی موفقیت استارت‌آپ‌ها نشان می‌دهد دستاورد بزرگی حاصل شده‌است. دلیل این موفقیت بر حسب نوع فعالیت، متفاوت با آن تولید سنتی هستند. وقتی بخش خصوصی می‌خواهد سیمان تولید کنند یا وارد کار معدن شود، مجبور است از دولت برق و انرژی بگیرد و دولت در آنجا قدرت تعیین قیمت دارد و با چنین ابزاری اقتصاد را جهت می‌دهد، اما امروز سر و کار دولت با چیزی است که نمی‌تواند آن را کنترل کند. این استارت‌آپ‌ها چیزی از دولت نمی‌خواهند و فقط می‌گویند بگذارید کارمان را بکنیم.

وقتی شما از دولت چیزی نمی‌خواهید، دولت از شما جدا می‌شود و دیگر نمی‌تواند کارشکنی کند، چرا که کارشکنی برایش سخت و پرهزینه خواهد بود. با پیشرفت این نوع تکنولوژی‌ها حوزه سلطه‌طلبی دولت و یا سیاستمداران کاهش پیدا خواهد کرد. شفاف سازی به راحتی صورت می‌گیرد و انحصاری که رادیو و تلویزیون دارد کم کم بی معنی می‌شود. این نشانه‌ها برای بخش خصوصی امیدوار کننده است.»

مورد آن کار به سمت آن هجوم می‌آورند. مثلاً یک روز سیمان، روز دیگر لبنیات و سپس فست فود. دو مشکل اساسی در این حوزه وجود دارد، اول، فارغ از اینکه چقدر ظرفیت و نیاز است برای تولید سرمایه‌گذاری می‌کنیم و دوم اینکه به دنبال بهره‌وری بالاتر و رقابت با استفاده از تکنولوژی‌های جدید نمی‌رویم. اگر با توجه به فناوری‌های نو وارد بازار جهانی نشویم و نتوانیم خودمان را متناسب با نیاز بازار به روز کنیم، قطعاً نمی‌توانیم ادامه کار بدهیم. در این شرایط هر قدر هم مرزها بیشتر باز شوند، آسیب‌پذیری مان بیشتر می‌شود.»

مسعود خوانساری در تحلیل چالش‌های بخش خصوصی به دو عامل؛ مالکیت و نقش مردم اشاره کرد. «مالکیت در ایران مفهوم ناشناخته‌ای است و به رسمیت شناخته نمی‌شود. برای مثال، وقتی قاجارها آمدند، تقریباً همه اموال کسانی که در دوران صفوی بودند را مصادره کردند. پهلوی‌ها آمدند همین کار را با

مالکیت در ایران مفهوم ناشناخته‌ای است و به رسمیت شناخته نمی‌شود. برای مثال، وقتی قاجارها آمدند، تقریباً همه اموال کسانی که در دوران صفوی بودند را مصادره کردند. پهلوی‌ها آمدند همین کار را با قاجارها کردند. جمهوری اسلامی همین کار را با پهلوی کرد

قاجارها کردند. جمهوری اسلامی همین کار را با پهلوی کرد. این مسئله را در انگلستان بررسی کنید، متوجه می‌شوید ارث از ۴۰۰ سال قبل منتقل شده‌است. در ایران نسل سومی پیدا نمی‌کنید که ارث از سه نسل قبل آورده باشد. در مورد نقش مردم، تجربه سال‌های اخیر نشان داده در کشورهایی مانند مالزی، چین و ترکیه شاید عموم مردم زیاد تأثیرگذار نبودند. این موضوع نیازمند تفکر بسیار است هرچند آنچه که در حیطه وظایف ما می‌گنجد تقویت تشکلهای صنفی و

۵۰ به بعد که درآمدهای نفتی وارد کشور شد، مشکلات اقتصاد و برخورد با بخش خصوصی آغاز شد. در همان زمان کنترل قیمت‌ها شروع شد. در مقایسه زمان فعلی در دولت نهم و دهم که درآمدهای نفتی بیشتر شدند، مجدداً اقتصاد ما وضعیت بدتری پیدا کرد.

مسعود خوانساری در قسمت دوم صحبت‌های خود سوالی طرح کرد: «دولت‌ها در خیلی از کشورهای جهان به دنبال این هستند که سلطه خود را بیشتر کنند. در چنین شرایطی ما چه باید بکنیم؟»

وی از سه جنبه به ارائه راهکار پرداخت: «یک، تقویت تشکلهای صنفی راهی است که بخش خصوصی بتواند در مقابل دولت مطالبه‌گری‌اش را بیشتر کند. هر قدر می‌توانید بخش خصوصی را با هم متحد کنید و یک صدا باشید تا بتوانید در مقابل دولت بایستید. برای مثال، در دولت قبل، بازار خیلی قدرت داشت، چون یک صدا بودند. در بخش خصوصی هر قدر بتوانیم تشکلهای صنفی و تشکلهای تخصصی را تقویت کنیم، قطعاً می‌تواند خواسته‌هایمان را بیشتر مطرح کنیم.

دوم، به مدد رسانه، پیام بخش خصوصی را رسانتر کنید. امروز نقش فضاهای مجازی و رسانه‌ها بسیار تعیین کننده است.

سوم، به کمک فناوری‌های نو و استارت آپ‌ها سرمایه‌گذاری محدود، ولی موثر خواهید کرد. برای مثال؛ اسنپ و تپسی فناوری‌های جدیدی بودند که در اوایل کار در تهران در مقابلشان بسیار ایستادگی شد و سعی شد از ورودشان ممانعت شود. چهارشنبه دو هفته پیش، اسنپ رکورد ۷۰۰ هزار جابجایی در یک روز در تهران را زد. متروی ما با این همه سرمایه‌گذاری که داشته، بعد از چندین سال ۲،۵ تا ۳ میلیون جابجایی در روز انجام می‌دهد. این فن آوری‌ها با نصف هزینه‌ای که آژانس‌ها می‌گرفتند، چنین کاری را خلق کردند.»

مسعود خوانساری در ادامه صحبت‌های خود در خصوص صنعت سیمان افزود: «مشکل سیمان از آنجایی شروع شد که عده زیادی در بخش خصوصی پس از انجام یک فعالیت موفق توسط یک گروه محدود، بدون مطالعه دقیق در

در پرسش و پاسخ پنل روز اقتصاد در گردهمایی انجمن پسته ایران تصریح شد:

حل بحران بخش خصوصی: اصلاح تفکر دولت

حسین سلاح ورزی

در تأیید سخنان خوانساری در پنل گفت: «نکته‌ای که آقای

مهندس خوانساری در رابطه با اولویت‌بندی

موضوعات مسائل بخش خصوصی گفتند نکته مهمی بود. من هم معتقدم الان

در فضای کشور سه هیولای تأمین اجتماعی، مالیات و سیستم بانکی

مهمترین مانع بزرگ شدن یا سر پا ایستادن بخش خصوصی هستند. این

را هم بایستی توجه کنیم، هم اکنون مسائلی که مانع توسعه کسب و کارها

اعم از استارت‌آپ‌ها و کسب و کارهای سنتی هستند، همین سه موضوع اند. در

واقع اگر بخش خصوصی متحد، منسجم و یک صدا شود و روی این سه موضوع

تمرکز کند، نتیجه خیلی بهتر خواهد بود.»



هستند. حداقل توقعی که وجود دارد این است که آقایان در برابر تصمیمات غیر اقتصادی دولت، تصمیماتی که به ضرر بخش خصوصی است؛ یک، سکوت نکنند، دو، توجیه گر دولت نشوند.

با این ایده که مفهوم اقتصادی که دولتی‌ها می‌گویند را می‌گیرند و در ظاهر به نفع بخش خصوصی تفسیرش می‌کنند. شما این کار را نکنید. بخش

دولتی نظریه‌پردازان خودش را دارد. شما اگر می‌خواهید کاری بکنید از بخش خصوصی دفاع کنید. نه اینکه یک

مفهوم غیراقتصادی را بگیرید و بعد بخواهید آن را توجیه کنید و بگویید ما

این را به نفع بخش خصوصی صادره می‌کنیم. چنین چیزی عملاً نمی‌شود، توانایی این کار وجود ندارد و تنها چیزی

که باقی می‌ماند توجیه دولت است.»

محمودرضا مهدوی

اناری در جمع گردهمایی اظهار داشت: «تقریباً دو سال پیش طرحی

ارائه کردم و اسمش را گذاشتم اسنپ پسته، اسم اصلی‌اش «طرح تشکیل ملی صادرات

پسته ایران» است. اپلیکیشن هم دارد، ولی اپلیکیشن بخشی از پازل است.

توسط بورس تلاش شد که دولتی‌زده شود، به این علت که من طرح را کامل ارائه نکرده‌بودم، کسی به بورس

پسته اعتقادی پیدا نکرد. من یک سوال می‌خواهم بپرسم، «چرا می‌ترسید؟» من چندین مرتبه تقریباً

با همه اعضای کلیدی انجمن پسته ایران صحبت کردم. می‌گویند اولاً ما نمی‌خواهیم نقش تجاری داشته

باشیم. بنابراین من طرح را طوری نوشتم که در آن انجمن غیرانتفاعی

است و صرفاً نقش بسترساز را دارد. چرا انجمن کمکی نمی‌کند که این

طرحی که بنده نوشتم اجرایی شود؟! طرحی که تمام مدل‌های تجاری

پسته از سال‌های قبل از انقلاب تا امروز در آن مد نظر قرار گرفته شده

و رفع ایراد شده‌است. چرا این اسنپ پسته اجرا نمی‌شود؟ من حاضر تمام

جزئیاتش را در راه خدا ارائه دهم.»



روز سوم گردهمایی، جمعه بیست و دوم دی ماه بعد از پایان پنل اول

که با حضور محسن جلال‌پور، مهدی آگاه، حسین خوانساری، موسی غنی‌نژاد و محمد مهدی

بهکیش برگزار شد، در پایان به پرسش و پاسخ ختم شد. بسیاری

از شخصیت‌های برجسته اقتصادی شرکت‌کننده در گردهمایی در زمان پرسش و پاسخ به طرح دیدگاه‌های خود پرداختند.

سید مهدی طبیب زاده: «من فکر می‌کنم موضوعات آن قدر بدیهی است که بعید است

تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان ندانند. طبق فرمایشات

آقای غنی‌نژاد بالاخره یک تقسیم‌بندی بین بخش خصوصی و خودی‌ها گذاشته‌اند.

تا امروز امیدوار بوده‌ایم، هنوز هم امیدواریم با تشکیل تشکل و انتقال

مطالب از طریق مصاحبه و مقاله و سخنرانی به تکنوکرات‌ها آگاهی دهیم

تا از مسیر اشتباه برگردند، اما آنها هم باهوش هستند و هم برنامه دارند،

بنابراین نمی‌شود خیلی امیدوار باشیم که این حرف‌ها اثر داشته باشد.

اگر بنا باشد تفکر آن باشد که همه چیز در خدمت خودی‌ها قرار گیرد و اگر تفکر اصلاح نشود، هر روشی به همان

خط، مختوم به همان چیزی است که بقیه بودند؛ فرقی نمی‌کند استارت‌آپ

باشد یا صنایع قدیمی.

بنابراین آقای دکتر غنی‌نژاد! آقای دکتر بهکیش! اگر فکر اساسی در اصلاح

دیدگاه انجام نشود این جلسه‌ها، نشست‌ها، تشکیل تشکل‌ها، با آن

بدبینی راه چاره نیستند. ببینید چهره‌ای برای اصلاح دیدگاه وجود دارد که اصل

و سرچشمه کار است. هر دو سال یک بار دور هم جمع می‌شویم و نتیجه‌ای

نمی‌گیریم.»

در ادامه **سید محمود ابطحی** توصیه قابل تأملی به اقتصاددانان حاضر در

گردهمایی داد: «نظریه‌پردازان اقتصاد آزاد ایران، آقایان استاد دانشگاه و دنیای

اقتصادی‌ها و تجارت فردایی‌ها اینجا



در فضای کشور سه هیولای

تأمین اجتماعی، مالیات و

سیستم بانکی مهمترین

مانع بزرگ شدن یا سر

پا ایستادن بخش خصوصی

هستند

بگیرند و پروژه اجرا کنند و از این طریق ارتزاق کنند. خیلی از جاهای دنیا این کار را می‌کنند، اینجا هم می‌کنند. ولی اقلیتی هم هستند که نمی‌کنند. آقای ابطحی! ما جزو دسته اول نیستیم،

بعضی از اساتید اقتصاد
ترجیح می‌دهند کارمند
دولت باشند و باب طبع
دولت حرف بزنند و پروژه
بگیرند و پروژه اجرا کنند
و از این طریق ارتزاق کنند

شما مطمئن باشید ما همیشه اعتراض می‌کنیم چوبش را هم می‌خوریم. همچنین غنی‌نژاد در پاسخ به صحبت‌های طیب‌زاده توضیح داد: «دولت در مقابل جامعه مدنی است. با تشکل سازی شما شاید توازن ایجاد شود. از دولت هم که صحبت می‌کنیم منظور این نیست که دولت دشمن مردم است. دولتی‌ها دنبال منافع خودشان هستند، اما منافع عمومی یک جای دیگر است. منافع عمومی در جامعه مدنی است؛ تشکله‌ها هستند که جامعه مدنی را قوی می‌کنند. من خوش‌بین هستم به خاطر اینکه پیشرفت‌های تکنولوژی امکان قوی شدن بخش خصوصی و تشکله‌ها را فراهم کرده است. بنابراین نباید بدبین بود.»

در ادامه محمد فاضلی پرسید: «آیا در جمهوری اسلامی هیچ سابقه‌ای وجود دارد که دولت و بخش خصوصی در یک کار مهم را پیش ببرند؟ این را نمی‌پرسم که از دولت دفاع کنم، می‌خواهم بدانم که اگر یکی وجود دارد علت آن چه بوده و آیا می‌توانیم دوباره برویم روی آن علت سرمایه‌گذاری کنیم؟»

خوانساری در پاسخ به محمد فاضلی عنوان کرد: «اگر بخواهیم بعد از انقلاب مثال بزنیم فقط برجام بوده است. تقریباً همه قوا از رهبری، سه قوه و مردم دنبال یک موضوع بودند که مشکل ما بحث جنگ نیست و باید مسئله را با گفت‌وگو حل کنیم. از آنجایی که همه به یک

نظر و یک اعتقاد رسیدند، مشکل تقریباً تا یک مرحله‌ای حل شد. البته افرادی یک مقداری زیر حرفشان زدند، ولی تا حدی حل شد.»

محمد فاضلی اذعان کرد: «این یکی استثنائاً اقتصادی نبود، بلکه حاکمیت خودش هم دچار مشکل امنیتی شده بود. در یک پروژه اقتصادی چه مثالی وجود دارد؟

مهدی آگاه در پاسخ به فاضلی تشریح کرد: «سه، چهار بار اقتصاد ما در جهتی که منظور شماست حرکت کرده است. آن هم ناشی از نقش دشمن ایران بود. بار اول در دوره مصدق، البته نهضت ملی مصدق در پی اقتصاد بدون نفت یا قیمت نفت نبود. مصدق می‌خواست که نفت ایران را به آمریکا به قیمت بالاتری بفروشد و درآمد ایران را اضافه کند، در عمل چه اتفاقی افتاد؟ انگلیس محاصره نفتی کرد. با این قانون که هیچ کشتی حق ندارد از ایران نفت بارگیری کند. بنابراین ناخواسته مصدق به یک قهرمان ملی تبدیل شد و اقتصاد بدون نفت برای چند سالی ورد زبان بود. یک دوره‌ای که واقعاً من می‌دانم افرادی از فامیل من که در یزد بودند به شدت مصدقی شدند برای اینکه مصدق باعث رونق کسب و کار بخش خصوصی شده بود، نه به خواسته خودش، بلکه بر اثر فشار انگلیس. جریان مشابه‌ای مجدداً در پایان جنگ تحمیلی هشت ساله چنین شرایطی به وجود آورد. در دوره آقای هاشمی رفسنجانی همه شاهد این بودیم که صادرات پسته به شدت افزایش پیدا کرد؛ در بخش پسته که یک بخش صادراتی مهمی بود. حتی در آن دوران یک سود سرشاری به دست عموم گروه‌های درگیر در پسته اعم از صادرکننده، کشاورز رسید. علتش این بود که دولت عملاً هزینه‌ها را با نفت هفت دلاری تأمین می‌کرد. یک نوبت در دوره آقای خاتمی پیش آمد؛ در آن دوران وقتی نفت به هفت دلار رسید، آقای خاتمی یک جمله خیلی گویایی فرمودند: «دولتی که نفت دارد احتیاج به ملت ندارد»

کیوان کاشفی در ادامه نقطه نظرات خود را این چنین



عنوان کرد: «ما بدون توسعه سیاسی و اجتماعی، قوی شدن بخش خصوصی را شاهد نخواهیم بود. چرا؟ چون مداخله‌جویی حاکمیت، عمدتاً یک بهانه‌های خاص سیاسی و اجتماعی دارد. دولت به خاطر اینکه مسائل امنیتی را رعایت کند، می‌آید برای خودش چهار تا مرز را می‌بندد بدون اینکه ببیند اقتصاد ما را دارد چه کار می‌کند؟ یا دولتی را داریم برای اینکه بخواهد عدالت اجتماعی را پیاده کند میلیاردها ثروت کشور را در یک برهه‌ای از بین می‌برد و هیچ نهادی هم وجود ندارد که جلویش را بگیرد. تنها در صورتی می‌توان بخش خصوصی را بزرگ کرد که به لحاظ سیاسی و اجتماعی هم توسعه پیدا کنیم.»

در پایان این جلسه پرسش و پاسخ محمد مهدی بهکیش به این سوال که «چگونه صدایمان را بلند کنیم و مقاومت کنیم؟» پاسخ داد: اول، به نظرم در مجموعه دنیای اقتصاد شاهد این مسئله هستیم؛ یک مجموعه نشریه، بسیار هم صدا شدند. واقعاً اگر لحظه‌ای فکر کردید صدای شما به گوش حاکمان رسیده، بخش عمده‌ای از این موفقیت ناشی از تلاشی است که این نشریات می‌کنند. در کنار فضای مجازی مسئله نشریات را تقویت کنید. مجموعه‌ای که آقای میرزاخانی و طاهری در آن کار می‌کنند بسیار پر اهمیت هستند.

دوم، در طی تاریخ این چنین اتفاقاتی زیاد افتاده است. مثلاً برنامه سوم توسعه توسط دولت هم بسیار خوب نوشته شد، اگر برنامه سوم اجرا می‌شد بخش خصوصی وضعیت فعلی را نداشت. باید ببینیم چه کسی در دولت مانع اجرا شدن همان برنامه‌ای شد که خود دولت تهیه کرده بود. آن نگرشی که مانع اجرای برنامه سوم شد، برنامه‌ای که دولت، مجلس و نهاد رهبری تصویب کرده بود. تمام ارکان نظام، برنامه سوم را در مسئله نحوه خصوصی‌سازی در ظاهر پذیرفته بودند. چگونه خصوصی‌سازی را انجام دهیم؟ چگونه انحصار شرکت‌های دولتی را از بین ببریم؟ در برنامه سوم به همه این سوالات پاسخ داده شده بود. کدام نگرش یا قدرت نگذاشت یک سند به این قدرت، در جمهوری اسلامی اجرا نشود؟»

چشم انداز اقتصاد ایران تا سال ۱۴۰۰

سید مهدی برکچیان به عنوان سخنران دوم در روز «اقتصاد ایران» در گردهمایی انجمن پسته بود. وی به علت عدم حضور مسعود نیلی دستیار ویژه رئیس جمهور در امور اقتصادی، پذیرفت تا در جمع شرکت کنندگان این گردهمایی، پرده از وضع اقتصاد ایران در سال‌های پیش‌رو بردارد. «من در این ارائه اشاره‌ای به روند رشد اقتصادی دارم و نگاهی به گذشته تا بتوانم آینده را بررسی کنم و به طور خاص تأثیر سرمایه‌گذاری و نقش سرمایه را در رشد اقتصادی مورد توجه قرار می‌دهم. نکته کلیدی صحبت من هم از یک سو یک هشدار است و از سوی دیگر بیانگر روندی است که ما سال‌ها با آن روبه‌رو هستیم. سپس با توجه به چشم‌انداز آینده رشد اقتصادی، تحلیلی در مورد تقاضای داخلی خواهیم داشت که چگونه در سال‌های آینده تغییر خواهد کرد. همچنین به طور جداگانه به توضیح نقش دولت در زمینه سرمایه‌گذاری از طریق هزینه‌های عمرانی می‌پردازیم.

همه دوستان با تحولات رشد اقتصادی در ۲۰ یا ۳۰ سال اخیر آشنا هستند. با این وجود مجدداً نیم نگاهی می‌اندازیم و بعضی از اعداد را یادآوری می‌کنیم. من برای اینکه تحلیل خود را تا چشم انداز سال ۱۴۰۰ به نتیجه برسانم از بعضی بالا و پایین‌های رشد اقتصادی صرف‌نظر کردم. به دلیل اینکه برای من تحلیل بلند مدت اقتصادی ایران مد نظر است، به‌طور کلی دوره‌های بعد از جنگ را به دوره‌های همگون تقسیم کردم. سال‌های ۷۰ تا ۸۰ علی‌رغم تفاوت‌هایی که دارند دوره‌هایی همگن هستند که رشد اقتصادی ما ۲,۴ درصد بوده‌است. ۵ سال ابتدایی دهه ۸۰ که دوره طلایی اقتصاد ما بعد از انقلاب بوده است، رشد به ۵,۹ درصد می‌رسد. در نیمه دوم دهه ۸۰ علی‌رغم اینکه قیمت نفت بالا رفت و درآمد حاصل از فروش نفت افزایش یافت، اما رشد به ۴,۴ درصد کاهش پیدا کرد. پس از این دوره شاهد دوره‌ای تا سال ۹۴ هستیم که اگر اسم آن را دوره تحریم بگذاریم،

رشد منفی ۱,۸ درصد است. سال ۹۵ سال ویژه‌ای بوده‌است و محدودیت‌های نفت برداشته‌شده و رشد زیادی را شاهد هستیم. در این سال در نهایت به رشد اقتصادی ۱۲,۵ درصد رسیده‌ایم که ۱۰ درصد از آن ناشی از نفت بوده‌است. اگر از این رشد صرف‌نظر کنیم، سوال این است که برای افق ۵ سال آینده یعنی از الان تا ۱۴۰۰ ما انتظار داریم که در چه سطحی از رشد اقتصادی قرار بگیریم؟ این سوالی است که من می‌خواهم به آن پردازم. برای پاسخ به این سوال از آنچه که در دوره‌های گذشته اتفاق افتاده است استفاده می‌کنم.

اگر تولید را تابعی از بهره‌وری، سرمایه و نیروی کار در نظر بگیریم و تولید کل اقتصاد ایران را بر اساس این مدل نشان دهیم، با توجه به داده‌های تاریخی به نظر می‌رسد آن چیزی که طی ۳۰ سال گذشته گلوگاه رشد ما بوده، سرمایه است

برای این منظور از یک رابطه بسیار ساده اقتصادی استفاده می‌کنم. اگر تولید را تابعی از بهره‌وری، سرمایه و نیروی کار در نظر بگیریم و تولید کل اقتصاد ایران را بر اساس این مدل نشان دهیم، با توجه به داده‌های تاریخی به نظر می‌رسد آن چیزی که طی ۳۰ سال گذشته گلوگاه رشد ما بوده، سرمایه است. این یک نکته‌ای کلیدی است که باید از آن در پیش‌بینی آینده استفاده کرد. وقتی به بهره‌وری نگاه می‌کنیم، با توجه به دوره‌های تاریخی در دهه ۷۰، میانگین رشد بهره‌وری صفر بوده‌است و نیمه اول دهه ۸۰، ۱,۷ و بعد به ۱,۵ کاهش پیدا می‌کند و بعد از آن به منفی ۳,۵ می‌رسد. متوسط یک دوره بلند مدت که من این دوره را از

ابتدای دهه ۷۰ تا آخر دهه ۹۰ در نظر می‌گیرم و دوره‌ای است که ما تلاطم‌ها و شوک‌های بزرگ کم داشتیم، متوسط رشد بهره‌وری ما ۰,۹ درصد بوده‌است. اگر سال‌های جنگ را اضافه کنیم، از ابتدای انقلاب تا کنون این رشد منفی خواهد بود. ولی آن دوره‌ای ویژه است که ما به آن کاری نداریم. در طول دهه‌های گذشته ساختارها و نهادهایی در اقتصاد شکل گرفته که به راحتی تغییر نخواهند کرد. این فرض که در طول ۵ سال آینده اقتصاد ما رفتاری شبیه ۳۰ سال گذشته‌اش داشته باشد، غیر واقعی نیست. گذشته اقتصاد ما نشان می‌دهد رشد بهره‌وری در کشور در یک دوره کم تلاطم ۰,۹ درصد بوده‌است. لذا سهم بهره‌وری در رشد اقتصادی بسیار ناچیز بوده و کم و بیش به صفر نزدیک است. در شرایط موجود ما از لحاظ نیروی کار هم محدودیتی نداریم و الان مشکل ما عرضه نیروی کار به معنای کمبود آن نیست، بلکه به معنای مازاد آن است؛ یعنی تقاضا برای نیروی کار نمی‌تواند ایجاد شود و ما در بازار کار با مازاد عرضه مواجه هستیم. این مسئله یکی از بحران‌هایی است که کشور با آن روبرو است. این درحالی است که در تعداد زیادی از کشورهای توسعه یافته، سهم نیروی کار در تولید، مدام جدی‌تر می‌شود و بحث کهنسالی یک مسئله

بسیار مهم محسوب می‌شود و تبدیل به سقف رشد برای آنها می‌شود. طبق تحلیل‌های موجود، در سال‌های ۲۰۳۵ و ۲۰۵۰ کشورهایی که بزرگ‌ترین اقتصادهای دنیا را خواهند داشت به ترتیب چین، آمریکا، هند و اندونزی خواهند بود. به عبارتی هند و اندونزی سهم بزرگی در اقتصاد دنیا خواهند داشت. به علت اینکه از لحاظ نیروی انسانی با محدودیت کمی مواجه هستند و عامل نیروی انسانی به آنها اجازه رشد طولانی مدت می‌دهد. اما بسیاری از کشورهای توسعه یافته با این مسئله مواجه هستند که نیروی انسانی که شرایط کار داشته باشد در حال کاهش پیدا کردن است و به همین دلیل رشد اقتصادی شان تحت تأثیر قرار

موجودی سرمایه ۱,۹ درصد می‌شود و متعاقباً رشد اقتصادی می‌شود ۱,۹ درصد. باید توجه شود که این مقادیر، متوسط هستند و در سال‌هایی حول آنها نوسان خواهیم کرد؛ بیشتر و یا کمتر خواهیم بود، ولی متوسط آنچه که رخ خواهد داد انتظار می‌رود حول و حوش این اعداد باشد حتی اگر رشد ۵ درصد رخ دهد خوب است که من به شخصه مطمئن نیستم این اتفاق بیفتد. در مورد بیماری هلندی هم باید بگویم که حتی ما در دهه ۸۰ هم رشد سرمایه‌گذاری اولیه ۱۰ درصد است و بعد ۵ درصد می‌شود؛ اتفاقی که افتاده این است که در نیمه دوم دهه ۸۰ سرمایه‌گذاری در ماشین آلات رشدی نکرده‌است و یا رشد آن خیلی اندک بوده‌است. عمده سرمایه‌گذاری در ساختمان بوده‌است؛ به این معنا که بیماری هلندی شدت گرفته و پروژه‌های عمرانی دولت در دست اقدام بوده‌اند و منابع نفتی به بودجه رفته و تبدیل به پروژه‌های عمرانی شده‌است. حتی در دوره‌ای که رشد سرمایه‌گذاری ما بالا بوده‌است، تخصیص نادرستی داشتیم. عمده تخصیص منابع سرمایه‌گذاری به سمت ساختمان رفته است. نکته بعدی اینکه باید از الان به میزان ۵۰ درصد سرمایه‌گذاری را افزایش بدهیم تا برسیم به سطح سرمایه‌گذاری سال ۹۰. اینجا این سوال مطرح می‌شود که آیا این کار امکان‌پذیر است؟ توجه داشته باشید که این رشد قابل توجه بخش مهمی از سرمایه‌گذاری عمرانی دولت است. آیا دولت می‌تواند این چنین رشد سرمایه‌گذاری در پروژه‌های عمرانی داشته‌باشد که سطح سرمایه‌گذاری را بالا بیاورد؟ آیا با وجود عواملی که باعث شده سرمایه‌گذاری ما در شرکت‌ها و ماشین آلات کاهش یابد و ما ۵ سال است که منفی هستیم، اجازه برگشت را می‌دهد و مثل قبل رشد کند؟ پاسخ به این سوالات است که تعیین می‌کند آیا رشد سرمایه‌گذاری ۵ درصد اتفاق می‌افتد یا خیر؟ اگر به بودجه‌های عمرانی دولت به قیمت ثابت سال ۸۳ نگاه کنیم، می‌بینیم که دوره ۷۰ تا ۸۰، به طور میانگین ۶۰,۲ بوده و نیمه اول دهه ۸۰، به طور میانگین ۸۹,۴ بوده و نیمه دوم

۱۰ درصد است و دوره خاصی بود که نظیر آن را دیگر نمی‌بینید. وقتی از این دوره خارج می‌شوید، بهترین دوره‌ای که در آن درآمد نفتی شدیدی داشتیم رشد سرمایه‌گذاری به ۵ درصد می‌رسد. در دهه ۷۰ رشد ۱ درصد بوده است. از دوره تحریم که دوره ویژه‌ای بوده است صرف‌نظر می‌کنم که رشد سرمایه‌گذاری به شدت منفی بوده‌است. سرمایه‌گذاری حتی در سال ۹۵ هنوز رشد منفی داشته‌است. یعنی علی‌رغم رشد ۱۲,۵ درصدی تولید، سرمایه‌گذاری همچنان منفی بوده‌است. سرمایه‌گذاری از سال ۹۱ به شدت منفی می‌شود و از سال ۹۱ تا ۹۵ مرتب منفی است، به جز سال ۹۳ و مرتباً میزان سرمایه‌گذاری هر سال نسبت به سال قبل کاهش پیدا می‌کند. این یک اتفاق ویژه است و در ادامه خواهیم گفت که این مسئله چه تبعاتی برای اقتصاد خواهد داشت. کاهش سرمایه‌گذاری باعث شد که رشد اقتصادی ما مرتباً افت داشته‌باشد و تقریباً به صفر رسیده‌است. سال ۹۵ رشد موجودی سرمایه نزدیک به صفر است؛ یعنی زیاده به کل موجودی سرمایه کشور اضافه نمی‌شود. عدد سرمایه‌گذاری سالانه آنقدر کوچک شده‌است که اگر رشدی هم صورت بگیرد، کل موجودی سرمایه را نمی‌تواند زیاد رشد بدهد و این تعیین‌کننده رشد اقتصادی ما خواهد بود.

سناریوی ۱: غیر واقع‌بینانه فرض کنیم که ما از رشد منفی سرمایه‌گذاری یک‌دفعه اتفاقی بیفتد که در ۵ سال سرمایه‌گذاری ۱۰ درصد داشته باشیم. البته فکر نمی‌کنم کسی اعتقاد داشته‌باشد چنین چیزی ممکن باشد.

سناریوی ۲: فرض کنیم که آنقدر شرایط طلایی نباشد و رشد ۵ درصد باشد؛ یعنی از رشد منفی مستمر برسیم به زمانی که ۵ سال مداوم، رشد متوسط ۵ درصد باشد. این سناریو هم به نظر واقع‌بینانه نیست.

اگر سرمایه‌گذاری ما سالانه ۱۰ درصد رشد کند، کل موجودی سرمایه ۳,۲ درصد رشد خواهد کرد. با توجه به نکاتی که قبلاً ذکر کردم، رشد اقتصادی حول و حوش ۳,۲ درصد را در متوسط ۵ سال به ما خواهد داد. اگر رشد سرمایه‌گذاری ۵ درصد شود، رشد

می‌گیرد. بنابراین، نقش نیروی انسانی در آن کشورها مهم است. در کشور ما در طول این چند سال اخیر مسئله کمبود نیروی انسانی نداشتیم.

در خصوص موجودی سرمایه‌ای کل کشور باید بگویم که این موجودی در قالب کارخانجات، ماشین آلات، سرمایه‌گذاری در ساختمان و پروژه‌های عمرانی است و جمع این اقلام موجودی سرمایه را نشان می‌دهد. طبق آمار در دوره طولانی مدت ابتدای دهه ۷۰ تا انتهای دهه ۹۰ که در این دوره شوک‌های جدی نداشتیم، رشد تولید ناخالص داخلی حول رشد موجودی سرمایه در حال نوسان بوده‌است؛ یعنی طبق استدلال‌های گفته شده، آن چیزی که در بلندمدت تعیین‌کننده رشد ما بوده، رشد موجودی سرمایه است. طی این ۲۰ سال یعنی از سال‌های ابتدای ۷۰ تا انتهای ۹۰، رشد موجودی سرمایه متوسط سالانه ۳,۹ درصد و رشد تولید ۳,۹ درصد است. پس در یک افق نسبتاً بلندمدت این دو رشد نزدیک به هم حرکت می‌کنند و عامل سرمایه برای رشد ما بسیار کلیدی است. من بر اساس این تحلیل و با این فرض که ۵ سال آینده تا سال ۱۴۰۰ خیلی متفاوت از دوره بلندمدت گذشته نباشد و ساختار، قواعد و قوانین‌طوری تغییر نمی‌کنند که یک‌دفعه انتظار رشد فوق‌العاده‌ای در بهره‌وری داشته باشیم، می‌گویم آینده هم تداوم گذشته است و اقتصاد در ۵ سال آینده رفتاری شبیه به ۲۰ سال گذشته خواهد داشت. بر این اساس، آنچه که در چشم‌انداز رشد اقتصادی ما کلیدی است بستگی به رشد موجودی سرمایه خواهد داشت. پس لازم است من سناریو سازی برای اینکه رشد سرمایه و سرمایه‌گذاری در سال‌های آینده چگونه خواهد بود. موجودی سرمایه می‌شود کل سرمایه‌ای که در کشور است و بدست آوردن عدد کل سرمایه. برای اینکار لازم است بدانیم هر سال چقدر سرمایه‌گذاری انجام می‌شود و آن را جمع بزنیم با ۳ عدد موجودی سرمایه موجود.

برای سناریو سازی باید تمام دوره‌ها در نظر گرفته شود. بهترین دوره رشد اقتصادی بعد از انقلاب نیمه اول دهه ۸۰ بوده است که رشد سرمایه‌گذاری

۸۴,۱ میلیارد ریال شده است. طی ۵ سال اخیر، ۴۱,۵ میلیارد ریال است. طبق آخرین خبرها تا ۱ ماه پیش، امسال ۱۰ هزار میلیارد از کل بودجه به پروژه‌های عمرانی تخصیص پیدا کرده بود. اینکه این تخصیص چگونه بوده است؟ آیا صرف چیز جدیدی شده است؟ یا صرف بدهی های قبلی شده است؟ سوال برانگیز است. سوال این است که آیا دولت می تواند از سطوح فعلی به سطوح بالاتر برگردد که سرمایه گذاری در پروژه های عمرانی باعث شود کل سرمایه گذاری ها بالا برود و اقتصاد حداقل در قسمت دولتی راه بیفتد؟ باید بگویم این موضوع بعید است. همه با شرایط مالی دولت آشنایی داریم. دولت یک سری ساختارها در بودجه اش دارد که متعلق به دهه هاست. هزینه هایش با درآمدهایش همخوانی ندارد و کسری را به شکل های مختلف از جاهای مختلف تأمین می کند. یک مشکل بزرگ که از سال ۹۳ به این طرف شکل گرفته این است که در سمت درآمدهای دولت افت شدیدی رخ داده است؛ به دلیل اینکه قیمت نفت از بالای ۱۰۰ دلار به ۶۰ دلار رسید و دولت در کسری اش نتوانسته سمت هزینه هایش را اصلاح کند. این موضوع باعث شده این کسری در بودجه دولت شکل

**بدهی ناخالص دولت
مرکزی، یعنی کل بدهی
با توجه به ارقامی که
در حال حاضر اعلام شده
است به ۳۸ درصد تولید
ناخالص داخلی در سال ۱۴۰۰
می رسد**

گرفته و ادامه پیدا کند. بعضی از عوامل این مسئله را تشدید می کنند؛ یعنی تعهدات جدیدی که در بخش سلامت ایجاد شده است، دارد سمت هزینه های دولت را به سرعت بالا می برد و همه این عوامل در بوجه منعکس نمی شود؛ یعنی بخش مهمی از کسری های بودجه دولت در داخل بودجه نیست و بیرون از بودجه، بدهی ایجاد می کند؛ مثلاً بودجه صندوق های بازنشستگی قسمتی در بودجه دیده می شود و بقیه خارج از بودجه می باشد؛ یعنی وام می گیرند و پول بازنشسته ها را پرداخت می کنند. این وام در بودجه دیده نشده است. این موتورهای در حال کار کردن هستند و سمت هزینه های دولت بزرگتر می شود، در صورتی که در سال ۹۳،

سمت درآمدها از ناحیه نفت افت قابل ملاحظه ای داشته است.

بر همین اساس، اگر تغییراتی رخ ندهد، مثلاً قیمت نفت بالای ۱۰۰ دلار نرود و یا اینکه اصلاحات بزرگی رخ ندهد، چشم انداز بودجه ما به همین صورت باقی می ماند.

ما کسری بودجه به نسبت تولید ناخالص داخلی و برحسب فروضات و برآوردها را حساب کردیم. یعنی در سمت درآمدها نفت را بر حسب پیش بینی های موجود قرار دادیم و سمت درآمدهای مالیاتی را بر اساس تولید ناخالص داخلی و برنامه ای که از چند سال گذشته بوده است، محاسبه کردیم. همچنین هزینه ها را بر اساس روندی که در حال افزایش است مد نظر قرار دادیم. آنچه مشاهده می شود این است که کسری بودجه کشور نسبت به تولید ناخالص داخلی مرتباً بزرگ می شود و کسری بودجه غیرنفتی به عدد منفی ۱۶ درصد می رسد که شاید این مسئله خوش بینانه محسوب شود. بدهی ناخالص دولت مرکزی، یعنی کل بدهی با توجه به ارقامی که در حال حاضر اعلام شده است به ۳۸ درصد تولید ناخالص داخلی در سال ۱۴۰۰ می رسد. بنابراین دولت نیاز دارد سالانه ۱۳ درصد از تولید ناخالص داخلی را برای تأمین کسری بودجه و بهره بدهی اش بپردازد. البته این بر اساس این فروض بوده که ما اصلاحات بزرگ در بودجه نداشته باشیم و قیمت نفت هم قیمت فعلی باشد. این شرایط یعنی اینکه چیز

۵۹

زیادی برای دولت نمی ماند که بخواهد پروژه های عمرانی اجرا کند. به عبارت دیگر در سمتی که دولت قرار است سرمایه گذاری را بالا ببرد، بعید است در ۴ سال آینده اتفاق قابل ملاحظه ای بیفتد. ما اگر همین سطح هزینه های عمرانی سال ۹۵ را بتوانیم حفظ کنیم به نظرم کار بزرگی رخ داده است. امسال سوال برانگیز است که تا پایان سال این اتفاق خواهد افتاد یا خیر؟ با توجه به هزینه های عمرانی دولت، خیلی بعید است که ما برگردیم به سطح سال های قبل یعنی دهه ۸۰. در این شرایط ما با یک رشد سرمایه گذاری خوش بینانه در سقف ۵ درصد، رشد موجودی سرمایه زیر ۲ درصد خواهیم



چندانی برای هزینه‌های عمرانی باقی بماند. اگر نرخ سود حقیقی که طی چند ماه اخیر حدود ۴ درصد کاهش پیدا کرد، دوباره بالا برود و فاصله نرخ سود و تورم زیاد بشود، خود این موضوع هم دوباره مانعی می‌شود برای سرمایه‌گذاری. ظهور ترامپ نسبت به کشور ما نا اطمینانی ایجاد می‌کند. اینکه برجام می‌ماند یا نمی‌ماند و یا چه تحریم‌های جدیدی اعمال خواهد شد و شرایط منطقه چه می‌شود، رشد سرمایه‌گذاری را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

با این شرایط، رشد اقتصادی احتمالاً کمتر از ۳ درصد شود. اگر چه در سال ۹۶ مقداری فراتر از انتظار رفت و به ۴ درصد رسید. این رشد فعلی متأثر از تحولات بازار مسکن و تولید یک سری کالاها مثل خودرو است و شاید کاهش شدید نرخ بهره در تابستان اثر گذاشته است. اما طی ۵ سال آینده به احتمال زیاد به زیر ۳ درصد برمی‌گردد. رشد اقتصادی ضعیف باعث می‌شود رشد تقاضای داخلی ضعیف باشد و شرکت‌هایی که براساس تقاضای داخلی کار می‌کنند، شرایط سختی داشته باشند. البته آن‌های که محصولات جدید و نوظهور ارائه می‌دهند موفق‌تر هستند. آن‌هایی که متقاضی کسب و کارشان دولت است، از قبیل نیروگاه‌ها، صنایع دارویی، پیمانکارهایی که عمده خریدارشان دولت است همین الان هم شرایط سختی دارند. با این چشم‌انداز شاید سال‌های آینده کارشان سخت‌تر باشد. نهایتاً صادرات و تقاضای خارجی می‌تواند یک راه برای صنایع و محصولات باشد که می‌خواهند رشد‌های قابل توجهی داشته‌باشند و از شرایط رشد محدود تقاضا در داخل فرار می‌کنند.

نهایتاً صادرات و تقاضای خارجی می‌تواند یک راه برای صنایع و محصولاتی باشد که می‌خواهند رشد‌های قابل توجهی داشته باشند

آنهايي که تقاضايشان براساس تقاضاي داخلي است و کسب و کارهايي که مصرف خصوصي مبنای کارشان است، سقف رشد تقاضاي داخلي به نظر مي آيد حول ۲ درصد باشد و اين رشد محدودی است

موجود به ۶ یا ۷ درصد برسانیم. ما در طول ۲۰ سال از دهه ۷۰ به این طرف با این مسئله به این شکل مواجه نبودیم. شاید نفت می‌توانست مازاد ایجاد کند، اما وقتی قیمت هر بشکه نفت حدود ۶۰ دلار است و همه پیش‌بینی‌ها حاکی از این است که طی ۵ سال آینده همین قیمت خواهد بود، مازادی ایجاد

تا کنون نفت در ایجاد سرمایه‌گذاری در کشور سهم قابل توجه‌ای ایجاد می‌کرد، اما دیگر این نقش را نمی‌تواند ایفا کند

نمی‌شود که بتواند باعث افزایش سطح سرمایه‌گذاری شود. لذا بدون سرمایه خارجی به نظر می‌آید ما احتمالاً با این شرایط در همین سطح از رشد می‌مانیم. برجام توانسته بهبود قابل ملاحظه‌ای در شرایط و مراودات خارجی ایجاد کند. ریسک اقتصاد کلان ما را کاهش داده‌است، مبادلات خارجی ما آزاد شده‌است، امید جدید ایجاد شده و بعضی فایننس‌ها باز شده، سرمایه‌گذاری خارجی در حد خیلی محدودی انجام شده‌است. اما یک سری ریسک‌های جدید هم وجود دارد که روی شرایط سرمایه‌گذاری در سال‌های پیش روی اثر می‌گذارد.

تا کنون نفت در ایجاد سرمایه‌گذاری در کشور سهم قابل توجه‌ای ایجاد می‌کرد، اما دیگر این نقش را نمی‌تواند ایفا کند. شرایط مالی دولت اجازه نمی‌دهد منابع

داشت و رشد تولید ناخالص داخلی متوسط رشد سالانه‌اش زیر ۳ درصد خواهد بود. کسانی که صادر کننده هستند در اثر این اتفاقات کمتر متضرر می‌شوند، ولی آن قسمت از بخش خصوصی که تقاضای داخلی مبنای کارش است با شرایط خوبی مواجه نمی‌شود. یعنی به احتمال زیاد ۵ سال بعد متوسط رشد تولید بدون نفت همین عددها خواهد بود. احتمالاً میانگین رشد مصرف بخش خصوصی ممکن است ۱.۵ تا ۲ درصد باشد. انشالله که خیلی اتفاقات مثبت می‌افتد و قیمت نفت بالا می‌رود و اصلاحات جدی رخ می‌دهد. اما اگر فرض کنید همین شرایط باشد، آن‌هایی که تقاضایشان براساس تقاضای داخلی است و کسب و کارهایی که مصرف خصوصي مبنای کارشان است، سقف رشد تقاضاي داخلي به نظر مي آيد حول ۲ درصد باشد و اين رشد محدودی است. در دوره ای که سالانه به میزان ۸ درصد رشد وجود داشت وقتی کسب و کاری راه می‌افتاد، می‌توانستیم طی ۵ تا ۱۰ سال کار، برگشت سرمایه را شاهد باشیم. در بسیاری از کسب و کارهای متعارف در بازارهای داخل احتمالاً یک بازار رو به گسترشی نداریم. کسانی که می‌خواهند رشد قابل توجه ای داشته باشند قاعدتاً باید به بازار خارجی توجه کنند، البته با ملاحظه ریسک‌هایی که وجود دارد.

در سال‌های آینده رشد سرمایه‌گذاری خیلی کلیدی است و پیام امروز بنده است. سرمایه‌گذاری ما در شرایط ویژه‌ای قرار گرفته است. وقتی رشد ۲ تا ۲.۵ درصد شود از آن مازادی ایجاد نمی‌شود که بعد بخواهد بیاید بشود سرمایه‌گذاری‌های بزرگ و آن سرمایه‌گذاری‌های بزرگ رشد بعدی را ایجاد کنند. این یعنی اینکه مازاد آنقدر کوچک است که از جمع آن سرمایه کوچک حاصل می‌شود و رشد کمتری در آینده شاهد خواهیم بود.

کشور باید به نحوی از این مرحله و از این دام و تله سرمایه‌گذاری که در آن گرفتار شده‌است، بگذرد. حتماً باید تلاش کرد که سرمایه‌گذاری داخلی تجهیز شود. الان در شرایطی هستیم که بدون سرمایه خارجی امکان پذیر نیست که سطح رشدمان را از سطح‌های

در پنل روز اقتصاد گردهمایی انجمن پسته تصریح شد:

به امید سیاست گذار نشستن یعنی نابودی

بهبودی حاصل شود، یعنی دولت از این حالت انفعال خارج شود. تا قبل از برجام تأخیر دولت قابل قبول بود، ولی بعد از برجام هم انرژی دولت تلف شد و هیچ گونه سیاست گذاری در جهت اصلاح وضع موجود انجام نشد، جز سیاست پولی که آن بدون هماهنگی با سیاست ارزی و یا سیاست مالی بود. در نتیجه اثرش در نقدینگی را مهار کرد و به کنترل تورم نینجامید و تنها آنها را به جلو پرتاب کرد.

پکیج اصلاح سیاست گذاری یک سه ضلع مشخص دارد. هر جایی که ما شاهد رونق پایدار بودیم این سه ضلع باهم حرکت کرده بودند؛ سیاست پولی، سیاست ارزی و سیاست مالی. در سیاست مالی؛ دولت روحانی در بحث یارانه ها و حامل های انرژی اصلاحاتی را آغاز کرد.



هر جایی که ما شاهد
رونق پایدار بودیم این
سه ضلع باهم حرکت
کرده بودند؛ سیاست پولی،
سیاست ارزی و سیاست
مالی

پنل دوم روز اقتصاد با موضوع چشم انداز اقتصاد ایران میزبان محسن جلال پور، علی میرزاخانی، سیدمهدی برکچیان، موسی غنی نژاد و محمد مهدی بهکیش بود. اولین سخنران پنل، علی میرزاخانی با طرح این سوال که آیا این امکان وجود دارد که روند اقتصادی پیش بینی شده تغییر کند؟ و چه متغیرهایی باید فعال شوند تا روند سیاست گذاری موجود را تغییر دهند؟ به بیان دیدگاه های خود پرداخت: «متأسفانه یک بی سیاستی در دولت وجود دارد؛ یعنی عدم استفاده از سیاست های اقتصادی و حتی اتفاقات مثبتی هم که در حوزه کسب و کار

می افتد در اثر سیاست گذاری دولت نیست، بلکه تحمیل سیاست های نیروهای بازار است. در سال جدید در حوزه بازار نرخ ارز، شاهد تحولات مثبتی بودیم. وقتی نرخ واقعی می شود روی متغیرهای اقتصادی اثر مثبت دارد. این حرکت واکنشی بود نه بر اثر فعال بودن سیستم سیاست گذاری دولت. اگر این اتفاق زودتر رخ می داد کسب و کارهای زیادی به دلیل نرخ ارز غیر واقعی از بین نمی رفتند. اینکه هم اکنون هم شاهد تحولات مثبت نرخ ارز هستیم، ناشی از سیاست گذاری دولت نیست، بلکه ناشی از بی عملی سال های گذشته است. الان نیروهای بازار بی عملی دولت را جبران می کنند. آن وضعیتی که در حوزه سیاست گذاری در حال حاضر شاهد هستیم، عمدتاً سیاست گذاری وصله پینه ای است؛ یعنی یک جایی اشکالی ایجاد می شود ما می رویم آن جا را وصله می کنیم.

در وضعیت فعلی بهبود وضعیت نفت و سرمایه گذاری خارجی به ما کمک نمی کند؛ چون بحث کوتاه مدت نیست. برای رسیدن به پایداری باید در سه حوزه سیاست گذاری اقتصادی

اینکه هم اکنون هم
شاهد تحولات مثبت
نرخ ارز هستیم، ناشی از
سیاست گذاری دولت نیست،
بلکه ناشی از بی عملی
سال های گذشته است.
الان نیروهای بازار بی عملی
دولت را جبران می کنند.

۶۱ ولی آن روند تدریجی را کنار گذاشت و از جو اجتماعی تبعیت کرد. سه سال اول دولت روحانی یکبار قیمت بنزین و حامل های انرژی را اصلاح کردند، بعد اصلاحات متوقف شد درحالی که می توانستند همان روند را به تدریج انجام دهند و تابع جو اجتماعی جامعه نباشند. وقتی جرأت اصلاحات تدریجی را نداشته باشیم، مجبور می شویم با همه چیز به صورت شوک رو به رو شویم و این نشان دهنده دستپاچگی است. در بحث یارانه ها سیستم بودجه همزمان با سیاست پولی نیاز به اصلاح دارد. متأسفانه تصور غلطی در مورد علت بودن قیمت ارز در همه سطوح کشور وجود دارد، درحالی که افزایش قیمت ارز

نشود، اوضاع بهبود نخواهد یافت و رشد ناشی از تکنولوژی‌ها آنقدر نیست که مازاد زیادی ایجاد شود و ما گرفتار می‌شویم. یعنی گره‌ای که شاید بتوان امروز ساده باز کرد، سه، چهار سال آینده مجبور می‌شویم در شرایط خیلی سخت‌تری تصمیم بگیریم که بخواهیم از آن شرایط بیرون بیاییم. حتی اگر ما موفق شویم به رشدهای دو و سه درصد برسیم باز نسبت به سال‌هایی که رشدهای منفی مستمر داشتیم شرایط مان بهبود دارد، اما طبیعتاً با شرایط بازار کار، با شرایط خانوارمان و با نارضایتی‌هایی که وجود دارد، ممکن است سازگار نباشد.»

آخرین سخنران پنل، **محسن جلال پور**، جمع‌بندی خود را از صحبت‌های پنل ارائه کرد: «در همه صحبت‌ها یک مسئله ثابت است؛ عملاً در شرایط خوبی در اقتصاد ایران نیستیم. این موضوع با عدد و آمارها، مستندات و نگاه به گذشته کاملاً تأیید می‌شود. دوستان حاضر در گردهمایی تأکید دارند که دولت فعالیت موثری برای بهبود وضعیت انجام نداده است. دولت دوازدهم هم ادامه دولت یازدهم است.

راهکار هم مشخص است که باید سیاست‌ها را در واقع سه ضلع مثلث سیاست‌های پولی، ارزی و مالی اصلاح شود. تا امروز اگر به امید سیاست‌گذار و حاکمیت نشسته بودیم، نتیجه‌ای جز این که به سمت نابودی برویم، نداشتیم. آن چیزی که تا الان از نابودی جلوگیری کرده‌است همت، همراهی و فهم مردم است. اگر دو بحث امروز را که در خصوص نقش بخش خصوصی و آینده اقتصاد ایران بوده را تلفیق کنیم و یک نتیجه کلی بگیریم این است که خیلی چیزها دست ما (بخش خصوصی) نیست. ما بایستی امروز به عنوان فعالین بخش خصوصی، نهادهای مدنی و به عنوان یک جامعه ایران دوست، مطالبه جدی و یک رویکرد جدید داشته باشیم. در این راستا، در نوع مطالباتمان دقت کنیم؛ مطالبه‌هایمان بر اساس واقعیت‌ها و بر اساس آن چیزی باشد که صلاح و خیر کشور و آینده در آن است، به طور قطع اثرگذار خواهد بود.»

چیزی است که هیچ کس فکرش را نمی‌کرد. این موارد می‌تواند ادامه پیدا کند به شرط اینکه دولت مانع نشود. در حال حاضر اگر به تمام دنیا نگاه کنیم، اشتغال، رشد اقتصادی و ارزش افزوده در بخش خدمات است و مثل گذشته در بخش تولید کالاهای صنعتی نیست. در ایران با توجه به اینکه درصد تحصیل کرده‌ها افزایش یافته، این فناوری‌های نو می‌توانند روند اقتصادی ما را تغییر دهند.

اشتغال، رشد اقتصادی و ارزش افزوده در بخش خدمات است و مثل گذشته در بخش تولید کالاهای صنعتی نیست. در ایران با توجه به اینکه درصد تحصیل کرده‌ها افزایش یافته، این فناوری‌های نو می‌توانند روند اقتصادی ما را تغییر دهند.

محمد مهدی بهکیش نیز به بحث فناوری‌های نو و نقش ناشناخته آنها در اقتصاد ایران اشاره کرد. «روند آمارها نشان می‌دهد بهره‌وری تغییری نکرده و افزایش هم پیدا نکرده‌است. فناوری‌های نو یکی از عواملی است که بهره‌وری را به سرعت می‌تواند تغییر دهد. سرمایه مادی زیادی هم نمی‌خواهد. به عنوان مثال الان در کشت پسته نیاز دارید که بهره‌وری‌تان را از راه آب دادن زیاد کنید یا سیستم آبیاری‌تان را تغییر دهید، به کمک آی تی می‌توان تغییرات عجیب و غریبی انجام داد. منتها هزینه باید بکنید و گروهی را به کار بگیرید که روی اینها فکر کنند و ابداعات تازه‌ای به غیر از روش‌های معمول به وجود آورند.»

سید مهدی برکچیان در تکمیل صحبت‌های اولیه خود تأکید کرد که هدف القای ناامیدی نیست، بلکه هشدار نسبت به وضع موجود است. وی سپس به نقد خوش‌بینی نسبت به فناوری‌ها پرداخت و چند نکته را یادآوری کرد: «درست است که امیدواریم اتفاقات خوبی با فناوری نو بیفتد، اما در عین حال واقعیت‌های تاریخی ما در گذشته و تجربه کشورهای دیگر حاکی از این است که تله سرمایه‌گذاری در پیش است. یعنی الان اگر سرمایه‌گذاری وارد اقتصاد

یا حامل‌های سوخت علت تورم نیست بلکه معلول تورم است. علت ایجاد تورم، رشد پایه پولی و نقدینگی است. اگر در این حالت اصلاحات به تدریج انجام نشود، سیاست اقتصادی ما کامل نیست. تنها دوره‌ای که به طور نسبی شاهد شکوفایی هستیم، نیمه اول دهه هشتاد و اواخر سیاست‌گذاری خاصی در اقتصاد نداشتیم، شخصیت‌های خاصی هم در اقتصاد حضور نداشتند، بلکه نیمه اول دهه هشتاد تنها دوره‌ای است که سیاست پولی و ارزی و یک مقداری هم سیاست مالی به صورت تصادفی یا هر چیز دیگر هم جهت باهم و در مسیر اصلاح حرکت کردند و منجر به رشد شکوفایی نسبی شد.

موسی غنی‌نژاد، دومین سخنران پنل «چشم انداز اقتصاد ایران» ابتدا در نقد سیاست‌گذاری‌هایی که منافع ملی را تأمین نمی‌کنند صحبت کرد: «سیاست‌مداران ما در تلاشند مملکت را با کشمکش‌هایشان نابود کنند، ولی مردم نمی‌گذارند. بین سیاست‌مداران عده‌ای به دنبال منافع جناحی خودشان هستند و این را نمی‌بینند که برای حفظ منافع جناحی‌شان اول باید کل مجموعه حفظ شود. مشکل اصلی ما همین است. منافع ملی باید حفظ شوند تا جناح‌ها منافع خاصشان را هم بتوانند نگاه دارند. اینکه این قدر کشمکش را ببرید بالا تا مملکت دچار فروپاشی شود به این معناست که کشتی می‌شکند و همه غرق می‌شوند.»

موسی غنی‌نژاد در ادامه صحبت‌هایش و در پاسخ به ارائه سید مهدی برکچیان صحبت‌هایی را طرح کرد تا از انتقال جو ناامیدی پرهیز شود. وی گفت: «خیلی ناامید نباشید. درست است که آمارها و اطلاعات دکتر برکچیان خیلی امیدوار کننده نبود؛ ایشان آن چیزهایی را مطرح کردند که داده‌ها نشان می‌دهند. اگر خوش‌بین باشیم، آن طور که من می‌بینم، مردم اجازه نمی‌دهند این مملکت نابود شود. عواملی وجود دارد از جمله همین تشکل‌های بخش خصوصی و مردم آگاه و هوشیار که تلاش‌هایشان می‌تواند مسیر را تغییر دهد. آمارها نشان می‌دهد که در برهه‌ای رشد پیش‌بینی نشده‌ای در آمارها دیده می‌شود. احتمالاً برخی از این رشد به فعالیت استارت‌آپ‌ها برمی‌گردد و این

در پرسش و پاسخ پنل چشم انداز اقتصاد ایران عنوان شد:

حرف حساب در چنبره اعتیاد به پول نفت

در بخش پرسش و پاسخ بعد از پنل دوم روز «اقتصاد ایران» در گردهمایی دوسالانه انجمن پسته ایران در تاریخ ۲۲ دی ماه ۱۳۹۶، حضار به بحث و تبادل نظر در خصوص چشم انداز اقتصاد ایران پرداختند. در ادامه مشروح نظرات مطروحه و پاسخ‌های داده شده از سوی اقتصاددانان آورده شده است. در ابتدا مهدی آگاه برای طرح سوال از برکچیان این چنین شروع کرد: «آقای دکتر برکچیان! سناریویی که شما برای بخش پسته تعریف کردید، خیلی ناامیدکننده نبود و گفتید کسانی که در حوزه صادرات فعالیت می‌کنند کمتر زبان می‌بینند، بنابراین به نظر می‌رسد که برای اعضای انجمن پسته این مسئله خیلی ناجور نباشد. این سوال را از دکتر برکچیان دارم، اگر به طور استثنایی یکی از موشک‌هایی که شلیک می‌شود به یکی از مراکز مهم صادرات نفت عربستان برخورد کند، ممکن است قیمت هر بشکه نفت بلافاصله به ۲۵۰ دلار برسد. آیا به نفع ما است؟ آیا مسائل ایران حل می‌شوند؟ اگر حل می‌شوند، چگونه؟ خوردن این موشک به نفع چه کسی در جامعه ایران است؟

محسن جلال پور در واکنش به سوال مهدی آگاه گفت: آقای آگاه سوالی که می‌پرسند جواب در خودش مستتر است.

با توجه به صحبت های زیادی که در این روز در رابطه با کاربرد تکنولوژی‌های نو شده بود، حافظ کمال هدایت به ارائه توضیحاتی در این خصوص نمود: «خواستیم یک نکته درباره استارت‌آپ‌ها بگویم، چون امروز مکرراً در مورد آنها صحبت شد و مثال‌هایی از اسنپ و دیجی کالا زده شد. به نظرم رسید تصویری ایجاد شده که اینها نیازی به سرمایه ندارند. البته باید بگویم که تأثیر بسزایی در کل اقتصاد کشور داشته‌اند. جهت استحضار جمع باید اضافه کنم



که این تکنولوژی‌های نو در مراحل ابتدایی، نوزادی و استارت آپی نیازی به سرمایه چندان ندارند، ولی در اسنپ و دیجی کالا طی ۱۵ ماه گذشته بالغ بر ۳۰۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری شده‌است. طبق آماری که دکتر برکچیان ارائه دادند، این رقم در مقایسه با بودجه عمرانی کشور حدود ۱۳ درصد است که بخش خصوصی سرمایه‌گذاری کرده‌است.»

سید محمود ابطحی مطالب ارائه شده از سوی برکچیان این‌گونه نقد و تحلیل کرد: «پتانسیل مملکت ما به لحاظ زیر ساخت‌ها و به لحاظ ظرفیتی که نیروی کار دارد می‌تواند بر اقتصاد اثرگذار باشد. به نظرم این اثر از این چیزی که ما فکر می‌کنیم بیشتر خواهد بود.

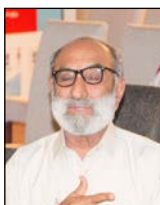
نکته دوم اینکه ما در اقتصاد موضوعی داریم به اسم رونق، رکود و تورم که بعد از یک دوره اقتصادی پارامترهای داخل خود اقتصاد اثر می‌گذارند؛ چه دولت دخالت بکند یا نکند. شما بعد از رکود وارد یک دوره رونق می‌شوید. شما در آمار و ارقامی که ارائه می‌دهید این موضوع را نمی‌بینید؛ شما خرد جمعی که ما مردم داریم را باید در نظر بگیرید. این یک عامل بسیار بسیار مهم است. من یک مثال بزنم، در انتخابات دوره قبل که آقای روحانی آمدند بعضی از دوستان فکال کراواتی خودمان نشستند و تجزیه و تحلیل کردند که آقای ولایتی خوب هستند، برای اینکه می‌توانند مسائل ارزی را حل کنند (برجام را ببرند جلو). عملاً چیزی که دیدیم این بود که کارگرهای ساده زن انبار ما از ما بهتر فهمیدند و همه رفتند و به آقای روحانی رأی دادند. این خرد جمعی که مردم ما دارند را دست کم نگیرید. موضوع اسنپ یا چیز دیگر اینها یک چیز تصادفی نیست، اینها ناشی از خرد ما است. اگر شما پیش‌بینی نمی‌کردید که یک نرخ رشد ۶ درصد باشیم، معنی آن این است که اقدامات دولت و این منحنی‌ها کار نکرده‌اند و فقط خرد جمعی مردم کار کرده است. بنده



یک دوست داشتم که در سازمان ملل متحد کار می‌کرد. ایشان یک رئیس سوئیزی داشت که می‌گفت: «من این چیزهایی که عملاً می‌بینم اعم از ماشین‌ها و سطح زندگی‌ها و خرج‌ها با نرخ رشد شما جور در نمی‌آید، یک چیزی در ته اقتصاد شما می‌گذرد که با عدد و رقم نمی‌توانید بیان کنید. بنابراین نباید بدبین باشیم و برای ما پسته‌ای‌ها آنقدر که می‌گویند، بد نیست.»

محمدرضا هاشم پور

در خصوص تأثیرات اجتماعی استفاده از تکنولوژی‌ها مطرح کرد: من تقریباً هر روز مشتری اسنپ هستم و فقط خواستم این را بگویم که راننده های اسنپ کمتر از یک سال است که یک تجمع برگزار کردند، برای اینکه در حقشان داشت اجحاف می‌شد. من یاد «عصر جدید» چارلی چاپلین افتادم که سرعت زیاد تکنولوژی دارد یک حالت استعماری را در بخش‌های مختلف اقتصادی ایجاد می‌کند. یکی از آنها همین فروشگاه‌های افق کوروش است. من امسال یک طرحی برای مدیر بازرگانشان کردم برای بسته‌بندی حبوبات و دیدم ظرف مدت یک سال خودشان سه برند حبوبات زدند. الان حدود ۸۰۰ شعبه در کشور دارند و می‌خواهند آن را به ۴ هزار شعبه برسانند. می‌خواهم بگویم در کنار سرعت تکنولوژی، تأثیرات زیاد اجتماعی را هم شاهد هستیم.»



در ادامه **محمد شهنوازی** گفت: «بینید لنگ کار ما کجا است؟! در حدود ۵ سال قبل مقداری خرما را به پاکستان صادر کردیم که از آنجا ترانزیت بشود به هندوستان و بنگلادش و برود به اندونزی. این خرما رفت و حکومت هندوستان یک تعرفه‌ای گذاشت که دیگر صادرات به صرفه نبود و عدم ترانزیت مشکلاتی را به وجود آورد. تجار

اتفاقات در جامعه به خصوص آنچه روی انتظارات جامعه اثر می‌گذارد و اینکه مردم احساس کنند که تورم دارد می‌آید، باعث روشن شدن موتور تورم می‌شود و می‌تواند اثر بگذارد. بنابراین باید دولت و خودمان کمک کنیم تا انتظارات تورمی به وجود نیاید.

نرخ ارز هم به همین ترتیب شاید در آینده بیشتر تابع عوامل سیاسی باشد. اگر چنین تصویری در جامعه باشد که یک حجم عظیم سرمایه فکری و مادی بیرون برود، قطعاً نرخ ارز خیلی بیشتر خواهد شد. از اینکه شما صادرکننده هستید فکر نکنید که به نفعتان است، چون لطماتی که به اقتصاد وارد می‌شود ضررش به شما هم می‌رسد. نرخ ارز باید معقول افزایش پیدا کند.»

میرزاخانی در پاسخ به سخنان علوی اظهار داشت: «یک فکر نادرستی وجود دارد و در جامعه ترویج پیدا کرده، این است که سیاست‌های اصلاحی بر صندوق رأی اثر معکوس دارد؛ یعنی سیاسیون اگر سیاست‌های اصلاحی را در پیش بگیرند برای آینده خودشان خوب نیست. من می‌خواهم بگویم واقعیت این طور نیست. یک اتفاق مثبتی در سیاست‌گذاران اقتصادی افتاده است و آن هم ناشی از اتحاد و همدلی بخش خصوصی و صاحب‌نظران اقتصادی بود. سیاست‌گذاران اقتصادی ما مسئله و راه درست را فهمیده‌اند، اما سیاسیون ما متوجه نشده‌اند. امثال آقای روحانی اینکه سیاست‌های اصلاحی بر صندوق رأی اثر مثبت دارد را متوجه نیستند. باید برای این موضوع هم راه حل پیدا کرد. تصور این است که اگر نرخ ارز را ثابت نگاه داریم بر صندوق رأی اثر مثبت دارد. در حالی که ثابت نگه داشتن نرخ ارز، یعنی جهش آن در چند سال آینده. این جهش‌ها اثر بدتری نسبت به افزایش تدریجی نرخ ارز دارند. من تصور می‌کنم از بین بردن القائات اشتباه در جامعه از رسالت‌ها و مأموریت‌های بخش خصوصی است. سیاسیون نباید فکر کنند کارهای اصلاحی برایشان هزینه دارد.

دولت با قرض نگرستن از بانک مرکزی و اتخاذ سیاست‌های درست بانکی دارد تورم را کنترل می‌کند. آیا در پنج سال بعد امکان دارد تورم از دست دولت خارج شود؟ آینده ایران و محرک اصلی اقتصاد ایران به نظرتان کدام بخش است، بخش مسکن، بخش توریسم یا بخش کشاورزی؟»

جلال‌پور در پاسخ به سوال رضوی گفت: «امروز در مورد آینده اقتصاد و سرمایه‌گذاری خیلی واضح صحبت شد. آقایان گفتند که راه فعلی نتیجه‌ای جز اضمحلال و از بین رفتن بیشتر ثروت ملی و هدر رفتن منابع کشور نیست. بنابراین نمی‌توانیم امروز به دوستان توصیه‌ای کنیم. شفافیت در مسائل برای اینکه ما بدانیم در آینده چه وضعی پیش می‌آید به اصلاحاتی که از آن صحبت شد برمی‌گردد. در شرایط و وضعیت فعلی که نگاه به صندوق‌های رأی است، به نظر می‌آید آنچه در حال وقوع است، موارد خوش‌آیندی نخواهد بود.

این سه روز در مورد نرخ ارز سوالات زیادی از بنده شد. آنچه که مشخص است ما برگشت به عقب نداریم؛ یعنی افت قیمت ارز و پایین آمدن قیمت به هیچ طریقی پیش‌بینی نمی‌شود. بنا به مصالحی که دولت مردان ما از آن یاد می‌کنند، امکان ادامه یافتن وضع فعلی طی چند ماه آینده وجود دارد. به نظر می‌رسد ظرفیت منابع کشور این امکان را به دولت مردان می‌دهد که وضع قیمت ارز را تا فصل بعدی در سطح فعلی حفظ کنند. آن جهشی که تا عید و در چند ماه پس از آن پیش‌بینی می‌شد در دو سه ماه اخیر اتفاق افتاد و برگشت قیمت به عقب بعید است. به نظر من با نگاه دولت مردان و مجموع سیاست‌گذاران کشور و با توجه به فضای جامعه در روزهای گذشته افزایش قیمت‌چندانی هم نخواهیم داشت.»

به‌کیش در ادامه در خصوص نرخ ارز و تورم در کشور توضیح داد: «هم نرخ ارز هم مسئله تورم مورد سوال بود. علت اصلی تورم، حجم پول است. ما در سال ۹۵ و حتی در ۹۶ حجم پولمان به طور قابل توجه‌ای افزایش پیدا کرده‌است، ولی هنوز منجر به افزایش نرخ تورم نشده است. خیلی

زاهدان، طرف پاکستانی و نماینده وزارت امور خارجه را خواستند و ما هر کار کردیم مسئله حل نشد. آقای نوازشریف نخست وزیر پاکستان نسبت به همسایه‌ها قلدربازی داشت. گفتیم که خرماها را برگردانید و ما تصمیم گرفتیم که خرما به امارات و از آنجا به هندوستان برود. ما نشستیم که ببینیم عیب کار کجا است. یک اقتصاددان بلند شد و گفت عیب کار این جا است که آقای نواز شریف در برابر هندوستان و همسایه‌ها چماق بلند کرده‌است، اما امارات در برابر همسایه‌ها دست سلام بلند کرده‌است. شما بررسی کنید که مملکت ما در چنین مشکلی گیر نکرده باشد!»

آرش علوی

با مطرح کردن دو چالش در پی یافتن راه حلی عملیاتی بود و اینچنین توضیح داد: «تشکر می‌کنم از تیم



دنیای اقتصاد که طی این سال‌ها چراغ بحث حرف‌های حساب را در کشور روشن نگه‌داشتند. سه موضوع خیلی مهم وجود دارد که دنیای اقتصاد خیلی روی آن تمرکز می‌کند و مقالات زیادی هم در موردش چاپ می‌شود. نرخ ارز، یارانه‌ها و حجم دولت. اما فکر می‌کنم یک نکته مغفول واقع شده است. دو چالش وجود دارد، یکی از آنها چالش رأی است. در وضعیت موجود ما از دولت مردان در ساختار فعلی انتظار داریم که بروند و کارهای سخت، شجاعانه و منطقی بکنند و رأی هم نیاورند. این موضوع برایشان سخت است. اگر یادتان باشد آقای سیف و آقای طیب‌نیا در مورد بالا بردن نرخ ارز به نسبت تورم صحبت کردند، اما اجرایی نشد، چون پشتیبانی و همکاری شما خیلی برای این دوستان کافی نیست. ایشان به رأی احتیاج دارند. چالش دوم، اعتیاد ما به پول یارانه‌ها است. وقتی ما چنین اعتیاد و وابستگی به پول نفت داریم، حرف حساب در کشور رأی نمی‌آورد. سوال من این است، راه حل عملیاتی که بتوانیم به سیاست‌مدارها بدهیم تا شاید یک قدم منطقی بردارند چیست؟

سید احمد رضوی سوال خود را این‌گونه مطرح کرد: «به نظر می‌آید

گزارش یک سفر

حسین زراعتکار
کارشناس آب زیرزمینی



در اواسط دی ماه از طرف انجمن پسته ایران از اینجانب دعوت به عمل آمد تا در گردهمایی دو سالانه آن انجمن که در تاریخ بیستم دی ماه در جزیره کیش برگزار می شد، شرکت نمایم. برای من که نه پسته دار بودم، نه پسته فروش و نه حتی چندان پسته خورا دعوت به این گردهمایی تا حدودی غیرطبیعی جلوه می کرد؛ اما فکر کنم از آنجا که به عنوان کارشناس منابع آب گاه گاهی مطالبی در مورد وضعیت منابع آب می نویسم و چند موردی نیز در نشریه دنیای پسته چاپ گردیده، دست اندرکاران محترم آن انجمن مرا مورد لطف خویش قرار داده و جهت شرکت در گردهمایی دعوت نمودند. من نیز فکر کردم که به عنوان یک ناظر بیرونی که درگیر قضایا نیست و شاید با چشم دیگری به مسائل نگاه می کند، برداشت خود را از آنچه در این گردهمایی ارائه شد را مطرح نمایم، شاید مفید افتد. به نظر اینجانب، آینده پسته به عوامل متعددی گره خورده است و باز کردن این گره ها نه تنها ساده نیست بلکه به همت و اراده ای بلند از سوی تمامی دست اندرکاران این صنعت نیازمند است. بعضی از این مسائل به شرح زیر می باشند:

۱- آب: اگر منصفانه قضاوت کنیم باید بگوییم پسته کاران در نامناسب ترین شرایط اقلیمی و از بی کیفیت ترین آب ها محصولی تولید می کنند که به لحاظ ارزی ارزشمندترین محصولات محسوب می شود، اما آنچه در شرایط فعلی مهم است، آینده آب در مناطق پسته خیز کشور است.

البته در گردهمایی جای یک گزارش خالی بود و آن ارائه مطالبی دقیق همراه با نقشه از مناطق پسته خیز

کشور که شامل مساحت اراضی، تعداد چاه و مقدار تولید در آن مناطق باشد تا بتوان قضاوتی دقیق تر ارائه نمود.

واقعیت این است که در اکثریت قریب به اتفاق این مناطق برداشت آب بیش از توان سفره های آبی است و ادامه این روند عوارض جبران ناپذیری از قبیل کاهش آبدهی و یا خشک شدن تدریجی چاه ها، افزایش شوری و سرانجام نابودی بسیاری از باغ ها را به همراه خواهد داشت.

در مقابل این بحران بزرگ دست اندرکاران پسته چه باید بکنند؟ آنچه می توان گفت ادامه روند کنونی در

مصرف آب امکان پذیر نمی باشد و اجباراً در بسیاری از مناطق پسته خیز میزان مصرف آب باید حتی تا نصف میزان فعلی کاهش یابد تا امکان حیات پایدار باغ ها فراهم گردد. به اعتقاد اینجانب اینکه دستی از غیب برآید و برای آنان کاری بکند دور از واقعیت است. در واقع پسته کاران با همدلی و همفکری باید چاره ای بیاندیشند. اینکار اگرچه سخت است، ولی غیرممکن نیست.

در عالم تئوری و روی کاغذ جواب این مسئله این است که باید همزمان با کاهش برداشت از چاه ها به سمت استفاده از روش های نوین آبیاری رفت

سؤال یک واقعیت نهفته است و آن اینکه این منطقه هر زمانی می‌تواند آبستن حوادث بزرگی باشد، قطعاً در چنین شرایطی آینده همیشه در هاله‌ای از ابهام باقی می‌ماند و هرگونه برنامه‌ریزی درازمدت با اما و اگرهای زیادی روبه‌روست و صنعت پسته نیز از این قاعده مستثنی نیست.

مسئله دیگری که در مناطق پسته‌خیز هر روز از زبان بسیاری شنیده می‌شود، این است که دلیل کمبود آب باید به سمت صنعتی شدن رفت. البته که در یک بازار واقعی که آب به صورت کنترل شده و با قیمت مشخص در اختیار مصرف کننده قرار بگیرد این بازار است که تعیین می‌کند چه کاری مفیدتر است. ولی مشکل این است که چنین شرایطی حاکم نیست، زیرا که عمده هزینه‌های فعالیت‌های صنعتی مربوط به انرژی است و دولت گاهی این انرژی را با یک سیستم قیمت جهانی در اختیار صنعت می‌گذارد و بعد در چنین شرایط بسیار نابرابری ادعا می‌شود که باید به سمت صنعت رفت. در این حالت می‌توان رینگ بوکسی را تصور کرد که در آن دست و پای یکی را بسته‌اند و به دیگری دستکش فلزی داده‌اند و آنها را به رقابت فراخوانده‌اند. این داستان پسته‌کاران در تقابل با صنعت کاران ما است!!

و اما نکته آخر:

در سخنرانی افتتاحیه گردهمایی رئیس محترم هیأت مدیره انجمن پسته ایران با وام گرفتن از ادبیات ایران پسته را به نوع‌روسی تشبیه کردند که به ناز در لحافی خوابیده و زیبایی این نوع‌روس هر کسی را فریفته خود می‌کند. اما اینجانب با کسب اجازه از ایشان و همه دست‌اندرکاران صنعت پسته، این نوع‌روس را سوار بر کشتی می‌بینم که در دریای طوفانی در حال حرکت است و او به ناز خوابیده و غافل از اینکه در پیرامون او چه طوفانی برپاست و ناخدایان این کشتی شما دست‌اندرکاران پسته هستید. اینکه چگونه بتوانید این زیبای خفته را از این دریای موج و طوفانی به سلامت عبور دهید، آینده نشان خواهد داد.

در حال حاضر بعد از آمریکا ایران دومین تولید کننده پسته جهان است، آمریکایی‌ها در سال‌های اخیر برای گسترش بازار جهانی پسته خود تلاش‌های بزرگی کرده‌اند و در راه رسیدن به این هدف از آخرین تکنیک‌های بازاریابی استفاده می‌کنند. ما نیز برای حفظ بازار مجبوریم تغییر کلی در شیوه‌های فعلی بدهیم.

اولین نکته این است که از سمت تجار ایرانی یک صدای واحد بگوش نمی‌رسد. هر کس به شیوه خود عمل می‌کند. ایجاد یک ساختار مدیریتی که باعث گردد در هر بازاری از پسته ایران یک برداشت واحد صورت گیرد ضروری است. ما دارای پسته‌ای هستیم که دارای طعم، مزه و شکل مشخصی است، بنابراین بیش از آنکه دیگران را رقیب خود بدانیم باید بر روی ویژگی‌های پسته ایران کار کنیم و آنرا به دنیا معرفی کنیم. تجار ما باید بدانند که تنها پسته ایران را نمی‌فروشند، بلکه به نوعی معرف فرهنگ و تمدن ایران نیز می‌باشند، اهتمام به این موضوع ضروری است. مسئله دیگری که ما با آن روبه‌رو هستیم موقعیت جغرافیایی کشورمان است. ما در خاورمیانه زندگی می‌کنیم، جایی که در آتش تفرقه و جدایی می‌سوزد، کم نیستند مردمانی از این خطه که با وجود داشتن یک دین، یک پیامبر و یک کتاب به طمع رسیدن به بهشت، خود و دیگرانی که اندک اختلاف عقیده‌ای با آنها دارند را در یک عملیات انتحاری تکه تکه می‌کنند. دولت‌های این منطقه نیز دست کمی از مردمانشان ندارند و حتی بعضی از علمایشان که باید منادی وحدت و برادری باشند بر طبل تفرقه می‌کوبند. در گردهمایی اخیر یکی از پیشکسوتان محترم و بزرگ این صنعت رندانه سؤال مطرح کرد: «اگر از نقطه غیبی ناگهان موشکی به تأسیسات نفتی عربستان برخورد کند و نفت ناگهان به ۲۵۰ دلار در هر بشکه برسد، برای پسته چه اتفاقی می‌افتد؟» و البته که اعضای پانل در پاسخ به این معمای چند مجهولی جوابی برای گفتن نداشتند. در این

تا هم برداشت از منابع آب کاهش یابد و هم مزارع حفظ شوند. شواهد نشان می‌دهد که استفاده از روش‌های نوین آبیاری می‌تواند میزان مصرف آب را حتی تا یک سوم کاهش دهد. لازمه چنین کاری تعیین سهمیه دقیق میزان برداشت از تک‌تک چاه‌ها و نظارت بر اجرای این سهمیه همراه با اجرای روش‌های نوین آبیاری است. البته در این مورد یکپارچه‌سازی و تحت یک مدیریت واحد درآوردن اراضی چاه‌ها ضروری به نظر می‌رسد. همچنین مذاکره با مقامات وزارت نیرو در جهت تسهیل قوانین و مقررات دست و پا گیر ضروری است و پیش شرط چنین مذاکراتی شنیدن صدای واحد از دست‌اندرکاران پسته است تا اثرگذار باشد.

۲- فن‌آوری و تحقیقات: از جمله مشکلات موجود در صنعت پسته سنتی بودن بسیاری از روشهای کاشت، داشت و برداشت است. در دنیای امروز بدون تحقیقات و تلاش به منظور استفاده از آخرین تکنیک‌های روز، ادامه حیات این صنعت را با مشکل جدی روبرو خواهد کرد. این تحقیقات باید در موارد مختلفی از جمله چگونگی کاهش میزان مصرف آب در واحد سطح، چگونگی استفاده مفید از آب‌های با کیفیت نامناسب، نوع و زمان استفاده از کود و سموم و مطالعه بر روی واریته‌های مختلف پسته انجام گیرد. چنین تحقیقاتی باید از طرف انجمن هدایت و هماهنگ شود. به نظر می‌رسد در حال حاضر اهمیت لازم به این موضوع داده نمی‌شود و آنچه که انجام می‌شود بدون هماهنگی و به صورت متفرق و با خروجی‌های متعدد است. دست‌اندرکاران انجمن باید اهتمام بیشتری به این موضوع داده و برای چنین امر اساسی وقت و هزینه کافی را بگذارند.

۳- تجارت و اقتصاد: حدود ۸۰ درصد از پسته ایران در بازارهای جهانی به فروش می‌رسد. برای حفظ و نیز گسترش این بازار چه باید کرد؟ علاوه بر ایران کشورهای دیگری از جمله آمریکا، اسپانیا و ترکیه نیز به تولید این محصول و نیز صادرات آن مشغولند.

تشکل بین‌المللی غذا-کشاورزی



تشکل بین‌المللی غذا-کشاورزی IAFN (International Agri-Food Network) در سال ۱۹۹۶ در حاشیه اجلاس جهانی غذا به عنوان ائتلافی از انجمن‌ها و سازمان‌های تجاری بین‌المللی فعال در زنجیره غذایی کشاورزی برای نظارت بر مکانیسم بخش خصوصی در کمیته امنیت غذایی سازمان ملل متحد تشکیل شد. این تشکل ضمن همکاری با اتاق بازرگانی بین‌المللی و ائتلاف اول کشاورزی به مشاوره با مجموعه‌ای از انجمن‌ها و سایر شرکت‌های علاقمند به فعالیت‌های کمیته امنیت غذایی سازمان ملل می‌پردازد.

به دلیل اهمیت موضوع باقیمانده سموم در تجارت پسته، پیشنهاد عضویت در این ائتلاف به انجمن پسته ایران داده شد و انجمن نیز این پیشنهاد را پذیرفت. این ائتلاف در حال حاضر به طور خاص در حال جمع‌آوری اطلاعات و تحقیق در رابطه با نشان دادن تأثیر حداکثر میزان باقیمانده سموم بر بعضی محصولات کشاورزی از جمله پسته است.

هدف اولیه IAFN تعریف و عمل به تعهدات بخش خصوصی در قبال رسیدگی به فقر و امنیت غذایی جهانی است. پنج اصل کلیدی این سازمان به‌عنوان چارچوب تعهداتش در نظر گرفته می‌شود:

۱. کشاورزی به عنوان نیروی محرکه توسعه
۱. حمایت از کارآفرینی و سرمایه‌گذاری خصوصی
۱. ایجاد محیط عملیاتی مفید برای کشاورزی
۱. ارائه خدمات تحقیق، توسعه و گسترش کشاورزی
۱. تقویت مشارکت

قوانین مربوط به حداکثر میزان باقیمانده سموم بسیاری از بخش‌های صنعت کشاورزی را متضرر کرده و تجارت بعضی محصولات کشاورزی را شدیداً تحت تأثیر قرار داده‌است. از این‌رو در سال ۲۰۱۶ ائتلافی از گروه‌های تجاری و فعالان صنعت کشاورزی با هدف افزایش بهره‌وری و

اصلاح استاندارد کدکس به خصوص در مورد حداکثر میزان باقیمانده سموم و آفت‌کش‌ها (MRLs) تشکیل شد. از فعالیت‌های اصلی این ائتلاف تلاش برای استحکام و اصلاح مؤثر استاندارد غذایی کدکس جهت

تسهیل و تضمین ادامه راه تولید و تجارت مواد غذایی سالم، با کیفیت و متنوع در مسیری پایدار از لحاظ اقتصادی، زیست محیطی و اجتماعی است.

ائتلاف اصلاح استاندارد کدکس، در واقع سازمان استاندارد غذایی کدکس است که نقش مهمی در تدوین استانداردهای امنیت غذایی، حفاظت از سلامت مصرف‌کنندگان و تجارت جهانی محصولات کشاورزی ایفا می‌کند. یکی از مهمترین وظایف کدکس تنظیم حداکثر میزان باقیمانده سموم و آفت‌کش‌ها (که برای سلامت مصرف‌کننده خطر نداشته باشد) در محصولات غذایی است.

توجه به هزینه تمام شده مهم است

اما من وقتی کلاس سوم دبیرستان بودم، می‌دانستم که می‌خواهم در رشته کشاورزی ادامه تحصیل دهم. زمانی که در سال ۱۳۷۶ فارغ التحصیل شدم و وارد بازار کار شدم، تازه با واقعیت آشنا شدم. واقعیت این بود، علمی که آموخته‌ام، دو قران برای کار نمی‌ارزد! با اینکه مدرک مهندسی داشتم و نزد بهترین اساتید دانشگاه اصفهان درس خوانده بودم، در محیط کار فهمیدم که از حرف تا عمل فاصله بسیار است؛ کاری که می‌خواهیم انجام دهیم با امکانات همخوانی ندارد، تجربه کافی نداریم و در دانشگاه مطلب عملی یاد نگرفته‌ایم. به جرأت می‌توانم بگویم ۱۰ سال آزمون و خطا کردم تا به مرحله فعلی رسیدم.

چه چیز را دلیل موفقیت‌تان می‌دانید؟

امروز فکر می‌کنم ۲ کار باعث موفقیت من شده‌است. اول اینکه خودم را آدم بی‌سوادی در نظر گرفته‌ام که مدام باید به دنبال یادگیری باشد؛ از کارگرم یاد گرفته‌ام تا آقای مهندس و هیچ‌وقت مشورت کردن، سوال پرسیدن و به دنبال علم روز بودن را متوقف نکرده‌ام. به کارشناسان اجازه داده‌ام تا در باغم آزمایش کنند و بعد از آنها پاسخ خواسته‌ام. با تعداد زیاد آزمون و خطا هنوز هم نقایص زیادی دارم که در پی برطرف کردن آنها هستم. دوم اینکه علاقمند به کاربرد علم جدید بوده‌ام. به نظرم طی ۲، ۳ سال اخیر کشاورزی استان و حتی کشور یک حرکت رو به جلو کرده‌است. این حرکت به مدد گروه‌های تلگرامی بوده‌است و نسبت به ۵ سال گذشته امیدوارتر هستم که می‌توان پیشرفت خوبی در زمینه کشاورزی با این اطلاع‌رسانی‌ها داشته باشیم. شاهد این مدعا این است که امسال توانستیم برداشت بسیار خوبی داشته باشیم، با اینکه باغ‌های ما در منطقه‌ای هستند که در فاصله ۸۰۰

متری مان بیشترین خسارت سرمازدگی گزارش شده‌است. یعنی با اطلاع‌رسانی لحظه به لحظه و آموزش نحوه پیشگیری از خسارت سرمازدگی از طریق گروه‌های تلگرامی، توانستیم خسارت را به حداقل



خود بیافزایند! باغ‌های ناصری طی ۲۰ سال گذشته ۲ بار رکورد برداشت ۱۰ تن پسته خشک در هکتار را شکسته‌اند.

آقای ناصری! چه شد که شما به وادی باغداری پسته وارد شدید؟

سه نسل قبل از من، چه خانواده پدری و چه مادری‌ام کشاورز بوده‌اند. پدرم جزو کشاورزان فعال منطقه بوده و حتی در استان‌های همجوار کار می‌کرده‌است. من چشم که باز کردم، درخت، پسته، کارگر، نخل و میوه‌کاری دیده‌ام. اکثر افراد به طور غیرارادی

با افزایش رقابت میان ایران و آمریکا در فروش پسته، تولید هم از این کشمکش نمی‌تواند دور بماند. گرچه به‌طور کلی میزان عملکرد در واحد سطح در ایران پایین است، اما باغدارانی وجود دارند که به برداشت کم رضایت نمی‌دهند و حاضر نیستند از قافله رقابت عقب بیفتند. تزشان هم این است که حیات ما به تولید بیشتر وابسته است، وگرنه در آینده‌ای نه چندان دور، یارای رقابت نخواهیم داشت و ناچار می‌شویم از میدان خارج شویم. این باغداران تعریف‌شان از باغ خوب و باغداری پسته متفاوت

است و در تولید رویکرد جالبی دارند. امید ناصری تحصیل کرده رشته باغبانی دانشگاه اصفهان است و پس از اتمام دوران تحصیل، در رفسنجان به باغداری پسته مشغول شده‌است. نگرش متفاوت وی به باغداری باعث شد تا پای سخنانش بنشینیم. به گفته حسین رضایی مدیر جهاد کشاورزی رفسنجان، ناصری در فعالیت خود رویکردی علمی دارد و در منطقه اسماعیل آباد نوق رفسنجان به کارشناسان این اجازه را می‌دهد تا به طور عملی در مجموعه تحت تملکش به آموخته‌های

زمانی که در سال ۱۳۷۶ فارغ التحصیل شدم و وارد بازار کار شدم، تازه با واقعیت آشنا شدم. واقعیت این بود، علمی که آموخته‌ام، دو قران برای کار نمی‌ارزد!

دانشگاه می‌روند، یعنی با این رویکرد که هر رشته‌ای قبول شوند و یا اینکه دانشگاه نزدیک محل زندگیشان باشد یا از رشته تحصیلیشان درآمد خوبی در آینده کسب کنند به دانشگاه می‌روند.

برسانیم. درختان باغ ما به مدت ۲ ساعت دمای صفر درجه را تحمل کردند. با حضور ۳۰ نفر در محدوده باغ و ایجاد دود برای از بین بردن وارونگی هوا، توانستیم باغمان را نجات دهیم. باید توجه داشت که برای تولید این حجم از محصول باید ابر و باد و مه و خورشید و فلک دست به دست هم بدهند و با از دست دادن یکی از این عوامل، برداشت حجم زیاد محصول می‌تواند محقق نشود. از برنامه‌های تغذیه‌ای متفاوتی طبق آزمون برگ و خاک استفاده کردیم و با ۶ بار محلول‌پاشی درختان این باغ، هیچ پوکی نداشتیم و میزان دهن بست زیر ۱۰ درصد بود. یک کارشناس گیاه‌پزشکی مخصوص این باغ و به مدت ۲ روز در هفته وضعیت آفات را پایش کرده‌است، به‌طوری‌که در سال گذشته هیچ ریزش برگی به دلیل

در استان کرمان اساتید زیادی در زمینه کشاورزی وجود دارد که باسواد هم هستند، اما وقتی که وارد باغ می‌شوند به لحاظ تجربه کاری ضعیف هستند.

فشار آفات نداشتیم.

به نظر شما چرا در کشاورزی ایران رابطه‌ای بین علم و عمل برقرار نشده‌است؟

عیب عمده دانشگاه‌ها این است که موضوعات بسیار زیادی را از دانشجویان به صورت تئوری می‌خواهند، نه تحقیقی. در استان کرمان اساتید زیادی در زمینه کشاورزی وجود دارد که باسواد هم هستند، اما وقتی که وارد باغ می‌شوند به لحاظ تجربه کاری ضعیف هستند. این «کار» است که شما را می‌سازد و اگر من به صورت تجربی کشاورزی نکرده بودم، صرفاً با کمک تحصیلات دانشگاهی نمی‌توانستم موفق شوم.

ما کشاورزان زیادی هم داریم که بصورت تجربی باغداری می‌کنند و مانند شما از یکدیگر

سوال هم می‌پرسند، ولی محصول کمی برداشت می‌کنند.

فرقش این است از ۱۰ سال پیش با آقای مهندس رضایی درباره استفاده از کائولین مشورت می‌کردم! در زمینه استفاده از کائولین اولین نفر پس از آقای نظری در رفسنجان، بنده بودم. الان می‌دانم معایب و محاسن استفاده از کائولین چیست، در حالی که هم اکنون خیلی‌ها نمی‌دانند. این ماده در شرایطی باید استفاده شود که مشکل اصلی درختان آفتاب سوختگی باشد، در غیر این صورت می‌تواند مشکلات دیگری ایجاد کند. من کائولین را در منطقه بافق یزد و نوق رفسنجان برای ارقام مختلف و در بافت‌های متفاوت خاک آزمون کرده‌ام. امروزه در گروه‌های تلگرامی تبلیغات خلاف واقعیت انجام می‌شود، مانند اوایل قرن میلادی گذشته که همه به دنبال فروختن اکسیر جوانی و آب حیات بودند! برخی از فروشندگان می‌خواهند با فروش یک ماده، شوری خاک باغ و چندین مشکل دیگر را با هم برطرف کنند، البته پس از تحمیل ۲ میلیون تومان هزینه به باغدار!

یعنی شما به واسطه تحصیل در این رشته و همچنین کسب تجربه، قادر هستید توصیه‌های ممتاز را تشخیص دهید.

بله. تفاوت در این است. کسانی که با افراد بیزنس‌من در این حوزه مشورت می‌کنند، متحمل هزینه‌های زیادی می‌شوند، اما من نه! یعنی هزینه تمام شده در تولید محصول برای من که با افراد سالمی مشورت می‌کنم، خیلی کمتر است. من هم می‌توانم از چندین کود استفاده کنم و محلول‌پاشی‌های متعددی انجام دهم و محصول زیادی برداشت کنم، اما توجه به هزینه تمام شده مهم است. باید توجه داشت که برخی از کودهای موجود در بازار هیچ چشمی را کور نمی‌کنند! الان کشاورزان ما یا از این طرف بام می‌افتند یا از آن طرف! یک عده که شغلشان کشاورزی نیست و یا شنیده‌اند که پسته درآمد دارد، باغ خریده‌اند و فرصت نمی‌کنند به باغشان سرکشی کنند. چنین باغی مدیریت بسیار ضعیف آبی و تغذیه‌ای دارد و پسته کمی برمی‌دارد، پس از چند سال مجبور به فروش می‌شوند

در حالی که آب را به هدر داده‌اند. از طرف دیگر باغداری وجود دارند که هزینه‌های هنگفتی می‌کنند. باید توجه کنیم که ما الان داریم با دنیا رقابت می‌کنیم و دیگر مثل قدیم نیست و رقبا قوی شده‌اند. ما باید بتوانیم هزینه‌های تمام شده را کاهش دهیم. الان یک بیزنس بسیار عظیمی به راه افتاده‌است و شخص یک محلول ضد شوری می‌آورد و میلیاردها تومان از آن را می‌فروشد، در حالی که باغ به آن احتیاجی نداشته و می‌توانسته تنها با یک آبشویی مشکلش را حل کند. بعضی از کشاورزان از پرداختن این هزینه‌ها خوشحالند، ولی وقتی به پایان کار نگاه می‌کنند می‌بینند که با داشتن سطح زیرکشت زیاد، ثروتمند نیستند. اینها مدیریت صحیحی ندارند، نوکر باغشان هستند و با پرداخت هزینه‌های غیرضروری نمی‌توانند پول‌شان را مدیریت کنند.

امسال صدای بسیاری از کشاورزان بلند

امروزه در گروه‌های تلگرامی تبلیغات خلاف واقعیت انجام می‌شود، مانند اوایل قرن میلادی گذشته که همه به دنبال فروختن اکسیر جوانی و آب حیات بودند! برخی از فروشندگان می‌خواهند با فروش یک ماده، شوری خاک باغ و چندین مشکل دیگر را با هم برطرف کنند.

بود، چون درآمدشان نسبت به سال‌های گذشته کمتر بود. درآمد کمتر به دو دلیل بود، اول اینکه به دلیل مشکلات محیطی درصد پوکی‌ها زیاد بود و مشکل بعدی این بود که کشاورزان با دیدن حجم زیاد محصول روی درخت به هزینه‌ها توجه نکردند؛ در حالی که وقتی بسیاری از پسته‌ها را می‌شکستیم، می‌دیدیم پوک هستند و جنین از بین رفته‌است. به نظر من، الان مشکل کشاورزان مدیریت هزینه است.

بتواند محصول اقتصادی بدهد. چه باغ‌هایی اقتصادی هستند؟ باغ‌هایی که مدیریت خوب، آب باکیفیت، خاک مناسب، پایه و رقم خوبی داشته باشند. مهم‌تر از همه بسترسازی را به خوبی انجام داده‌باشند. رعایت مسائل مربوط به هرس و تغذیه هم جزو این موارد هستند.

پسته باغ‌هایی را می‌بینیم که موارد تعریف شده شما را ندارند و ادامه حیات می‌دهند. هزینه نگاهداشتن این باغ‌ها از کجا می‌آید؟

من به اینکار فرصت‌سوزی می‌گویم. مشکل اساسی کشاورزی در ایران و در منطقه ما کم آبی است، حیف است که این آب را هدر دهیم. یکی از ایراداتی که به آب منطقه‌ای وارد است این است که راه‌حلی ارائه نمی‌دهند تا ما بتوانیم آب را از یک باغ با عملکرد پایین به باغ با عملکرد بالاتر ببریم. اگر چنین اتفاقی بیفتد و کشاورزان پول آب را بدهند و آب ارزش پیدا کند، کسانی که تولید کمی دارند دیگر زندگی‌شان نمی‌چرخد و مجبورند آب را بفروشند و از این طریق بهره‌وری استفاده از آب بالا می‌رود. الان آب مجانی است. من به کسانی که آب مصرف می‌کنند، در باغ‌هایشان خرجی نمی‌کنند و مقدار کمی پسته تولید می‌کنند، مستمع آزاد می‌گویم. اینها ورشکسته هم نمی‌شوند، درآمدی بر نمی‌دارند و فقط آب‌ها را هدر می‌دهند. امروز مسئله ما رقابت است و طی ۵ تا ۱۰ سال آینده در کشور خودمان به حدی پسته کاری زیاد می‌شود که در بازاریابی به بحران می‌خوریم و قیمت‌ها در سطح فعلی نخواهند ماند. در چنین روزی دیگر شخصی که از واحد سطح محصول کمی برداشت می‌کند، نمی‌تواند ادامه دهد، چون هزینه‌های تولید افزایش و قیمت‌ها کاهش می‌یابند.

مهندس رضایی - اگر قیمت‌ها واقعی شوند و سوبسیدهای انرژی حذف شوند، اولاً تکلیف کشاورزی و صنعت مشخص می‌شود و صنایع غیربهره‌ور کنار می‌روند. سپس کسانی که نمی‌توانند محصولات کشاورزی اقتصادی تولید کنند، آب و زمین‌شان را به اهل آن و کسانی که مدیریت خوب دارند واگذار

بخش کشاورزی است. دولت نمی‌تواند مشکلات را پایش کند و از بخش خصوصی حمایت کند.

پسته آقای مهندس نظر شما درباره صحبت‌های آقای ناصری چیست؟ آیا این موارد جزو وظایف اجرایی جهاد کشاورزی هستند یا شما فقط باید نظارت کنید؟

مهندس رضایی - حتماً بخش دولتی می‌بایست به فکر تشکیل گروه‌های تخصصی باشد و راهبرد مشخص کند. همیشه از دولت خواسته می‌شود تا مشکل مردم را حل کند و تا الان نمی‌دانستیم که بخش خصوصی باید

بزرگترین عیب کشاورزی ما در ایران این است که به صورت تخصصی کشاورزی نمی‌کنیم. کشاورز در این مملکت باید مهندس ژئو فیزیک، کارشناس اداره کار و حتی کارشناس حقوقی بیمه و دادگستری هم باشد!

خودش این مشکلات را حل کند. واقعاً بخش دولتی نمی‌تواند. هم اکنون برای حل مشکلات خرده مالکی طرح‌هایی شروع شده و قرار است آبیاری قطره‌ای در زمین‌های خرد اجرا شود. امیدواریم این طرح بتواند گسترش پیدا کند. اما باید بگویم در بحث تشکیل شرکت‌های تخصصی، اعتماد حرف اول را می‌زند. مردم آنقدر گزیده شده‌اند که به سختی اعتماد می‌کنند. مثلاً فکر می‌کنند که شرکتی که سم می‌زند شاید از سم خوبی استفاده نکند. اگر یک شرکت بیايد و بتواند کار خوب و مداومی را ارائه دهد، مردم کم‌کم اعتمادشان جلب می‌شود. البته این کار هزینه دارد.

پسته تعریف شما از یک باغ خوب چیست ؟

مهندس رضایی - حدود ۱۰ مورد وجود دارد تا بتوان یک باغ را خوب نامید. اولین مورد این است که باغ

پسته شما به کار بستن توصیه‌های خوب و اثبات شده و همچنین مدیریت هزینه‌ها به نحوی که به درآمد بیانجامد را به عنوان دو نکته در داشتن یک باغ خوب معرفی کردید. فکر می‌کنید چه عوامل دیگری مهم هستند؟

ببینید در کشاورزی دو عامل اصلی وجود دارد، اقلیمی و ساخته دست بشر. اگر عوامل محیطی را کنار بگذاریم، مهم‌ترین نکته این است که کشاورزی باید به عنوان شغل اول باشد. کسانی که کشاورزی شغل دوم‌شان است و بیشتر وقت‌شان صرف کار دیگری می‌شود، ناموفق هستند. چون باغ پسته مثل کودکستان است و درختان پسته موجود زنده‌اند. باغ باید هر روز مورد پایش قرار گیرد. من در ماه ۱۵ روز رفسنجان نیستم، در بعضی از این روزها که حضور ندارم تا ۱۱ بار با نماینده باغ‌هایم تلفنی صحبت می‌کنم. پدر من کشاورز علمی نبود، اما موفقیتش بخاطر پشتکار زیاد و پایش زیاد باغ بود.

بزرگترین عیب کشاورزی ما در ایران این است که به صورت تخصصی کشاورزی نمی‌کنیم. کشاورز در این مملکت باید مهندس ژئو فیزیک، کارشناس اداره کار و حتی کارشناس حقوقی بیمه و دادگستری هم باشد! می‌خواهید چاه بزنید هیچ‌کس نیست که بتواند دقیق مشخص کند که کجا باید چاه حفر شود. کشاورز باید متخصص شناخت تأسیسات چاه آب هم باشد. هیچ شرکت و نهاد خصوصی نیست که بتواند در زمینه‌های مختلف کشاورزی مشاوره خوب بدهد. چند سالی است که با حضور ناظرین گیاه‌پزشکی تا حدی در زمینه باغداری تخصصی شده‌ایم. حتی سالی نیست که ۴۰ تا ۵۰ میلیارد تومان از پول کشاورزان را نبرند، به دلیل نقص در سیستم بازاریابی. یعنی در سال‌هایی که پسته زیاد است تعدادی دلال می‌آیند و طی ۳ روز دارایی کشاورز را بالا می‌کشند و می‌روند. کشاورزان سوالات زیادی دارند که نمی‌توانند به آنها پاسخ دهند؛ هیچ بخش خصوصی هم ایجاد نشده تا بتواند پیگیری کند و قرارداد ببندد. ریشه معضلات هم در خرد شدن اراضی و دولتی بودن متولی

می‌کنند. وقتی کسی هزینه‌هایش بیشتر از درآمدش باشد مجبور می‌شود کار را رها کند.

ناصری - درست است. کسانی که علمی کار می‌کنند باقی می‌مانند و در

توجه به هزینه تمام شده مهم است. باید توجه داشت که برخی از کودهای موجود در بازار هیچ چشمی را کور نمی‌کنند!

کسانی که کشاورزی شغل دوم‌شان است و بیشتر وقت‌شان صرف کار دیگری می‌شود، ناموفق هستند.

حد صنعتی کار می‌کنند. الان باغ‌هایی در کنار باغ ما وجود دارد که سمپاشی نمی‌شوند، درختان هرس نمی‌شوند، کود نمی‌دهند و در مسئله آب مشکل دارند، اما مالکشان این باغ را رها هم نمی‌کند و حتی حاضر نیست آنرا بفروشد.

حرف آنها چیست که نه می‌فروشند و نه برای برداشت بیشتر محصول تلاش می‌کنند؟

مثل این می‌ماند که یک حقوق بازنشستگی به اندازه ته جوی آب دارد می‌رود و شخص به این حد قانع شده است. مسئله این است که فعلاً هزینه اصلی را نمی‌پردازند. اگر روزی بیايد که هزینه‌ها واقعی شوند، این شخص دیگر نمی‌تواند ادامه دهد.

آقای ناصری! مشخصات باغ‌تان چیست و نحوه رکوردگیری در باغ شما چگونه بوده است؟

درختان باغ ما ۴۲ سال سن‌شان است. فاصله کاشت درختان روی ردیف ۳ متر و بین ردیف‌ها ۶ متر است. به جز دو سال که شرایط آب و هوایی بد بود در بقیه سال‌ها از متوسط این منطقه بیشتر برداشت کرده‌ام و میانگین ۵ ساله نشان می‌دهد از هر

هکتار باغ با استعدادهای آبی و خاکی مختلف حدود ۳ تن پسته برداشت شده است. پیوند درختان باگی که رکورد زده است، فندق‌ی بوده و بیشترین محصولی که در سال‌های قبل برداشت کرده‌ام حدود ۸ تن پسته خشک بوده است. باید همه عوامل دست به دست هم بدهند تا بتوان چنین محصولی برداشت. این باغ در زمستان سال قبل کود مرغی خورده و ۵ بار محلول‌پاشی شده است. کیل‌گیری به صورت کاملاً تصادفی در حضور نمایندگان از جهاد کشاورزی استان، وزارتخانه و استان یزد انجام شد. ۱۲ تن و ۱۰۰ کیلوگرم پسته خشک در هکتار بدست آمد.

شما با همین پایه اهلی پسته و پیوندهایی که بقیه می‌زنند محصول زیادی برداشت کردید؟ فکر می‌کنید چقدر انتخاب اصولی پایه و پیوند بر عملکرد درختان اثر دارد؟

بله. ۶۰ درصد یک کشاورزی موفق، مکان‌یابی صحیح و انتخاب پیوند مناسب آن اقلیم است. شخصی رفته است در شهرستان داراب که بهشت مرکبات است و هوای گرمی دارد، پیوند اکبری زده است. مشخص است که نمی‌تواند به دلیل عدم تأمین

وقتی به پایان کار نگاه می‌کنند می‌بینند که با داشتن سطح زیرکشت زیاد، ثروتمند نیستند. اینها مدیریت صحیحی ندارند، نوکر باغشان هستند و با پرداخت هزینه‌های غیرضروری نمی‌توانند پول‌شان را مدیریت کنند.

نیاز سرمایی، محصول بردارد. برخی نقاط در اوایل بهار یک سرما را تجربه می‌کنند و این اقلیم مناسب کاشت پسته نیست. نکته بعدی وضعیت آب و مقدار شوری آن است که باید در نظر گرفته شود. باید یک ضمانت نسبی از اینکه تا ۳۰ سال آینده چه بر سر منابع آب می‌آید وجود داشته باشد.

پسته نیاز به سرمایه‌گذاری طولانی مدت دارد و نمی‌توان اگر بعد از چندسال فهمیدیم آب و خاک خوب نیست، آنرا از زمین بیرون کشید. عیب کار کسانی که پایه یو.سی.بی. وان (UCB1) می‌کاشتند این بود که بدون اینکه درخت به مرحله تولید در ایران برسد و عملکرد آنرا ببینند در سطوح زیادی آنرا کاشتند.

فکر می‌کنید در ایران چه کسی می‌داند چاه آبی که خریداری می‌کند تا ۳۰ سال آینده چه وضعیتی دارد؟

الان هیچ کس نمی‌تواند ضمانت کند. حتی جاهایی وجود دارد که آب شرب مردمش مشکل دارد. اشتباه است الان برویم چاهی با شوری ۱۴ هزار و آبدهی کم بخریم. مثلاً اکثر کسانی که در منطقه نی‌ریز اقدام به خرید آب و زمین کرده‌اند الان به مشکل برخوردند و مکان‌یابی این منطقه در روز اول اشتباه بوده است.

با توجه به شرایط، چگونه امکان دارد بفهمیم وضع چه می‌شود و چه باید کرد؟

مهندس رضایی - مهمترین مسئله آب است. اول باید بدانیم که دیگر مجوزی اضافه نمی‌شود. تبصره خاصی بر قوانین آب منطقه‌ای گذارده نمی‌شود. تعیین تکلیف جدیدی در قبال چاه‌های غیرمجاز نخواهد بود. اگر این موارد رعایت شوند تنها در بعضی از مناطق می‌توان تضمین نمود. **ناصری** - اگر تولید محصول بیشتر، محور تصمیم‌گیری باشد و به کسانی که از مقدار مشخصی تولید کمتری دارند اجازه ندهند که آب برداشت کنند، مگر اینکه شخص، آب آبیاری را به نقطه‌ای که بهره‌وری بیشتری ایجاد می‌کند ببرد. این می‌تواند کمک کننده باشد.

مهندس رضایی - برخی مسائل کلان در سطح کشور باید به این موضوع کمک کند. مثلاً تثبیت نرخ ارز به محصولات از قبیل زعفران، زرشک، گل محمدی و پسته که بازده خیلی خوبی دارند، صدمه زده است و این نرخ باید آزاد شود. این تثبیت نرخ ارز به نفع واردکننده است و برای تولید داخلی ضرر دارد.

هزینه نهایی پسته تولید شده در سال ۹۶

مشخصات عمومی باغ مورد بررسی

تاریخ	بهمن ۹۶	پیوند	احمد آقایی - اکبری	بافت خاک	لومی - رسی
کد باغدار	*****	فاصله رس	۷ متری	روش آبیاری	قطره‌ای
محل باغ	*****	سن باغ	۳۰ سال به بالا	کیفیت آب	کمی قلیایی و کمی شور
مساحت	*****	میانگین برداشت	۱۴۰۰ کیلو گرم/هکتار	دوره آبیاری	۱۲ روز

(جدول ۱)

(شامل ۱۲ ماه در سال + ۲ ماه عیدی و پاداش + ۱ ماه سنوات) ماه ۱۵ × تومان ۱,۲۲۴,۰۰۰

تومان ۶۸۰۰۰ ~ روز تعطیل رسمی غیر جمعه + ۵۳ روز جمعه + ۲۴ روز مرخصی با حقوق ۹۶ - ۳۶۵ روز

(۱۹ روز تعطیل رسمی غیر جمعه + ۵۳ روز جمعه + ۲۴ روز مرخصی با حقوق ۹۶ - ۳۶۵ روز)

باغداران قرار نمی‌گیرد، دیده شده‌است. مهمترین عامل سرمایه‌ای، تأمین آب است. بدلیل نامشخص بودن عمر سفره آبی در منطقه مورد نظر و در نتیجه دشواری محاسبه استهلاک سرمایه خرید چاه، فرض بر خرید کل آب مورد نیاز باغ بصورت آب شرب می‌باشد. با این فرض ساده ساز، دیگر نیازی به محاسبه هزینه استهلاک و یا هزینه‌های جاری، تعمیرات و یا جابجایی چاه نمی‌باشد.

به عنوان مثال، در جدول نمونه، حجم آب مورد استفاده برای آبیاری باغ مورد نظر با توجه به تغییر سیستم آبیاری از غرقابی به قطره‌ای معادل ۹ هزار و ۵۰۰ متر مکعب در هکتار در سال است. قیمت خرید هر ساعت آب شرب ۳۰ لیتر در ثانیه در منطقه مورد نظر در سال ۱۳۹۶ برابر ۶۰ هزار تومان است. بنابراین هزینه تأمین آب سالیانه برای هر هکتار از باغ مورد نظر با قیمت‌های سال ۱۳۹۶ از روش فوق معادل ۵ میلیون و ۵۶۰ هزار تومان تخمین زده شده است.

مدت استهلاک سرمایه باغ با فرض خرید باغ بارور ۲۰ ساله و بهره‌برداری یکنواخت تا ۵۰ سالگی، ۳۰ سال فرض شده‌است. بنابراین با تقسیم ارزش هر هکتار از باغ مورد نظر بر ۳۰، هزینه استهلاک سالیانه باغ مورد نظر محاسبه می‌شود. به همین ترتیب مدت استهلاک سرمایه برای انبار، دیوار و ساختمان موجود در باغ ۲۰ سال و برای سیستم آبیاری شامل کانال، لوله، تجهیزات آبیاری تحت

۱ مواد مصرفی و وسایل جایگزین

در دسته هزینه‌های مواد مصرفی و وسایل جایگزین، هزینه هر فعالیت خاص از ضرب مقدار آن نهاده با واحد مناسب در هزینه واحد آن حاصل می‌شود. تنها نکته قابل ذکر آن است که هزینه‌های تعمیرات باغ و سیستم آبرسانی باید در زیر سرفصل باغبانی در این دسته منظور شود.

۱ اجاره ماشین آلات و خدمات

در دسته هزینه اجاره ماشین آلات و خدمات جهت اجتناب از محاسبه تأثیر هزینه‌های استهلاک سرمایه‌گذاری، جاری و تعمیرات ماشین آلات، فرض بر این است که باغدار کلیه خدمات ماشینی مورد نیاز خود را به صورت اجاره ای تأمین می‌کند. با این فرض ساده ساز، دیگر نیازی به محاسبه هزینه استهلاک ماشین آلات خریداری شده توسط باغدار و یا هزینه‌های جاری راننده، سوخت، روغن، تعمیرات و ... نمی‌باشد. جهت محاسبه هزینه ماشین آلات به کار رفته برای انجام هر فعالیت، مقدار ماشین-ساعت مصرفی در هر هکتار را در هزینه واحد ضرب می‌کنیم. در صورت استفاده باغدار از مشاور و یا انجام آزمایش‌های باغی، امکان درج هزینه‌های مربوطه پس از تقسیم بر مساحت باغ بر حسب هکتار در این بخش گنجانده شده‌است. (جدول ۲)

۱ هزینه‌های سرمایه‌ای

در این بخش از جدول هزینه‌ها، تأثیر سرمایه‌گذاری‌های اولیه جهت احداث یا خرید امکانات لازم به منظور تولید پسته توسط باغدار که معمولاً مدنظر

کمیته باغبانی انجمن پسته ایران هر ساله پس از پایان سال محصولی، اقدام به برآورد هزینه‌های تولید پسته می‌کند. در نوشته حاضر، سعی کردیم به بررسی هزینه تمام شده تولید پسته در سال محصولی ۹۵-۹۶ برای یک باغ نوعی بپردازیم. قابل ذکر است که هزینه‌های تولید پسته برای این باغ خاص قطعاً قابل تعمیم به کلیه باغ‌های پسته کشور نخواهد بود. اما روش به کار رفته جهت تعیین هزینه تمام شده تولید، قابل نسخه‌برداری توسط باغداران برای سایر مناطق می‌باشد. به این نکته نیز باید توجه کرد که در باغ نوعی مورد بررسی، متوسط برداشت ۱۴۰۰ کیلوگرم در هکتار بوده‌است که بیشتر از میانگین برداشت کشوری است. در باغ‌هایی با میانگین برداشت کمتر از این میزان، احتمالاً هزینه تمام شده تولید پسته به مراتب بیشتر خواهد بود. (جدول ۱)

هزینه‌های جاری باغبانی به سه دسته کلی تقسیم شده‌اند:

- کارگری؛

- مواد مصرفی و وسایل جایگزین؛

- اجاره ماشین آلات و خدمات.

فعالیت‌های هر بخش از دسته‌های فوق نیز زیر سه سرفصل باغبانی، کود و اصلاح خاک و سم و روغن قرار گرفته‌اند.

۲۲ هزینه‌های کارگری

در دسته هزینه‌های کارگری جهت تعیین هزینه هر فعالیت ابتدا مقدار کارگر مورد استفاده برای انجام آن فعالیت در سطح یک هکتار را بر اساس نفر-روز در جدول درج می‌کنیم. در صورتی که فعالیتی به صورت اجاره‌ای انجام شده، باید معادل نفر-روز کارگر به کار گرفته‌شده در جدول منظور گردد. سپس، هزینه‌های متوسط کارگر مورد استفاده جهت هر فعالیت را در ستون مربوط وارد می‌کنیم. با ضرب هزینه واحد در مقدار، هزینه کل کارگری جهت انجام فعالیت خاص محاسبه می‌شود.

لتر در هر متر مکعب ۱,۰۰۰ / ثانیه در هر ساعت ۳,۶۰۰ × لیتر در ثانیه ۳۰ مکعب آب = نرخ هر متر

۵۵۶ تومان ~

فشار و مشابه آن ۱۰ سال در نظر گرفته شده است. (جدول ۳)

کلیه هزینه‌هایی که تا اینجا بررسی شدند، هزینه‌های وابسته به مساحت بودند. اما هزینه‌های بیمه کشاورزی، برداشت، حمل، فرآوری و مدیریت وابسته به مقدار محصول سالیانه می‌باشند. به همین دلیل هزینه‌های مذکور در یک جدول جدا و براساس هزینه مصروف برای هر کیلو پسته خشک منظور شده‌اند. (جدول ۴)

برای محاسبه هزینه تمام شده تولید هر کیلو پسته خشک از باغ متمر مورد نظر باید به نوعی هزینه‌های جاری و سرمایه‌ای باغبانی را که برای واحد سطح محاسبه شده‌اند با هزینه‌های بیمه، برداشت، حمل، فرآوری و مدیریت جمع کرد. این خواسته، با تقسیم مجموع هزینه‌های جاری و سرمایه‌ای باغبانی بر مقدار برداشت در واحد سطح بر حسب کیلو برای باغ مورد نظر بدست می‌آید. سپس با جمع عدد بدست آمده با مجموع هزینه‌های بیمه، برداشت، حمل، فرآوری و مدیریت، هزینه تمام شده تولید هر کیلو پسته خشک حاصل خواهد شد. (جدول ۵)

روند افزایش هزینه‌ها

در ویژه نامه اسفند ۱۳۹۵ هزینه تمام شده تولید پسته در سال محصولی ۹۵-۱۳۹۴ برای همین باغ منتشر شده بود. جهت روشن شدن روند افزایش هزینه‌ها، زیر سرفصل هزینه‌های اصلی تولید پسته در باغ مورد بررسی طی دو سال اخیر را نمایش داده شده است. در خصوص کاهش هزینه سرمایه‌گذاری سال محصولی ۹۵ نسبت به سال محصولی ۹۶ باید به این نکته اشاره کرد که سیستم آبیاری باغ که بر هزینه‌های تولید موثر است از غرقابی به قطره‌ای تغییر پیدا کرده و کاهش هزینه سرمایه‌گذاری به دلیل کاهش مصرف آب می‌باشد. (جدول ۶)

میانگین سالیانه هزینه های جاری باغبانی یک هکتار باغ پسته متمر (تومان)				
عنوان	واحد	هزینه واحد	مقدار	هزینه
کارگری	باغبانی	بیل زنی	نفر - روز	۶۸,۰۰۰
		هرس	نفر - روز	۶۸,۰۰۰
		علف کنی (و چین)	نفر - روز	۶۸,۰۰۰
		آبیاری	نفر - روز	۶۸,۰۰۰
		توکاری و پیوند	نفر - روز	۶۸,۰۰۰
	کود و اصلاح خاک	جمع	نفر - روز	۶۸,۰۰۰
		شیمیایی خاک	نفر - روز	۶۸,۰۰۰
		محلول پاشی	نفر - روز	۶۸,۰۰۰
		حیوانی	نفر - روز	۶۸,۰۰۰
		اصلاح خاک	نفر - روز	۶۸,۰۰۰
مواد مصرفی و وسایل جایگزین	باغبانی	جمع	نفر - روز	۶۸,۰۰۰
		دفع آفات	نفر - روز	۶۸,۰۰۰
		تله گذاری	نفر - روز	۶۸,۰۰۰
		علف کشی	نفر - روز	۶۸,۰۰۰
		قارچ کشی	نفر - روز	۶۸,۰۰۰
	کود و اصلاح خاک	دفع جانور مزاحم	نفر - روز	۶۸,۰۰۰
		روغن پاشی	نفر - روز	۶۸,۰۰۰
		جمع	نفر - روز	۶۸,۰۰۰
		سایر		
		جمع		
اجاره ماشین آلات و خدمات	باغبانی	نهال و پیوند	عدد	۲,۰۰۰
		بیل و ...	عدد	۸۵,۰۰۰
		قیچی و اره و ...	عدد	۱۰۰,۰۰۰
		تعمیرات سیستم آبرسانی	متر	۳۰,۰۰۰
		جمع		
	کود و اصلاح خاک	شیمیایی خاک	کیلو	۱,۰۰۰
		محلول پاشی	لیتر	۴۵,۰۰۰
		حیوانی	کیلو	۱۵۰
		اصلاح خاک	کیلو	۳۵
		جمع		
آزمایش و مشاوره	سم و روغن	سموم دفع آفات	لیتر	۱۰
		تله	عدد	۱۰
		علف کش	لیتر	۲۵
		قارچ کش	کیلو	۴
		دفع جانور مزاحم	عدد	۱
	کود و اصلاح خاک	روغن و صابون	لیتر	۵۳
		جمع		
		سایر		
		جمع		
		جمع		
کل جاری	باغبانی	شخم زنی	ماشین - ساعت	۳۰,۰۰۰
		تیلر	ماشین - ساعت	۳۰,۰۰۰
		ریپر	ماشین - ساعت	۳۰,۰۰۰
		جمع	ماشین - ساعت	۳۰,۰۰۰
	کود و اصلاح خاک	شیمیایی خاک	ماشین - ساعت	۳۰,۰۰۰
		محلول پاشی	ماشین - ساعت	۳۰,۰۰۰
		حیوانی	ماشین - ساعت	۳۰,۰۰۰
		اصلاح خاک	ماشین - ساعت	۳۰,۰۰۰
		جمع	ماشین - ساعت	۳۰,۰۰۰
	سم و روغن	سموم دفع آفات	ماشین - ساعت	۳۰,۰۰۰
		تله	ماشین - ساعت	۳۰,۰۰۰
		علف کش	ماشین - ساعت	۳۰,۰۰۰
		قارچ کش	ماشین - ساعت	۳۰,۰۰۰
		دفع جانور مزاحم	ماشین - ساعت	۳۰,۰۰۰
سایر	آزمایش و مشاوره	روغن پاشی	ماشین - ساعت	۳۰,۰۰۰
		جمع	ماشین - ساعت	۳۰,۰۰۰
		آب، برگ، خاک و	عدد	۱۲۰,۰۰۰
		سایر		
		جمع		
		جمع		
		جمع		
		جمع		
		جمع		
		جمع		

میانگین سالیانه هزینه های سرمایه ای باغبانی یک هکتار باغ پسته مثمر (تومان)						
عنوان	واحد	هزینه واحد	مقدار	هزینه		
آب	شرب	با فرض خرید کامل	متر مکعب	۵۵۶	۹,۵۰۰	۵,۲۸۲,۰۰۰
استهلاک	باغ	سی ساله مستقیم	هکتار	۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۰.۰۳	۶,۶۶۶,۰۰۰
	انبار و ساختمان	بیست ساله مستقیم	هکتار	۱۳۰,۰۰۰	۰.۰۵	۶,۵۰۰
	سیستم آبرسانی	ده ساله مستقیم	هکتار	۱۲,۰۰۰,۰۰۰	۰.۱۰	۱,۲۰۰,۰۰۰
	سایر					
	جمع					۷,۸۷۲,۵۰۰
کل سرمایه ای	جمع					۱۳,۱۵۴,۵۰۰

(جدول ۳)

میانگین سالیانه هزینه های بیمه، برداشت، فرآوری و مدیریت برای هر کیلو پسته خشک (تومان)	
عنوان	هزینه
بیمه کشاورزی	۲۵۰
نگهبانی، برداشت و حمل	۱,۳۰۰
فرآوری	۱,۶۰۰
بیمه آتش سوزی و سرقت	۶۰
مدیریت و دفتری	۱,۵۰۰
سایر	
جمع	۴,۷۱۰

(جدول ۴)

هزینه تمام شده تولید هر کیلو پسته خشک (تومان)	
جمع هزینه های باغبانی در هر هکتار	۳۰,۹۷۸,۵۰۰
جمع هزینه های باغبانی برای هر کیلو پسته خشک	۲۲,۱۲۸
جمع هزینه های بیمه، برداشت، فرآوری و مدیریت برای هر کیلو پسته خشک	۴,۷۱۰
هزینه تمام شده تولید برای هر کیلو پسته خشک درهم	۲۶,۸۳۸

(جدول ۵)

مقایسه هزینه های تولید پسته طی دو سال محصولی اخیر			
(کلیه هزینه ها به تومان می باشند)			
سرفصل هزینه	سال زراعی ۹۴-۹۵	سال زراعی ۹۵-۹۶	درصد افزایش
هزینه کارگری	۴,۵۰۰,۰۰۰	۵,۰۳۲,۰۰۰	۱۲٪
هزینه مواد مصرفی و وسائل جایگزین	۸,۸۱۷,۵۰۰	۱۱,۴۱۲,۰۰۰	۲۹٪
هزینه اجاره ماشین آلات و خدمات	۱,۱۵۵,۰۰۰	۱,۳۸۰,۰۰۰	۱۹٪
جمع هزینه های جاری باغداری در هر هکتار	۱۴,۴۷۲,۵۰۰	۱۷,۸۲۴,۰۰۰	۲۳٪
هزینه های سرمایه ای باغداری در هر هکتار	۱۳,۷۴۴,۶۶۷	۱۳,۱۵۴,۵۰۰	-۴٪
جمع هزینه های باغداری در هر هکتار	۲۸,۲۱۷,۱۶۷	۳۰,۹۷۸,۵۰۰	۱۰٪
هزینه های باغداری به ازاء هر کیلو پسته خشک	۲۰,۱۵۵	۲۲,۱۲۸	۱۰٪
هزینه های بیمه، برداشت، فرآوری و مدیریت برای هر کیلو پسته خشک	۴,۵۸۵	۴,۷۱۰	۳٪
هزینه تمام شده تولید برای هر کیلو پسته خشک درهم	۲۴,۷۴۰	۲۶,۸۳۸	۸٪

(جدول ۶)

تشکیل میوه در درختان پسته

وحید مظفری

دانشیار دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان

تشکیل میوه پسته

تشکیل میوه یکی از عوامل تعیین کننده باردهی در درختان پسته محسوب می شود. به طور کلی مکانیسم تشکیل میوه اولیه در پسته شامل سه مرحله است:

- ۱- گرده افشانی
 - ۲- قرار گرفتن دانه گرده سالم بر روی کلاله و رشد لوله گرده
 - ۳- بارور کردن تخمک و تشکیل سلول تخم، رشد و تقسیم سلول های تخم و در نهایت تشکیل جنین
- اهمیت تشکیل میوه از آنجا ناشی می شود که درصد تشکیل میوه در پسته ۲ تا ۱۳ درصد است. تشکیل میوه تحت تأثیر فاکتورهای مختلفی از قبیل طول عمر تخمک، فاکتورهای محیطی و ژنتیکی، تعادل هورمونی و تغذیه گیاه قرار می گیرد. همچنین انگیزش گل در درختان پسته حدوداً اواخر اردیبهشت ماه صورت می گیرد، در این مرحله جوانه های رویشی تشکیل شده در زاویه برگ ها، به جوانه زایشی یا جوانه گل (پتک) تبدیل می شوند که این جوانه ها خوشه های سال آینده را تولید می کنند. بنابراین در این زمان نیز درختان بایستی از تغذیه مناسب و بهینه ای برخوردار باشند. همچنین ریزش جوانه های گل نیز تحت تأثیر تنش آبیاری، دمای محیط و وضعیت تغذیه ای گیاه قرار گیرد. در این میان نقش تغذیه ای عناصری نظیر روی، بور، نیتروژن، آهن، مس و همچنین پلی آمین ها و تعادل هورمونی از اهمیت زیادی برخوردار است. به علت نقش عناصر غذایی در فرایند گرده افشانی، لقاح و تشکیل میوه، تأمین غلظت این عناصر از طریق محلول پاشی در زمان تورم جوانه ها (اوایل فصل بهار) که دمای خاک پایین بوده و درخت، برگ کافی نداشته و جذب از طریق خاک صورت نمی گیرد، سبب افزایش درصد تشکیل میوه و در صورت تکرار محلول پاشی باعث بهبود خواص کیفی محصول می گردد. اغلب این عقیده

عملکرد درختان پسته در اکثر مناطق پسته خیز ایران پایین بوده و سال آوری این محصول شدید می باشد. یکی از دلایل کاهش عملکرد و سال آوری این محصول، تغذیه نامناسب و عدم توازن عناصر غذایی در گیاه است. درختان پسته محصول شان را بر روی چوب یکساله بدون برگ تولید کرده و شکوفایی گل، قبل از توسعه برگ بر روی شاخه سال جاری و قبل از توانایی انجام فتوسنتز رخ می دهد. پس از شکوفایی گل های ماده، دوره پذیرش هر گل برای دانه گرده، ۲ تا ۳ روز و برای هر درخت ۵ تا ۱۰ روز می باشد. در این زمان (عموماً در فروردین ماه) گل ماده به رنگ سبز روشن بوده و سطح آن دارای ماده چسبناکی می باشد که نقش مهمی در جذب دانه گرده ایفا می کند. با انتقال دانه گرده توسط باد، گل ماده آنرا جذب می نماید و عمل لقاح انجام می گیرد، ولی اگر دانه گرده به آن نرسد، رنگ کلاله گل ماده، قرمز مایل به قهوه ای شده و پس از خشک شدن می ریزد. گل های ماده شامل تخمدان (پوست میوه) و تخمک می باشند. تخمک همان اندام تولید مثلی ماده است که در نهایت باعث تشکیل میوه و مغز پسته می شود. همان گونه که گفته شد، در فروردین ماه که گل های پسته باز می شوند، کلاله آماده دریافت دانه گرده می شود. باید توجه داشت که تشکیل میوه به طور معنی داری وابسته به گرده افشانی موفق است. دانه گرده که حرکت آن اغلب توسط باد صورت می گیرد، از اندام تولید مثلی گیاه نر (پرچم) جدا و بر روی کلاله گل ماده قرار گرفته و لوله گرده شروع به رشد می کند در این مرحله، وضعیت تغذیه ای و سالم بودن دانه گرده از اهمیت زیادی برخوردار بوده و رشد لوله گرده وابسته به غلظت عناصری از قبیل روی، مس، بور و آهن می باشد. در نهایت لوله گرده وارد تخمک شده و آن را بارور می کند.

وجود دارد که با افزایش تشکیل میوه، عملکرد نیز افزایش می یابد، اما رابطه خطی بین این دو قابل مشاهده نیست و تنها می توان به این جمله اشاره کرد که تشکیل میوه یکی از اجزای عملکرد است. بر اساس گزارش های پژوهشگران بین رشد رویشی و رشد زایشی (عملکرد و تشکیل میوه) رقابت وجود دارد که با حذف اندام رویشی و هرس کردن می توان عملکرد و تشکیل میوه را افزایش داد. تراکم جوانه های زایشی نیز بر تشکیل میوه موثر است، به طوری که یک رابطه معکوس بین تشکیل میوه و ریزش جوانه های گل در فصل گرده افشانی وجود دارد. به عبارت دیگر، هر چه ریزش جوانه های گل بیشتر شود از تشکیل میوه کاسته می شود.

ریزش جوانه های گل ممکن است تحت تأثیر تنش آبیاری، دمای محیط و وضعیت تغذیه ای گیاه قرار گیرد. در همین راستا پژوهشگران گزارش کرده اند که در درختان، رابطه معنی داری بین تغذیه ناکافی و دمای محیط با ریزش جوانه های گل وجود دارد، تشکیل میوه نیز تحت تأثیر عواملی از قبیل دمای محیط، زمان گلدهی، گرده افشانی، رشد لوله گرده، باروری تخمک و وضعیت تغذیه ای گیاه قرار می گیرد. همچنین گزارش شده است، دماهای بالا در اوایل بهار نیز می تواند به شدت بر تشکیل میوه از طریق کاهش طول عمر تخمک و به تبع آن طول دوره ی گرده افشانی مؤثر، ممانعت از جوانه زنی دانه های گرده، رشد لوله ی گرده و افزایش ریزش گل ها تأثیرگذار باشد. علاوه بر این، عوامل محیطی مدیریتی بی شماری در تشکیل میوه تأثیر می گذارد که در این میان نقش تغذیه ای عناصر اهمیت دارد. روش های مختلفی را می توان جهت بالا بردن تشکیل میوه در پسته به کار برد، از جمله این روش ها، مصرف خاکی عناصر است که اهم نیاز درختان پسته با این روش تأمین می شود و

بزرگ شدن سلول‌ها و ساختن انواع پروتئین، قند و چربی‌ها موثر است. **آهن (Fe):** کمبود آهن در گیاهان موجب کاهش عملکرد، کیفیت محصول، بازده اقتصادی پایین و از بین رفتن گیاه می‌شود. محققان گزارش کردند که محلول‌پاشی کلات و سولفات آهن می‌تواند باعث رفع کمبود و افزایش بازده اقتصادی محصولات کشاورزی شود. کمبود آهن در پسته منجر به کاهش رشد مغز، تولید میوه پوک و کاهش تعداد میوه در خوشه می‌شود. **پلی‌آمین‌ها:** پلی‌آمین‌ها گروه جدیدی از تنظیم‌کننده‌های رشد طبیعی گیاهی هستند که امروزه در بسیاری از فرایندهای رشد و نمو نقش دارند. نقش پلی‌آمین‌ها به‌عنوان ترکیبات ضد پیری و ضد تنش به تأثیر آنها در جلوگیری از رادیکال‌های آزاد مربوط می‌شود. به‌صورتی که از تجمع ترکیبات مضر که باعث تسریع در پیری و ایجاد تنش در سلول‌ها می‌شوند جلوگیری می‌کنند. به عبارت دیگر، پلی‌آمین‌ها گروهی از تنظیم‌کننده‌های رشد گیاهی هستند که نقش مهمی در جنبه‌های رشد و توسعه گیاه مانند تشکیل جنین، افزایش سرعت جوانه‌زنی گرده و بذور، فعال کردن سیستم‌های دفاعی در مقابل شرایط نامساعد محیطی و تحریک تقسیم سلولی دارند.

جوانه‌ها و پس از مرحله گلدهی که به‌ترتیب حدود اواخر اسفند و اوایل اردیبهشت می‌باشد، موجب افزایش تشکیل میوه و بهبود خصوصیات کیفی و کمی درختان پسته می‌شود. همچنین به‌علت تحرک کم روی در گیاه، کمبود عموماً در بافت‌های جوان مشاهده شده که این امر باعث کاهش رشد رویشی، به تأخیر انداختن باز شدن غنچه‌های گل و افزایش ریزش آن‌ها می‌شود. در نهایت کمبود روی منجر به کاهش تعداد دانه در خوشه و افزایش درصد پوکی می‌گردد. **مس (Cu):** مس جزو مهمی از آنزیم‌های گیاهی و نقش حیاتی در متابولیسم ایفا می‌کند، ولی به‌علت محدودیت‌های خاکی در مناطق پسته‌کاری، کمبود این عنصر شایع می‌باشد. این عنصر در تشکیل دانه گرده و باروری، افزایش قدرت باروری گیاه و فعال کردن آنزیم‌های اکسیداسیون و احیا موثر است. محلول‌پاشی مس باعث افزایش عملکرد پسته و پارامترهای کمی و کیفی این محصول، از قبیل نسبت خندانی و تعداد دانه می‌گردد. **منگنز (Mn):** این عنصر کم‌مصرف در فتوسنتز و آزاد شدن اکسیژن، در تنظیم فعالیت آنزیم‌ها، تقسیم و

تکمیل‌کننده آن، روش محلول‌پاشی است که اغلب بر اساس آزمون برگ درختان پسته و علایم کمبود ظاهری صورت می‌گیرد.

نقش عناصر و پلی‌آمین‌ها در تشکیل میوه

نیتروژن (N): رشد و باردهی درختان پسته به میزان زیادی به نیتروژن (ازت) بستگی دارد و کمبود آن رشد، باروری و تولید محصول را محدود می‌سازد. غلظت بالای این عنصر در جوانه‌های گل، طول عمر تخمک و زمان گرده افشانی را افزایش می‌دهد. ازت از طریق افزایش سطح برگ باعث درشت شدن میوه شده و با تأمین هیدرات کربن لازم برای جوانه‌های تازه تشکیل شده، سبب کاهش سال‌آوری می‌گردد.

بور (B): در فرایندهایی نظیر رشد طولی ریشه، جوانه‌زنی و رشد لوله گرده، تشکیل دانه و میوه، تشکیل جوانه‌های برگ و گل، انتقال کلسیم در گیاه و تنظیم نسبت کلسیم به پتاسیم در گیاه نقش دارد. نیاز درختان پسته به ویژه در زمان رشد زایشی به بور بیش‌تر از سایر درختان است. کمبود بور سبب کاهش تشکیل میوه می‌شود. متخصصین تغذیه گیاه، نیاز درختان پسته به عنصر بور در زمان تشکیل میوه را بالا دانسته و ضرورت یک نوبت محلول‌پاشی، قبل از باز شدن گل‌ها را مفید می‌دانند.

روی (Zn): این عنصر در مرحله گرده افشانی و جوانه زدن دانه درختان پسته نقش اصلی را ایفا نموده و موجب تسریع در رشد لوله گرده می‌شود و در نتیجه امکان لقاح و تشکیل میوه پسته را افزایش می‌دهد. در اکثر مناطق پسته‌کاری، به‌علت بافت سبک خاک، حاصلخیزی کم، مصرف زیاد کودهای حیوانی و فسفره و واکنش بالای خاک، کمبود روی یک مسئله جدی و محدود کننده برای رشد گیاه و تولید محصول است. پژوهشگران نشان دادند که مصرف خاکی سولفات روی در باغ‌های پسته موجب افزایش غلظت روی در برگ نگردید و دلیل این موضوع را ناشی از محدودیت‌های خاک و ناتوانی گیاه در جذب روی دانستند. نتایج تحقیقات گویای این مطلب است که مصرف برگی روی در زمان متورم شدن



آفات مهم بهاره در باغات پسته

قاسم عسکری سریزدی

استادیار مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی یزد



عکس ۱



عکس ۲



عکس ۳

پسته در اغلب مناطق ایران می‌باشد. این آفت امروزه به عنوان یک آفت درجه دوم در باغ‌های پسته شناخته شده و در مناطق با پسته‌های وحشی پراکنش نسبتاً بالایی دارد.

ریخت‌شناسی: تخم‌های این حشره سفیدرنگ و پوره‌ها به رنگ سبز می‌باشند. اندازه حشرات بالغ حدود ۳ تا ۵ میلی‌متر طول داشته و بال‌ها به صورت شیروانی روی بدن قرار می‌گیرند و رنگ آن‌ها از زرد مایل به سبز تا قهوه‌ای دیده می‌شود (عکس ۱).

زیست‌شناسی و خسارت: زنجیره‌ی پسته آفتی تک نسلی بوده و حشرات بالغ از اواسط اسفند روی درختان پسته پدیدار می‌شوند و از بافت سبز جوانه‌های درختان، خوشه‌های گل و میوه تغذیه کرده و در زمان تغذیه روی محور خوشه‌ها تخم‌ریزی می‌کنند. به این صورت که حشره ماده با تخم‌ریز خود شکافی طولی در محل مورد نظر ایجاد کرده و تخم‌ها را در داخل بافت گیاه قرار داده و روی آن را با ماده‌ای می‌پوشاند (عکس ۲). زنجیره این عمل را در فواصل مناسب در بافت درختان انجام می‌دهد، از محل بافت آسیب دیده که به رنگ سیاه دیده می‌شود، پوره‌ها از تخم خارج شده و پوره‌های متحرک از شیرهای گیاه تغذیه می‌کنند. از ویژگی پوره‌ها دفع مقدار زیادی عسلک است که به صورت مایع قندی روی اندام هوایی قرار می‌گیرد و ظاهر ناخوشایندی را ایجاد می‌کند. حشرات کامل تمام تابستان و پاییز در باغ به سر برده و با سرد شدن هوا در شیار درختان و زیر پوسته خشک درختان یا زیر مواد آلی و بقایای گیاهان، زمستان را می‌گذارند.

این حشره به به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم به درختان پسته خسارت می‌زند. خسارت مستقیم توسط پوره‌ها و بدین صورت انجام می‌شود که آفت خرطوم خود را داخل میوه تازه فرو کرده، بافت اطراف محل نیش حالت له‌شدگی به خود گرفته و باعث مرگ آن می‌شود به این عارضه لهیدگی پوست نرم میوه و به گویش محلی در کرمان داغو گفته می‌شود (عکس ۳). خسارت غیرمستقیم

درختان پسته میزبان تغذیه‌ای بیش از سی گونه از بندپایان شامل حشرات و کنه‌ها هستند. در این بین تنها تعدادی از گونه‌ها در زمره آفات درجه یک و درجه دو پسته جای می‌گیرند و سایر گونه‌ها به صورت کلی اهمیت اقتصادی قابل توجه ندارند و تنها در مناطق و یا شرایط خاص خود را به صورت یک آفت جدی نشان می‌دهند. زمان ظهور و خسارت آفات مهم در باغات پسته بسیار متنوع بوده و قبل از شکوفایی درختان در بهار شروع و تا پس از برداشت و هنگام خزان ادامه می‌یابد. در این بین بازه‌ی زمانی شروع گلدهی تا تشکیل میوه و سپس سخت‌شدن پوسته‌ی استخوانی دوره بسیار مهمی از نظر خسارت آفات بوده و چندین گونه از آفات می‌توانند به صورت مختلف تولید محصول را به صورت کمی و کیفی تحت تأثیر قرار دهند. از آنجا که میوه تازه تشکیل شده پسته به هر نوع صدمه فیزیکی مانند ضربه یا آسیب لایه بیرونی پوست حساس بوده و با ظاهر شدن علائم زخم بر روی پوست رویی، در زمان کوتاهی ریزش می‌کند. لذا تعدادی از آفات این فصل می‌توانند خوشه‌بندی را شدیداً تحت تأثیر قرار دهند و مستقیماً روی محصول همان سال تأثیر بگذارند. اغلب کشاورزان نیز در مبارزه با این آفات جدی هستند و گاهی به صورت تقویمی و بدون ارزیابی وجود و میزان خسارت آنها اقدام به مبارزه شیمیایی می‌کنند. برای اثر بخشی موثر و اقتصادی، کنترل این آفات باید در چهارچوب یک برنامه مدیریت تلفیقی انجام شود تا ضمن کاهش خسارت آفات هدف، راه برای مبارزه با آفات ادامه فصل به‌ویژه پس‌پیل هموارتر باشد. در شماره‌های پیشین ماهنامه‌ی انجمن اغلب این آفات به صورت مفصل توسط محققین و کارشناسان متخصص معرفی شده‌اند، در مقاله حاضر نیز برای ارائه یک برنامه مبارزه تلفیقی به صورت مختصر به معرفی برخی از مهترین این آفات می‌پردازیم.

۱ زنجره پسته

زنجره پسته که به شیره تر نیز معروف است یکی از آفات مهم و بسیار قدیمی

توسط حشرات کامل زمستانگذران با ایجاد شکاف در محور خوشه‌ها و تخم‌گذاری در این شکاف‌ها انجام می‌شود. ایجاد این زخم‌ها و شکاف‌ها باعث ریزش دانه‌های تازه تشکیل شده می‌شود.

پایش و کنترل: به رغم گسترش و پراکنش زنجره پسته در اغلب باغات پسته کشور، خوشبختانه امروزه جمعیت این آفت در بسیار از مناطق پایین بوده

عنوان یک آفت درجه دوم پسته قلمداد می شده است، اما امروزه به دلیل حذف دشمنان طبیعی این آفت بر اثر کاربرد بی رویه و غیر اصولی آفت کش ها در باغات پسته، افزایش سیستم تک کشتی پسته در بسیاری از مناطق کشور، ضعف عمومی و فراگیر ناشی از تنش های آبی و خشکسالی در بسیاری از باغات شرایط را برای طغیان و خسارت شدید این آفت فراهم کرده و امروزه کرمانیا در زمره آفات درجه یک پسته در بسیاری از مناطق بویژه استان های کرمان، یزد و خراسان به حساب می آید و متأسفانه در بسیاری از موارد کشاورزان شناختی از این آفت نداشته و برای کنترل آن اقدامی نمی کنند.

ریخت شناسی: حشرات بالغ این آفت شب پره هایی با طول ۱۱-۸ و عرض ۱۳-۱۱ میلی متر هستند. بال های جلویی تیره رنگ با لکه ای کوچک در بخش فوقانی و یک لکه زرد بزرگ در بخش میانی می باشند (عکس ۴) بال های عقبی به رنگ زرد روشن و خنجری شکل هستند. تخم این حشرات زرد رنگ و بیضی شکل است که شیارهای طولی بر روی آن مشاهده می شود. لاروها در هنگام تفریخ تخم ها بسیار ریز و سفید رنگ هستند که با افزایش سن شفاف تر شده و در سن چهارم به رنگ خاکستری متمایل به سیاه تغییر می کند. شفیره ها درون پيله های خاکستری تا قهوه ای رنگ و تقریباً مثلثی به طول حدود ۵ تا ۶ میلی متر با برجستگی در قسمت جلویی هستند.

زیست شناسی و خسارت:

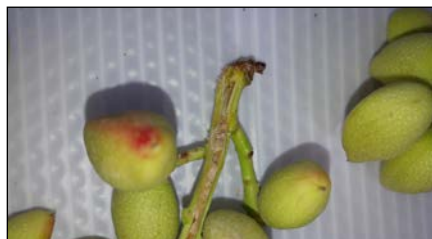
این آفت یک نسل در سال دارد و حشرات کامل در اوایل بهار در باغ ظاهر شده و روی خوشه های درختان پسته تخم گذاری می کنند اما در مواردی که فراوانی خوشه ها کم باشد آفت شاخه های تازه با بافت نرم، دم برگ و پهنک برگ را نیز برای تخم ریزی انتخاب می نماید. لارو سن اول با ورود به گیاه (محور خوشه) و تغذیه از بافت گیاه با حفر کانال به سمت سرشاخه حرکت می کند (عکس ۵). لاروها از اواخر خرداد تا اوایل اسفند را درون کانال هایی در مرکز سرشاخه ها سپری می کنند و بعد از گرم شدن نسبی هوا از دالان های تغذیه ای خود خارج شده و در روی سرشاخه ها و یا بعضاً در سطح زمین به شفیره تبدیل میشوند. دوره ی شفیری

شده توسط سن های سبز و قرمز پسته باشد.

پایش و کنترل: برای اطلاع از امکان وجود و فراوانی سنک ها در باغ باید از زمان تشکیل میوه ها تا مرحله سخت شدن



عکس ۴



عکس ۵

پوست استخوانی تعدادی از خوشه ها به صورت تصادفی در باغ مورد بازدید قرار گیرند. با تکانیدن خوشه ها بر کف دست یا سطوح صاف مثل سینی یا کاغذ سفید پوره ها و حشرات کامل ریزش کرده و مشاهده میشوند. وجود متوسط یک پوره در هر خوشه لزوم مبارزه شیمیایی را می طلبد. پوره های سنک ها به بسیاری از سموم عمومی و مرسوم حساس هستند. در حال حاضر حشره کش های فنیتروتیون و افوریا علیه این آفت توصیه و ثبت شده اند.

۱ پروانه چوب خوار پسته

پروانه چوبخوار پسته معروف به کرمانیا یکی از مهم ترین آفات پسته و بومی ایران است. این آفت تا چند سال اخیر به

و مبارزه شیمیایی اختصاصی را نمی طلبد. تا به حال در کشور نیز حشره کشی برای این آفت ثبت نشده، اما تأثیر حشره کش های فوزالن، دیازینون و فنیتروتیون روی این آفت مناسب گزارش شده است. استفاده از کارت های زرد چسبنده برای ردیابی و تعیین تراکم این آفت می تواند اطلاعات مناسبی از وضعیت آلودگی باغ و لزوم مبارزه را به باغداران بدهد.

۱ سنک های پسته

چندین گونه از سن های کوچک یا سنک ها از آفات درجه یک و مهم پسته بوده و از زمان تشکیل میوه تا زمان ایجاد پوسته سخت در باغ های پسته قادر به ایجاد خسارت می باشند.

ریخت شناسی: سنک ها به رنگ های سبز، قهوه ای و خاکستری و غیره بوده و در مرحله بلوغ حداکثر به طول حدود شش میلی متر میرسند. پوره ها معمولاً با رنگ های سبز روشن تا قهوه ای با جثه ای بسیار کوچک و تحرک زیاد می باشند.

زیست شناسی و خسارت: سنک ها حشراتی چند نسلی بوده و از ابتدای بهار بر روی درختان پسته دیده می شوند و تخم گذاری می کنند، پوره ها معمولاً روی خوشه ها مستقر شده و از میوه های تازه تشکیل شده تغذیه می کنند. با سخت شدن پوسته ی میوه به روی سایر قسمت های گیاه و علف های هرز منتقل شده و میزبان مشخصی در طول تابستان ندارند. سنک های بالغ در اواخر تابستان و پاییز مجدد در بافت های انتهایی سرشاخه یا فلس های گوشتی جوانه ها تخم گذاری می کنند.

پوره ی سنک ها در فصل بهار با تغذیه از میوه های جوان، آنها را از بین می برند، همچنین سنک های بالغ با فرو بردن خرطوم خود در میوه پسته موجب سیاه شدن آن شده و عارضه زخم پوست رویی را ایجاد می کنند. این خسارت می تواند منجر به کاهش چشمگیر محصول شود. جثه ی کوچک، استقرار و تغذیه ی سنک ها در بین خوشه ها و همچنین تحرک زیاد آنها موجب شده تا کمتر دیده شوند و بعضاً مورد توجه قرار نگیرند. اما واقعیت این است که ظهور زود هنگام آنها در باغ و حساسیت شدید دانه ها در زمان فعالیت این حشرات می تواند منجر به خسارت بسیار جدی آنها شود و حتی در بسیاری از موارد بیشتر از خسارت ایجاد

هر باغ در ارزیابی این داده‌ها مورد نظر قرار نگرفته است می‌تواند تا حدودی با خطا همراه باشد. استفاده از فرمون جنسی و بکارگیری تله‌ها برای شکار



عکس ۶



عکس ۷

حشرات بالغ نر در این زمان، روش دقیق‌تری برای تخمین مناسب فراوانی جمعیت آفت و زمان اوج پرواز حشرات بالغ است. امروزه برای برخی از آفات استفاده از تله‌های فرمونی برای شکار انبوه آفت نیز استفاده میشود اما به

ارتباط مستقیمی با دمای محیط دارد و حشرات کامل معمولاً از اوایل فروردین ماه ظاهر شده و به جفت‌گیری و تخم‌ریزی می‌پردازند. تخم‌ها روی محور خوشه‌ها و گاهی سرشاخه‌ها قرار داده میشود. لاروهای سن یک (لاروهای نئونات) پس از خروج از تخم مستقیم وارد محور خوشه می‌شوند تغذیه‌ی لارو از محور خوشه‌ها منجر به خشک شدن و ریزش دانه‌های انتهایی خوشه‌های آلوده می‌شود. خسارت اصلی این آفت مربوط به حضور لاروها در سرشاخه‌ها است. تغذیه از محور سرشاخه و حرکات رفت و برگشتی لارو در سرشاخه‌ها موجب ضعف و خشکیدگی سرشاخه‌ها میشود. جوانه‌های زایشی و رویشی کمی روی سرشاخه‌های آلوده تشکیل شده و ضعف شاخه‌ها شرایط را برای حضور بیشتر سایر آفات چوبخوار و قارچ‌های عامل سرخشیدگی فراهم می‌کند.

پایش و کنترل: خشکیدن دانه‌های انتهایی خوشه‌ها در خرداد و تیر بدون تغییر رنگ شدید و سیاه شدگی یکی از علائم بارز وجود این آفت در باغ است (عکس ۶). وجود خطوط قهوه‌ای رنگ در قسمت مرکزی سرشاخه‌ها نیز از آثار تغذیه‌ی لاروها و حضور این آفت در باغ است. هرس مناسب زمستانه با تشخیص و حذف سرشاخه‌های آلوده می‌تواند به کاهش چشمگیر جمعیت کمک کند. بهترین زمان برای تعیین تراکم آفت و مبارزه شیمیایی علیه آن زمانی است که حشرات بالغ در باغ فعال بوده و در حال تخم‌ریزی هستند. این بازه‌ی زمانی ممکن است بیش از یک ماه (از اواخر اسفند تا اوایل اردیبهشت) طول بکشد. در این مدت حشرات بالغ، تخم‌ها و لاروهای سن اول هدف خوبی برای سمپاشی‌ها هستند. به دلیل عدم امکان پوشش تمامی این بازه‌ی زمانی، بهتر است زمانی برای سمپاشی انتخاب شود که تعداد بیشتری از این مراحل در دسترس باشند. انتخاب این زمان با تعیین پیک پرواز حشرات کامل در باغ و با استفاده از داده‌های هواشناسی و بکارگیری مدل «درجه روز» توسط متخصصین و همچنین بکارگیری تله‌های فرمونی امکان‌پذیر است. از آنجایی که داده‌های هواشناسی دقیق و به صورت محلی در بسیاری از مناطق در دسترس نیست و اغلب داده‌ها برای یک ناحیه یا منطقه وسیع ثبت شده و خرد اقلیم

دلیل پیوستگی باغات پسته در بسیاری از مناطق نظیر استان کرمان که منجر به سطوح کشت بسیار بزرگی شده است، شکار انبوه آفت عملاً غیر ممکن و بسیار کم تأثیر خواهد بود. البته در باغات و مناطقی که سطح کشت‌ها خیلی وسیع نیست و یا با فاصله‌ی مناسب از سایر باغات، حالت ایزوله‌ای دارند شکار انبوه پروانه کرمانیا روشی موثر برای کنترل این آفت گزارش شده است. البته مهمترین هدف در بکارگیری تله‌های فرمونی تعیین پیک ظهور و فعالیت حشرات بالغ و انتخاب زمان مناسب سمپاشی هست. بدین ترتیب که برای اثر بخشی بیشتر سمپاشی، پیک پرواز حشرات بالغ تعیین شده و حداکثر یک هفته بعد از اوج پرواز باید سمپاشی علیه این آفت انجام شود. هر چند مالکین بزرگ باید قبل از زمان اوج پرواز عملیات سمپاشی را شروع کنند تا بتوانند در زمان مناسب حداکثر بهره‌وری را از سمپاشی داشته باشند. تا بحال حشره‌کش‌های لوفنوران، هگزافلوموران، و ترکیب لوفنوران-فنوکسی کارب (با نام تجاری لوفوکس) برای این آفت توصیه شده‌اند. در مورد کرمانیا هر چند انتخاب سم باید هوشمندانه صورت گیرد، اما از این نکته نباید غافل بود که تعیین زمان دقیق و مناسب سمپاشی با استفاده از تله‌های فرمونی و داده‌های هواشناسی نکته کلیدی کار بوده و موفقیت در کنترل را ضمانت میکند.

■ پروانه میوه خوار پسته

پروانه یا کرم میوه خوار پسته یک آفت قدیمی با پراکنش وسیع در اغلب مناطق کشور بوده که سطح پراکنش و تراکم آن در همه جا یکسان نیست و در حال حاضر یک آفت درجه دوم در باغات پسته ایران به حساب می‌آید. تراکم این آفت در باغ‌های مسن به دلیل وجود پناه‌گاه‌های زمستانی بیشتر برای لاروها (شکاف تنه‌ها و زیر پوست درختان) بیشتر است. اما در باغ‌های جوان نیز دیده شده است.

ریخت شناسی:

لاروهای سن یک سفیدرنگ هستند و با افزایش سن، بندهای شکمی به رنگ قرمزگلی متمایل شده و در انتهای دوره لاروی پیش از ورود به مرحله شفیرگی با رنگ سبز شناسایی می‌شوند (عکس ۷). در حشرات بالغ سر، سینه، بال‌های جلویی و عقبی به رنگ خاکستری

به تولید آفات توکسین شود، به عبارتی خسارت نسل دوم بیشتر کیفی است.

پایش و کنترل:

در باغاتی که سابقه آلودگی دارند ارزیابی وجود و تراکم شفیره‌ها در زیر پوسته‌های درختان از اواخر زمستان می‌تواند به ارزیابی وضعیت فراوانی آفت در سال جاری کمک کند. همانند پروانه چوپخوار، با تعیین زمان اوج پرواز حشرات کامل میوه‌خوار هم می‌توان مبارزه‌ی شیمیایی هدفمندتری علیه این آفت داشت. با پایش منظم وضعیت شفیره‌ها در زیر پوسته‌های درختان و همچنین داده‌های هواشناسی و استفاده از مدل‌های درجه-روز می‌توان زمان مناسب سمپاشی را تعیین کرد که معمولاً در بسیاری از موارد هم‌زمان با ریزش دوسوم گلبرگ‌ها یا ارزیابی شدن دو سوم دانه‌ها است. در حال حاضر حشره‌کش اکسی‌دیمتون متیل با دوز ۱/۵ در هزار برای این آفت توصیه شده است.

کرم غوزه پنبه

کرم غوزه پنبه که در بین باغداران بنام هلیوتیس شناخته می‌شود از آفات مهم پنبه با پراکنش جهانی به شمار می‌رود و روی دامنه وسیعی از محصولات کشاورزی از جمله پسته تغذیه کرده و خسارت می‌زند. خسارت این آفت روی میوه‌های جوان پسته قبل از تشکیل پوست استخوانی دیده می‌شود. این آفت در زمره‌ی آفات درجه سوم پسته قرار می‌گیرد اما در برخی مناطق مثل سیرجان خود را به عنوان یک آفت کلیدی نشان داده است.

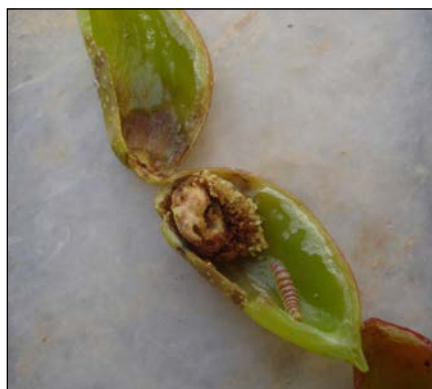
ریخت شناسی: کرم غوزه‌ی پنبه حشره‌ای بسیار متنوع از نظر اندازه و رنگ می‌باشد. حشرات بالغ شب‌پره‌هایی با طول حدود ۱،۵ تا ۲ سانتی‌متر و عرض بدن با بال‌های باز حدود ۳ تا ۴ سانتی‌متر هستند. بال‌ها ترکیبی از رنگ‌های زرد و خاکستری و قهوه‌ای همراه با لکه‌های لوبیایی شکل را دارا هستند. تخم‌های حشره گرد و پهن و رنگ لارو ممکن است سبز روشن تا قهوه‌ای و سیاه باشد که دارای چهار نوار تیره به صورت طولی است. طول لاروهای کامل حداکثر به چهار سانتی‌متر می‌رسد. شفیره‌ها در خاک و در درون یک محفظه‌ی گلی تشکیل می‌شود.

زیست شناسی و خسارت: کرم غوزه‌ی پنبه برای تکمیل دوره‌ی زندگی خود

استخوانی پسته ایجاد می‌کند که در گویش کرمانی به چربو معروف است. محل آلودگی همچنین مکان مناسبی برای رشد قارچ‌ها بود و می‌تواند منجر



عکس ۸



عکس ۹



عکس ۱۰

هستند که بال‌های جلویی با دارا بودن لکه‌های تیره نامنظم و بال‌های عقبی با ریشک‌های تیره قابل تمایز هستند (عکس ۸).

زیست شناسی و خسارت:

پروانه‌ی میوه‌خوار پسته آفتی دو نسلی می‌باشد. حشرات کامل در اواسط فروردین ماه هم‌زمان با تشکیل میوه‌های ریز، خوشه‌ها و برگ‌های کوچک ظاهر شده و بر روی آن‌ها تخم‌گذاری می‌کنند. لاروها بعد از دو هفته از تخم‌ها خارج شده و به داخل میوه‌های تازه نفوذ کرده و از جنین میوه تغذیه می‌کنند، این لاروها سپس خارج شده و میوه بعدی را آلوده می‌کند. هر لارو طی دوره‌ی رشدی خود قادرست چندین میوه را تخریب کند. در ادامه با چند بار پوست اندازی لارو، مرحله رشد خود را تکمیل نموده و از سرشاخه‌ها به سمت تنه درختان حرکت می‌کند و در شکاف‌های درخت یا بقایای گیاهان و خاک نرم اطراف آن به شفیره تبدیل می‌شود. حشرات بالغ نسل دوم در اواخر تیر در باغ دیده می‌شوند که بر روی دانه‌های پسته تخم‌ریزی کرده، لاروهای آن‌ها اپی‌درم پسته را سوراخ کرده و از بافت میانی آن تغذیه می‌کنند، در اوایل شهریور لاروها میوه را ترک کرده و مانند نسل قبل خود به سمت تنه درخت حرکت و در آنجا با یک پبله نازک سفید رنگ زمستان را سپری می‌کنند.

لاروهای نسل اول از جنین میوه تغذیه کرده و قبل از تشکیل پوسته سخت باعث سیاه شدن (داغو) و ریزش میوه‌های آلوده می‌گردد. تفاوت میوه‌های مورد تغذیه‌ی میوه‌خوار با دانه‌هایی که توسط سنک‌ها و سن‌ها نیش زده می‌شوند این است که در این میوه‌ها فضولات لاروی همراه با قارچ‌های ساپروفیت روی جنین دیده شده و جنین سالم و سفید نیست (عکس ۹). همچنین معمولاً یک سوراخ قابل مشاهده روی دانه وجود دارد که بیشتر نزدیک به محل ناف میوه (اتصال دانه به خوشه) است. در بسیاری از موارد هم تغییر رنگ دانه شدید نیست و سیاه شدگی آن با سن‌زدگی یا کمبود کلسیم متفاوت است (عکس ۱۰). لاروهای نسل دوم به دو صورت خسارت می‌زنند؛ یکی خسارت مستقیم ناشی از تغذیه از بافت نرم میوه و خسارت غیرمستقیم به دلیل دفع مواد زائد و فضولات لارو که لکه‌های تیره رنگ و روغنی روی پوسته

در تابستان و پاییز نیازمند میزبانهای جایگزینی غیر از پسته است و چون در اغلب مناطق پسته کاری سیستم های تک کشتی بوده و محصولات دیگر (به خصوص پنبه و جالیز و سبزی) کاشت نمی شوند، استقرار این حشره به صورت یک آفت جدی در باغات پسته خیلی ممکن نیست. البته بسته به نوع و پوشش علف های هرز موجود در سیستم های کاشت، این آفت می تواند از برخی از علف های هرز به عنوان میزبان جایگزین استفاده کند. لاروهای این آفت می توانند همراه با کودهای دامی وارد باغ شوند. شفیقه های وارد شده به باغ در اوایل بهار به حشره کامل تبدیل میشوند. حشرات کامل روی خوشه ها و برگ ها تخم ریزی کرده و لاروهای خارج شده از تخم ها از میوه های تازه تشکیل شده تغذیه می کنند. لاروها پوسته ی میوه را جویده و وارد آن می شوند و از قاعده میوه و یا محل جنین تغذیه می کنند. سوراخ های ورود و خروج لاروهای هلیوتیس معمولاً درشت بوده و به راحتی قابل رویت هستند. لاروهای این آفت اشتهای قابل توجهی داشته و از تعدادی زیادی دانه تغذیه می کنند. تا زمان سفت شدن پوست استخوانی این حشره نسل اول خود را کامل می کند و با ظهور لاروهای نسل دوم پوست میوه ها سخت شده و دیگر امکان خسارت به پسته وجود ندارد و باید به دنبال منابع غذایی جایگزین مثل علف های هرز میزبان باشد. ردیابی و کنترل: وجود سوراخ های بزرگ روی میوه ها از اواخر فروردین بیانگر حضور آفت در باغ است که با شکافتن میوه ها وجود لارو یا توده ی فضولات آن قابل مشاهده خواهد بود. حتی ممکن است در مواردی هنگام فروآوری پسته در پایان فصل، میوه های با سوراخ های گرد و بزرگی مشاهده شوند که حاوی بقایای فضولات لاروی باشند. استفاده از تله های فرمونی در اول بهار نیز اطلاعات مناسبی از وجود و تراکم آفت به باغداران خواهد داد. تجربه نشان داده که در مورد این آفت تله های فرمونی می توانند حتی آفت را تا حد قابل قبولی کنترل کنند. لازم به ذکر است وجود رطوبت کافی در محیط (شرایط بارانی و آبیاری مداوم) باعث افزایش تخم ریزی این حشره شده و خسارت را تشدید می کند. برای این آفت در پسته تابحال حشره کشی ثبت نشده اما حشره کش های اسپینوسد و ایندوکسپاب روی این آفت در سایر محصولات ثبت

شده و بسیار هم موثر هستند. البته اگر مبارزه ی شیمیایی با تاخیر انجام شود و لاروهای سنین آخر در باغ ظاهر شوند کنترل آنها بسیار سخت خواهد بود.

جمع بندی

در کنار موارد ذکر شده آفات دیگری نظیر سوسک شاخک بلند پسته، کنه ها، سوسک سرشاخه خوار، سرخرطومی پسته، سن های قرمز و سبز و حتی شپشک ها نیز میتوانند در بازه ی زمانی گلدهی تا خوشه بندی در باغ ظاهر شده و خسارت بزنند اما اغلب به صورت آفت مهم و جدی در اول فصل نیستند و به صورت موردی و منطقه ای ممکن است به صورت طغیانی در آیند. البته ناگفته نماند که پس از پسته به عنوان کلیدی ترین آفت پسته ی ایران نیز می تواند به صورت فعالی در اوایل بهار در باغ حاضر شده و از ابتدای باز شدن جوانه های برگی اقدام به خسارت کند. چنانکه در دوسال گذشته نیز در شروع فصل حتی قبل از اینکه گل و برگی روی شاخه ها پدیدار شود، جمعیت انبوهی از حشرات بالغ زمستانگذران پس از بسیاری از باغات دیده می شد. با توجه به موارد ذکر شده در مورد تنوع گونه های و زیستی آفات بهار و همچنین فشردگی دوره ی زمان امکان مبارزه مستقل علیه تک تک این آفات وجود ندارد و حتی در صورت امکان از نظر اقتصادی و زیست محیطی قابل توجیه نخواهد بود. معمولاً مبارزه شیمیایی علیه این آفات باید برای کنترل همزمان چند گونه انجام شود. در راستای اجرای یک برنامه ی مدیریت تلفیقی باید در نظر داشت که مبارزه شیمیایی آخرین راهکار در کنترل آفت است و نباید کاهش خسارت آفات را فقط از راه کاربرد سموم طلب کرد. رعایت بهداشت باغ همواره نکته ی کلیدی در کاهش جمعیت بویژه برای آفاتی نظیر پروانه ی چوبخوار، هلیوتیس و سرشاخه خوار بوده و مبارزه شیمیایی با عدم رعایت بهداشت باغ موفق نخواهد بود. گونه های متعددی از حشرات شکارگر و پارازیتوئیدها در باغات پسته فعال هستند و از آفات تغذیه می کنند. اعتماد به توانایی قابل توجه دشمنان طبیعی (شکارگرها و پارازیتوئیدها) در کنترل مناسب آفات و حفظ و حمایت این موجودات مفید میتواند حلقه ی دیگری از زنجیره ی مدیریت تلفیقی در راستای کاهش خسارت آفات، کاهش هزینه ها،

کمک به سلامت محیط زیست، محصول و جامعه باشد. در شرایط فعلی هدف حذف کامل مبارزه شیمیایی نیست و به طور کلی دیدگاه مدیریت تلفیقی مبنی بر به کارگیری مجموعه ی روش ها و تکنیک های موثر، اقتصادی و قابل تلفیق و سازگار با هم است که مبارزه شیمیایی نیز یکی از همین تکنیک ها است. البته مبارزه شیمیایی که در چهارچوب مدیریت تلفیقی گنجانده میشود تنها به تأثیر سموم روی آفات هدف نگاه نمی کند. در اینجا باید مبارزه شیمیایی فقط در صورت لزوم، در زمان مناسب، با انتخاب آفتکش، دوز و روش مناسب انجام شود تا ضمن تأثیر روی آفت یا آفات هدف، حداقل اثرات سوء را روی اجزای محیط زیست بویژه حشرات مفید در باغ داشته باشد و اثرات طولانی مدت آن نیز منجر به طغیان و خسارت بیشتر آفت نشود و از دید کشاورزان نیز مقرون به صرفه باشد. مشاهده می شود که برخی از باغداران به صورت تقویمی و بدون بررسی فراوانی و تنوع آفات بهار هر سال یک سمپاشی موسوم به سم گل - انجام میدهند. در بسیاری از موارد ممکن است انجام این عملیات سمپاشی ضرورتی نداشته باشد. بعضاً نیز انتخاب سم بر اساس آفت یا آفات غالب موجود در باغ نبوده و در صورت سمپاشی به علت اشتباه در انتخاب آفت کش و زمان سمپاشی نتوانسته اثر کنترلی مطلوبی داشته باشد. جدای از بحث کیفیت سموم موجود در بازار، با توجه به حضور همزمان چند گونه آفت تقریباً انتخاب آفت کشی که بتواند تأثیر مناسبی روی همه ی آفات بهار داشته باشد ممکن نیست و معمولاً ناگزیر به استفاده از ترکیب چند آفت کش یا ترکیب سموم با روغن های معدنی (ولک) هستیم تا نتیجه کنترلی مطلوب - تری حادث شود. در جدولی که در ادامه آورده شد لیستی از آفت کش های ثبت شده برای آفات بهار، همچنین سموم مرسوم که به رغم ثبت نشدن توسط موسسات قانونی توسط کشاورزان مورد استفاده قرار می گیرند آورده شده است. طیف و قدرت اثر آفت کشی آنها روی آفات غالب بهار آورده شده است. از آنجایی که اطلاعات کافی در زمینه تأثیر دقیق همه این سموم روی همه آفات ذکر شده در دسترس نبود، سعی شد بر اساس نحوه اثر هر سم، تأثیر کشندگی روی آفات مشابه و تجربیات و مشاهدات

شماره	نام عمومی آفت کش	مرسوم ترین نام تجاری	گروه شیمیایی	دوز توصیه شده (در)	طیف اثر								سمیت برای حشرات مفید			دوام اثرات سوء روی حشرات مفید (روز)
					زنجره پسته	سنگها	پروانه	پروانه میوه-	گرم غوزه	پسیل	بالتوری سبز	کفشدوزکها	پارازیتوئیدها			
1	اتیون	اتیول	فسفره ی آلی	1/5	3	3	2	2	2	2	2	4	3	4	> 25	
2	اسپینوسد	تریسر	اسپینوسین ها	0/3	0	0	2	4	4	0	0	1	2	2	7	
3	استامی پرید	موسپیلان	نئونیکوتینوئید	0/5	4	4	1	2	2	4	4	4	3	3	> 50	
4	اکسی دیمتون متیل	متاسیستوک س	فسفره ی آلی	1/5	4	4	1	4	4	1	3	4	4	4	> 50	
5	ایمیداکلوپرید	کنفیدور	نئونیکوتینوئید	0/4	3	2	2	2	2	2	3	4	4	4	> 50	
6	ایندوکساکارب	آوانت	اکسادیازین ها	0/4	0	0	1	3	4	0	0	1	2	1	> 10	
7	تیاکلوپرید	بیسکایا	نئونیکوتینوئید	0/3	4	4	2	2	2	4	4	4	3	3	> 50	
8	تیودیکارب	لاروین	کاربامات	1/5	1	1	4	4	4	2	2	-	-	4	-	
9	دلتامترین	دسیس	پایرتروئید	0/5	4	4	2	2	2	4	4	4	4	4	> 50	
10	دبازینون	بازودین	فسفره ی آلی	1/5	2	2	2	2	2	2	2	4	3	4	> 25	
11	فنوالریت	سومیسیدین	پایرتروئید	0/5	4	4	2	2	2	4	4	4	4	4	> 50	
12	فنیتروتیون	سومیتیون	فسفره ی آلی	1/5	4	4	2	2	2	4	4	4	4	4	> 35	
13	فوزالن	زولون	فسفره ی آلی	2	4	4	2	2	2	4	4	1	2	4	> 25	
14	کلرپایریفوس	دورسبان	فسفره ی آلی	1/5	3	3	2	2	2	3	4	4	4	4	> 50	
15	لمبدا سایهالوترین	کاراته	پایرتروئید	25/0	4	4	2	2	2	4	4	4	4	4	> 50	
16	لمبدا سایهالوترین- تیماتوکسام	افوریا	پایرتروئید- نئونیکوتینوئید	0/3	4	4	2	2	2	4	4	4	4	4	> 50	
17	لوفنوران	مچ	IGR	1/5	0	0	3	3	3	0	0	2	2	2	-	
18	لوفنوران-فنوکسی- کارب	لوفوکس	IGR	1/5	0	0	4	3	3	0	0	2	2	2	> 7	
19	هگزافلوموران	کنسالت	IGR	1	0	0	3	3	3	0	0	1	-	2	-	
20	روغن امولسیون شونده	ولک	روغن های نفتی	3-5	2	2	2	2	2	2	2	1	1	1	1 >	

خانه های قهوه ای ثبت رسمی آفت کش برای آفت انجام شده است

0 بی تأثیر یا بسیار کم تأثیر 1 تأثیر اندک 2 تأثیر متوسط 3 تأثیر نسبتاً خوب 4 تأثیر خوب
1 غیر سمی 2 سمیت ملایم 3 سمیت متوسط 4 بسیار سمی

استفاده از سموم ثبت نشده معمولاً هم از نظر کارایی روی آفات و هم از نظر اثر روی دشمنان طبیعی قابل توجه نخواهد بود. مثلاً یکی از فرمول های که می تواند نتایج خوبی در کنترل همزمان کرمانیا، سنگ، زنجره و جمعیت اولیه ی پسیل داشته و اثرات سوء قابل توجهی روی دشمنان طبیعی نداشته باشد مخلوط فوزالن (۲ در هزار) + هگزافلوموران (۱ در هزار) + روغن ولک (۵ در هزار) است.

جمع بندی نیز بر مبنای تأثیر این سموم روی سایر گونه های کفشدوزک ها و زنبورهای پارازیتوئید که در منابع علمی معتبر منتشر شده بود حاصل شده است. کارشناسان و کشاورزان می توانند با توجه به غالبیت گونه های آفت بهاره و اهمیت خسارت آنها و همچنین فون و فراوانی دشمنان طبیعی در باغ نسبت به انتخاب یک یا چند ترکیب ذکر شده در جدول اقدام نمایند. هر چند تأکید می شود که

نگارنده میزان کارایی آفت-کش ها روی این آفات نشان داده شود. همچنین اثرات سوء کلی این آفت کش ها روی بالتوری سبز به عنوان یکی از مهمترین دشمنان طبیعی فعال در باغات پسته، کفشدوزک ها و زنبورهای پارازیتوئید به طور کلی ذکر شده است. با توجه به عدم وجود اطلاعات کافی در مورد تأثیر این سموم روی کفشدوزک ها و زنبورهای پارازیتوئید فعال در باغات پسته، این

نقشه راه برای حل بحران آب

همه به یک چشم دیده شوند. خلاصه طرح من به این شکل است که پروانه‌ها توسط دولت خریداری می‌شوند و این کار شبیه به برنامه اصلاحات ارضی

نمایندگان آب‌بران از ۱۴۰۰ حلقه چاه در منطقه رفسنجان، شرکتی تشکیل دهند. اولین کار شرکت باید تعیین میزان مصرف کلیه چاه‌ها باشد. در داخل این شرکت، مصرف کنندگان به این نتیجه برسند که میزان آب هر چاه تعیین شود

زمان شاه است. کلیه چاه‌ها اعم از شرب، صنعت و کشاورزی در هر حوضه آبریز که مستقل از سایر حوضه‌ها است توسط دولت خریداری شوند چون در غیر اینصورت شخصی می‌رود و در بالا دست چاه می‌زند. همان‌طور که الان خود آب منطقه ای ۵۰ پروانه دارد. در صورت خرید چاه‌ها توسط دولت شخص بستانکار می‌شود و یک بهره کمی هم برای سال بعد که دولت می‌خواهد این پول را بپردازد، برای وی در نظر گرفته می‌شود. دولت اگر این آب را بخرد می‌تواند نصف آن را در مخازن آب ذخیره کند و به شهر

۸۳

کرمان و یا باغداران و کسانی که تقاضای آب دارند بفروشد. قیمت این آب با کیفیتش یک تناسب خواهد داشت. مثلاً آب شرب شیرین و بدون آرسنیک به قیمت بالاتری به فروش می‌رسد. سپس افراد به میزانی که طلبکار می‌شوند، می‌توانند آب بصورت مترمکعب بخرند. به عبارت دیگر در این طرح، فروش آب به دولت به صورت فروش حلقه چاه یا پروانه چاهی است که خود دولت در طول زمان صادر کرده است و کسانی که از دولت طلبکار می‌شوند آب را به صورت مترمکعب از دولت خرید می‌کنند. این افراد که آب به دولت می‌فروشند می‌توانند طلبشان را نقدی بگیرند یا به صورت مدت دار. در این شرایط کشاورز می‌تواند آبی را که طلبکار است را به

کارکرد بلکه این محاسبه باید حجمی باشد. اگر حجمی محاسبه شود، بعد از اجرا فرد خودش می‌تواند تصمیم بگیرد این ۲۰۰ هزار متر مکعبش را در زمستان استفاده کند یا تابستان. ممکن است دوست داشته باشد آن را به کسی دهد یا از کسی بگیرد. در چنین شرایطی آزادی برای مصرف کننده وجود دارد که با آبش آنچه صلاح می‌داند، انجام دهد و دولت در این کار دخالتی نداشته باشد. مهم این است که طی دو سال نحوه نظارت چه طور اعمال شود. وی در توضیح نحوه نظارت نیز این چنین توضیح داد: «اگر ما روزی ده تکنیسین داشته باشیم، هر کدام بر ۱۰ حلقه چاه نظارت کنند، می‌توانند سالی دوبار به یک چاه سر بزنند. کنتور حجمی نیز این امکان را برای مصرف کننده آب فراهم می‌کند که اگر خواست یکجا ۲۰۰ هزار متر مکعبش را مصرف کند و اگر به صفر رسید، دیگر قابلیت برداشت نداشته باشد.» از نظر زراعتکار موانع این طرح قوانین، توافقات و محیط زیست است. در رابطه با محیط زیست چنین توضیح داد: «تغییرات آب و هوایی معادلات مقدار حجم آب تجدیدپذیر را به هم می‌زند. دشت رفسنجان را نمی‌توان فارغ از دشت‌های اطرافش محاسبه کرد چون بردسیر را در بالادست دشت زرند و کرمان داریم. برای مسئله یارانه و آب شرب نیز راه حل‌های دشواری وجود دارد.»

احمد علوی، مدیر اندیشکده تدبیر آب ایران در رابطه با قوانین (ماده ۲۷ و ۲۸ قانون توزیع عادلانه آب) گفت: «قانون به گونه‌ای است که با اجازه دولت امکان خرید و فروش آب وجود دارد. نیازی به اراده مجلس نیست. وزیر نیرو باید جلسه بگذارد و به راحتی در یک جلسه می‌تواند این اتفاق بیفتد.»

مهدی آگاه، عضو هیأت مؤسس انجمن پسته ایران دومین نفری بود که در جلسه همفکری به طرح دیدگاه خود پرداخت: «هر اتفاقی که می‌افتد باید برای کلیه آب‌ها بیافتد؛ قیمت و خرید و فروش آب در منطقه و یک حوضه آبریز باید شامل کلیه آب‌ها شود. چه کشاورزی، چه شرب و چه آب صنعت،

انجمن پسته ایران در تاریخ بیست و چهارم آذرماه ۱۳۹۶ در اتاق بازرگانی کرمان بار دیگر میزبان تیم پژوهشی دانشگاه شریف و دکتر علینقی مشایخی بود. این جلسه در ادامه جلسه روز قبل با حضور جمعی از اعضای انجمن پسته ایران، کارشناسان اتاق بازرگانی، مدیر جهاد شهرستان رفسنجان و شهرستان انار، کارشناسان آب منطقه استان کرمان و تسهیلگران اجتماعی برگزار شد. هدف از تشکیل این جلسه تلاش برای طرح نقشه راهی برای حل مسئله آب دشت رفسنجان به عنوان نمونه ای از دشت های بحران زده کشور بود.

ایده‌ها در پاسخ به سوال «چه طور می‌توانیم همگی به یک تصمیم جمعی برسیم؟» طرح شد. بعضی تلاش کردند نقشه راه کاملی ارائه دهند، بعضی دیگر بر اصول ضروری حل مسئله آب تأکید داشتند و گروهی نیز خواهان مقایسه بازار آب با بازارهای دیگر همچون نفت و گاز بودند و در پی یافتن راه حلی برای قیمت گذاری آب و نظارت بر بازار. حسین زراعتکار، مسئول بخش مطالعات آب منطقه‌ای کرمان آغاز کننده این جلسه بود و اظهار داشت: «اصل اول این است که ما حق تعیین تکلیف برای دیگران را نداریم. مشکل را خود مصرف کنندگان باید حل کنند. مبنای این که دولت بیايد مسئله را حل کند، دشوار است. برنامه دوساله پیشنهادی من؛ یک، دولت فقط نقش نظارتی داشته باشد و مدیریت مصرف از سمت دولت به سمت خود مصرف کنندگان منتقل شود. دو، میزان آب قابل برداشت در طی دوسال مشخص شود.»

برنامه عملیاتی حسین زراعتکار نیز به این ترتیب بود: «ابتدا نمایندگان آب‌بران از ۱۴۰۰ حلقه چاه در منطقه رفسنجان، شرکتی تشکیل دهند. اولین کار شرکت باید تعیین میزان مصرف کلیه چاه‌ها باشد. در داخل این شرکت، مصرف کنندگان به این نتیجه برسند که میزان آب هر چاه تعیین شود. نه به صورت آبدهی لحظه‌ای و نه ساعت

مسئله را کنترل کنیم. عده‌ای که خرده مالک هستند، مجوز گرفته اند. به این شکل که بگوییم غیر قانونی هستید زیر بار نمی‌روند.»

فاطمه نظری در دفاع از طرح احیا و در پاسخ به انتقادات مطرح شده گفت: «درست می‌گویند که از سال ۵۳ دشت ممنوعه بوده ولی از سال ۵۳ جمعیت این مملکت دو برابر شده‌است. حالا یک عده با همه سرمایه و زندگیشان آمده اند و تمام عمر و زندگیشان را گذاشته‌اند تا پروانه چاهی را بگیرند. حالا غیرمجاز! چه باید بکنیم؟ از شان بگیریم؟! همه باید بنشینیم و حلش کنیم؛ خودمان و دولت.»

احمد علوی در پاسخ به موضوعات طرح شده گفت: «بحث این است که آن خرده مالک یا عمده مالک بیش از پروانه برمی‌دارد. چه ضرورتی دارد که آن برداشت غیر مجاز را به رسمیت بشناسید؟»

حسین شهابی، رئیس هیأت مدیره خانه مطبوعات استان کرمان از دیگر افرادی بود که در جلسه به طرح برنامه خود پرداخت: «در جهت توافق اجتماعی باید برنامه عملیاتی متقاعد سازی، پذیرش و حرکت در جهت اجرای نقشه آبی تدوین شود. این کار باید در سطح نمایندگان، مجلس و قوه قضاییه در سطح استان یا شوراهای اسلامی شهر و روستا، تعدادی از نماینده های مجلس، نمایندگان قوه قضاییه همان منطقه و نمایندگان شورای عالی حل اختلاف منطقه انجام شود. این فعالیت به کمک رسانه‌ها، خانه مطبوعات، صدا و سیما، مطبوعات محلی، روزنامه‌های سراسری، وب سایت‌های موثر، شبکه‌های اجتماعی برای متقاعدسازی اطلاع رسانی شود.»

مشایخی در پاسخ به پیشنهاد طرح شده توضیح داد: «باید اصول طرح مشخص باشد. اگر طرحی در دسترس نباشد آن اقناع سازی نه تنها فایده ندارد بلکه اقناع سازی‌های دیگر را هم از بین می‌برد.»

مهرداد شفیعی، مدیر عامل پتروشیمی رفسنجان از دیگر کسانی بود که دو مسئله و یک پیشنهاد مطرح کرد. مسئله اول، انتقال مسئولیت از بخش دولتی به بخش خصوصی است؛ آقای چیتچیان نظام نامه وزارت نیرو را به نام

دولت نقشی در آن نداشته باشد. تا اینجا ما هرچیزی که به دولت واگذار کردیم نقش مثبتی ندیدیم. بیشتر از تصور زمان برده و هیچ نتیجه‌ای نداشته است.»

مشایخی در این میان به مرور طرح شرکت احیا در مورد اجرای بازار آب پرداخت تا اصل دخالت کمتر دولت در آن را یادآوری کند. (برای اطلاعات بیشتر به شماره ۲۳ دنیای پسته، ص ۲۴-۲۸ مراجعه کنید.)

در انتقاد به طرح شرکت احیا احمد علوی دو مسئله را مطرح کرد: «یک، نباید نصف کردن برداشت را مطرح کنیم، بلکه معیار حد تجدید پذیر است. هنوز بخش غیر دولتی از آمار و اطلاعات مربوط به مقدار آب تجدیدپذیر اطمینان ندارد. دوم، ته مایه پیشنهادی شرکت احیا یک نوع باج دادن به کسانی است که بیش از حد پروانه‌شان مصرف می‌کنند. این چنین اجازه‌ای به لحاظ قانونی پیچیده‌تر از مواد ۲۷ و ۲۸ قانون توزیع عادلانه آب خواهد بود.»

مهدی آگاه در تأیید نقد احمد علوی به طرح شرکت احیا تأکید کرد: «از سال ۵۳ که دشت ممنوعه شده، هر پروانه

کلیه چاهها اعم از شرب، صنعت و کشاورزی در هر حوضه آبریز که مستقل از سایر حوضه‌ها است توسط دولت خریداری شوند

به نام آشامیدنی، صنعت و کشاورزی صادر شده، غیرقانونی است.»

مشایخی در دفاع از اصول بعضی از راه‌حل‌هایی که در جلسه طرح می‌شدند، گفت: «اینجا با یک مسئله اجتماعی طرف هستیم. اگر بخواهید مسئله را حل کنید، خرده مالکین باید همراه شوند. در غیر این صورت تشنجی ایجاد می‌شود که کل طرح را منتفی می‌کند. اتفاقات زیادی در گذشته بوده است ولی ما باید از نقطه صفر شروع کنیم. همه همراه باشیم و از این به بعد

مدت ۴۰ سال از دولت خریداری کند یا می‌تواند پولش را بگیرد و از باغداری خارج شود و کارخانه‌دار شود. به هر حال، قیمت آبی که به فروش می‌رود از آب خریداری شده توسط دولت بسیار بالاتر خواهد بود؛ چون دولت مثلاً ۵۰۰ میلیون متر مکعب آب در سال می‌خرد و ۲۵۰ میلیون مترمکعب می‌فروشد تا بیلان مثبت بماند. مرحله ساخت مخازن تجمیع آب و تأسیس شبکه اصلی توزیع باید توسط دولت انجام شود. سپس ایجاد خط‌های فرعی باید به یک شرکت سپرده شود و مصرف کنندگان اعم از شهرداری، شرکت آب و فاضلاب، باغداران، صنایع و ... می‌توانند سهام دار باشند.»

در نهایت مهدی آگاه برای دفاع از قابل اجرا بودن طرح خود چنین توضیح داد: «با شرایط این طرح دولت مجبور نمی‌شود در زمان حاضر پول پرداخت کند، بلکه آبی را که خریده خواهد فروخت. اگر دولت حاضر به این نباشد که هزینه شبکه توزیع را بپردازد به این معناست که نمی‌خواهد این مشکل حل شود، در حالی که بدهی دولت به مردم بیش از این حرف‌هاست. بر اساس قانون مسئولیت مدنی هر کارمند دولت مسئول خسارتی است که از سوی دولت به اشخاص وارد می‌شود.»

در پاسخ به این طرح مشایخی به چند نکته اشاره کرد: «نکته اول، برای هر طرحی یک نوع توافق اجتماعی باید بین آبران وجود داشته باشد تا این طرح اجرایی شود. مثلاً همین الان دولت آب پای سدها را نمی‌تواند به قیمت مناسبی بفروشد. باید توافقی باشد که همه دنبالش باشند و نظارت کنند. نکته دوم، مصرف باید نصف مقدار فعلی شود تا نه تنها منبع ثبات پیدا کند، بلکه بازسازی شود»

محسن جلال پور در پاسخ به ایده مهدی آگاه گفت: «من یا بدبینم یا تجربیات گذشته‌ام تجربیات موفقی نبوده است. دخالت دولت بدین شکل یک دردسر جدید است. طرح موفقی که شما دیدید، به دست کسانی می‌افتد که خوب نمی‌بینند. می‌شود این کار را به نهاد دیگری مثل تشکلهای غیر دولتی مردم نهاد سپرد که بودجه‌ای برای این کار بگذارند، به طوری که

«ساماندهی و توسعه بازارهای محلی آب» در مرداد ۹۶ تصویب کرد. این گام اول برای مدیریت انتقال از بخش دولتی به بخش خصوصی بود. مسئله دوم، ارزش واقعی آب است که با بازار به وجود می‌آید و باید همه ذی‌نفعان و بازیگران را در این بازار دخیل کنیم اما نمی‌توان یک میلیون کشاورز را سهام دار کرد. برای بازار آب، باید مصرف آب در کشاورزی اصلاح شود. برای این اصلاحات باید چیزی به وجود بیاید مثل بورس محصولات کشاورزی. **رویا اخلاص‌پور**، مدیر پروژه مدیریت مشارکتی راه و روش پروژه خود را برای حل مسئله آب معرفی نمود و تأکید کرد «من معتقدم من نباید راه حل بدهم. راه حل را باید ذی‌نفعان (بهره‌برداران آب) بدهند».

وی در ابتدا به ظرفیت‌های مثبت موجود در فضای اجتماعی شهر رفسنجان پرداخت و گفت: «ما در اینجا آقای مهدی آگاه را داریم. از ایشان شروع می‌کنم چون سال‌هاست که در مورد این موضوع می‌نویسند در حالی که دانشگاهی نیستند و امتیاز پژوهشگری نمی‌گیرند. این چنین آدم‌هایی در موضوع آب خیلی محدود اند. دوم، انجمن پسته ایران مجموعه خصوصی است که به مسئله آب تا به این حد اهمیت می‌دهد. افراد دولتی در این منطقه هیچ شباهتی به تصور ما از دولتی‌ها ندارند. مهندس رضایی و مهندس مهران تمام وقت خود را با بهره‌برداران هستند. پس ما یک مجموعه آدم سرشناس داریم که اعتبار بالا و ارتباطات وسیعی دارند. امتیاز بعدی دشت رفسنجان، چاه‌هایی است که با مجموعه‌ای از بهره‌برداران اداره می‌شوند. بدین معنی که مجموعه مدیریتی این چاه‌ها، بسترهای کوچک سازمانی هستند که با انعطاف پذیری و پذیرش واقعیت اجتماعی برنامه‌ریزی می‌کنند».

در مرحله بعد وی به چرایی انتخاب دشت رفسنجان به عنوان الگویی برای حل مسئله آب اشاره کرد: «رفسنجان کوچک است. جمعیت محدودی دارد. تعداد چاه‌های غیرمجازش فوق‌العاده کم است. رفسنجان یک مجموعه با سواد و ثروتمند در استان است. شما در فقر نمی‌توانید مشارکت بطلبید.»
رویا اخلاص‌پور در نهایت ضمن تأکید بر این مسئله که هر پیشنهاد فنی

که طرح شود نیازمند بستری اجتماعی است، به بیان چشم‌انداز اجتماعی - فنی کار خود پرداخت: «پذیرش یک آبخوان اصل است. این حوضه آبریز یک مدیریت منطقه‌ای می‌خواهد. برای مثال پیشنهاد آقای آگاه را شاید بتوان در یکی از حوضه‌های رفسنجان اجرایی کرد ولی امکان عملیاتی کردنش از انار تا کبوترخان نیست. برحسب منطقه باید به راه حل برسیم. مدیریت آبخوان یک استراتژی لازم دارد. و لازمه آن هم درگیر کردن همه ذی‌نفعان در دشت است. داستان مشارکت یک داستان پلکانی است. ما یک ایده‌آل می‌آفرینیم. ایده‌آلی که واقعی است و در سطح کوچک در بسیاری جاها تجربه شده است. پیشنهادات آقایان نظری و آگاه، پیشنهادات فکر شده تکنیکی و فنی است. باید بستر اجتماعی آن آماده شود؛ یعنی جایی طراحی شود که روی آنها توافق کنند. آنجا ظرف‌های موجود اجتماعی است که الان در رفسنجان هستند. ظرف‌های بزرگ، شوراها، روستایی و ظرف‌های کوچکتر متصدیان چاه‌ها هستند. هر چاه یک تشکل است. در قدم اول باید بسترهای موجود را بشناسیم و به آنها کمک کنیم تا شناسنامه خودشان را مثل یک اظهارنامه مالیاتی حتی اگر به خود شما ندهند، تهیه کنند. بعد شما این ایده‌های کوچک و بزرگ فنی را در اختیارشان بگذارید. نقش دولت در اینجا آن است که باید تمام اقداماتش را به گوش تمام ذی‌نفعان برساند. ذی‌نفعان همه بنگاه‌های آب‌بر هستند. کشاورزان را در این پروژه جدا نمی‌کنند. الان مشکلات رفسنجان ساده است و اکثراً ناشی از عدم شفافیت هستند. شفافیت قدم اول است. اگر سازمان‌یابی اجتماعی اتفاق بیفتد آن جمع می‌تواند شرکت احیا یا هر برنامه‌ی دیگری را برای فعالیت انتخاب کند».

فرهاد شریف راه حل خود را در جدا کردن کسب و کار آب از کشاورزی معرفی کرد و گفت: «برای آب، شرکت تعاونی تولید آب ایجاد کنیم و این گونه روی آب چاه سهام دار شویم. چون این کسب و کار برای ادامه فعالیت خود نیازمند مبنای اقتصادی است و عقلانی رفتار می‌کند. فرقی نمی‌کند آب کم باشد یا زیاد، مشکل آنجاست که هر دو کسب

و کار آب و کشاورزی برای هم تصمیم می‌گیرند. نگران آبیاری نیستیم ولی نگران محصول هستیم. مشکل در این زمینه بسیار اساسی است. دولت هم نباید دخالت کند اما لازم است در حد یک عضو هیأت مدیره در مدیریت آب فعال باشد».

فرهاد آگاه، عضو هیأت مدیره انجمن پسته ایران ضمن تأکید بر مفهوم مالکیت در مسئله پایداری به طرح دیدگاه‌های خود پرداخت: «تکلیف مالکیت بر منابع آب باید روشن شود. آغاز اختلاف و عدم اعتماد دولت و بخش خصوصی از همین جا شروع می‌شود. هیچ تعریف شفاف و توافق شده‌ای در جامعه سر نحوه مالکیت منابع آب مشترک وجود ندارد. اجحاف و ظلمی که به خیلی از مالکان تولید در طول تاریخ شده من را به یاد آپارتاید آفریقای جنوبی می‌اندازد. ظلم تاریخی به یک ملت رفت. بدون پرداختن به این ظلم تاریخی و بیان این که جامعه چه نسبتی با آن ظلم تاریخی دارد نمی‌توان دست به هیچ اقدامی زد. همان طور که گفته شد شرط اول آن است که توافق اجتماعی حاصل شود. بدون برگزاری دادگاه آپارتاید آبی از نظر من رسیدن به توافق غیر ممکن است؛ یعنی از طریق دادگاه برای جامعه روشن شود که تاریخ چه بوده تا از آن به بعد تکلیفمان با مالکیت مشخص باشد».

دکتر هرمز نقوی، رئیس مرکز تحقیقات کشاورزی کرمان ضمن طرح این نکته که در وضعیت فعلی نمی‌توان راهکاری اجرایی برای بازار آب داد، فقط به طرح بایدها و نبایدها پرداخت. «طبق برآوردهای ما، آب به مقدار کافی برای تولید در همین مقدار سطح اراضی وجود دارد. این یعنی بازار می‌تواند بچرخد. دولت باید با قوانینش نظارت کند چون نظارت گر بسیار قوی است. باید از جاهایی که دولت پتانسیلش را دارد استفاده کنیم و در جاهایی که خیلی بدکار می‌کند اجازه ورود ندهیم. در این بازار آب هیچ پولی نباید به حساب دولت واریز شود. بخش تحقیق و توسعه در سازوکار بازار ضروری است. هم باعث کاهش برداشت آب می‌شود، هم بهره‌وری را بالا می‌برد. در سطوح مختلف از کارگر ساده تا بالاترین سطح تحقیق و توسعه افراد به کار گرفته می‌شوند. این مجموعه چه خصوصی

برداشت کنترل شود.»

مشایخی در نقد راهکاری که حاصل از مقایسه بازار آب با بازار آلاینده های صنعت بود، این چنین توضیح داد: «راه حل های این چنینی یک عنصرنظارتی دارند که به دولت ختم می شود. در نهایت باید در مسیری که جلو می رویم نظارت را مردمی یا خصوصی کنیم. در قدیم میراب بود و سهم هرکس را کنترل می کرد. دولت هم حضور نداشت. هیچ کس هم نمی توانست بیش از سهمش بردارد. به نظرم هر کاری که بخواهید به دولت واگذار کنید در عمل شدنی نیست.»

فرهاد آگاه نیز در نقد حذف نقش دولت به تاریخچه مسئله اشاره کرد و گفت: «از نظر تاریخی، دولت هیچ نقشی در برداشت آب نداشته است. حکم های محلی نزاع بر سرقات را حل می کردند. با ورود چاه جدید سیستم دآوری دیگر کارا نبود. منجر به آتش زدن و کشتار در منطقه شد و علت اصلی واگذاری نظارت به دولت عدم توانایی بخش خصوصی در نظارت و کنترل بر سفره ها بود. وضعیتی که دولت، نیروی انتظامی هیچ نقشی نداشته باشد و همه مسئولیت به بخش خصوصی واگذار شود، خیالی است.»

مشایخی در توضیح صحبت خود پاسخ داد: «قوه قضاییه از دولت جداست. آنها باید سر جای خود باشند. نظارت و کنترل سرچایش باشد. ولی نهادی که آنها را فعال می کند باید نظام نظارتی مردمی باشد شاید بهتر کارش را انجام دهد.»

عباس انجم شعاع، مدیر حفاظت آب منطقه ای به ارائه نظراتی از منظر جایگاه حقوقی خود پرداخت و سپس نظرات شخصی خود را نیز بیان کرد: «بازار آب منجر به افزایش بهره برداری می شود. اگر آب ارزش اقتصادی پیدا کند بعضی چاه ها به چرخه اقتصادی بازمی گردند و منجر به اضافه برداشت خواهد شد. هدف اصلی ایجاد بازار آب مشخص نیست. اگر هدف افزایش بهره وری و سود اقتصادی است، به طور قطع مردم خودشان می آیند و نیازی به پای کار آوردنشان نیست. ولی اگر بحث نجات آب است فکر می کنم همه دوستان اتفاق نظر دارند که در بحث آب رفسنجان کسری مخزن داریم. کمیت و کیفیت آب پایین می آید. ولی برداشت اشتراکی

در همین شرایط فریز شود. مثلاً اگر در حال حاضر چاه هایمان خاموش باشد ۷۳ درصد از بار برق کم می شود. فقط ۴ درصد مربوط به صنعت است. نگذارید آب کشاورزان برای صنعت جا به جا شود و همه حقابه ها در همین شرایط به کارت منتقل شود. هر اتفاقی قرار است برای من بیفتد روی کارتم بیفتد تا بتوانم آبم را مدیریت کنم. حالا جایی که کشاورزی برایم صرفه اقتصادی ندارد، آبم را می فروشم. چون من مالکیت دارم.»

آرش علوی، از اعضای انجمن پسته ایران، پیشنهادات خود را این چنین مطرح کرد: «تجمع منابع آبی به معنای تجمع پول است. سپردن آن به هر نهاد دولتی یا غیردولتی خطرناک است. دادن چنین امتیازی چه به دولت چه بخش خصوصی باید با احتیاط صورت گیرد. مشکلات تشکیل یک شرکت یا نهاد اقتصادی مشابه مشکلات کارتل است. دوستان همیشه علاقه مند هستند از این توافق یا شرکت یا هرچه که هست خارج شوند. مسئله این است که آب باید قیمتش بالاتر باشد و به هر ترتیب ساز و کار نظارتی در این شرکت به وجود بیاید.» بحث دیگر آرش علوی یارانه آب و مقایسه بازار آب با بازار آلاینده های صنعت بود. از آنجا که وی ارزان بودن آب را دلیل اصلی به وجود آمدن مشکل آب می دانست به توضیح راه حل خود پرداخت «حذف این سوبسید می تواند تا حدی این نظارت را آسان کند. روشی در دنیا برای کنترل آلاینده هایی که شرکت ها تولید می کنند استفاده شده است. در ابتدا همه شرکت ها مجوز آلوده کردن را دریافت می کنند. برنامه این است که ظرف بازه زمانی مشخص مجموعه این آلاینده ها را کم کنند. برای مثال ظرف ده سال میزان ارزش اعتبار مجوز آلاینده به صورت سالانه کاهش پیدا می کند. در این شرایط برای کسانی که صنایعشان را تجهیز می کنند، بازاری به وجود می آید که در آن می توانند اضافه سهم مجوز خود را از آلوده کردن محیط به کسی که کارش راندمان کمتری دارد و آلودگی بیشتری تولید می کند، بفروشند. مشکل اصلی این مکانیزم آن است که دولت چگونه این آلاینده ها را اندازه گیری می کند. و در وضعیت مشابه مشکل ما نیز آن است که چه طور

باشد چه نباشد می تواند کمک کند.» **مهندس حسین رضایی**، مدیر جهاد کشاورزی رفسنجان به ذکر آمار و اطلاعات پسند کرد: «ما تقریباً بهره برداران رفسنجان و انار را یکی می بینیم. نزدیک به ۴۰ هزار بهره بردار وجود دارد. ۳۱ هزار و ۸۳۰ نفر زیر ۱/۵ هکتار هستند. ۳ هزار و ۳۳۰ نفر بین ۱،۵ تا ۶ هکتار دارند و ۸۴۰ نفر بین ۶ تا ۲۴ هکتار و ۴۰۰ نفر بالای ۵ هکتار هستند. باید گفت از ۸۰ هزار هکتار، ۷۵ درصدش دست خرده مالکان است.»

در این جلسه مدیر جهاد کشاورزی شهرستان انار **مهندس عباس مهران** نیز حضور داشت وی به طرح راهکار خود برای حل بحران شهرستان انار پرداخت در عین حال تأکید کرد که مسئولین آب شهرستان ادعا کرده اند که تعدیل پروانه به طور کامل در شهرستان اتفاق افتاده است. وی گفت: «سطح زیر کشت انار ۱۸ هزار هکتار است. تقریباً چاه غیر مجاز نداریم و همه پروانه ها را تعدیل کرده ایم و به مقدار قابل برداشت پروانه رسانده ایم. فرض کنید در شهرستان انار ۸ هزار بهره بردار داشته باشیم. بیاییم ۸ هزار کارت صادر کنیم. در حال حاضر بازار آب در شهرستان در عمل وجود دارد. اگر مواد ۲۷ و ۲۸ قانون توزیع عادلانه آب حل شود در یک شهرستان کوچک تکلیف مشخص خواهد شد. با تعیین حقابه ها می توانند برداشت را مدیریت کنند. جهاد کشاورزی با منابع مالی موجود به جای آبیاری تحت فشار، منابع را به خطوط انتقال آب اختصاص دهد؛ در عمل یعنی در منطقه «شمش» که خاک خوبی برای پسته ندارم و عملکرد باغم پایین است، می توانم آب آن زمین را به منطقه گلشن منتقل کنم که زمینش با کیفیت است و بدون آب از دست می رود. این گونه حقابه کشاورز در کارتش مشخص است و اگر کشاورز نخواست از آبش استفاده کند می تواند آبش را ذخیره کند.»

دکتر مشایخی در رابطه با طرح پیشنهاد شده پرسید: «آیا تعدیل انجام شده متناسب با درصد آب تجدیدپذیر است؟» عباس مهران با تأکید بر حفظ شرایط موجود بدون در نظر گرفتن درصد آب تجدیدپذیر گفت: «بیایید این گونه ببینیم که همه چیز در شهرستان انار

باعث شده وقتی می‌گوییم آب دارد تمام می‌شود بگویند پس بگذار من بیشترین بهره را ببرم. مشکلش این است که ما آب حجمی تحویل مردم نداده‌ایم. اگر آب حجمی تحویل دهیم، شخص وقتی که نیاز داشت برداشت می‌کند. آب را باید به بخش خصوصی واگذار کرد. چاره‌ای جز کاهش برداشت به حد آب تجدید پذیر نداریم. پروژه شرکت احیا، بها دادن به کسانی است که دشت را به این روز انداخته‌اند. قانون توزیع عادلانه آب در سال ۶۳ و قانون تعیین تکلیف چاه‌های غیرمجاز به جای برخورد با متخلفان به این افراد جایزه داده است.

عباس انجم‌شعاع در تعیین نقشه راه مواردی چون قیمت گذاری، کیفیت آب و اشتغال را مورد توجه قرار داد. وی ابتدا پروژه مدیریت مشارکتی را تشویق کرد چرا که آن را موثرترین راهکار در ترغیب مردم به همکاری می‌دانست. سپس به تجربه خود از دوران مدیریت آب رفسنجان اشاره کرد و گفت: «من دو سال مدیر آب شهر رفسنجان بودم در مقطعی ارزش اقتصادی پسته بالا رفت. به جای آن که مدیریت کنیم به جای این که پسته دارها، سهام دار طرح صنعتی باشند همه پول‌ها در خانه‌ها خوابید. ولی الان که وضع خراب شده، برگشت به حالت قبل مشکل است. باید در این نقشه راه، آب ارزش افزوده پیدا کند و قیمت گذاری آن دستوری نباشد. در این صورت راهکار بسیار مورد توجه قرار می‌گیرد»

رویا اخلاص پور در پاسخ به طرح عباس انجم‌شعاع دو مسئله را مطرح کرد: «ما ۱۵۰ کشاورز را هر روز می‌بینیم که همه می‌گویند تحویل حجمی چه شد؟ این قدر اوضاعشان سخت است که آماده اند دولت شروع کند در حالی که دولت این کار را به تعویق می‌اندازد. نکته دوم، همه ما ایرانی‌ها علاقه مندیم از «هوخستر» تا امروز مسائل را ببینیم. همه را هم یکجا در سطح بین‌المللی حل کنیم. راه حل عدالت هم در ایران قالی بهارستانی است. بچینیم به همه برابر بدهیم. در حال حاضر همان طور که آقای مهران گفتند، در همین منطقه رفسنجان با حتی مناطق کوچکتر توافق کنیم. سناریوهای مختلفی از خوب تا ترسناک را با مردم به اشتراک بگذاریم. ایده‌هایی همچون بازار آب، ایده ذخیره کردن آب، پس انداز کردن آب را

در یک محدوده کوچک تجربه کنیم. یکی از راه حل‌ها می‌تواند کاهش پروانه بر مبنای سیستم تصاعدی یا نزولی باشد. برای مثال در همه دنیا مالیات وجود دارد. مالیات براساس درآمد است. حالا بیاییم فکر کنیم آب هم درآمد ماست. حذف و کم کردن آب می‌تواند بر اساس سیستم مالیات بر درآمد در نظر گرفته شود. ایده‌ی من این است که کوچک شروع کنیم»

اصغر طیبیان، از دیگر کارشناسان آبی بود که به شرح وضعیت آب پرداخت: «سال ۲۰۱۶ گرم‌ترین سال ثبت شده بود. بر طبق تحقیقاتی که در هواشناس کرمان انجام دادم. شهر کرمان از سال ۱۳۲۷ دارای آمار است. در استان کرمان در مقایسه با سال‌های گذشته مهر و آبان امسال گرم‌تر بودند. این یعنی با تغییر اقلیم مواجه هستیم، مسئله‌ای که تا دو سال پیش نمی‌شد درباره آن حرف زد. در دشت رفسنجان ما رودخانه پرآبی مثل گیودری داشتیم، آبدهی این رودخانه که تغذیه کننده دشت رفسنجان است به کمتر از ۵۵ درصد کاهش پیدا کرد. به خاطر تغییر اقلیم در منطقه کرمان میزان بارندگی ما به مقدار ۱۵ درصد کاهش پیدا کرده‌است. متأسفانه باید گفت این مقدار، سال به سال کاهش پیدا می‌کند. ما در این بخش هیچ وقت به عدد ثابتی نخواهیم رسید. چون دورنمای گرم شدن زمین، دورنمای کاهش میزان آبی است که باید سفره‌های آب زیرزمینی را تغذیه کند و روز به روز دارد کاهش پیدا می‌کند. سال گذشته همه تصور می‌کنند سال آبی خوبی بود ولی متوسط بارندگی شهر رفسنجان از متوسط سالیانه کمتر بود. خواهشمندم همه تصمیمات را به تعیین مقدار آب تجدیدپذیر موکول نکنید. مقدار آب تجدیدپذیر با گرم شدن زمین کاهش می‌یابد. نقشه راه باید به شکلی طراحی شود که بتوانیم برای کاهش مصرف برنامه ریزی کنیم. این نکته فراموش نشود که بخش عمده دشت رفسنجان تحت تاثیر کرمان است. بخشی از آن هم متأثر از دشت بردسیر. اگر همین مقدار بارندگی را در دشت کرمان داشته باشیم، مطمئن باشید اثرش را روی دشت رفسنجان می‌گذارد. این سفره‌ها در یک حوضه به هم پیوسته هستند»

مهرداد آگاه، از دیگر اعضای انجمن پسته ایران در جهت عملیاتی کردن پیشنهاد مهدی آگاه راه حل خود را مطرح کرد تا سازکارهای اجرایی طرح را مشخص کند. وی گفت: «من فکر می‌کنم باید مکانیزم «گزینه معکوس» ایجاد کرد. پدر پیشنهاد می‌کنند که همه پروانه‌ها خریداری شود در حالی چاه در یک حوضه آبریز قیمت واحد ندارد. برای مثال ۴۰۰ حلقه چاه وجود دارد، نصف این را دولت بازخرد کند. فرض کنید دولت حد بگذارد و از هرکاربر هشت هزار لیتر در ثانیه خرید کند. کسانی که تمایل دارند بفروشند و مالک هستند در آن حراج شرکت می‌کنند. دولت با پروانه چاه‌ها را می‌خرد. این پروانه را می‌سوزاند. مثل اسکناس که چاپ کرده است. اشکالی که این وسط وجود دارد؛ اولاً، دولت از ارزان‌ترین چاه‌ها خرید را شروع می‌کند؛ یعنی اگر کسی بگوید من چاهم ۳۰ میلیارد تومان است. کسی بالادست شاید حاضر باشد چاهش را با قیمت خیلی پایین تری بفروشد. در این حالت دولت می‌تواند محدودیتی وضع کند و فقط در یک محل خاص خواهان خرید پروانه باشد. سوال این است که چه کسی ضامن اجرای این طرح خواهد بود؟ راه حل من این است که همه جا کانال کشی شود و قبول کنیم که مسئله آب امنیتی است. ما می‌رویم به پیشواز این مسئله که اطلاعات سپاه به عنوان یک نهاد امنیتی، به جای نیروی انتظامی، این مسولیت را به عهده گیرد. چون می‌دانیم دولت پولی برای پرداخت ندارد برای مکانیزم پرداخت. دولت را مجبور کنیم اوراقی را با بهره بالا چاپ کند. هر پرداختی که صورت بگیرد، امتیاز مالکیت دیگر ادامه نخواهد داشت. تنها چیزی که در این مملکت ارائه خواهد شد انرژی است. نفت تمام خواهد شد ولی معادالش را دولت یا تولید می‌کند یا می‌خرد. ما می‌توانیم آب را به دولت بفروشیم ولی چون مردم اعتمادی به دولت ندارند که اصلاً این را پرداخت خواهد کرد. اوراق قرضه را معادل بشکه نفت حساب کنیم. می‌تواند انرژی یا نفت باشد»

فرهاد شریف در صحبت خود به مقایسه بازار نفت و آب اشاره کرد «در اوپک

اقتصادی دارند نیز وارد بازار می‌شوند. یعنی با حرکت غیر شتابی می‌توان در یک بازه دوساله به ۵۰ درصد حجم بازار آب قابل مبادله رفسنجان رسید.»

مونا کنعانیان، از تسهیلگران اجتماعی و عضو پروژه مدیریت مشارکتی منابع آب نقشه راه خود را این چنین تعریف کرد: «۱- انجام مطالعات دقیق برای تعیین وضعیت دقیق حد سفره است. ۲- آگاه‌سازی آنچه که به دست می‌آوریم. به طور شفاف به همه بهره‌برداران؛ یعنی ایجاد تربون‌ها و صدای واحد که همه در یک لحظه بدانند وضعیت سفره چیست. ۳- شناسایی سرمایه اجتماعی و حرکت‌های خود انگیزه محلی نظیر آنچه که آقای نظری و آقای ابطی انجام می‌دهند و برگزاری تربون‌های مداوم برای گفتگو آب. ۴- سازماندهی و ساختار بندی این حرکت‌ها در راستای مشارکت اجتماعی افراد علاقه‌مند، ذی‌نفوذ و پیشرو برای به دست گرفتن مدیریت محلی منابع خودشان. ۵- بستر سازی در سمت قانون و ایجاد ظرفیت ساختاری و سازمانی برای واگذاری اختیار مدیریت به یک نهاد مدنی ۶- گذار از نظارت دولتی به نظارت نهاد مدنی بعد از این که قدرت گرفت و توانمند شد. در حین گذار از نظارت دولتی به نظارت مدنی آموزش، پایش، مدیریت، توانمندسازی، آگاهی‌رسانی در همین نهاد مدنی انجام خواهد شد تا بتواند متولی‌گری دولتی را بگیرد.»

مشایخی در جمع‌بندی خود به چند نکته اشاره کرد که مهم ترین آنها بر این مسئله تأکید داشت که باید توافق جمعی حاصل شود تا بتوان این مسئله را حل کرد. این توافق باید در مجموعه کوچک، مناطق محدود و با مشارکت مردم و جلب رضایت صورت گیرد ولی این جلب مشارکت باید با سیاست‌گذاری و قالب‌بندی کلان ترکیب شود.

جلال‌پور در نطق پایان جلسه ضمن تشکر از شرکت کنندگان به چند مسئله اشاره کرد. «باید پیامدهای تصمیم‌گیری را با پیامدهای تصمیم‌نگرفتن مقایسه کنیم. اگر یک راه حل درست دیده شود. بعد از راه حل متغیرها متفاوت خواهد بود. بنابراین باید راه‌ها و پیامدهای مختلف را در نظر بگیریم. در بحث استارت‌آپی‌ها جدی‌تر وارد شویم تا از ظرفیت شتاب دهنده استفاده کنیم.»

است. با مجوز و اجبار قوه قضاییه ۴۰۰ چاه در منطقه رفسنجان مجاز شده‌اند. بخشی از تقصیر هم متوجه مجلس است. قانون توزیع عادلانه آب را دستکاری کرده‌اند. اگر مسئله را بزرگ‌تر ببینیم آن وقت کل نظام درگیر می‌شود و شاید بتوان از صندوق ذخیره ارزی پول گرفت و چاه‌های غیر مجاز را خریداری کرد. در حال حاضر کارشناسان آب منطقه‌ای ادعا می‌کنند یک میلیارد نداریم چاه‌های غیر مجاز را پر کنیم. چه طور برای خرید چاه پول بدهیم.»

احمد علوی نیز با اشاره به چند فرض پایه به طرح راه حل خود پرداخت «ما ۳۱ هزار مالک زیر ۱،۵ هکتار داریم. یعنی حداقل ۴۵ هزار هکتار دشت رفسنجان خرده مالک زیر ۱،۵ هکتار است. یعنی بهره‌وری اقتصادی این نوع باغات اکثراً پایین است. ۳۰ هزار هکتار باغات تصرفی هستند. ۵۰ هزار هکتار مستثنیات. این ۳۰ هزار هکتار تصرفی چند درصدشان غیر اقتصادی هستند ولی تلاش می‌کنند برای حفظ مالکیت آبیاری کنند. این اطلاعات سرنوشت ساز است. یک غول مهار نشدنی در بدنه دولت است که نسبت به تغییرات به ۳ دلیل مقاومت می‌کند. ۱- ریسک تصمیم‌گیری برای تغییر را نمی‌پذیرد. ۲- مافیایی وجود دارد که منافع دارند و نمی‌گذارند تغییر اتفاق بیفتد. ۳- گروهی که اطلاعاتشان نسبت به آینده‌ی تغییر کم است و زیر بار تغییر نمی‌روند.»

احمد علوی مدل خود را برای حل مسئله آب بدین شکل بیان کرد: «برای این که دولت طرح بازار آب را بپذیرد، باید برای ورود به مبادلات آبی در دشت شرط بگذاریم. یعنی حذف مواد ۲۷ و ۲۸ قانون توزیع عادلانه آب منوط به نصف کردن برداشت باشد. با این شرط شخص می‌تواند وارد مبادله آب شود. با این سه فرض آماری که معرفی کردم پیش بینی می‌کنم، چه درصدی وارد بازار می‌شوند. من پیش بینی می‌کنم، ۳۰ درصد بازار آب رفسنجان با این انگیزه فعال خواهد شد. ارزش اقتصادی آب در دشت رفسنجان تا حدی خودش را نشان خواهد داد. یعنی در همین ۳۰ درصد بالاترین قسمت مبادله به دست خواهد آمد. آن ۳۰ هزار هکتار تصرفی برای حفظ مالکیتشان دنبال این هستند که آبیاری کنند و سبز نگه دارند، آنها هم وارد این بازار خواهند شد. بخشی از این ۷۶ هزار هکتاری که باغداری غیر

چندین بار تصمیم گرفتند تولید را کنترل کنند ولی موفق نشدند. آخرین بار توانستند و تولید کنندگان عمده کاهش دادند. روی توافقتشان هم ماندند. چرا؟ چون در واقع شما منافع مشترک پیدا می‌کنید. نظارتی که بخواهد توسط هر ارگانی از جمله حفاظت سپاه یا هر نهاد دیگری اجبار شود بسیار بد است. یعنی ما همه راه حل‌ها را برویم که به آنجا نرسیم. اگر به آنجا برسیم دیگر خود حفاظت سپاه بلد است کارش را انجام دهد. لازم نیست ما برایش توضیح دهیم.»

فرهاد شریف در مورد تجربه استارت‌آپ‌هایی مثل اسنپ و تپسی نیز به چند نتیجه‌گیری برای اقتصاد پرداخت «مدت‌ها صحبت سر این بود که دولت قیمت تاکسی‌ها را کنترل کند. ولی یک راه تکنولوژیک بود که توانست هم قیمت‌ها را پایین بیاورد و عمده بازار را تحت کنترل بگیرد. به نظر من جمع تولید کنندگان آب می‌تواند موفق عمل کنند اگر کسب و کارشان را از تولید آب شروع کنند.»

حسین زراعتکار در پاسخ به طرح خرید چاه توسط دولت نظر خود را این گونه مطرح کرد: «بر اساس تجربه محیط دولتی که دارم، نمی‌توان به دولت اتکا کرد. اگر مردم خودشان مشکلشان را حل نکنند، بعید می‌دانم به جایی برسند.»

حسین زراعتکار در باب آب تجدیدپذیر و سهم بازار نیز چنین توضیح داد. «به نظر می‌آید خلط مبحث شده است. آب تجدید پذیر آبی است که در اثر بارندگی در یک منطقه‌ای جمع می‌شود و بخشی از آن تبخیر شده و بخشی از آن به آب سطحی و تجدید پذیر تبدیل می‌شود. اگر دوستان تصور کنند کل این آب تجدیدپذیر سهم انسان است، اشتباه می‌کنند. در هر حال بخشی از این آب سهم طبیعت است. در دنیا بعضی اعلام می‌کنند که ۴۰ درصد و بعضی دیگر ۶۰ درصد آب تجدیدپذیر را سهم انسان می‌دانند. در ایران ۷۵ درصد آب تجدید پذیر را سهم انسان می‌شناسند. به هر حال بقیه آن هم متعلق به طبیعت است.»

محمدعلی انجم شعاع از اعضای انجمن پسته طرح خرید چاه‌ها توسط دولت را تأیید کرد و گفت: «مقصر دولت است. باید پروانه‌ها را بخرد و خسارت بدهد در ظاهر دولت و مشخصاً وزارت نیرو را مقصر شناخته می‌شود. ولی الان قوه قضاییه هم مقصر



تولید کننده انواع سیستمهای توزین صنعتی
و باسکولهای گروه صنعتی پند

باسکولهای دیجیتال جادهای پند



مقاوم در برابر
فرکانسهای رادیویی



مقاوم در برابر
شوکههای الکتریکی



ضد آب



مقاوم در برابر
خوردگی و زنگ زدگی



کارکرد مناسب در
شرایط دمایی نامساعد

لودسل Loadcell



نمایشگر دیجیتالی PU850



حافظه نامحدود با
دو نمایشگر مجزا



باسکول بتن - فلز

- نصب سریع و آسان
- استحکام فوق العاده
- قیمت تمام شده پایین
- قابلیت نصب بصورت همسطح و برجسته
- دارای فریم فلزی (OPTIONAL)
- حداقل خاگرداری جهت نصب باسکول
- فونداسیون پیش ساخته (شناژ ورودی و خروجی)
- مقاومت بالا در برابر بارهای دینامیکی و استاتیکی
- قابلیت جابجایی در کوتاهترین زمان ممکن
- دسترسی آسان به قسمتهای مختلف باسکول جهت تمیزکاری و تعمیرات
- مناسب برای شرایط آب و هوای سخت و محیطهای شیمیایی

کرمان، بلوار شهید صدوقی (جاده تهران)، حد فاصل اتورفسنجان و چهارراه فیروزه، روبروی والفجر جنوبی

۰۹۱۳۱۴۳۳۸۳۲ - ۰۳۴)۳۲۵۲۸۵۶۱-۶۳ سعید

دفتر تهران: ۰۲۱-۸۳۸۰۲۰۰۰

www.pandcaspian.com



سکوسترن NK

مزایای منحصر به فرد سکوسترن NK

- ترکیبی ویژه و بی مانند از کلات آهن، نیتروژن و پتاسیم
- پایداری در خاک های قلیایی
- عملکرد مناسب حتی در شرایط وجود بی کربنات ها، یون های
- فلزات سنگین و خاک های رسی
- جبران و پیشگیری کمبود مواد مغذی آهن، نیتروژن و
- پتاسیم در گیاهان
- افزایش تعداد گل و میوه و همچنین، کیفیت میوه در هر بوته یا درخت

ساخت سینجنتا - سوئیس


HEZARE
 شرکت توسعه کشاورزی هزاره سوم
 نمایندگی انحصاری


syngenta

آدرس: تهران، خیابان شیرازی شمالی، خ دانشور شرقی، شماره ۳۸ - مجتمع هزاره سوم تلفن: ۰۲۱-۸۸۶۰۹۸۶۰ نمابر: ۰۲۱-۸۸۶۰۹۸۸۰
 http://www.hezare-sewom.com Email: info@hezare-sewom.com http://t.me/hezareh_sewom



ورتیمک

امولسیون ۱۸

● حشره کش و کنه کش تماسی و گوارشی با فعالیت

سیستمیک محدود

● خلوص بالای ۹۵ درصد

● جهت مبارزه قاطع با انواع مینوز سبزی و صیفی

و طیف وسیعی از آفات مکنده

● کارایی بالا و تاثیر ماندگار

ساخت سینجنتا - سوئیس

نماینده انحصاری
HEZARE
شرکت توسعه کشاورزی هزاره سوم



syngenta

آدرس: تهران، خیابان شیرازی شمالی، خ دانشور شرقی، شماره ۳۸ - مجتمع هزاره سوم تلفن: ۰۲۱-۸۸۶۰۹۸۶۰ نمابر: ۰۲۱-۸۸۶۰۹۸۸۰
<http://www.hezare-sewom.com> Email: info@hezare-sewom.com http://t.me/hezareh_sewom



S.N.P.CO

SIRJAN **NAVID** PISTACHIO Co.

شرکت بازرگانی نوید پسته سیرجان



Tel: +98 344 220 5800 +98 344 220 5801

Fax: +98 344 220 5620



شرکت کاراکرمان

اولین طراح و سازنده دستگاههای فرآوری پسته

First Iranian Manufacturer & Designer of Pistachio Processing Machinery

www.karaco.ir

sales@karaco.ir

خطوط کامل فرآوری پسته با ظرفیت ۳ تا ۱۰ تن در ساعت

انواع خندان جداکن و خشک کن های پیوسته

خط جدید خندان کن پسته

دارای بزرگترین شبکه خدمات پس از فروش



همراه خدمات: ۰۹۱۳۱۴۳۰۹۹۷ همراه فروش: ۰۹۱۳۱۴۱۸۹۵۴

تلفن شرکت: ۰۳۴-۳۳۲۱۴۰۰۰

آدرس: کرمان، جاده جویبار، شهرک صنعتی شماره یک



شرکت بنیز تجهیز
BENIZ TAJHIZ Co.



کود مایع روی و بور



زمان مصرف:

- بلافاصله پس از برداشت و قبل از ریزش برگ ها
- زمان تورم جوانه ها

- ترکیبی از روی و بور کمپلکس شده با اتانول آمین بدون ایجاد سوزندگی در سطح برگ و میوه
- ترکیبی ایده آل برای تقویت و حفظ جوانه های درخت پسته
- تاثیر بی نظیر بر بهبود گرده افشانی و تشکیل میوه پسته
- قابلیت تامین روی و بور در خاکهای آهکی از طریق مصرف خاکی و کودآبیاری
- مناسب برای محلولپاشی

درصد (W/V)

روی (Zn) 8 %

بور (B) 2 %



شرکت صنایع ممتازان Momtazan Ind. Co.

شرکت صنایع ممتازان کرمان اولین ابداع کننده سیستم پیوسته فرآوری محصول پسته به روش تمام اتوماتیک و کاملاً بهداشتی با بیش از ۲۸ سال سابقه و تجربه ترمینال های فرآوری زیر را عرضه می نماید.

- ترمینال های پوست گیری، پاک سازی و جداسازی
- ترمینال های خشک کن پیوسته پسته
- ترمینال های برشته کن پسته
- ترمینال های خندان کن پسته (MO)
- ترمینال های مغز کن پسته



تلفن: ۳۲۷۵۲۵۰۰ (۰۳۴) فاکس: ۳۲۷۵۲۵۰۷ (۰۳۴)
تلفن: ۸۸۶۱۱۸۷۰ (۰۲۱) فاکس: ۸۸۶۱۱۸۶۹ (۰۲۱)

آدرس کارخانه: کرمان، کیلومتر پنج جاده زنگی آباد
دفتر تهران: بزرگراه همت، خیابان شیراز جنوبی،
نبش خیابان شهید علیخانی پلاک ۱۲

مصارفے خندان
KHANDAN



شرکت تضامنی محسن خندان

شیراز - معالی آباد - پاساژ کاتیگا - طبقه اول - واحد ۲۰۵

۰۹۱۹ ۷۱۱ ۸۲ ۷۵ ۰۷۱ ۳۳ ۶۰ ۷۷ ۰۰ - ۲



ساخت کشور ایرلند

بهترین کود ارگانیک دنیا

غلیظ ترین عصاره جلبک دریایی آسکوفیلوم نودوزوم
غلظت جلبک دریایی ۵۰% + پتاسیم ۸%

- افزایش عملکرد گیاه (حداقل ۳۵ - ۳۰ درصد)
- افزایش تحمل گیاه نسبت به استرس های محیطی (شوری، کم آبی و سرمازدگی)
- افزایش درجه باز ارسندی
- افزایش فعالیت آنتی اکسیدانی
- افزایش توانایی گیاه در نگهداری آب
- افزایش جذب مواد غذایی مورد نیاز گیاه از خاک
- افزایش مقاومت گیاه در برابر بیماری ها



تاییدیه ارگانیک
محصول بر اساس
قوانین کشور ایرلند



تاییدیه ارگانیک محصول
از دپارتمان کشاورزی
واشنگتن



تاییدیه ارگانیک محصول
بر اساس قوانین دپارتمان
تغذیه و کشاورزی کالیفرنیا



تاییدیه کیفیت
سلامت محصول
از کشور آمریکا



تاییدیه ارگانیک
محصول بر اساس قوانین
دپارتمان کشاورزی آمریکا



تاییدیه ارگانیک
مواد اولیه از کشورهای
اروپایی



تاییدیه موسسه
تحقیقات خاک و آب ایران
(شماره ثبت: ۹۹۵۵۵)

واردات و توزیع توسط شرکت مبنا سرشت پارسیان

تلفن: ۸۸ ۷۹ ۷۱ ۷۶

۸۸ ۷۹ ۷۱ ۷۵

فکس: ۸۸ ۷۹ ۷۱ ۷۷

دفتر مرکزی:

تهران، خیابان آفریقا، بالاتر از چهار راه جهان کودک،

برج نگین آفریقا، طبقه پنجم، واحد ۵۰۷

لوفوکس | راهکار موثر برای مدیریت آفت کلیدی چوبخوار پسته



Lufox®

منحصر بفرد در کنترل پروانه چوبخوار پسته

افزایش کیفیت و کمیت محصول

اثر قاطع تخم کشی، لارو کشی و عقیم کنندگی حشرات کامل

بهترین انتخاب در برنامه مدیریت تلفیقی آفات (IPM)

تهران، میدان صنعت، ابتدای خیابان فرحزادی
مجتمع تجاری لیدوما، طبقه هفتم، واحد ۹ و ۱۰
تلفن: ۰۲۱-۸۶۰۹۰۷۵۰ فاکس: ۰۲۱-۸۹۷۸۰۶۵۶

سینجنتا اگرو سرویسز آگ

Product names marked ® or ™, the ALLIANCE FRAME, the SYNGENTA Logo and the PURPOSE ICON are Trademarks of a Syngenta Group Company

Lufox®

syngenta

AMIN FARMS



طرح شراکتی امین پدیدار

با بیش از ۱۰ سال سابقه اجرا

راه حل مدیریت نوسانات قیمت پسته

باهداف

بالا بردن سرعت فرآوری
جلوگیری از ضرر و زیان اقتصادی باغداران و صادر کنندگان
اطمینان از فروش پسته و دریافت وجه آن
کاهش اضطراب ناشی از نوسانات بازار
افزایش امنیت نگهداری محصول



از شما دعوت می شود به ۲۵۰ باغداری پیوندید که هم اکنون در این طرح مشارکت دارند

رفسنجان، خیابان مطهری، نبش مطهری ۵۲

همراه: ۰۹۱۳ ۱۹۱۲۱۲۱

فکس: ۰۳۴ ۳۴۳۲۲۲۸۶

تلفن: ۰۳۴ ۳۴۳۲۰۵۶۰

website: www.aplgp.com

email: a.alizadeh@aplgp.com

سمپاشی کمتر، کنترل طولانی تر پسیل



حشره کش استارکل | Starkle

کنترل بسیار مناسب پوره و حشره بالغ پسیل | دوره کارنس بسیار پایین | فرمول جدید ساخت ژاپن | کنترل ضربه ای



بازارگان کالا

۰۲۱-۴۲۵۵۵۴ | ۸۸۶۰۳۹۴۹

WWW.BAZARGANKALA.COM

توسعه سرزمین مادری